





منشآت نامی

به

منشآت نامی
۴۵

بند انبیا مجموعه انشا الکاتب
کسری الادر نوی خوانده در الیه

من مملکات العبد الفقیر
السید محمد نجیب ری زاده
۱۲۰۵



۴۸۱

۴۸۱
۴۸۱

ضایع باب فضل و وفاته پوشیده و کلام که شعرا بلاغت شعرا سلاست
 نامور کفزار و وادی نشر و انشاده و بیسی نامداری مشی اولی منشئی دور
 و صفات زمان خواجه جهان خان روم . نابی افندی مرحوم مددکاری فیض
 باری ایل قلم معانیدن دامن دامن بر آورده لب بیان ایلدوکی در آری نکات
 و مضامینی رشته نظمه کشیده و نسق معروف اوزره مرتب جوان ایلوب نیت
 بخش کاشانه مهر و محبت و رونق ده بالا خانه الفت ایلین صور کاتب بدیع
 الاساطیر سیر از بند رغبت ایلوب **قطعه** بدیع نامه که هر یک از لفظ جان
 بخش . ز روی لطف سزای هزار تحسینست . دقیقه ها معانیش در لباس
 خوف . جو در سیاهی شب روشنی پر و نیست . کفزار نقش ناصیه شتهاری
 اولی زاوه طبع پسندیده رفتاری مخالف یک دیگر چند نوع لبس بر نه نامه
 نقش ایل جلوه کرایه و ب اول شاه سربلندی آزی ماه المیز کی قنغی شهر و یاره
 سفر انشای اندیشه فضل و کماله هزار رغبت ایلدو بر و نسج نسیج تقویت
 جو زیور دستار ایلوب بهر حال بر صورتش و فی نیت راس سفینه نون
 انگری مقرایدی **قطعه** بدو ششم دیده بند نامشار . یعنی ناقابل و کم استعداد
 بوقلیل البقاء عبد حقیر . حبشی زاوه شکسته ضمیر . حالار بهری خضر توفیق
 خداوند و عتاب ایل خدمت علیه رنده شرفیاب در ده تملی ایلدو غم از یک آرای
 نجد و اقبال رونق ده جو انخانه جاده و جلال مطلع نیرین فضل و کمال منبع جو
 پرو نوال . دامادش تیار مالک سنان . مقرب پادشاه دوران قائم مقام رجا
 سلطان نایب مناب آصف سلیمان . سمی نیر خدامیر معدلت پیر آمدوح

الشیخ

الشیخ ولی النعم علی التعم مادام العالم خضر مدی بحسب المقام لازمه جاء و لیس
 اولی مشغل صدریه دن احیاناً فیضیاب فراغ اولد قجه . تتبع کتب عقلیه و نقلیه
 کمال اشتغال و کماله کاه تواریخ و سیر و مولفات صحاب هنر و کماله نکال ممکن
 تحسین اولوب حرات ذهن صفوت نمازنده بویوزون و فی کمال مشاهد
 ایلدو لرسمند طبع اوج بیما کر بویه کرد هوا اولمخل و آدئی معارفدن برسمته
 و فی عطف عنان رغبت و کلکون سبکب افکار لرین بر زمین و نشین
 فیض نمایه روان اتمک معنادار بیانه لری و لمغین اول پیر تازه کفزار دن
 بو مقوله آثاره مشکین بارندن ثبت جریده انتخاب بیور و قلمی نامه ایلد
 پیشگاه دولت بنا بهرینه رومال ایلد شرفیاب اولمزدون مقدم عرض عبودیت
 و هنر سیاقته ارسال ایلد یکی مکاتب و تذکیر علی وجه الترتیب کلک
 اهتمام عبد کلام ایلد تمیق و تنسیق و تحریر بالذات فرمان مختتم الامتثال لکصادر المعین
 تسطیر شروع اولندی و من الله الاعانة والتوفیق **و بیجا طراز نسخی الکوان**
بر موجب کل یوم هو فی شان بایه ناما توان غیبی و اختیار تی تقالیب
زمان ایلد در دولت ماب

ولی النعم علی التعم

بیت
 چو روزگار رسیدم بدر کی که کند . زمانه لطوف جویمش بهریده تعظیم
مضمونیه کویا اولد قجه سزایا معاش پیشگاه آصفنده باز
بیت
 باغ معنی خوش بهار از ابر تقریر نیست . سرو او نظم نیست و سیر او نشان
مضمونیه کویا اولد قجه
 کلک طبع تو از تحسین من شد سبز و تر . ابر او جوهر نیست و مهر او اعطای
 رسیده سمع شوقی اولمغین بر مقاله نو پیدا ایلد عرض کماله انشا تمکین زیور سر لوصه

منشآت قلندر **بسم الله الرحمن الرحيم** برت باکره مجلس انشا الله
 که تار و پود بساط و فراموشی حیرت زار عنایت و توقیف در رشته و افروای بنای فیض
 باشد کلاب تدقیق عشر شاهی تحقیق در سرشته ابدی افواج مین و سعادت دست
 بند ادای خدمت و کرده ابنو خیر و برکت دامن بمیان ارادت و جسم
 روزگوشه ابروی اشک اولمشاد آید مایه فضایل و معارف در میان و معجون
 لحوه لطیف در دمان و سوغ تعبیرات ظرایف در زبان ابدی نه مجلس
 مجلس صاحب ستوده سیر و زیر پاکیزه که فاضل یکدانه ملک فضا حایر
 درجه علم و کمال یکانه وزیر یکدانه و کلا آصف نیل و وزیر بیدانه داماد شهنشاه
 انام محمد روح السنه خاص و عام آصف عظیم الشان شیر رفیع العوان خلاصه ترکیب
 کمال یعنی علی بی بلند اقباله که جولان لسان و فائز السنه و آینه نشین برنی
 زبان شمع مجلس کی قوه ناطقه دن بی نصیب و حسن تعبیر معانی نشانگر جسم
 و دل و مسامح حضاری بی شکیب ابدی و بامایل فهم و ادراک طرطره بیج در بیج
 معانی بیستانه زن و سر سبز قوت متجلیه ایل نوری در توی اعطیه توریه و ستارانه
 جاک انگن اوله قلدی حاکمه بود اعی فوسوده بال یعنی پریشان حال مقالین شایان
 نگاه التفات و خطاب طلاق بخش لریکه کاسه سامعه می لبریز شربت حیات
 بیور و ب قوه تصرفات منشیانه ایل برت هد نوحام معنی قاج لب که جلوه گذار
 و بر و شیرازه تازه اندام مال چند پرده ده قابل اظهار سیموه زقار اولور و بر آب
 صاب و صاب قچ پرده شکوفه دن صورت نما و بر بر تو شمع مضمون قچ رنگ جام
 روز نندن هوید اولوق حیزه امکانده در بیج معنی و اصد قچ رنگه تصویر و نمون
 مقصور در دیو تحیک لب جوهر ریز استنطاق و استخار بیور و قلندر امانه
 مجلس قایلندن بعضی صوره ثانیه سبیل استعصار و استنکار نالنه
 و رابعه سن خود درجه امتناع ایصال اتمایله بوفقیه بر هم زده بال یعنی تابای
 برین مقاله شوق نظر تحسین و داعیه نواز رس و آفرینمینه یکشنبه مدته

عرف مولد
 می ایچی ب محبوب سو مکده عبادت در چرخ
 بر کون بولور البت اده بی در دینه در مکر
 نیر ایچی دکت عجب اولسه کباب و شراب
 عامی ستم اما شراب عشق ستم
 شیخ الاسلام یکی
 و بودت مح اولنجی میسر ایبر لم کباب اسما
 فلکون غافل اولم خطم ادب اب هت درها
 عرف مولد

اول طفل نوحام معانی صد بلوغ در آن اولان حرقات پانزده پایه ده جلوه
 ساز و اول قماش نوظهور پانزده ذراع پای سمند لریه پای اوز از قلندر
صورت اول
 سعادت ملو غتلو برادر سر بر آبرم حضرت لریک نادری نشا ط آباد و ستر
 بنیاد لریه غذای زعفران و طایان اولمغه شایان نواله نیکین خوش طاشنی
 و عاهد اسنه متعاقب بر آورده مخلص بریا بود که جناب شریفکله جودنه
 و آیره نشین خواججه صحبت و نیک لیس مایه الفت یکلا ضمیر خرد مشک اولمغین
 انشا الله تقی فرس صبحا ای هتک نو او در جاده دجا وضع بیضه بیضا ایلدی کی
 هنگامه جاده شریفی پیشکیر قاده غنیمت و کباب دل مشتاقه نیک نشان
 تسلیت اولمک وجود
نقش دیگر
 سعادت ملو ملو پاکیزه کوهرم حضرت لریک بهر نیک نشین بهشت اولمجلس
 رو کاسه شمشینه کل مضاعف دعا آرایس سکان سموات علا قلندری اعلایه نظر
 انکارده بر آدری بود که جناب کریمکله ایل لب جو بار ملاقاته تبرید جرات
 اشتیاق و تقبیل مزاج افتراق نهفته زاویه ضمیر خرد اولمغین انشا الله تعالی
 انقار امواج تباشر فلق میانه جناب آفتاب جو یانه در کار اولدیغی انتاره
 اناضه سلسال توجهر لریه رطب دماغ انتظار و از آله سودای اضطراب برادر
 درخواست در تغییر **دیگر** صد اقلو سما حلو آخ و لا پرورم حضرت لریک انجن
 حقایق نظامینه برک سبزه در ویشانه دعا اهد اسنه صکره بر و آشته شادوری
 بود که جناب شریفکله مقابل نشخو کر میت و اداره پیمان الفه سبیل
 مانده نی نالانه و شوق قد و مکرله سینه کوبان ابدیکم شمول زائقه عفا نکر اولمغین
 انشا الله القادر بالهتک فرض خورشید تابان بولوی چرخ گردانده در خشان
 اولدیغی زمان محال نیکه در دیشان اولان غمانه ثابسا نمره اداره وجهه غنیمت
 و از آله غبار و حشت بیور لریک جسم داشت انتظار فرزد **لریک دیگر**

اسحق
 بر قیامی کشیک همه مجاهد کنور
 مددی
 بر باره وار جهانده انکده غماری وار
 مددی
 یکی کوبیده شون که ایچمک ایچمک ایچمک عاده
 دره
 صفای شراب کندنی ساعده کوستر
 دای جان
 صفای خاطر انجن باره و آخره قافله
 و صبی
 شراب نه وار اما کم ایچمک عالمی بون
 شیخ الاسلام بهان
 بوزنک با و نوشی صه اولور ضرب اولما
 ناب
 تحریر سبزه رمی کلفام یصافه
 جادیه
 حالک عالمی بون عالمی دمه تغییر
 غزه مد
 جادیه دارمی جای داعی بیخانه/ بنظر
 مانعی
 نیم صون پیمانی ساقی تمام ایتده بی
 بلین
 می ایچمک مورت غمزه صفای خاطر اولمک
 حلیت
 بکن فشار غمزه دست مدام اولور

کے

محمد حسن
 کسے کام الہی و کل یاکام عالم یکمدہ
 لودی
 رشع قندہ بکورد جمع اولور پروانہ لری
 ویسی
 کشی یا قد بنی جمع اوستہ پروانہ کرک
 راشد

بهای کار در دعوی افسوسه ای که خلقت

مدری
ساز طو غری کینه من زن مقصود و دیو
مدری
همه صنایع او سنان بر آستان بر کوه اکتد و کل
شیخ غائب
عالم من ابد رکب اخی جاصد ایتم
عزت علی بانا

بعضی مدتی که در نافع کاس بر در
 نای
 عزت که در بینی او را که سیاه زنده
 نای
 بلور او باجه سفاروم کوی بدو که
 نای
 به حد که او ته سی بینی بدو که سیاه
 و هین
 بعضی نای با کلت او که ظاهر او نور
 عزت مد
 مقه مق باطله باطله که نور مار فخر

کبری و دشمن کبیر بیستم در اقصای اعیان

فابی
هرکسے رفتی بر بودم اولور صورتیابی
عزت مد
اعتیاط این دوستی دوستی بلوب
دوری
معمول سلامتی صوفی ایلدک افشایی
عزت مد
عادل اولورم ایده دشمنی کند ویر دوستی
دوری
بیان عاشق و معشوقه یکے کر شه بی این
دوری
اولور اقبالی بعضی بعضی اوباریم غلن
نابی
بویکار خانه ده بلوغ نیمی نیم وار

معاصر نصاب کمال غایبانه جریده خالصه مثبت اول مواد سوار محبت بالمشافه
لسان قلم صحیفه سامعیه تحریر اولی از روی دبیر ضمیر اولمغین انشاء الله تعالی
ربک ان زرافشا آفتاب با دست کاتب مسوده شکار با داده کرد ان اولدین
زمان قلم خطو اسعاد رساله صحیفه ساه فانه فقیرانه فرهمک نشی جنت
و کرد و امن غایتلرله ورق زرافشا خبر و برکت بیور ملر جسم داشت تو قمرور

دای دیگر ۱۱

حضرتلر نیک نادی والایرین افاضل نشیندینه سر تابه نشینانه ملکوت اولمغین
تعبیر آناه معاصر دعا تخانی زبینه مودع و داجوی و لدر بود که مکتوب
مشوش رقم خاطر فایز بر مده زده مهر و محبتی و ضیاع رباع ضمیر کبر بر محبت
داده دست ارادگی اولمغین انشاء الله تعالی نیکین زرین شمس با حجب بود
قام آسمانه نملغانه کی آمده اثر نفس قدم بهشت تو امکر ایله صحیفه ساه
غجانه خورده ورق مهور و حفظ سبب سرور و نشاط شمس تقوید سطور انبساط
بیور ملر سطور جریده آملر در **طور دیگر ۱۲** حضرتلر نیک مجلس سرت نظام
و بشارت رساله بر وجه انکیز می فل قدسیان و لای بخش جامع روحانیا اوله
حق راست و دعوا اهداسی سیاقه مودع پرده کرین خلاصه بود که جناب
بلند جایلر نیک آوازه حسن سیرت و صیت و صدای لطف طبعه آوازه گیر
استهبار و شورانگن مع صفار و کجار و حرکات مطبوعه کار بند نقش اصول
و جنبش مقبولانه لری یا بسته حسن قبول اولمغین فرادایره زرین خورشید
دست راست کرد و نده بدید اولدین انشاء الله قدوم سعادت از نوملرله فانه فائز
حزنی اسرف نقاشا و سرافتخار حزنی و اصل اوج مینا بیور ملر خلاصه آملر در

وضع دیگر ۱۳ حضرتلر نیک سر آبرده اقباللرله مدح و عباد وضع ملک نشا

خلالنه بر داشته داعی با به جاکر بود که رامن خیمه دله نقش خلاصه دوضه
و سوز ضمیر و اشتیاق کمال افروده اولمغین انشاء الله تعالی صاحب قران علم کناه
صبح باین شجر سبزه سیه لواء ظلام و فتح قلعه سرخج سیم ایچون سپهر زرین مهر
بدوش و شمس اشعه ایله جوش و خروش ایلد و کنده جناب سوده صفات
ایله سایه حصار ملاقاته گذارش پیمانه اوقات ابدین اقم ملاقات بیور ملر
ملت ندر **نسخه دیگر ۱۴** حضرتلر نیک کنجینه معاصر و خوانه جواهر لطیف اولان
نشین فریادینه و سلاخا بس حور العین و کوشواره دوشیزه کان بهشت
برین اولمغین سلالی کر اشهای دعوت اچانه فرین برداشته برین و لا خور
بود که جناب سر فیکرله غایبانه بنمیزده جاس اولان نفوذ متعاقب الورد
حب و داد نامعد و اولمغین انشاء الله تعالی صراف سپهر رفیع شناس نفقه
انجله تبدیل ایلدیکی زر عالمک آورده بازارگاه صبحکامی ایلدیکی وقته جنابکله
همز انوی محبت خاص دیکه آرزو در نهفته اولان نفقه نامغشوش خلاص
یکانه یگار شمرده بیان و کد انشته سر انکشت زبان قلمی ایلدیله سفره سامه
کشاده و تحفه سینه آماده اید و کی ملخو طاعت بیور ملر وجود **دقیق دیگر ۱۵**
حضرتلر نیک موقف منبع عافیت فرما و سندر رفیع سلامت بخش لرینه همز
قانون شفا اولان دعای حاجت در قفا اهداسند صکره غایه البیاء انهای درر
مندان بود که بوشنا و لرری مدده مدیده دن بر دوشنده صای افتراقی و اسیر
فراس اشتیاق کمال اولمغین انشاء الله تعالی طیب مازنا صبح صادق تداوی
ادراض و اسقام و ازاله علل سوداوی ظلام ایچون باون زرین مهر منبر ایلد افکار
انوار در کار ایلدیکی کل پرسن فاطر بیمار و نقض بنف نامهور ببقا ایچون
سر بالین دلخسته اشتیاق لرین شریف و شربت شفا بخش التفاتلرله فراخ
معلول انتظار فرز لطیف بیور ملر انتهار اما فی طبع ضعیف در **بودنی اول**
سیر بلند اشتها و اول بر سپهر اقتدار مطلع سراسی عایشه ندر **زبانه والای**

فاصله
نقد و عین سخن کند و در کجور اصل نظر
حکایت سبزه
سلطنت دید کدی ایچون غوغا سید
مدح
باغبان بیله ایچون بلیک خار و زشتکار اولد
خلفه مدح
دردن حسن و زشت
شیخ غایب
نقد بکن ایچون صفی هنرمندی طائفه
مدح
ماجای اکابر شندی دیم مکر دوای
مدح
ماجند نیم ایدین رفی چون صو کو فقه
مدح
سودی
تکایت چون فلک سوبلیم تقصیر شکله
مدح
دور کاوت اوکند و شربی ادم بیور ملر

وزارت و قبه نشینی به حکام طغیانده بر تهنیت سه دولت به زیارت ایدیکه تهنیت
 سعادتمندو سعادتمندو عاتیلو عاتیلو بر توشارق حیاتم و نور با صره بیا تم
 سلطنت اطال الله بغاه حضرت نیک قبله آمار فضایل مندان دوران و تمغا خانه
 امتعه فضل و عوفان اولاد جوان رفیع الاساس منبع الانه و اسلوب حسنه سلیس
 پیشانی تواضع و مالس جبین تضرع ایله تجریدمغه قدسیاست حاکمیت ناکنده
 مضمر خبر باره دعوات کراشها و تعظیم شام روحانیه طلیعت برکت کشته پنده محرم
 شکوفه رنگارنگ تجلیات نوید انارینه متعاقب عرض داشته داعی ویرین
 و نشا و رکعتین بود که حضرت مصنف کتاب خانه وجود و مؤلف تراکیب بود
 بنود جلالت نسخه اندکیاب ذات معکساندین دارالاناده مراتب در تکریم
 سیرازه کیر عافیت و حفظ نشین سلامت و باغبانه جمنظر از آفرینش عمت
 الاوه آرایش حدیقه سعادت و لطافت اولادها قوی النهای وجود بختارین همواره
 و دس حاجتمندان ایام او زرب یخس لطف و عنایت ایلیمه امین بجه اند
 بروفق ترتیب حکمت اند و زجریده ربانیه و بر وفق اراده از لیه صدانه ذات
 مدوح الصفات بی مداینر جذب بضاغت جوهر استعداد و سوق لیت مادر
 زاد ایل ارفع موقع جاه و جلال و اسع موافق عز و اقبال اولاد رتبه عیلا و زارت
 اعتلا و درجه والای دستوریت ارتقا بیور و بسخن دولتمندای سلطنت و بیاب
 مقام من معبوط ضیام کردن اولان جوهر انجمن معدلت بناه با خصوص سر لوصه
 زران و دره منزله سنه محسود قیاب ملکوت اولان زیر قبه سعادت و شکا هده
 حایز کز تقین و نایز درجه یقین اوله فکر پیام بنش فرجامی بودای کردیده لرین
 نشسته یاب سلافة الشراح التملکین ادای لازمه تهنیه اقبالیه منظوم بر وقایع
 ایل تجدید برات اخلاص و ایدیه سنه ایکن ساقاصد و الا و الا حافظ خط شریها
 حوالتو سعادت ملو عاتیلو آصف کریم الشاه محمد پاشای دارالاقرا حضرت مکرر شکایه
 کمال اتحاد و اخلاص و غلبه انجذاب و اختصاصه ناشی اطاره بیوریلان و رقاء

نظیر

بلند پرواز

عجبان: کوفه عالم باقی استعدادی
 راجع پاشا: باقر خاطر احبابه صبح و بصره صند
 نظری: غم چکر معین و زرق ایچون الزرق علی الله
 لاری: بر باره اجل ای کل در معنا بنجر بر بو

بلند پرواز رتبه روحانیه حاسبه سنه بوغنی الاک و اعیلین زبان کذا التفات
 سلام بیور لایق عینی ایلد وین بیکر کفان بوی پیرا برین یوسف علی او اولو
 ناطقه فقیرانه غری عرف شکست دعا و وقف خدمت ثنائی پیرا ایلدیکه
 محاط علم جنب کربا در بانه لطف و حسن و لعلو عاتیلو سلطنت حضرت نیکدر

در کها نوشته

بنم سعادت ملو عاتیلو سلطنت حضرت اکر جریل درجه ساینه سعادت و رتبه عالیله
 وزارت هنگامه سده و زرای عالیجای طوافگاه صحایف نهنگ قلمی رسم
 قدیم و ادب سلوک ایدیکه معلوم و مشتهر در لکن حق الانصاف بود که غلبه جوهر ذات
 بی عبد ملک اول قاعده کینه به دخی او ارقلم نسخ بیور و برتبه عیلا و دستوریت
 و القاب و تعالی وزارت سلطنت کیه معور لحواب بر فاضل یکانه سده رفیقه
 انتساب ایتکل کب علوشان اند و کندن ناشی تسیر و تهنیه رتبه وزارت دخی
 شایسته در و بر تعبیر تحریر واقع کمال موافق و مطابق و سلطانک ذات لایق
 بو معنایه لایق اولمین مبالغه و اخوان شاعران سنده اولمیدنی انصاف کرد اصحاب
 انصافه رجناب حق مبارک و محسن و نور عاتیلو حشم اقبال و آما لکری روشن
 ایلیمه آمین حاله محافظه شریها و زیر بنظر سوده و الکاشن بهشت اوله
 هر بار شرفیاب مجلس انسا انسا نظام اوله قبه علم الله سلطانک مدراج جوهر
 و محاسن جمیل که ملک مجلس التماز اولوب اظهار بیور و مکرر علاقه صداقت
 و رابطه قاصدانه صد و تحمید و بیور و ندر طبیعت شریفانه دخی صدق و اخلاص
 غیر بر شی اولمیدنی شهود با صره تحقیق در هر بار بود اچکنز مذکره بیور برین
 نقل و حکایه و سلطانه تحریک زبان ثنائی بیور رکن مکتوب شریفانه سینه
 در کها بیوریلان التفات تعبیر سلاطه تقریری سابقین تحقیق و تصدیق اتمک

عجبان: کوفه عالم باقی استعدادی
 راجع پاشا: باقر خاطر احبابه صبح و بصره صند
 نظری: غم چکر معین و زرق ایچون الزرق علی الله
 لاری: بر باره اجل ای کل در معنا بنجر بر بو
 عجبان: کوفه عالم باقی استعدادی
 راجع پاشا: باقر خاطر احبابه صبح و بصره صند
 نظری: غم چکر معین و زرق ایچون الزرق علی الله
 لاری: بر باره اجل ای کل در معنا بنجر بر بو
 عجبان: کوفه عالم باقی استعدادی
 راجع پاشا: باقر خاطر احبابه صبح و بصره صند
 نظری: غم چکر معین و زرق ایچون الزرق علی الله
 لاری: بر باره اجل ای کل در معنا بنجر بر بو
 عجبان: کوفه عالم باقی استعدادی
 راجع پاشا: باقر خاطر احبابه صبح و بصره صند
 نظری: غم چکر معین و زرق ایچون الزرق علی الله
 لاری: بر باره اجل ای کل در معنا بنجر بر بو

عاصم: اندیشه اوله راجع نکات کتبه اسند
 عزمک ملا: بجایار اوسه باجم عالم اختیار اوسه فونایم
 مدیری: اولمیدنی کل بهی افق سکار رسم دو کیم

و عا جزون زیاده ممنون و مشرح لحاظ اولوب بی اختیار و عادات عظیم
 المثلکری ضمیمه اورا اتمک مرتبه سنده التمام بیوسر جناب آئی انزیده سلطان
 وقایه ربانی سنده اکر روزگار دن امین و سالم ایلیه این بجزه اشرف المیز
 بود فی اول ابتداء خود کارک نیج کارگاه اقتداری اولان بر
 در تارین اولوب پیشگاه آصف عالیجا به عرض نماید
 سعادت و سعادتمند و غایتلو نور با صراحت بهرام سلطانم حضرت ملک مرجع انظار
 ارباب و ملکی اکابر علما و اولاد و انجمنه آصفی الارشام و شکای صلب الانتظام
 سادته رشته ثمار و بود تغییرات جوفه ملک بانه نافه و کارگاه اقباله سانه
 تازه بسته تعجبات و ماکوی نوجیب السنه ملک بانه نافه و الفاظ اندازه مؤثره
 کشیده و رقاصه کصده سجده واسطه تجدد اختصاص ملاء اعلا و ملعه شایان
 و تمغازه اجابت ربانی اولمعه جبا امتعه نایده دعوت نادره و انقضاء
 ناشینده تجات نافه و رسم ادب سارانه و وضع نیاز سنده ایله
 دست ارباب عاجزانه قلند بی زمینش عرصه آشته داعی دیرین عنایت دیده که
 بود که جناب سیرانه بند افرای کائنات جل شانسه نسخگیاب کتابخانه و آراء
 اولان ذات کرامتین محفظه وقایه ربانی ملکی و معنای بهترین دولت
 اولاد و جوسایلین مفهوم بحر طویل کیه طول جفا و استنداد شانه مجموعه مقام
 سعادت و کامیابین ایلیه این بوند اقدم وظیفه لازمه فردا اولدین اوزره ایلی
 رفعت تهیه رتبه علیا و آرتمین محتوی دعانامه عاجزانه سر سعادت دارلر
 تصدیقه اجرة اولمشدر انا غالباً به وقت ساز کاره مضاد اولمعه شرف
 تقبیل و علیا رینه موفق اولمه حتی سعادت و سعادتمند و زیر ضمیمه توقیعی
 سلیمان حضرت اشراف و لرینک خیر نهیت نامه هم نقصیر بجزه تاسف بیو قلم

واصل کوش فقیر اولدین بو داعیلین غریق بجه شرم و حجاب تمکین حال فقیر
 تکلفی گذشته اچون بر بهرینه بهمت اند و ز روحانیه موفق اولوب نای علیا
 رینه رفیع رفیع مبارک اولدن بر بهرینه ملک قدر و قیمتی و عدلانه شرف
 منزلی بنه غایتلو سلطانم محاط ذین اراکلی اولمعه وابسته تعریف
 و کلد رکن مولانا جامی مرحومک نسخه سی سلطانم کتابخانه لرنه موجود
 و منظور سعادت و اولدین بلا شک اولمعه انکرت قاشیل بود داعیلینک
 نیج نوتا رفیرانه سنک مواده سی بنه و دلتوس سلطانم میزان غنائینه
 و اندازده انصاف لرنه محموله اولوباید حسن قبول و لطف و کرم دلتوس سعادتمند
 سلطانم حضرت ملک در کفر نوشته در بنم سعادت و سعادتمند سلطانم
 حضرت ملک نسخه و قومه جوده دارین لرنه تسلیم اولمشدر زبور بنی که اولدین
 معلوم داعیل و مستقیم و مؤتب قولر اولمعه منظور لحاظ عنایت بیو قلم
 بایند لطف و کرم دلتوس سلطانم حضرت ملک بود فی ولی النعم علیک به
 یازمشدر رختیه در سعادت و سعادتمند غایتلو عطفکونو با صراحت به
 جم سلطانم حضرت ملک جلوه کاره خیول دعا کویا دولت و اقبال و جلال نگاه
 رکاب مقال مدیح سربان جاه و جلال اولک صبه بهشت متبارک دولت سربای
 عز و اجلا لرنه سمنه تمجید و ناسر سرنه لاجابت رسا و اشرف نور نگاه
 جاکمه تغای قبوله سربا بر و رده اصطلح اصلاص محسن زده تیار اختصاص
 بکران سبک عنایه دعا و ربهوار خوشنقش ثنائی افسار افتقار و شکسته شرم
 و انکسار له کشیده قلند بی زبند و صحنه داشته جان سیرا بود که بنم سعادت
 دلتوس سلطانم حضرت ملک افریننده میدان هستی و دادنده ترتیب بلند پستی
 جل شانسه حضرت طبع اولان ازمان رخسار آمانه و امانه زبیران ایلیه بوسلوه

مضمون

نطح بند اولاد اخی بیر یارینک حیث انقاس قوایم مطایای دعالینه پیوند و قد
دوتای نظیره آمانه نکا ورشنا رینه سینه بند اولوب رو دیده بیم بریزیم
سمند آهسته فرام دعاره تهرینه رکاب و مرگان سرکش الود سوال خس
عاقبتیه جواب ایروکی باین عنان مسلم قبضه غافلکه اولمغه پیشگاه زهن
درالکلنده حاله آسیب ارقا آثاره بخبار ریاریان مته او معرا اولمغله راه راسته
کستافانه باعث کسر عقال کیست خامه پرنشینه مقال بودر که بود اخی سالخوده
وسوده لرینک باره حیثه حاصل سبعینی گذاراتمکه **پت** جوست آمد نشت
آمد بیدار جو هفتاد اند افتار آلت از کار طبعی استخوان ساق بحر ساق
بیرانه مزقلدان فصاحت غلجشیده کیسه امد امد ار فوته نه قلعه وعده زانوئی
ناتوانم کاله طبیب اساعوق خشک ما اولدن ناشی مانند قلم قوایم مطیه
انگشتانده استعاره حرکت دور در بوزمه امد امد قوت اتمده مضطر در
مرکوبه اشتدا احتیاج مقر اولوب بو طره فلرده بولنا، مطابق مقوله سی شقیای
ترجمان و عرب بقوله سی سردر هوا و برق جنبش کوه سیما اولمغه هنگام
سبا عزمه بیله رکوبدن بهر اسباب یکشنه شویم بویایم بحر فنا توانید سوار اولمی
و کل بلکه مجالس شهرنامه ده نصاویره نگران اولمغه بیله توانم اولمغه بغلده بهر
روم ایلینگ رهوار و هموار و تلایم رفتار پاکیزه موزون کردارینه شد اعتبار
و قوعی و بودیار لرده امتناع وجودی بو گونه رفع غاشیه شریم و حجاب او پریش
رکاب کستافی به مؤدی از تکاب اولمشد غلبه مکرم آصفانه لرندن فراموشان
زوای اصطبل اقتدار لر اولان بارگیران کهن سالدن بر کینه و گفته اما خوش
روی و خوش نظر کم کردن موزون بیله نرم خوی مشکین بوی آهنت ستور
درشت طاووس دم کاسه سم بار گیر یک احسانیکه بدنه ناتوانمزه اما ضمه

روح جدید و بنیة و پر اغری خاک در رفع تقویت و تمهید بیور لمع جسم داشت
توقع مستمندان در لکن سعادت و سلطانک زیر ان یمنت نشانه
کسب سرفراز س ایل کلیدی درجه علیا و مرتبه علو بخت در مفا رفته سبب
اولا جعفر نقیر ده امید و که معارف و مالوف اولد یعنی رخت و بساطت
وضی ماجور اولیوب بنی رخت و بخت آلات زینت در جدا یتکه سبب
اولد که جو بونا نوانه قصد کین و انداخته عصه زین انند در صیانت
مشفقانه لر علا و دردت و احسان بیور لمع باینده لطف و احسان لک
سعادت و سلطانم حضرت بنیکد انشا الله تعالی بوحسن کرک عترتک ده
روزه مدته و اصل طویل اقبال اول جعفر الطاف خفیه الهیه متکفل
بودن اقدم و ضی خاک غریه دعائانه تحریه اولنشدی لکن انطاکیه چند روز
توقفی واقع اولمفل بود عانامرله در شس بر در شس و اصل اولد جفی محمل اولمفل
نکترین استشقای بیور لمع باینده مقام مهتبه لر به توست اول نور لطف
و کرم و لک و عنا یت و سلطانم حضرت بنیکد و و لک و فی النعم من صدقات
حضرت بنیکد استفا ده امر عالی در او زره صایب الوقت بابی افند مقدما
عوایق نامساعده اتما فی اولد یعنی کینه ناکا شسته نزل التیر طیلر القدر
قرنیم ماهه بدر کبی وسیله شوق و غم اولمشیکن اختتام نشود و
عایق ختام اولد یعنی نکلنه نکد ریابا به سپید

بار بکافوج کر مک رام ایله • آغاز فی غبطه بنج اتمام ایله
نقصاندر می نسخه عالمه • اتمام عنایتکله اتمام ایله
و شاد و مقتضای منه برای الیه یعود اول محیط انواع حقیقت
جلالت جنبانه را جعد که هر زبان منطقه پیرای انسان اولی بیچاره

برلسک و هر حجاب نقطه امواج کلمات و حروف اول السنه آنها رده مترکه کثیر خط
 پیشانی و ارایش زبورث بندر **رباعی** امواجی اظهار اید یک لجه جود
 کله که خوسه جز خار وجود ماهی وجود بود که توان جنبش استوار نقد
 اید رسد معبود و ملحق بآفرینش بر حسب مؤدی نظم کریدر
الایه الله نور السموات والارض ذات مقدس الوهیت عز اسمه درگاهنه
 عاید در که مشرق سموس ارواح و مطالع افکار عقول اولان ابدان فطاهر
 کلی انسانیت هر برین برین جاسری جاسری جاسری جاسری جاسری جاسری
 قلوب مشکا سلطنت علم و شعور و آئینه دیده لرین روزنه شهنشاین
 تجلی خانه طور ایش **رباعی** و اراکین خانه عالم نور ویردی قلم اراده
 دستور ظهور عالم بر ادلوب جواهر حکمتیزه اولکه نعم سکینه دنیا معور
 و بجزه لؤلؤ نگار با قوت کار خارج بیانش جنبه افکار باره زبانان
 ووزان اولان خود باره صلوات طیب و غیره ریزه تجلیات و تسلیم اول جهان
 غیر بالا خانه اسرار و احرام نشین دایره القرب اودان و کوه هر چه شاد
ما اوحی پیشگاهنه کردانه بر خدای لولاک لولاک ما خلقت الافلاک
 اگر شریف عرصه وجود سپور که متعلق کرده اراده حکمت ایزد بآینه اوله
 بو مرتب زلکین انجمن عالم نمایان و بجزه مرصع افلاک کردانه اولماز ایدی
رباعی اولمزدی طبایع جوخه مینا کردان آموزی بساط خاک مدامان
 ای حاصل وجودش مقصود بود ولته نایل اولمزد کون و ملک و عقیده
 شکرین سلام و تحیت طبعنا طایفه اید عایشه متن مجلس نبوت و وصاله
 بزم شمع رسالت اولان آل و اصحابی بلند منقبت رضوانه الله تعالی علیهم اجمعین
 حضرتک پیشگاه هدایت بنا پلینه نهاده قلندر که هر برین بلبر که شرح

غیا و مسیح جوامع ملت بیضا در **قطعه** بصر حکمت معارف سما و زمین
 چهار رکن ایله بود که قرار خانه زمین نظام علم شرح منیر اولمشد مثال طار
 عناصر طاریا کرین **آقای** بود که بین بیکسایه نظم و انشا و عا جز
 ترین نگجشان نواله سبک و املایا بیه برهمزده بال بر کزده او آفریده
 شمار سبب سنین واصل تارخ نفس و تسعین اولدین سآله آستانه سفار
 اولدینغی خالده قبا ی بنمدر سیر و سنی مرحومی توصیل زبانه اتمام و اتمه یجیه
 تحلیک موزونه بر اینه استارانه ایدوب و آفریده درون اکبر غزوات
 سلام بیت الله لولام مکه مکرمه قنانه دگ بجهانته احسن تعبیر و ابلیغ
 تشبیهات اوزره تأیید یزدانه و تسهیل رتبه ایله انتمار مراتب لطافت
 و تراز کده تسوید و تحیر و کمال درجه احسن و بلاغت و فصاحت و ترقیم و
 تطهیر و انمن ایدر سلام عبارات و ملاحات نکات و استعارات بر درجه
 صورتیاب حسن نظام و بر مرتبه مظهر قبول مشکلسندان انسانم اولمشد که
 بی تکلف شمع شیر و سنی مرحومه هم باعث شمع و شهرت و هم و آسپه
 تجدید اعتبار و رغبت اولوب عینیل ماه صیامک زیلنده ظهور ایدر رونما
 و ارایش نشاط عیدایام روزه نک اوقات خواب الودایام امساک نمود
 وسیله نسیم هنگام انمار صایق بسایین موسم گذشته اوراق و انمار واسطه
 رجحان اولدینغی کیه دست رغبت و سقوط صورت لمر نمایان اولکه نغمه نوحه
 بلاغت نمای فقیر نک کتابخانه بکار و در یور بیشحه اعتبار و انیس حیم
 درل حسن شناسانما اولمغله مالک اولم تملکنی سر مایه افتخار و درست
 رس بولمیلر بر همزن دست تاسف بی اختیار اولمق مرتبه لرینه ارتقا ایدک
 حتی بعضی مقادیر شناسان فضل و هنر خیزاران کوه بر اثر کمال شوق و رغبت اند

مانند باران در دوزخ و مثلاً آستان توانم جلد واحد ده خط واحد ایله جمع اقلیه
 سیر و بسنی موم بر فرزند رسنم کی سر لوده زرین و جدول رنگین ایله
 تجدید لباس عنوان و تحصیل شهرت و شانه ایلی کی دقیقه سبحان میزان انصاف
 عیان و قیمت شناسا قمارش انشایه نمایاندا اگر چه بوزبان قلم ادعا شهادت غیر آ
 هنر فروخته و دستنوی تحریک خود ستایانه رایحه فروز مباحثان قلم اولدیغی
 محققه را ماته کمد سرشت خیمه فقیر او مقوله کاه ریز زخم و بنار جگر کاه بخوت
 و دلال جاهلان دن مصفا اولمغه مطلقا تحریث نعم و ادای شک و اهب الکرم
 اید و کنه محاط علم الهید **قطعه** حرف و صوت و نفس و علم و حیث و قدرت
 شبه یوق اولدیغنه جمله عطیات خدا بنده و مالک بنده خدا ملک او ییجی جلد
 یکمکه بنمرد ریواید رسد عوا **لکن** اثر مرقومک فتح مکة مکرره ذکره نایل انصاف
 ختم و واصل سر قد تمام اولدیغنه بعض عوایق تقدیر دانگیه اولوب یارمی سنه
 مقداری معمره مشهوره طلب الشهادت کونه نشین غلث و توشه کزین
 قناعت اولوب فقده سر مایه ثاب و توان و درجه مراتب حیات هفتادی
 که از بسبیل کلکشت کلشن ساری و مدینه بالکلیه نیم بنیاس و حواله اولدیغی
 ایامده اول دیار لرده ندرت فریدار و قلت رعیت و اعتبار اثر مرقومک
 داعیه اتان من مسوده ضمیر دن حک اتمشیکن **بسا** لطیفه که در ضمن نامدار
 برسات **طریق** ایام نظام حضرت احمد خان ابداته و ابقا سده اقامیم سجد
 همسر شت بهشت و سببه معدلت فرمای خاقانی عرصه غباری بنای فرارس
 جنانه **اتر** کی هنگام لرده و ایر بر کار اعوام صد و بیست و سه
 مرکزنده حرم ایلی کی ایامده کیم ویده امیده فقیر کیمیده مشهوره دوشنده
 قریب دوشینه ارژ و مالش استانه سعادتله هم کوکبه محض منیر اولمق نوشته جویده

تقدیر اولمق ایله حوادث التفات بعض و کلامی دولت جنبش تحت
 روان همت رهواریت غنیمت اولمغه واصل سر منزل بای تحت سعادت
 اولد قد بهجراته مشهوره کمال التفات و کمال کمال واصل عزم و نایل منصب
 رفیع جویانه اولد قد غیر تکبیده لب خورشید اولد شرف و امنیوس شهر بایله
 انصاف مدارج آمال و آمانه اولمق بستر اولد **قطعه** بن بزم سعادتش
 کوکبک **چند** و شصت اولدیغنی مطلبک **بیک** بوسه آرزو و بیستی
 و ارایم **دامن** شهنشده مکر کیم لیمک **بورفی** **دلی** **الغم** **انفیز**
 سعادتو سما خلکو غایتکو عطفکو سطر طحال الله بقاه حضرت نیک هیا
 فلک نیم و عیالیه مستقر هم ادبش که قنایلی و ثریا و سر و ایزش که طوایف
 اولی النهی اولد جویانه خانه نکاح حسن علین ماس نیک درجه پایین فرمات
 پیشینه وضع جبین فرائد آیین ظلالنده مودع و داعی کمرین بودر که جنب
 حق جلالت قدرته کوهر بازوی دولت اولد وجود کمال بنا هرین درج امن
 و سلامت ملکن و نیز سپهر رفعت و فضیلت اولد زات عکاه لرین برج
 عاقبت و غنمه اسوده نشین ایدوب لمعه عنایتین کوشه کیمینه تیره
 روز و چشم دوست حمایتین حاجتمندانه دیده روز فرقتن زابل المیه
 امین برادریم حاجی محمود نام بن کز پیر ناتوان اولوب محافظه سعادتمند
 یوسف بن پیر بگزله عوب عزرا کچو طلیه کلامه قدیم نضر فین اولد
 زعامتن حسن رضایله صبی او غلام حاجی محمد و اسمعیل نام قول کیمینه نصیر
 ایدوب وزیر مومی الیه حضرت مرقومک و تذکره احکام ایله استانه دولتش
 برات احکام اولمق ایچونه ارسا اولمشدر بحسب القانون القیم و بحسب الطایف
 المسلوک علی وجه السهوله صورتیاب حصول اولد رسد نعم الما مول و ال

بر مدت اسیر کشمکش حیرت و املشیکن بکراته دلالت نماید توفیق فرقا
 مقرر تقدیر اعم نصیحت و لازم و عاقل و لیس و جلیه تمجید و انشد جناب
 حق قوه القلب اهل و قرة العین اعلی اولیایه سعادتمدارین مفارق
 مستعدان زمان و حاجتمندان ایام در زایل ایلیم بود اعی ثنائی و انیک
 اعم اعمال و احسن اسفالیه بواراضی مقدسه و اماکن منبر که ده غایتیو
 عاطفتو سلطنتم ایچون تحت المکانم اولدینی مرتبه ده اوقات مجرب ده کند و
 لسان عاقلانه فردن غیر فغان انفس قدسیه اولان مند و بابتاب خطایو
 اعوز تر تا صیدن استیجاب دعا ایلدیکم شایسته سمع و ریادتی و اولدینی مشور
 زائقه علم و عرفان کرا اولد قد نصحه اولباین امر و فرمان و لطف و احسن
 و لیسو سلطنتم حضرت مینک **در کمال نوشته** در بنم و لیسو غایتیو سلطنتم حضرت
 جناب فتاح امور حصول و خواجگانه مسرور ایلدیکم عیال کرام که در نیاز مند
 اولد و غیر خصوص لسانان محارفات قولکره سبایش و سعادت و لیسو لیسو کمال
 ریکه حواله بیور لیسو وزیرت رالیه حضرت مینک بوکونه معامله تخت اینه و بی تکلفانه
 کزین بود عاقلان افزون نایل ایتهاج و انشراح اولوب فقط پیر کیم
 نضر امین اشارت علیه کرده امثال لاکهار طوع در خست و طیب خاطر ایلد
 دعا جکره ایصال و تسلیم مبارک بیورست در جناب حق انکر دخی و سلطانی
 دخی مرکز سعادت و ایم و ثابت ایلیم دعا جکره طریفینک دخی مسمو لطف
 و احسن اولمش در بنم سلطنتم حضرت مینک اگر چه تصدیق کست خانه در اما
 بر بار کیم انحصار لیسو تحریر و توفیق ایدر سوال مقدک جوابی غایبه
 قاعده ایچون تحریر ایدر اولندی بو طر فکروه روم ایلیم بار کیم لیسو
 وجودی عیدم اولمقله بو طر فکوره شریف ایدر توفیق ایدر بر و تخص ایدر رب

برینک

برینک حصوله مظهر اولد مدیدر حتی ابتداء شریف بفریده استقبالیه شاد
 ایلدیکم ده بد کمرنده انجق بو بار کیم لر بولنمین صویدرب دعا جکره
 اگر اما سوار ایدر بوقریر لنده بزم عثمان اغانت بزمه بوندن غیر
 یادگار کمالدی اگر بر غیر بسی اولیدی بو پنه سزه اهدا انک مصمم ایدی
 جهمیو ریدر بود دعا جکره دخی بزمه بر هفته ده به ایلیم دفعه انجق اقصا
 ایدر سمر لره حلقه اطراف ایچون برابر لازم در جهمیو جوابده مقابل اولندی
 حالانفس مبارک کرامت منزله سنه توفیق بینه شاد سینه ایدر در
 غایت ممنون و سرور اولوب تحصیل رضای شریفکری واسطه انشراح
 عدیورست در سعادتو سلطنتک طرف شریفانه اولان ارتباط خاطر
 و صدق و توجیه و مایه خدایه و تقویر در جناب حق انکر دخی
 سلطانی دخی عتوه لیسو غنوده و اکدار و آفانه آسوده ایلیم این
 بحرحه اشرف المصلین باتی لطف و غایت سعادتو سعادتمند سلطنتم
 حضرت مینک **جناب حضرت ولی انعم و ممتحن سلطنت سلطان عالمده رتبه**
سجده ای ایلدیکم این اول شایع ایلدیکم کویا نفع شیه هر دوسه اده
موقع اولدینی قصیده خواندن چند ایلدیکم پیشگاه فرمان پیا پیرینه دخی
مدتی خلوص بیافنده اسلک ایلدیکم مکتوب بدقت و سلوک دخی معنی
 هستی که سنک خلق وجودک سرایه ایجاد در جهان خدایه مقصود
 سنک شانکی آفانه بیاندرا اریس ترتیب نظام دوسه اده اوصانکه
 صرف انکیم چون اولسه الفاظ محرم قالدوری شعرا صحران ایدر نایب
 قولک کمالدی ای شیه کونین بونکه در ایجاد وجود ایدر بون
 دیر مزایدی کیم حیا حسن طبیعت خلق انمزایدی کیمه قسم باند

بیخ است

مقدمه

کوشش آنکه اگر اول مقصود الهی اوصاف دلا را کی زبان شعرا در
 سعدت و غایت یکتا و فضیلت نور با صوره ابتهاج عزیزم او علم سلطنت خردمند
 مقصود استیلا و فضایل و واجبات اجناس معانی و فضایل بیستگاه کلام
 دستگاه هدیه لسان شوق و اخلاص و اصطلاح صدق و اختصاص اوزره
 خفته مجالس قدسیان اولفیه زبان شمع تازه بقیه دعوات سیرج
 التیله و رساله تالیفات نجات بدیع التوحید اهداسی مجتبی فیوضات
 قدسیه اولضیاء خیر که بر شمس ایلمه نجیل و توطئه اولنور همواره قرب
 سایه یزدانیده و بر نور جمال و کمال و زانوی برانوی شایسته نیست
 و اقبال اوللرا کرامت اغل خدمات همایون پندیده تخلص کار ادعای دل بوده
 لدر فستیاب دخول اولمن شرفه نیل اولور سهجده سحانه هنوز مجله کار
 فن بر شیراز انفس کسسته اولیوب حاشیه مته دعا کر پیرایه یمن
 اوقات ظلمت اشرف شفا لایمکی نظر علاقه حقیقت بین و غافلانه نابویه
 در علی الخصوص اهل جلوه نبض کوشه دامان اقبال کوزه واصل رومال و مساحه
 لری ناطقه غایت اند و زیر زین نیل لال مقال اولنور بطرفه کلد فی بو پدر
 دعا پر و دیگر احواله و ایرتیک لب استجبار بیور و یغفرنی نقل اتمایله
 سوراخ صباغ عاجه مفرقه قوافل سرور و دل ویرانه زعمور اولمن
 اولاد و عیال لاله و عیال لاله مضطر و مجبور ایدیکم نامستور در بنم غایت
 مکر مثلوسلطام خردمند بر بار طرف سرفه کستافانه دعا مکریمه اوتاجه خیزد
 تضییع و سربار کاز تصدیج منافی شرط آداب ملاحظه اولنمین بو تقصیر
 استیفاء بو یقینده روضه طبیعت پیرانه دن سر زده اولمش بر قطعه
 لغت نبوی ایداسنه یتیم مباد اولندی درگاه الهیده قبولی استیفاء

ملاحظه

ملاحظه اولنمین جناب سعادت و سایر خوانا و شنو انانی حصه
 فیض و ثواب اولمق نامولدر بعد ازین چکین خانه فیض اثار یکم اولن
 ورقبار غایت آفرینانه سراققار و انتظار فری ساییده سراقق
 سما بیورق بابین لطف و کرم و لعلو غایت جناب کریم الشانکدر
 بود فی رکاب همایون شهر یار معدلت مقرونک رتبه بیه شایسته
 ایمن و لی التعمید بیت الفذیه حضرتیه از سال ایدیکم مکتوب بداخت
 اولسول بلریه که طبیب حافظی وزیر مکریم ابراهیم باشا الفذیه مکتوب
 کسسه وضع ایدوب ارسل اولمش در سعادت و سعادتمند و حقیقت
 نور با صوره ابتهاج حضرت نیک همرونق ترهشکه بهشتیان و همزینت
 صحبت خانه قدسیه اولن پایتگاه دلا را ای روحانی نظامیه زبان
 فانی شعرا تازه زمین رنگین بر زبان نوح و دعا و شمع نوظهر اثار
 شکلین بر نه نوظهور شایسته سعادت و شمعش عوضه داشته دلنکدر
 بود که بنم معرفت و صد اقلوسلطام خردمند چند روز محافظه مشایه
 و لعلو سعادت و آصف کشور ابراهیم باشا خردمند نشاند و یکم تحریک
 خلوص نامه کز حاشیه سینه بو پدر و لایر و یکم قلم مخصوص کوهر بار یکم زن
 مترشح سلام صداقت فرجام ویرشش خاطر بشارت نظام کوزه ابا و پدر
 و یغفرنی ارتقای طبقات سرت اولمش در همواره سایه ظل الهیه ده
 آسیب اکر کوبیده دن آسوده نشین مقصوده حفظ ربانی اوله ستر
 ایمن جناب سعادت کبکی بر ذات قدر شناس یقینی اویلده وزیر کریم
 طیب الاعماله اخوش یکورنده همزانی نشین نظیر و همزانی ابط تحریک
 اولمق و فی باشقه بر سعادت در علی الخصوص که بیت ما از توحید ایم بصوت

بیت نظر است

نه یعنی چون فاصله بیت بود فاصله ما مفهومی اوزره بکماله تصادق
 و اتحاد و خلوص و دوار و اعره ایقار بیت روح روحی و روحی روح
 من رای روحین عاشقان بدن طبعی اوزره کمال کجانی و انشا بزمه
 اشارت تصدیقه جسم و روحی یکی روح مشابه سوره بر کس مکتوبه
 ارسال سوره دیگر کمال نزاکت طبع در اکثره حل اوله یعنی غیر جنبه
 دخی مافی شئی یثنی الا و قد یثنت ماله رعایت و بواضی و اتحاد
 جنبه روحی خصه و امش رکت اوله یعنی کماله و امضاء و لا اکرله اشارت
 سوره دیگر زن قطع نظر بزم اخلاص غایبانه ز سر لردن زیاده کالمنقش
 فی حجر مستحکم و یک تصدیقه بنقش یکین و لشیکیز از ایش ظه مکتوب
 سوره مقله و عوار صدق و اتحاد و کزنی قوت تا یکد و نمید سوره مقله و ثننا و
 و ر لکرم دخی مضانوبس تحقیق و تصدیق اوله شمر در جنبه الهی اهوره مرکز
 سعادت دایم و ثابت ایلیم این بنم سعادت مکتوبه سلطه حضرت علی
 الله تعالی حضرت علی مهد در جنبه شریفه غنن بر و بر ساعت جنبه کمال
 مدح و ثنا سنده کماله از ایلدکی واقع اولمش بر و بر سوره بر کس
 علاقه درون مشهور و واقع اولمش از انک بغیرات و تشریفاتن
 فضل جنبه کمال دخی معامله خلوص غایبانه لری حق بود که ویرانه خاطر مری
 طرف شریفه جذب و محبت و اخلاص جنبه کماله ملک ایدوب کالا کاتب
 اعمال اولان ملایکه کرام جنبه شریفه ک دعا و ثنا سنده فروز و قدر اعمال
 لمره بر شئی قید اینه کلان و اولمق که کدر رکن بنم سلطه کبار و بر بسی
 خوابه خانه تعلیم ایلدکه البته از مدته انک تغییرینه توجهه کلان عادت
 معروفه اینک هیچ جنبه کمال اول مقوله کت تغییر ظهور اتمه و کی مورت تعجب

اولده

اولده در اگر طبیعت شاعریه مؤدی اخذ اولوب موجب عطا اولد
 قاعده به استساک سوره یور لیس بر دخی سوره اوله یعنی و انا زمان
 اقتدار فروده اهلن تصرف و درینج واقع اولمش جنبه کماله مقصود
 لطیفه و انا معامله بقدرترین عطیه سنده حق بود که امید بزم
 منقطع دکلر لکن جنبه کمال زمان تربیه و کالسته ظهور اتمه و کندن
 صکره نه زمان ظهور ایدوبلی و ابسته عقده افکار در جنبه الهی نور
 دیده عالمیان اولان آفتاب فلک سلطنتی و قایه لحفظ صمد اینسند مقود
 مستدام ایلیم این بکره اشرف المرسلین بودنی سوره ایش الیه حقیر می
 طرفه تربیه ایدوب شئی پیره عطیه پادشاهی اولان ز خالص العیار و
 صولنده تشکرانه سکت نظیره کتور دیکر عا کرانایه در که موصی الیه مکتوبه
 طبعه ارسال ایلد

سهرشته غای کوه راز	نقصوده بویوز دین ایلرا غاز
کیم بر دم حیرت از ماده	کیم راه دل ایدی ناکشاده
بزم خروده لندی باغ امید	انمشدی برات یاسی تجرید
خشک اولمشید ریاض اعمال	آینه دل غبار به پامال
اولدی کوزه ناکمان نمایان	برابر سفید عنبر افشان
برابر سفید لیک مرقوم	هر قطره فیض سهر مکتوم
سهر لفظی مشیمه لطافت	معنایه لاله بلاغت
مانند سحاب فصل نیسان	باغ دله اولد قطره افشان
اما که نه قطره قطره زر	هر قطره سی آفتاب النور
حاشا نیجه آفتاب النور	مهر اکا نیجه اولور بر آبر

صالمشهی جبین مهره سیه
 هیچ نام سرفیظ ظل یزدان
 بورفته قندن اوکد شایان
 چون اوکد او ابر فیض پرور
 لیکن ابتدای بنی بو طرزه صورت
 کیم بونه سحاب جان فراور
 دور ایلویه لپه سپهر دوار
 دل اولمشیکن بو فاله مد هوش
 گاهی سفسوده کم اندیش
 بوابر سپهر مکر مستدر
 فیضه عالم و کرور
 مکتوبیدر اول بلند باهک
 بو اول ورق کرم نماور
 اما نه ها هائی کلپه
 شاهنشده اقرب تفادار
 سیف و قلمی بهم برآور
 هنام علی صدیق فاضل
 دانشور فاضل یکانه
 مخز قدما و رشک اسلاف
 صافی دل و خیر خواه دولت
 دارنده نه قباب کردون

طغرای خدیو عرش پایه
 اولور می جبین مهره مهان
 پیشانی آفتاب تابان
 بو فاک حقیره قطره کتر
 غرقایه جو بیار حیرت
 کیم قطره لری نظر ربار
 مشهور و کل سحاب زر بار
 اوکد بو صدار سیده کوش
 اولق نه بو بایال تشویش
 آرایس اوج عاطفته
 باغدر ربی و ترله کهرور
 کیم حمید جهان پناهک
 کیم اوج عنایتها در
 بهر بیضه سی رشک و اندر
 هم کاتب تر و هم سحرار
 دستن اولور و دصد برابر
 بالائرتبه انا فصل
 معروف معارف زمانه
 اوازه فو و حسن اوصاف
 دانای سائل حقیقت
 ماملون ایده حصوله مقول

ابتدای بو حقیره غایبانه
 اما بنجه ش حلقه دین
 یغفه ملک الملوک عالم
 خورشید وجود روح انام
 آرایس سنده خلافت
 شوبنده نام خسرو جم
 عشقای جانهای دوران
 سبسته تحت بادشاهی
 خان احمد عادل یکانه
 الله معترایده ذاتن
 احسانیل اول خدیو بکتا
 بیسه سالک اول شهنشاهین
 شدر انری کلوب ظهوره
 اخرا ولوب اول اثر یویدا
 عصر بدرمه کیه سحرار
 کور حکمتی ین بر سحرار
 انکله ده جبه غایبانه
 مکتوبله بر کریم و دانای
 بولطفه جناب رتبار باب
 اولدی لمعانه بو جمیل
 اولدی بو کرم الیل جاری

نه کبر عظیمه شهابه
 آب رخ گلشن سلاطین
 سر تاج شهنشاه و خدیو اعظم
 شهنشاه تختگاه اسلام
 فرمان ده مناصب شرافت
 شهنشاه اکرم و معظم
 کرسی امان و عرش ایمان
 نور حق و سایه الهی
 سلطان یکانه زمانه
 مد ایلویه رشته جیانتن
 داعی قدیم اندی احیا
 انشیدی بر الفات زین
 غرق ایتدی دلیم سروره
 انار کرامت اولدی پیدا
 اولمشدر و لیل لطف گفتار
 اولدی سبب ظهور انار
 اولدی سلفی ین بهانه
 سر رشته الفت ایتدیرید
 اورنه حالن ایتدی سباب
 اصحابیه او مرکزک وسید
 بو فاکه عطانی سهر باری

اولمغه بولمغه طفت بیدار
 س یسته در اولمغه بولم
 بوسو تله صغیب جهان
 رفع ایتدی کوکه بولمگر آهی
 یوق اولدیغی کیمیه یستر
 اولدی ملوکدن نمایان
 یوق کلده کی عادتاً ظهوره
 اعلان اولنور سه کائنات
 بوده بر عطای لطف حق
 بول لطف کا اوله مثنی نادر
 لطف ایدره عن لطف من او یکنا
 بر وجهه اکه نسبت یوق
 بن مور کجیف اول سلیمان
 یارب بحق فخر عالم
 اولسون دل فیض کثرش
 یارب اوله طور و غنچه عالم
 صالحون شفق اوله و غنچه کلکون
 اعداسی اوله زبون و خسته
 اول روح جهانک قل الی
 قبل دست عنایتک یارب
 داعی کین نقیر نایب
 هب اولدی سبب بر سحر
 سرمایه اقتدار اوقان
 ایددی سر فخرم اسمانه
 تفتح نوال بآرستاهی
 بیه ریخ طلب عطیه دُر
 بر کیمیه غایبانه احسان
 ارسال عطا بلا دور
 کیم ستر اولور بوالنفا
 اسلانه مثنی ماسبق
 کیم اوله ادای شکر و قار
 کیم مثنی و کل جهانده پیدا
 بول عطفه لباقتم یوق
 بن خاک حقیر او قل بزدان
 پیوسته در دهن ایلده دم
 مرآت ضمیری غمدن ازار
 بالای سر برده ملام
 عالمه سایه های یون
 بدخواهی ذلیل و شکسته
 حفظک سری اوزره بناهی
 دلخواهی نه ایه هب ورتب
 درگاه رفیعک ترا بیه

احسانه در آیم اوله مظهر
 قالمیه کف و عاسی بی زور

سعادتمو سها خلقو عنایتونور با صرّه ابره اجم سلطانم حضرت ملک
 هم نشسته انجن بهشت اولان پیشگاه مکارم دستکانه اجابت فانه
 در ما بینده انضای حسن قبوله سزا قبله دعوات زور تاثیر و مدرسه
 ملوکتن تحسین و تقریر رسالت تحتیات رسم پرستش خاطر مبارک علیه
 تزییل اولنور همواره رنج مدارج نعت و اتمای معراج سعادت
 اولان در گرفت خدمت ظل الهیله معنوط ضمه روحانیا و همرازی
 س بهر امان اوله احوال داعی غایت دیده که تعلقکاجه چشم تفقه
 بیور یور ایه بجهده سبحانه هنوز نار انفاس حیات ناک کشفته
 اولوب متن دعای عمر و دولت س هفتشاهی دعاء و اکرله تحشیه
 اولدیغی علامه عنانم بنه نابوسین و جسم و کوس شوق اندازم
 وقف راه انتظار ایکن مبارک ترین اوتانم نمیکین تغییر
 زرافشانم رحمانم کیم س اقتدار در نه سایه کستر اولمغین بیت
 دل انشا طامه لطف جو کو دکان صد بار خوانده و در گرازم گرفته است
 طبعی اوزره میان دست و لب جسم و کوس و سر و ده ظهور اید
 غوغای تقدیم قبله تعظیم سکونتن مکره درون حکمت مشحوننده
 مخزون اولان سموس سارقه آسمان سلطنت ابد و ابقاه
 و خشن بعضی بواصان دیده قدیرینه عنایت عطیه جهانداریکه
 ما عمل اسرع فی النجاح من اصف مدور
 صحاح و صاحب مقام من لالا النقی لقلت له جل قدرته نقیری آرایش

پیشانی استهارد نماید اول یعنی حالت عینیه دیده یعقوب
 خزینه پیر این یوسف عزیزان حاصل اولان نور و سرور و رک
 نمونه بی ظاهر اولوب بی اختیار دست و پا فرشته بارگاه
 کبریا قلمش را اول نشسته روحانی و ذوق وجد اینک بیانش
 بسته تعبیر بنور شکوفه نور ظهور نهاده اسم کیم امکانه نماید
 اولمغین ادای حق شکر زبان حاله حواله اولمش در جناب
 حق و در جسم کائنات اولان ذات هایون نمین مدی الهی بر بالای
 سر بر آید دیده نگاه داشته و قایم الحفظ امن و سلام آید
 سایه هایون نمین مفارق اصآن دیده کامدن زایل الیه این
 بوکینه بی لیاقت حلقه بعیده ده حواله کرد ضمیر معروض و زبان
 کلام هایون بیورلق شرفه نیلدن فضله بسته انعام و احسان
 بیورلق بو پیر تا توانی نایل عمر نایه اتمکله بقیه حیات وقف دعا
 عمر و در قلمش را بخصوص اصآن هایون قدیدن ماثوف
 زیارت اولد بغیر حقیقه هایون مریه ظهور اتمکین عاشق مکروه
 یا ربکی جسم و روح و غیره مالیه و غیره کاصد و ق قفطیده نهفته قلمش
 شوکتو کرامتو و لای نعم اندیزک تهینه جلوس هایون نمین چون
 یکی اوج سنه مقدم بر قصیده و آن نظم اولوب لکن ضمیمه عادت
 ملحوظ اولان رایحه طبع صورت حجاب اولمغین ارسال نور ترور
 اولمشیدی حالا جایزه هایون بسین ظهور اتمکین ارسال اولمش
 ولادت هایون نمین چون اولان تاریخ دخی غالباً رسید نظر انور
 اولماق احتمالی صورت ارسال اولندی بر وقت مناسبه دخی

و تبیین وابسته رای علیدید را اولابین لطف و کرم جناب رفیع
 الشانکدر **در کفار نوشت** بنم حقیقتو فضیلتو نور و یم سلط
 حق تعالی اثار فقیرانه مرکب نماید ارسال وقت بعد اولمش
 اما بقا طلب قاصصی کواکب زاده ولی الدین اقدیر
 تماماً بر نسخه سن کتورش در رغبت بیور بلو لب انور
 استنساخ بیور سه بر بوداخی و لداره حقنه الله تعی معر ایله
 معامله غمخوارانه گرفتارند بو فقیری کستاخ اتمکله ز آوینه
 خاطر فاموده امانت عالمه باقی تکان آرزوی نهفته که ماثولیا
 اف مندر آید و کی بی اشتباه در حضور سعاده عرض و اعیت
 حلجاندر حال اولیوب لکن بر طرفه شرم و حجاب دخی مانده اولمش
 کستخانه کالمر در له برداشت موقع انها قلمور که اگر تریه شفق
 کرله عالم بالادون نکر اصآن صورته نماید اولور لب بیت
 مرکک کسوه سی تجدید اولند فیه ساقی مستحقه اعطا اولندی
 کیم بدن مقدس قبله عالم استعمالند معطل اولان کور کلرک
 بر یکجای ابله بوداخی بدر مانده کرا حیا بیور بلو رایحه جسم
 خلافت پناه اهل بله تجدید قوه حیات ایندیکم دن عبری تا بقیات
 اولاد اولاد مرده سرمایه مباحث و انتق را اولجفی بدیدیدر موم
 و فقور له بدر خلدر ایشان والا که لری اندیزون بر و نه سود
 هایوننده **ع** نه بر محلی دیدر رک نه در کفار آید بلکه **ع** غلنی
 استماع و استحسان بیور و قلمنده و بر و نه دخی حج شریفدن کلوب
 تحفه انور بسین نسخه سنی عرض ایندیکم ده فرجه هایون نمین بر کورک

سوره صافات نه مظهر اولد بغير لذت هينوز رايح جانده باقی اولمغین
 مافی شئی بینی الا قد یثبث **مفهومک** انما فی الله تتامر
 ایلیه بواقف بزرگ است شد ظهور ایتک ماحولیا سے دفعه قدرت
 بولاند یخدن کستافانه اورده زبان فلم تلمدی لیکن بواجبه
 لیاقت حدم اولد یغن بیلورم اما آفتاب تابانک نوری بستره
 تعلق ابتدا کی قدر آفتابه مورث نقص اولد یعنی معنای تسلیم
 بخش خاطر تر در اولده در تصویر برگزیده رای حکیمانه کز اولوب
 و مودنی طبع ر بخش هایون اولد ای لطف و کرم جناب کریمکر
 و الا تعالی بیور مکرزن دخی ممنوم جناب سعادتک تدبیر حکیمانه
 سنه حواله اولمشد **بودنی در کفار نوشته** در بنم سعادت کور لک
 سلطام جناب سعاده اولان لذت مخاطبات عالیته بهشت
 اطناب بحر اولد بغنه عفو کز جا ایده **رم بیت** لذت بود حکایه
 تو در از تر کفتم **چنانکه خوف عصا کفت موسی** اندر طور **باقی**
 لطف و عنایت جناب عالیش **نکر بودنی سحر عا بقیه الدین**
علا بک حقه نیک در رفته بازین جواب در سعادت کور لک
 مکر شو نور با صره ابرهیم سلطام حضرت نیک صفت اعلا ی دولت ای
 خاص و مسند بلند مقامات اختصاص اولان بلند مستقر مینو نظام
 وسیع الاقتصار بیکسکانه دست تقطیل وضع شکوفه وان رنگارنگ
 ثنا و بسط فوا که کونا کون دعا عقبنده خلاصه مفهوم رفته به ریا بود
 جناب حق جل شایع مجموعه دست اعتبار اولان ذات معارف شریف
 محفظ عنایت ربانین مکر و اجزای اقبال و اما لایین آغوش

سیراز صدابین مستحکم ایلیه غلبه انجذاب طبیعی و ثابته علامه
 حقیقته منبعث مکرمت نامه صدیقانه لری و رودی دیده بپیر
 کفانه بوی پیرا بن یوسف علم انما ضربه لب دل و دیده اشتیاق
 اند و نور سر در اولد یغندن فضل قبله عالمیان و کعبه طافند
 اولان پیشگاه روحانی سرشت ظل الهیده زبانکده از تر بیه و توفیق
 بیورلد یعنی تغییرات غنیرین سواد ی علاوه بهجت و اهتزاز
 اولوب دعا امتداد عمر و دولت و اداری شکرات لغت در
 بالرنده دست و پا دن شناوران ایکن حکیمه مکتوب دل آشوب
 عنایت مصحح بلر محافظ خط سربا و زیر بیه نظیر سعادت کور
 ابراهیم پیشانک بوم نزول لینه مصارف اولوب ابتدا شرف ملاقات
 انکر یکر یلرنه زبور داعی لرینه واصل اولوب حاصیت مکتوب شریفکده
 مجلس اولده معامله الفت و استیناسه باعث اولد یغندن غیری
 اول صحبت روح بخش تمام اداره سبوح ثنا و اداره خیر
 دعا کزله ختم بولشد حاشیه مکتوب غنیر رنگزده آصف و
 الیه مدایجنم تحریر بیور و بفکر کلام با کبره سمات عین واقع
 و نفس لامره مطابق اولد یعنی جای کلام و کل اما حق بود کرم هر نقد
 صدق فاش ثنا اولن انکر بالای استعداد ندر قاصر و انکر
 طایل اوصاف و مدایج اخلاقی حد و تغییر و تحریر دن تنزاید و
 مشکاثر در ذات شریفانده و ربه الهی اولان معارف و فضایل
 و عقل و رشد و دانش و تقوی و سایر اقام طبیعت
 و مروت مقوله لرینه جناب کز بنزدون مقدم عالم اولمغله اوصاف

حسین لرینک تعریفی بوفیق کس بقیر و بخیری دلدارانچو بنم
 مشهور و معلوم فرمود که ذات من در کوز اولان جواهر اصالت
 محسن ظاهر اولوب خط سیه شریف لرینه اکابر و اصاغر
 بالجله معاش حکمانه و مجازات لازمه حاکمانه ده اولان حوالات
 معتدله لرینک منوی اولوب بالاتفاق اندرون و بیرونه دعا
 دولت شهر یاریده همزمان اتفاق اولمش در علم الله کرک
 لوازم عفت و استعفاء عصمت و کرک اجای لوازم نظام
 حکومت بوفیق کس سلفه مثلن کوردم اثر بیمنت قدوم لرینه
 ناشی بلده وسیع الماطرات طبع واقع اولان اون بشر یکمیش
 سنه کک لصوص قتل و سفاک بقوله لرینه درت بش نوشقی که
 هر والی جدید کلد یکنه اهله محله لری شر لرندن خلاص ایدوب جمع
 و موافقه امیده نیجه حجت ایله معتدلین اثبات ایدوب والیده
 تسلیم ایدوب ازاله وجود لرینه نیاز مند اولمش ایکن الیک
 بعضی طعنیه و بعضی بجز نقض لرینه اطلاق ایدوب اهالی
 شهره و فی زیاده قصد انتقام معادل اولان مشهور خوشتر
 ینه بوندک زمانه و فی موافقه اولنده بجز نظام مملکت
 ایچون اجای حقه تأخیر بیور میوب جای شرعیلر تبیب
 بیور ملر ایله قانما اهله طلب عید زرخیده و دعا و لترینه
 وقف نفس انمشلدر بنم نوز جسم او غم سلطام بویر حاکم معتدل
 ایامنه غرض راحت اولمش بویر ایکن بو تحریر بهی اختیار اولمش
 ارتکاب نقض اولمش جناب سعادتن حضرت عالیترین هابونه

بوفیق

بوفیق لری مزبیه تشکره قادر و کل ایکن وزیرش رالیه حضرت
 شرفیار تشکری و فی ضمیمه و لمعین بوضعت پیری اثنا سنه
 بوفیق یکم ز سکر فورتنه سنه وقف بیور و یکم الطاف الهیه و نیرج
 سنه شهر در بوندک سایه معد لرینه آسوده ایدوب تزجک
 و اقلیه ابتلا تمک رجا اولور بوندن اقدم سزا ده ثانی
 حضرت لرینک ولادت بایر کاترینه تاریخ محقر آنه و فی نظم و تمثیل
 ظاهر اینه مزبیه کرمانه کره نظر اولمش کرکد راندک و فی وصول
 اخبار نندن ممکن اولدنی یکین قلم کوهر نشا بیور ملو لطیف
 و کرم جناب کریم السانکر **در کاف نوشته در بنم نور و یدیم سلطام**
 حضرت نامه بر بنم کرمانه یکف موزه بیاحین بخیر و پیشگاه
 فقیده ضیاء کس انتظار اولمعین عجله تحیره امکان میسر
 اولک قصوری انداخته و آوی تفعل و تسامح بیور ملو وجود
بود فی سحر ایش رالیه حضرت لری انظار کیه ده بر مالکانه استلاکت
بیور ب احمد افغانم ادب منی ران ایله کوه تبی افندی طرفندن
یا زیلان مکتوب و غوغور سعادتنو سماحتلو غایتلو پر تو صدقه
 حیاتم حضرت لرینک شمه انجن قدسیان اولان پیکر عنایت
 عنوانرینه دست آویز خلوص آینه دعوات اجابت پیونده آور
 تاثیر انکینه تحیات کر و بی سندن نشانه متعاقب عرضه داشته
 دلپسته اوصاف علیا کر بود که بنم سماحتلو غایتلو سلطام حضرت
 روزنه سامعه انتظار و در قافله پیام ذات ستود صفا
 کشاده ایکن استراحتیه جوده دار احمد اغا قولم یله التفات

بوفیق

نامه نشاء طبعش اگر و در دید ضمیر مزایه بکشد ماعدا بحد الله
نواصی انطاکیه ده علاقه مالکانیه نوجیه ضمیر بیو لمغله فریه بعد از
کوت نظر انور لری بو طفرده تعلق ابته بکشد نایز درجه سرد
ناقصه را ولد بغره قلب مصفا کر اعدل شهود در خصوصاً اراضی
مقدسه ده بسط را بطه تعلق بیو رلق مقدمه بیمنت و برکت اولین
موجب ضمیر فقیر اولش در حضرت خالق و در دربارک و ایام شافعی
مدد و رایلیه حالا محافظه سربا آصف بلند اسعد و ملو ابه اهییم
یات حضرت شاد و ریک جوته دار تو لکه مقرب غار ندره برینی بیل
کوندر ب اها ماضیه حصول تحقق و استخبارا تکرارنده بعد از سنور
یدییوز غوثه قریب دفتر ایدوب کتور ریل اگر رضی زیاده به توفیق
و اتمام اولنور سه بر مقدار ترقی بوجفی دخی الی یوز غوثه و سبزه بجا و زجه
صوباشلیق رسمی حاصلی اولق کر که نواصی مرقومه قراستک محمولاته
شعر و حفظ مقوله سندن انجی تقیشمی مرتبه سی اولوب اراضیه
اکثر اشجار زینون اولمغله و استجدارک هر یوز آغجیده بیننده
متعارف رسم متعین اولمغله مجموع امور بر وجه نقدیه حصوله کلکله
ضبطی سهولته مقرونه حالا اهداغی قولکر وزیر موصی الیه حضرت ملک
رای الیه ضبط و تحصیل متوجه اولمشدر نواصی مرقومه ده اصحاب و توفیق
بودا عیله متعلق بر کسنة اولمغین اکاملتوب یازوب اهداغی قولکره
رهنمای طریق تدقیق اولمغینون سیار شل ایدیم انشاء الله برستی
فوت اولم اتمام امور دن صکره انشاء الله تفصیل اوزره فاکر غوته
اعلام اولنور بنم سعادت ملو سلطه نظام حضرت قرا کرک کیفیت

احوال معلوم و لکن اولد قدن صکره لطف ایدوب نصیحت پدری
اعتبار بیو ریلو لیس زهنهار امانت کیمب سیار شل بیوریه سن
زیر اعصر ده قدر امانتی بیور وحق دیانتی رعایت ایدر آدم نامور
در انشاء الله قریباً تبه تخی معلوم و لکن اولد قدن صکره کندی خدا مکرده
برینه بر وجه تقطوع تفویض بیوریه سن انور در غیبت واقع اولد یعنی
تقدیر به انشاء الله بر معتد اود بر وجه تقطوع تفویض اولنور جناب
الهی خیر لوسن میده ایلیمه باین باقی دولت و سعادت افزون باد **بودی**
سجده **را الیه حضرت بنه ارباب اولمشدر** سعادت ملو سلطه نظام
نور با صرة ابتهاجم اولم سلطه نظام نیک انواع فنون و کمالا تدریب
و طبایل و حصایل معالیه مذهب نسخه اندیکاب کتاب خانه
نظرات اولان وجود کرانایه لری پیوسته نیم آزه کیم رشته غایت
و شیمه پذیر شرف و عونت و حفظ نشین قرب سلطنت اولم و دای
لری احم شغال سبانه وزیر اولد یعنی عرض و انهار ذیلین نتیجه
رفقا رفاه سخن کدار بود که بنم نور ایدیم عنا یلو سلطه نظام حضرت لری
غایت یز آن و حفظ روحانین بهواره ذات عیدیم البشاکر
نکرین اولد دفتر و آرزاده علی اغا بنده کزده فرستاده بیورین کر فانه
علیه کر فاشیه سنه ایکی دفعه پیغوله کرین ز آویده حول اولد داعی
کهن سایی کند و قلم در تشاریکله یار و فانه خاطر برهمزده مرز شاد
و اباد بیور دینکون بی اختیار جو شش سر شک سه در پنج نهال خلاصه
اند ارا تیکل شاف رمیوه دار و عار سیده سدره المنتهی تلمشدر
خط و لیز میر یوز خود حرف بحرف رحوم مصاحب بشا خطک بشیر عیسی

اولمفلد چشم خرمه باعث تنویر اولمشد **بیت** مقصوده غنچه هیت
وار اول • کلارا امانده کل پنج اول • سر سبز قلوب درخت خنک
مولا • سن سایه رفعتده بر خور دار اول • با خصوص ملک هفتقدن
ارتی و سپهر ثوابته اعلا اولان حضور هایون شهر یار له ابد الله
وابقاه بو عبد کمقدری ز بانکه ارمه بیه و توفیق بیور دینگر و جهله
فراموش اولنه جی احسان و کلد بر بولطفک ادای شکر بیرون حوصله
قلم اید یکی بر بهیدر حضرت الله عظیم الشان وجود بر جور هاینک
مدتی الدهور آرایش سر بر سلطنت ایلیمه بوفیق تاجیزک او مجلس
قدسی نظامه مذکور اولمق نه حد در کند و کمال کرم ندر دعار عمر
و داندیک عامه مؤمنین اوز رینه وجوب شرعی سنده غیر بو عبد
نفیر ک عروق و اغصانه لغت و احکام بر عاکر بهشت مقر لیل بر
ورده اولمقین حالادعای عمر و داندیک سیر و نژاده بو عبد فقیر
فریضه وقت قلند بقی عالم الله و الحقیقه عیان بر بعد ارسین نه توانه
متناسبه و حسن تدبیر لر بله دعای خیر بر اغتنام باینده لطف و کرم
سما حلو عا طفتلو او غلم سلطانم حضرت م نیکد **در تبار نوشته در**
بنم سما حلو عا طفتلو سلطانم حضرت م طلوع کوکب سعور شهنزاده آفتاب
وجود شوقیل کارگاه غیب معیند ایکی نوقاشن تاریخ ظهور یافته
ماکوی قلم اولمقین پیچیده لغانه ورق قلوب نادئی دولته دستا ویر
کشفانه قلندر بمشیه الله تعی بر وقت مناسبه و عرصه داشته پیشگاه
جهان یناهی تلمق باینده رای و کرم سلطانم کد بنای حیات فقیرانه در
جات مزدبان حیات کد زانکین اندیشه معنوی مانه مزبلا به سعورن

عاجه اولوب بوم نه بیسته انجی دست رس میر اولمشد قصوری حوله
نظر ساحت بیور لمق دجور بر بوقوله خدمت و طیفه قدیمه فرا اولمفلد نه
اوسنه سارعت اولندی بنم نور چشم افتخارم نسخه خیر ابار شدیم
رکین رسیده نظر انور یکز اولدی ایسه اناطولی قضا تنه فایق افند
و عاجل زن مطالبه بهمت بیور سز ملاطیبه غلط قسامی ایلد مشهر
بر مثلاً زاده بو طرفه نسخه سنی کور مسیدی فایق افندی داعیه تحصیل
دسلطانه ایصال ایدر لر مدایج شهر یاری دخی اول نسخه ده ابقا اولمشد
باتی لطف و کرم جناب عا شاکد بنم عنایتلو سما حلو او غلم سلطانم
حضرت الله تعی بقر ایلیمه سعادت و تلو و تلو صدر اعظم بر یکر حضرت م نیک
بودای قریب الیه الفت سابقه صادقانه لری فاشی بودعانه خیر ی
عقبیده نوازش نامه علیه لری توار و ایدوب غیر خاطر کسیر غیر بیور بله
تجدید خدمت دعا کداری ایتد و کزدن غیر تاریخ فقیرانه کد بر صورت
اندر طرفه اولمقین اجتماع اتمای ضمیر انور لر بیه مورت کد را ولما
میغنون اندر طرفه ارساک اولمشد پیشگاه جهان یناهی به عوض اولمق
داعیه سنی خاطر شریفکزدن سز زده اولور ایسه لطف و احکام بیور
و نسخه سن اندر طرفه نخص بیور و بیه انکرای صوبی ایل
عوض بیور بیور ایسه بو عاجل کدی قوت ممنون کد بیور سن اولور
سکر دفتر زاده عاغا تو لکر اکثر اوقاتده بودعاجلک خانه ملائم
اولوب مقدمه ایدر لر مدایج الفت اولمفلد کند ولره دخی صبی علق خاطر
کسب اولوب سبانه و ز سعادت و تلو سلطانم مدایج اخلاق و محاسن
اوصاف نسخه سن اداره ایتده یوز لکن بود یاره و لیسته اولوب بو طرفه

و حنین ایلیم بولطف شکر زن بتر عاجزانه تقا کما ایلیم لکن بنم سعادتو
نور دیدیم احسان بیوریلان فرمان علیت نده بعد البوم یا مال قدیمیل قبول
ایدوب یا خود مقدر یا چون براتمه احسان فرمان اولمش حالایی اغاوغر
له اسسالی اولندی اگر مال قدیمیل قبول ایدر بولورسه اتقا مبارک ایلیم
لکن طالب ظهور ایتوب محصل عمره سنه قلمی اقتضا ایدر
اندرخی بنس بیگ غوثه شتری بولورلیک بزم سبانه تقاطری مقدار
اولان مانا چیزک انتقائی انلرک نه عمیقنه حندان اعداد ایدر مدی
بدیهیدر ره لکوعنا تیلو آصف اعظم افندی خضر نیک فاکوخته کستانه
بروض حالقی تحریریه جاست اولمش در غایبانه غمخوار غیرت کشمک
جمله دن اقدمی جناب سعادتک اولم چیا ضحیر کیر بر پیرده جاکیر در
سرای هایدنه شریف بیور و قلمر اثناده سعادتو او غم دخی حصه کوزه
حسن نیازلسا نیده و تفهیم کیفیت حالده مافی الضمیر کز اولان لطف
و عنایتی ابر او بود بر ما توانی سن هفتاد اثناسن عنایتله ایا و بین
الناس شرم و مجاہدنه رها دبر ات قدیمی ابقایه توبه تا مکر نیاز ایدر رز جناب
حق سزلی دخی هنکام پیر و ناتوانی اضطرار و اقتدار رز رما ایلیم بین
بنم نور دیدیم علم الله یحیی اغا قولک با در رکاب الین نماز صبح اثناسن
تلاشله تحریر اولمش در پیشانی جسم انزون اغاض حیم تساج بیور لموع
وجود برج کون مقدم بر غل نوزمین سرزوه اولمش هدیه سی شاعرانه
حصه سعادت اهدایه اجتر اولندر بایه لطف و کرم جناب کربلینکدر
بنم نوز دیده حیات او غم سلطخ حضرت غایبانه مشاهد توبه ها نه کز دن
ناشی جناب کز کسب علاقه ارتباط اولنغین بوسله خفیه بلکه معلوم شریفک

اولماق احتمالیله خیره مبارک اولمش توصیه مشفقانه پیری بودر
شوکتو کرامتو ظل الله فی الارض خلیفه روی زمین افندی نر نهار
وزنهار سبانه قیاس بیور میوب ولی قطعی بیوب خدمت
شرفین آداب اولیا به رعایت بیور سخر ختم الولایه المحدثه والکبری
الاحمر شیخ نجی الدین العربی قدس سره العزیز حضرت بلغة النواص
بنم بر تالیف منیغلرین السلطان اذ کان صالیا فهو من الاقطاب و اذا
کان من غیرها فهو من الابدال تغییرین نصیح بیور مشر در ابد آی
اقطاب دن بدرجه منزل اولان فرق نفرا ولیاء الله اطلاق اولور
بجدا نه شوکتو افندی درجه اقطاب دن ولی قطعی اولدیغنه قطعاً شتبا
بیور میوب اول نظرله ویدر بر انوار و انقاس تیر که لرندن فیضیاب
اولمش سعی بیور سخر مشایخک جمله ولایتلر نه سبانه و اراما انلرک
ولایتین قطعاً سبانه بو قدر حال موجود اولان مشایخ رسوم انلرک
درجه سن رو یا ده بیک کوره نر لرملو که ظل الله اطلاق بو اعتبار ایلدر غفلت
بیور سخر علم الله و شهادته بر کهنه یا پوشلر ایلیم کیر سه کیجه و کوندز
یوزیمه و کوزیمه سورب وسیله استفاضه روحانیت ایدر دم مرحوم
خلد شبان بدری کهر لری سلطان محمد خان حضرت انیک مرحوم صاحب
یاش واسطه سبل یکم سنه قدر حصو رها بولمخ ملازمت شرفنه
واصل و انواع التفات واحسانلرینه نایل اولمق میترا ولوب حتی
خطه ها بولمراحت بند کمال رفا هیتلر زیارت حرم بیترا و کز اما
اول ایاملر ده بو معنادن غافل بولند و غدن ناشی حال اول ایام فایزیه
تا سفا نده یم جناب کز باری بوسعد و تدر محوم اولمکر ایچون کشف

و تحیر اولند اما لطف اید بپوستر نام که کشف تمیوب کند و گزینم
اولمق فرصتین فوت اینه سهر باری جنا بکزه دعانامه تحریرینه فرصت
دو شمر باری جناب سعادت به حکایه دخی اید لم شوکتو افند فرک کراشته
دایر تحیر اید به هم حضرت رب العباد سهر سعادت و مؤید ایلیم ذات
هبا نولر چارساله اولد یعنی ایا مده هنوز ویدار مبارک کلین مشاهده
میترا و ملش ایدی بر کون قره اغاج بغیر سی جانیینه عنایت اوزره ایکن
مکمالا شوکتو کراستو افند بر حضرت میان شکوفه زارده جلوه اهتزاز
چیقش در در حوم بوز او قلی مصطفی است سحر اید یل مبارک
الذین با پیشوب یا نلر نجه در تیش کو یک عجب نجه مصاصیل کل
کشت اید رکن بوفیق را اید نلسا مبارک کل بله کل افند رجوع دعوت بوردیل
ابتداء ویدار بر انوار ایلیم انده قیر العین اولمق میترا اولد بوفیق دخی
سرعت ایلیم واروب دامن مبارک برینه رویال ایند بکده او نور جو اید ایلیم
یا قللی اوزرنده پیشگاه سعادت مده او تور و بغده تحت نک بریندن بر
زترین قوباروب کند وید مؤید لر بله دستار فقیرانه دغه نصب بوردیل
نکار دامن سعادت مده رویال ایدوب بونعیر له لطیفه شروع ایلیم که
افندم بوشکوفه نک اسمی اگر چه زترین در اما زترین و یک التور و یکدر
سهم اده لک احش اید بکی اوب بر زیند ویدر مکده انشا الله انه فی دیر
رم جو دعد بوردیل حوم سحر اید مصطفی است او محله بیدر یکد افندی
الله تعالی بونفیزون مشاهده اولد کرامات و غلبه حالیه صابر
بر ویدارینه بکزه مرضی بود قدر آدم کلر کن برینه نقیة تمیوب سهر بونقاة
تخصیص بوردیل قدر یکر بله کلر دخی من عند الله کرامت محض اولد یعنی بویادر

دیریل انشا الله تعالی نندن سهر فرزه بواند فرک لطف غظیمه مظهر اولور
سهر تیش بوردیل بو حکایه اولزماندن بر و صیغه تحقیقه نقش ایدوب
هر بار زبان گذار دعا ایدیم بنم سعادت ملوس طام او غلم بونقیرات
رایحه کذب و طعن اولمق معنایه حبیب کورینور اما علم الله و کفی
بانه شهادت واقع لکالدن بر حروف زیاده و کلد ملوکدن طبع حیات
عیب و کلد را اما ما شاکه تیش یا شند بکزه طبع زحارف دینور ایچون
ارتکاب سیاهی دروغ اولد ایچون مقصود شوکتو افند فرک کراستلر
بیانله جناب کیمنی خلوصه تحیدر الله اعلم شوکتو افند فرک مظهر لطف اولمق
جویده تقدیر الهی مسطور اولد یعنی التفات سابقه لرند زمسته لدر اولد
واسطه و عد بر سحر اید اولوب شمر دخی مفتاح حصو بر سحر اید او
علم نک وجودی اولد یعنی دلیل واضح ایچون مقدمه و نتیجه ده مؤثر حقیقی
اولا مستبب الاسبابه بونفیز ایدوب قریحه هاتون صدوری
نه ایسه انکا منتظر اولوب بوفیق ایچون تجویز تصدیع بیور مده سهر
بیت اندرین کارگاه بوقلمون • کل ادر بوقته مرهون **بیت** لذین
بود حکایه تو در از تر کفتم • چنانکه حرف عصا کفت موسی اند طوره
شب رفت و حدیث ما بیا یان نرسید • شب را چکن حدیث ما بود
دراز • باقی همیت در سایه یزدانی آسوده باد **بودنی یا زلمشدر**
بنم ملوس سعادت ملوسما حلو نور دیدیم او غلم سلطان کریم لخصال
حضرت نلر سهر نه نشین روحانیان اولد بیکاه بهشت آیینی
ترا نه ریحان دسته دعوات حور ابسنه شاری عقیبندن عوضه داشته
داعی غایبانه لری بودر که جناب نسو بخش کارگاه وجود جل شانه

امام سید محمد علی قزوینی شاهنشاهی اولان یکنه که ذات
 کران قدر لرین پیوسته آرایس دست رغبت و پیرایه و شایسته
 سعادت ایدوب مرکز عالمینک غایتی و رتبه سبیل نیک نهایی اولان
 مدارج وسیع مناصب رفیع ایلده سرفراز ایلده این ساعده فقیرانه
 مزجایلی اوصاف سینه لرله مزین و معالی اخلاق علیه لرله منقش
 اولدیغندن فضیلتین انداز صانع افاق اولان اوازه فضایل
 و معارف و شهرت علوم و معارف مع اکوانه لبریز ایتدیکندن
 بی اختیار خانه کهنه غبار بسته دل وقف دعای غرور و دلت لر بلند
 بنم و تلو سعادتوساطم حضرت اکره حرم ساری شهر یاری پرورده
 لرند و کلوز آتا و حرم صاحب بشا حضرت نیک کتابنده اولدوغری
 تقریر بله سنین کثیده اوقات جیاتر سر عاده شهر باریده کدر ایدوب
 حرم سحر احسن بنا و سبیل محرم و بوز اوقلی مصطفی بنا ایلده و سایر
 او عصرک خاص اوده اغاریلد ایتدیکر لطیف اینر جسد و مغفور له
 جنت مکانه خلد آسین سلطان محمد خان حضرت نزل نایل اولدیغری لطف
 و عنایت بو کوشه خلن سربایه جیاتر سر عاده را شراح فقیرانه
 اولده و ربنایین اول وایره علیه اربانه خاطر بخت باده اولده بی
 اختیار اولوب اوقات جیاتر بنا به فرس لفرین ارواح مطهرینه و بایک
 دعای خیر لرینه تعین اتکی شرف اعماله ایتدیر در بوندن سبیل خیر آباد
 نام کتاب نوقاش بار انداز حد بوجها بنا اولم از وسیله لبس نظره
 جلوه زوشتن و لته عرض نیاز اولدند و متعین عبودیت نامه ده رضا
 و مهر و خلقه کوش عبودیتک اولد و فتر زاده علی اغا بنده کونک

خاک عتبه عرض خالنده تعجیل اولمشیدر لکن افرینک عدم ظهور رزن
 وصولن اشتباه عارض اولمغین تکمیل بقصد بعد اجتر اولدور اگر طرف
 آصفیدن رکاب هایلونه عرض اولوب استعطف مکالم شهر یاری
 اولور ایلده تلو ساطم کتاب مرقومک خفایا و فرایا لطایف معنیه
 حضور هایلوند مزین ظهور انا ریزه باعث اولمکه ایتد وارم بو
 خصوصه اولان احت نر بوجا بنده کست خانه و بی تکلفانه خیر
 دکر عفو ایلده اتم بوز لمق بابن لطف و کرم جیب کریم الشانکدر
 در کنار نوشتیم بنم عنایتوسفا و تلو نور با صره ایتد هاجم اغا و غلم
 ساطم حضرت غریب کاه نر هفتکده مینو اولان ساعده نادنی دلجوی
 لرینه دست تعظیم شتاق ایز ایلده وضع شکونه دلدر دعاء اجابت
 نوز مینیلد عرصه داشت دعا بودر که طرف اشرفه و سبیل تعریفات
 آصفی ایلده صورت پذیر اولان رابطه انجذاب غایبانه بیانی
 کرار اسبق اتکله محتاج کلفت بیانه دکلدر آتا بر مدینه بر و نواز شتاق
 استقلاله دکل خواشنی مکاتیب عالیه بنده بیلده حصه سلامه عدم نیلر
 نوعا معانی نیل و تفانی ایش ایدر یک افکاره موددی اولمده
 در عرض تحریک سر رشته مجتهد و الا طریفیند سر زوده اولان
 شوق و خلوص غایله نشیاندن مصون اولجفی مجذوم و مدبر بر ساعت
 مورا تمر که مجلس خاطر فروز آصفیده محاسن اخلاق کریمکدر تکرار
 و دعای خیر کیم تکرار اولمیه هکاه جناب الهینک حفظ و امانت معین
 و پروردگار خواه سبیل جهان پناه فاقا بنم مستدیم او کسز باقی اتم وارم
 بکام باد بودنی بکونه مکتوب بخت او سلویدر سعادتوسماحتلو

و تلو عنا تلو اندم سلطانم حضرت نیک ارفع مواقع فضل و کرم و امن
 مواج علم و هم اولاد پیکاه دولت پناه و سعادت دستگاه پنهانی
 و عا همکار قدم قلندری زمین مودع داعی و بدم بود که بنم و تلو
 سما حلو اندم سلطانم حضرت جناب حق ذات کریم الصفات کز نگاه داشته
 و قایم امن و عافیت ایله بودا یکم حقیق اولی رابطه نظر عبت و التفات
 شه تیاب انام اولمغه خاک پاره لته نشسته و مار اولمغه و عانامه فقیرانه
 مزو سبله و خول مجلس عا اتخاذ اتمه به هر بر خواسته کار بنیقه و خول
 مجلس اولوب بود داعی کیسه نک سر شسته و دخی قوت مدافعه نمایاب
 و اظهار جواب یاس مؤوی شرم و حجاب اولمغین بالضره و سعادتو
 سلطانم غلبه عفو و تشا محلیه اعتماد اگست فنی تحریر و تصدیق و انجا
 اولمغه بنیقه رسان فراغت حسین اغا بنده کز کنده شسته مجریه بنده کانه
 مخصوص اولمغین شایان نظر اکبر اثر بیورلوق امدده لطف سلطانم
 سلیمان پاشا زاوه یوسف بک بنده کزله دخی خاک عزته و عانامه تحریر یله
 اولمغه تصدیق بک تکریر عفو بیورلوق نیازنده اولمغه و غیره گاه
 ابرام اجبا ایله بو گونه تصدیقاته رخصت علیه لرصد و رین مشوا نشان
 سببه لرینه امیند و از اولیاده امر و فرمان و لطف و احسان و تلو
 سعادتو تلو سلطانم حضرت نیکد بود فی ربایا چون بگویند ملکوتی عا اولمغه
 سعادتو سما حلو عا طفقو عنا تلو سلطانم اطلال الله بقا حضرت نیک
 درجات و مراتب دیوانه خانه دولت و اقبال و خطوط جبهه تعظیم
 و تواضع سپیده و ساقه صفه باب سعادت و اجلال و پنهانی تکریم
 و تفعیل مالیده ملکوت اتم و طایف متعینه اوقات و اولان و عا و دام

ذات عالیجا هر اراسی عقیبنده عوضه داشته داعی متفر و الاختصاص
 بود که رقبه رسان فراغت مالوف قدیم سر بر این درگاه عا
 غولوبوسف بک بنده لرر عنا تلو سلطانم خاک خاصه بنده صادق
 و داعی متحقق و مستحق اولوب است کتاب بنیقه فقیرانه مزو دلتو
 سلطانم خاک عزته و سبله ملاقات و واسطه نیل التفات عا ایلین
 کست خانه تحریر اجزا اولمغه شایان نظر التفات بیورلوق اغظایب
 عا جوانه مزو بنم و تلو عنا تلو اندم سلطانم حضرت سلطانم شوق
 مطالعه التفات بنده قریب کتر از فقیران سر زده اولمغن بعضی سبزه
 پزمرده افکار پریشانه بلا واسطه خاک پارس عا رده عوض و ارتا
 حجاب اولمغین غولودری افندی و عا جکره تحریر و سلطانم مجلس
 بهشت آیین عنا تلو بنده رفیع و ایصال ایچون توصیه اولمغه رسیده نظر
 اکبر اثر یکز اولمغه سبزه کوشه چشم التفات بیورمغه امیند و از
 سعادتو تلو صدر جدید حضرت نیک شریف مسند وزارت بیورلوق
 ایکی تاریخ جعفر واقع اولوب لکن یا دخی کذا راتمس بولوب یا خود
 عدم رغبتلرا حتمای مانع ارتال اولمغن ایدر یوسف بک بولکر استحقاق
 ابرام اتکین یوسف بک بنده کزله ویریلوب لکن بتلیغ و یا تفاهل امر
 و تلو سلطانم رای عالیله بنه تعلیق اولمغه را اولیاده او و فرمان
 و تلو عنا تلو اندم سلطانم حضرت نیکد بود فی ربایا چون بگویند ملکوتی عا اولمغه
 وزیر ملکوف سعادت آیات که بهر خدایکس از فرزنده
 علی نام اول آصف بک دلیکم شناسیله ریزان ایدر خانه قند
 بسند ایلوب و آورین سلوکن تر آرونی ظهیر بنه ایتدی بیوند

سجدار لادن چراغ ایلد کده • اولوب نامی آصفیه خرسند
 چمن زار جان و نهال وجودین • ابد حضرت حق همیشه من
 اوله سینه جلد و سن پر برجا • کلمات اقبال باهنده کلچند
 زبان زمان دهان و پیر تاریخ
 دعا ایلد بای و زیر خرد مند
 خاک غرتة مالش روی شرم ناکد صکره عرضی کینه لری بود که خیال
 ادصا و ذات علیت ندر محکم تحلیله ده جولان اوزره ایمن لفظ
 وزیر خرد مند تمام ذات بینا لایه مطابق معنا اولوب عجیب تاج اوله
 اراده سحر فکر اولد قده تمام واقعا اولمین خاک غرتة لباس نظم عرصه
 جارت اولد خرم سلطانمکدر **در کمال نوشته** در بنم و تلو سعادتی
 ولای النعم اقدم سلطانم حضرت صاحب الکی کوهر کجینه مفضل و کمال اوله
 ذات کریمین محفوظ و قایه الامن عنایت ایلد ایمن داعیلین قت
 قت غرق بی شرم و احب بیورش دعا عمر و تلو تقدیم جمله امور
 طلوع التزانی درون و بیرون خانه بنده کی به سرایت ایلد کی خدا عیان
 جناب حق همیشه ذات سعادتمین قسم سرآت دعا کویان ایلد آمین
 بحوث اشرف المرسلین **بیت** ای لطف خدا دایره کرد حرکت • وی
 خطا کار خاک بوس تلمک • ای آصف بیعدیل افروزه • بکدر برنی
 شوی رو بهای قدمک • بنم و تلو عنایتلو سعادتمین سلطانم اطل
 الله بقاء حضرت فاکبار سعادته خام مشار و دیار از صکره مودع داعی
 کمتر نیل بود که تاثیر تقدیر ایلد بلا فخر افتاد و فیض جانب استناده
 شتابان اولد یغیر مسجع سعادتمین اولد **بیت** اگر چه کوشه کرنین

قناعت اولمشید • و یک رومده باقی نصیبز و ارامیش • اگر چه
 مستجاب بر نیه محقق امار و مال فاکباری دولته مودتی اولد یغند نمونه
 تقدیر زور و تلو سلطانمک جاذبه شوق مجلس عالیله واسطه
 پر درازیم اولد یغنه انشا الله شعیب النوریزون زیاده ش پر اولم
 رسانند عرضی حوثره ارسنده لرر خیمه فریبکا هندن گذارا اوزره
 ایمن بعد الاستیجار قفا سندن تا خیریه بود مقدار عرضی خیریه امکان
 اولد کی کست خنی بی تکلفانه فرغویور لمی باین لطف و کریمه متین
 مواظبات و معانیات حق حضرت سفاها قرینا سیر ایلد ایمن باقی
 لطف و احب و تلو عنایتلو سلطانم حضرت ملکدر **بر غنی و آرا دور**
 پیام فرده لطف کشف ده کوش ایلد قبا ی دلکش تبشیر به بسته کوش ایلد
 نظیره اولده قلم تلو طومانه نفس نفس فورانه غده خوش ایلد
 اودر سفینه امانی ساحل بایسه برایکی کون دخی لیا طرا ایلد رویش
 دام اولده کرمایه خیالده تن برینه سینه یاس جابه بوش ایلد
 قرار کوردیکی بودی کوسفند انعام
 ایلده ایلد دن نابیا و خوش ایلد
وزیرت را نهیه استانه ده ایمن بر تذکره سید فاکبار کیمیا سکا
 وکی النعمی به هزار شرم و حجابله مالش جبین نیاز مندر نمینده عرصه
 داستانه بنده کستانخ بود که **بیت** شوق صبرین ایدر هر صدر با غارت
 تلاش خاطر امید واری بر بیور • صدای اوزره عنایت رامن بوس
 دسوسه استنفاک و انکیر اولمین کستانه خیر عرضی اجرة النور
 خیر مذاکره بیور بنده ملاقات واقعا اولمین بهر حال کیفیت بریش نمر

زبانه استخبار بیورلی احتمال دارد در جای خیر جواب و میباید
 ترک ارب مقوله سی اول یعنی معلوم بنده گزدر لکن بوسید و دیار
 مجلس والایه رخصت علیه از زان بیورلی عضا محقره فرمان
 مقامند بر ورقبار جوئی قلم مبارک کلامه لفظ لا و غیره بر بستی
 اثرت بیورلی شکین اضطراب در و نه محو بنده که به غایت
 بیورلی العار یکینه الاثارة مدلوله اوزره تسلیم و راحت
 کسب اول یعنی معلوم عایل برادر و فرمانده و سعادتمند و سلطانم حضرت
 نیکر **بود فی ثانی الهیه بنده سید** خاکای ولی النبی به عرض داشته
 داعی گستاخ بود که وایمه نقلت قوافل زوار ارجاب تواریک
 بنده کار مخصوصه دخی بسیار و پروانه کار انوار التفات اولیایه
 سامعه و بامره به موجب اضطراب و اضطرابی اولیایه اکرایش
 اجتنح صحبت رخصت و خلوت خاصه در مقبره و نه سعادتمند و نیت
 و ارایه رامن غنیه و مایه کرسنگاه مرقوم استحصار غدار
 و مایل بنده شتاب اتم اعمال در فرمانده و سعادتمند و سلطانم
 حضرت نیکر **بود فی صوب ولی النعمه بنده سید** عبار قدیم ولی النبی
 مالش پیش نه ضاعت زینده و ضعه داشته داعی خاص بود که بنم حلال
 عنایت نمودم سلطانم حضرت غایب تغییر هواد بنده چند روز فراخ حقرانه
 یا مار اخلاف اولیایه سعادتمند موجب حرم اولیایه سعادتمند
 عنایت اولیایه نیکه حیات بخش از شفا بر الساعه اولوب
 کسب عاقبت اولیایه فیاض مطلق سایه عنایت بر سر بی سامان
 زایل المیه فرموده عاکل اوزره انشاء الله قریب ابیات مظهر به خاک

غنیمت به ایصال اولیایه تاریخ ملاحظه سی مؤدی تأخیر اولیایه ابیات
 بوکون صورت بدید اولیایه حاکم ایدی فتح امور به تاریخ دلارایه
 موفق المیه بالین اباب و درها سفاین شاهده بارانه مضایقه
 جلد در میکنند همسایگان سواهل هر کون بری دعوت اتم در لر
 حتی بوکون بجای افندی زاره و اعیکرت دعوتنم بولند لکن علم
 الله سلطانم رومایت مجلس عایل نیک انشراح مغنوسی بر
 جلد شاهده اولیایه محالدر باقی لطف و کرم و احسان عنایت نمودم
 سلطانم حضرت نیکر **بود فی بنده سید** خاکای اصفانه لرینه سایش
 بیت فی تضرعانه عقینم و ضحاک داعی تا توانم بود که اگر چه
 و نتوانم سلطانم ذوق حرمه واسطه حرمه اولیایه انشاء الله و کلی اما احتمالاً
 سلطانم دخی طبع شریف بنده حرمه کلال کلوب صحبت بیرونیه
 نوعا انجذاب و ارایه شریفه استیجاب نیا اولیایه کند و
 امور فقیرانه و آیر خاک غنیه و ضحاک موجب حالت اولیایه کسناظ
 از تکانه جات اولیایه فرمانده و سعادتمند و سلطانم حضرت نیکر
بود فی بنده سید بنم نور دیم غنیمت و غنیمت سعادتمند اراغ حضرت تارای
 قواعد سلام و دعا و نصیحه انها کرده بدی بود که وطنه اولان
 رمانوا حین حضرت ابوالبر صلووات الله علی نبینا وعلیه بهشت
 بریند هنگام خود جلنده ابتداء وضع جفت و زراعت بیور و قلمی قدیم
 نام قریه اراضی سندن بر فرزند مخصوصه ده به سار حاصل اولیایه
 طبع اولیایه بولفور لدر برادر بنم برایکی و قیه بنه کار سالانگی
 و نتوانم ترک مطیع عایل بنده پلا و معهود سیمان طبع ابی حضرت بنم

کوندر که شفای خالص در کت محض اید یکی کراراً حجت و بده غریبه الهی
 بینش معروف و مشهور در خاک و خونی و غرض استندانه طبع ابد و یور
 ایه رای جناب کوندر بنم او علم خاطر در کتکله حاشیه به تحریه اولدی هم ما
 بجه فطیله هم ایوب بنی صلوات الله علی بنینا و علیها شفا یاب اولدی
 جاهک ایلد اعلا اولمشدر **بودنی بر کوندر سید** بنم غمقوا و غم حرنیه
 واران حضرتی بعد الدعا تذکره ده و دلتوا فقه منقوی مرر استر سورش
 سن کتور ستر یا کوندر ستر جو تصحیح اولمش از اگر صورت به روح مشابه
 سنده اولدی غمقورده ناشی بر دخی داخل دلوب سید کتور کت فتم اولدر
 اقا صراط استدلال اولمغه اولدی مدیغند روح ستر ستر ملازم و رکاز
 اولمغه صورت مخدومت و عالیزه قلندر **بودنی ر الهیه بر تذکره سید**
 بنم غمقوا و غم حرنیه واران بعد السلام خاکهای آصفی به بود مقوله نابیز
 هدیه ارک نوعاً سوادب اولدی غیظ هر در اقامه شهر یاری فاضله آفت
 مسطور اولدیغند ستر ای جسم التفات اولمق احکام مؤدی جارت
 اولدی بده بعیده ملاطیبه دیز بر کنه کتور شتر نکوه بر شتر باقی الدی
بودنی ر الهیه بر تذکره سید بنم غمقوا و غم حرنیه واران بعد النقا
 و دلتوا لی النعم حضرتی چند روز مقدم بود اعلی بنیه بر ماده کت حرنیه
 اشارت سید بر ملاطیبه بر قی کوندر بر و اما ده قلندر لکن طرف اشتراف
 اشارت منقطع اولمغه عدم ساعده مزاج کریمانه حل صحنه ظهور اید
 و سوسه داعیلین بقرار اتمکله مزاج عابله کیفیت اوزره اولدیغین
 لسانا منقده سینه کزله افاده بیور لمق مسؤلر **بودنی سحر اغانیه**
یا زلمندر بنم غمقوا سحر اغانا و غم بعد الدعا و دلتوا لی النعم آصف بلند

جناب افندی حضرتی بن الله معزایله بود اعلی بن انداخته خاک اید
 جکند ضمیر النور لرینه و غمقور عارض اولدیغین مقدما اشعار بیور
 ایدر انشاء الله تعالی انک توجی والتفاتک بود اعلی بن ایدر آت
 قوت باز و ایتکله ضبطه تحصیل قدرت محققه راجعاً بار کیر سن
 بنی ب ط و دیزو راحش مدینه و در ایتکله سبب اولور رخت و بوط
 کرافت در صله بویه بساط کهنه فقیرانه چون آلوده به گرفتار ایدر
 جو امانه زمین انداخته اید جکی و سوسه سی ایجاب ترود ایتدن
 کاک و کلدر واقعات ده بر و با پایانه بر کسمه ایلد بر رخت و بر اگره جتیا
 جمر محققه رکابز و ابر بر کهنه و نا هوار در انرا اچون محتاج سوی اولما
 بایده لطف لینه جسم داشت توقیر در کندر لطف لرینه کت فاضله
 ینه عفو لرینه التجا و لنور باقی عزت باد گوشه و امن و لی النبی به
 مالش چیده زرد سرشک الور بیهارانه ایلد هر کت سحر بهار قلندر
 زمینده عرضده داشته داعی نماند انرا بود که نجیسه زمانه عیث ندر
 وار داد لک غزل نو زمین سبانه و اصل عید حرنیه اولمقین سلطان
 شوق التفات مزاج بی شعور به افاضه روحن تازه ایتکله امتثالاً
 لا اعراف شکسته بسته چند مقال بیای پیشگاه سعاده همبار عرضار
 قلندر بنم و دلتوا سها ضلوا قدم مالا بو عید داعیلینک سر ابا اعضاء
 ظاهره و باطنه ستر نفی و نفع عارض اولوب کریمانه انقاس حیاتم کتکن
 مله پنجه یاس و امید ایلد کز زانکده در بو غرقه کاه قناد بر دخی و اصل
 ساحل نجات اولدیجیم ابد احتمالدر بر ایکی طیب ماذق ستر مزور
 دایره ستر غنیا نمده و در اولیوب عطر لیل الاله نام تدبیر آت

مشفقانه اهتمام ایدر لرسته وار ز آج مقدره دن بقیه دخی واریه
ساده حیاته بر مدت دخی امید خفیه الهیه دخی بعید و کله رکن
بر ایکی اویله طبیب و سوزده طفر بولوی بودعا جیکرک وسع اقدارنه
خارج اولمغه محتوسلطانم طرفته حکیم باشی اقدردی جکرکه اشارت
درونه صدورنه موقوف اولمغه کست فانه عضیاله جیات اولدن و آلا
بیت ادش حسنه سوبلک اخوت حقن طلال السونیه دلدنه واریه
رفع غبار غم طلال السونیه اخوت قالم اولم محتمله رباعی لایثا سولمین
روح آتیه ایلد ایتد کایم سلطانیک توبه درونلیدر پیشه وانه بوجو
عفو بیورلوی موجودر منظور ستریفک اولسم یومرتیه دخی امید اتمه ایدر
باتی لطف واحد افندیکنده **بودنی کوندر مله** سقا دتو عنایت حقیتلو
نور با صره استهجام افندرا و غلم سلطانم حضرت نیک کماره پیشته عنایت
کار لویه دست نیازه درویش نه ایدر وضع سکونده دستنه ثنائی لایق
عرضه داشته داعی بیرا بودر که بنم مایه طراوت صدیق حیاتم اد غلم
سلطانم حضرت جناب حق نقاده اخوان صالت اولانه طلیت پاکیزه
لین الایش غبار اکرادن ماحصونه و کماره ذیل اقبالین تعلق فار
خاطر ازادنه ماموز ایلیم آیین بوداعی ناتوانم ازادنه سر زده ظهور
اولانه معالک عنایتلر بود جمله فراموش اولم یوب سبب از اولار
و عیالمله التزام دعای عمود و لکن اقدم امور عجز ایدر یکی مخاط علم خدا
دنه عفو در حضرت کریم ذات کرم سترشتلین مرکز عنایتنه زایل
ایلیه آیین اگر بقاطعه مرقومه اشدا طریق تموه سبیل ما رستمان
استیفا دخی قاهر ایدر یکی تحققدار آیین الناس تهی قلمی عینی ایدر آباب

جلد تموه کلوب میا جعدن برسی تهی لکله قلدیغی کیه و بلکه رستن
نجه طور رکن سن لایق دکلین جو الندن الوب غیره ویرک مور
اضطراب اولم یکن دستگیری عنایتلر ایلد اول دغدغه دخی وارسته
اولدینک تشکر مقاطعه نک عدم استیفا سنه واسطه نیل اولمده
در آما انشا الله بعد ایوم جانب مصر ویندن سفایین امید فرمالا مال
اولوب لایق نفس الرقص من قبل الین در ویدر لکله اولمغه ایتد
وار ز غرض تشجیه خاطر ایدر تحریک سلسله لطایف در و آلا از راج
مقدره نک عدم تخلفی مضاکرده یقین دین ایدر یکی منعیندر نبضه
رسان دخی فتی زاده بعد الله افندرینم کز سلطانیک سیه سعادته
افتخار ایدر بنده مخصوصلندن اولم یکن واسع سعاده رویالده منظور
عنایت بیورلوی بوشنا درک دخی طایفه من التماسیدر حاضر مجلس
خلیل اغا قولکر گوشه واسع سعاده لب ایدر رویالی ایدر لایق ایتد
دولت و سعادت آیم بار **بودنی یازمله**
اغای علیش حضرت نیک الطف مواقف عوت و انشرف موافق
رفت اولانه نادری و الا فتر لکریه تقطیع واپنه و تکریم کاینه
مقرون دست آویز دعوت مقبوله و ره اور و تحیات بشموله شاری
لازمه پرسش خاطر نماز کتیر لایق تمهید اولم یکن سبب ایتد بر داشته
شناوری بودر که بجه سببانه و تقا احوال بریت از کتب و جو ظهور
اند و در هنوز شیرازه کسلی عافیت اولم یوب نوبت جناب سعادت
اداره اوراق محامدا خلافتیه فانه زیبا نمه حاشیه نویس دعا و ثنا ایدر یکی
علاقه دقیقه دآن عنانکزه ناپوشیده در بنم نور دیدم غیفر سائک

پتہ

و اما در
عنه من طلعني قبل ان يركب و قد اقصيت عليه ملاحة
و جازة و سعة الاكفاف كمنى شاك شذو الزغب و الج
اولاب سرامة مقراض خامة تركب اليه بالباب اولفتم
وجه و مشعر و انزل جاية فيمن اليه بالباب اولفتم

ادب

و محاسن اخلاق کاروان سراسر معنی ثنای بی وصل اوله فیه
 کشفی دعای غایبانه ایکن حال اذلب متولبی اصداف دعا جگر حله
 کلوب ذات کریمه ک فضایل و معارفه استغفار این با خصوص نظم
 و اشعار و لغت شریف سید الابراره تو غلک زبانش بود اعی قدیم
 طرفه توبه کلی و انجذاب طبیعت کن نقل ابوب حتی بعضی آثار متبرکه
 کرمی جانب ثنای بی بر ارسا نیشده ایکن عدم معده ارغای پرده
 نیاید و تاخیرانه یکن اشعار تمکله ضمیر ثنای و ریده اوله علاقه اظهار
 غایبانه ضمیر مایه نمائید و استحکام اولوب باشند و بی وجود معارف
 الودیکر التزم اولمشدر مقام غفور فحده معر مستدام اوله سطر فیه
 واقع اوله علاقه ارتباط و انجذاب طریق کسبه وجود پذیرا و ملش
 معارف اوله اولیوب بلکه علی طریق الارش صور تباب اوله احوال کن
 اید یکی احتمال بعض مرتبه کوش زرعینه کز اولی کر که ریز ارجوم و مقننه
 لهام عم بزرگوار عایمقدار لک جالس عقبه لرنه گذران اید تعایش
 اوقات و نایل اوله بغیر الطاف و التفات در به حصه صادر و رجوم مذاقی
 سلیم اقد و اسحق اقد و فیه اقد و ریس اقد و سب اقد و سب اقد و سب اقد
 عایت نکر احدیت و رجوم حضرت نیک مجلس کز لرنه سبقت اید
 مذاکرات اشعار و معارف و محاورات نکات و لطایف تحریه اوله
 بر مفضل کتاب اوله بر فقیر مایک و عم عایت و بر ریس العنود انکر
 مستغرق انعام و استناده بر یز بلکه الی الان سربایه نقیضه انکر
 تراشه اقد نکر بر علم انه هر سه روح شریف کچون نیجه دفعه ضم کلام
 انه اید رکت ملتزم و بر تفصیلات فی عیز تر سبب دعا و عود و

ایم شغل در حال شوق تو جهنم بالاده اوله چند بیت برین
 نظام ظهور ینه باعث اولوب پیشگاه معارف ینه عرض اولمشدر سیده
 در به حسن قبول بیورلی وجود مستوله ربانی آیام سعادت و رفعت
 مدیدر بار

در کنار نوشته در

بنم دولتی و تنویر و تنویر اقدم سلطنت حضرت بعض آنا علیه کزله
 سرفیاب اولی چشم داشت انتظار و در لازمه تقریبه صرف
 اقدار اولمش باعث افتخار یز در ربانی سعادت باد

بود فی تابی انذیرین بر اسعد و اوله تقصیر در

الف که انجن حو و نده سه اند در • بر چهار سعادت سر نه کی مدور •
 نه کلو صدر نشین حو و اوله سه ینه • حروف و یکرا لیه رفعتی محمد در •
 عباد و کلمات کتاب عالمده • نه کونه و ارایه ترکیب اصلی مفرد در •
 سطر نسخه تفریف عالمک سرایت • عناصر رده و باجی و هم مجرور در •
 بود سخانه عالمده زمره انس • بقلسه هر بر بر بنسخه مجلد در •
 نه کلو ماضی افعالک مصد صیفک • کهنه لنور حرم مستقبلی مجد در •
 عجیب زید نوله غالب اوله عرواده • که زید فرشته رفعله مؤید در •
 عجیب که سلم ایکن عشق علتدن • هوای علت عشق انگه شتد در •
 حروف و نقطه و ابر و حاله اینه نظر • مجاز در حقیقی به چونکه ابجد در •
 جالس ابله ناکیه زلفی جانانک • که غایب کله لامله مؤکد در •
 اید رسیده نوله شتد صورتی ظهور • که راه طره سی اوله شک مشد در •
 خلوص و اقد لازم عشق باویدر • خبر کلامه جون مبتدایه مسد در •
 بو اصطلاح علوم اوزنه شومازه زمین • که نولیا سکه بر ما هر دی کلخد در •

کتاب
 حجت دهان غفر امید در ضربه سر و در
 وزیران ندان اقبال در عقده علامه آرام
 اولمشدر خاله اولیه
 همیشه دولت و اقبال تو جاوید باد
 در که توفیق امید باد
 همیشه خواب طلعت تو آراسته باد
 سباج بمقدم تو میراسته باد
 و عدم ساعت بساعت با دقتش
 و غنمش صحن شیشه ساعت خیره نکند
 قید قرن بارگاه رب العالمین
 و جارت آیین روح الامین
 اوله دعوات صافیات اجابت آیات
 و قیامات و اجابت استجابات غایب
 الخاف

زین گفته باغ خیال نابیدن • هدیه نظر پاکت میرا سعد در
او بر معرفت انروز دانش را کیم • خصال آینه صورت آب و جدور
ابندم ایوب و تانی عازم حرف • هیت مشغله نظمه مقید در
زین شعده اتمش تخلص بحر • که روز وصل شب هجره مشید در
مدام لغت سربزه توغل اوزره ایش • که نغمه صرف نفس دولت محله در
عجیبی اولدیر زبردستی ملک کار • قلم مثل فنون هزاره ذی الید در

ایا ایر کرین اول ایر علم دین

که علم اناری جمله دن موته در

اولور می هر که حس طبیعت ارز آئے • طبیعت آینه روح فیض سرمد در
هآن الی علم آل خوش فیضی سیر اید • قیاس اینه که بجای فیض مندر در
خدا معتراید • خاندان غرض • اونس باکی که بر بر بدن ارشد در
هیت اوله فردوز آن حیرت آفتاب

• او در مان عظیمک جو در بخدر در

بودنی کو بر بی ز آرد مصطفیٰ بک افغانی سعد که در

سقا و تلو سماحتو غنا تیلو بر تو با صره حیاتم و کل رستا رباهاتم اولان
بک افندم خضر نیک ملتقی الابر جا • و جلار و جمیع الجوامع فضل
و کار اولان پیکار معک دستگاهینه که شخه نهذیب اکابر و اید
و مقصد افغنی انافضل لبیدر انواع تعظیما کافیه و اقسام تلکیمات
شایفه دست جوهری اخلاصه تا موس صفتدیر مستخرج از دروغات
و مطالع صفودن طواع غزرت حیات شایفه متعاقب صود مصباح
بامداد طبعه زن نفس اولان شمس المعارف غاظم بنا کار پرستی بایان

صحیفه اخلاص و مقدمه آینه اخلاص قلندر جناب حق خلاصه
کتاب خانه آداب و اخلاص فن رشد و صواب و لآن و جور اکمل
جوداند و در این و قایه حفظ صد آئے سنده عوامل اکرار و نصیحت
علت این روز کارون مأمون ابلیه این اکر بود رسه نشین
حول دور سخوان منتهی اصول و عا کر خوبه صرف کلام استخبار
و حواله لمعا نظره استفسار سیر بطور لبیک بجه سبانه و تعالی
بنای ذایع ضعف بیما هنوز و آج عالمه صحیح و سالم اولوب ضما
دعای عمر و دولتر زبده مقصود اید یکی طبع کشف و دین روشکاف
بیضاوی انوار لرینه نابوشیده در خبر صحت حرکات شمس ذاتینه
اداره عضاده سطرلاب انتظار و مطالعه صحایف مواقع الخوم
لیل و نهار اوزرد ایکن اشرف اوان و اسعد ازمانده ناکاه اجوار
ممرات معضرات غیبیه تقویم بنات فرمای کرمانه شفا بخشار
نازل و تلویح و توضیح و اشارات و فروع و اصول اشک و نکاتنه بطور
قانون اطلاع ثا در حاصل اوله قدیه اخیار منار زبانه مشا و ق
و مبارق و عا ربه توفیر و مجالس شهنشاه اوقات صور شایر بر تصویر
اولمشر جناب حق اول مخبر شهاب و نظایر و اول نجده مآثر و فاف
اولان زآت ستوده صفاتین مراتب سعاده و مقیم و انداز نقیحات
تجلیات منهای عافیه مستدیم ابلیه این خفا که مالک کینه هنر و صاب
حسن سیر اولان طبع بخار لرینه علو بلند هم رنگ صایب و عوف و سلیم
وانه مطول و مختصر شعر و اشاده ثالث و صاف و کلیم اولماین قلب
نیم و در سن مستقیم رستای شایر جواهر تحسین و سحیه غیب بین کرد و دین

نشیند شایای انداز استعده هزار افزید ته قیقات مقامات و بر این
تاریخا خیال نه پیوند و طبع کر سته ایام نغمه الله انار نمیکند به خو سندر
ایدیکی مسلم جاشنی شناسا طبع عوفان و جمع علیه ذایقه داران دور اند
هنوز پسیده سحر طبع نیک اوایل ظهوری و مصایح انار لیک مبادی
انسانا نوری ایکن کو کبه و فرخ طبع بلند لرینان شعرا ن شعرائی
سابق و سواد رتبه انرا اختر و ذوق لغات عربیه ده فایق ایدیکی علم
کرده صاف هندسیان روزگار اولش در خصوصه کلام فرمای حظه
شهرها و زیر ملک حاصل آصف رای صدرت بقا و دولت و سلوک و تلوحه
یک مجتهد حضرت بر بوطه رونی بخش تشریف اولد یعنی ایامه بر و ندر
مخاطبه و اوصاف فکر چند بار دور بیور و ب بوئا و ریک لک انرا فامه
زبانیه اوله رساله ثنا کره توقیف نویسی تحقیق و امضا کشن بقدر
اولمه در لر خیره صاف و ده صوتیاب اوله مداره نسخ صحبت و تذکره
فن الفقه نامشی به ر صلیب نه افوز جناب سرفه یقین در و نه بر شل
حضرت باری اندیده و جناب نهیده دولت ایدیه معر ایدیه دشته باب ملاقات
مکر ایدیه بنم نور دیدیم بیک افتم سطر حضرت شخه زهن تابناک و تکلیف
طبع در اکثر قصیده بوزین فراغ تازه تمام کیت فایه جلوه تر کتار کوسره
بک میدان ایدیکی حین شروع خیره ده ر هکذا در ایض جناب نهیدایا اوله و شدر
آتابه کنه بکر دن تنگی دست و استعجال نام رسا نکه بلا تسوید سر قلدن
نصف ساعت مدته شوق مخاطبه و لار اکثر ایدیه صورت یاب ظهور اولشدر
انشا الله تقا نایل رفعت و وصول و فایز در به قبول اولد یعنی اشارت بیور طوع
مأمولدر باقی کرم ذات عالی نیکدر **رئیس الکتاب آئی افندج یار الله**

حضرت نیک ناری دولت باب سعادت دستکار نه تعقیبات شامه و کرم
کامه ایدیه اتم دعوات اجابت پیوند و اضحی حیات اصابت پسند اینک ضنده
معروض و آخی دلجوید بود که بنم نور دیدیم افندرا و غم حضرت نایق و رقه عبدالرحمن
افا بعض صوصک حصو ایچون اوله مین اول طرفه انشدر در انشا الله
نقا فاک عتره رومار ایدیکینه او زرنده حسن نظر عنایتک در بیور بیور بوب
مشهد علم اوله لطف و کرمی و نور کت حقن و فنی ظهوره کتور ملک
بآینه لطف و کرم جناب کریم الشانکدر **بودنی آئی یاب نهیده**
حضرت نیک ریده دولت و دیده کرب نفییم و ایدیه ملشیم و دعای
بقای دولت کار بیغی نقیم قلمی خالین عوضه و آشت بد رشتا و لر
بود که قالا محاذ خط خطب اوله سعادت و تلوحه زیر مکرم حضرت نیک
کنه الغی صدمتن اولان رقه رسننا عیانی نفسنه بر مودب
و کاتلی بنده گزکنه و طبیله اخراج و مرکز اصلیه سه اعاده اوله نفقه انشا
الله تقا احوال شرف و آمنوسن ایدیه سرنیاب و ستعد اوله قد
او زرنه بر حسن نظر اکبر اثر یک در بیغ بیور طامق بآینه لطف و کرم
جناب کریم الشانکدر **بودنی آئی افندج یاب نهیده نام لریدر**
سعادت و تلوحه مکرمتلو نور بآینه ایدیه سطر حضرت نیک ارفع
مواقع عتور رفعت و دولت و اوسع مجازی خیر و برکت اولان
نادی کثیر المیمتدی صوبه انواع تفرعات عافوانه و انعام توافقات
پیرانه ایدیه دعوات اجابت انجام و تحیات صداقت نظام شاری عقبنده
عوضه داشت و آخی بود که بنم نور دیدیم سطر حضرت نیک
بکرانه تقا کلام اخلاق و صیت و صدای مآرم و انشفا فکر نسایه جهانبنا

ملو انکین دعائی دولتک زده بی اختیار دولت شد در جناب کرم لم یزل
 ایام حیات سعادت مالکین افزون و مرآت خا طابا بنا گلزار عباد اکران
 حصون و محفوظ ابدیه **ارزن الروم حافظی بر همیم پخته دینه بقادر**
 دولتو مرحتلو سماحتلو عا طفتلو سلطانم حضرت نیک نسجه فردوس برین
 اولان نادئی ککام آییندینه علاقه اخلاص و داعیه اختصاص در
 تاسی تکلفات و تغییرات است فزون ساد و طوطی تشبیهات
 واستعارات شاعرانه دن ازاده دعوات اجابت پذیر و حیات
 سریع الثبیر اداسی خلاصه بکجه نه تعانفت عانفت ابد مغنم درگاه
 عمود دولتدی ملتزم اولدین بیا ندر صکره موض داعی بی ریا لور بود که
 بنم دولتو سماحتلو سلطانم حضرت ر حیدر روز و خسته بیمنت اندوز
 کرا بدن کار دان ابد خاک عتبه دعانامه اسال اولمشید بر مرتج کوندر
 صکره بوطر نه ساجی کلوب بینه ارض رومه یا جنبان ساحت اولمغین
 تکریم تحیره تجویز کوده حجتهد اخلاص اولمشد دعانامه ابد غالباً عتبه در
 اولمغله بلده جلده کوشه کرین قناعت اولدق جناب حق جمله انت
 محمد ک انجاس خیره مقون ابدیه بوطر نه اولم کلد که بر مکتوب شریفک
 امید وار اولدم اما ظاهراً غل امور وسیله نشین اولمشد بودند
 صکره چند سطر بر ورق باره ایله تطییف خاطر محو فیه بیور لقا امید نه
 یوز بنم سعادتلو اقدم بودند صکره کرین ان اولمق بسر دست و رافتک
 بوس ایلندر نه رتبه علیته و فتر آری به صعود ایتمه مش قلد بودند صکره سر
 دخی رغبت بیور ستر نیچ ایتد نهفته فرما شریفک زده حصوله کلوب
 ایام پیر یو دست زده فک اولم فک ابد تقیش ابدیم جیبا صافیه

باقی ایام سعادت درید بآر قویینه ده سجاده نشین مولانا زاده سید
بست افند حضرت نیک صدیق روح پرور لرینه اسال اولمشد
 راز داران مدارج ملکوت با زمان معارج لاهوت محم بآر کا اقدر
 مخزن اسم اصد عنایتلو سماحتلو مکرمتلو اقدم سلطانم طلی افند حضرت نیک
 حاشیه سجاده هدایت اندوز لرینه کلا بدن در روزه سر شک
 اکین نهاده وضع در ویت نه قلند یعنی سیاقین بر داشته نشا در ریز
 بود که عا طفتلو مکرمتلو اقدم سلطانم حضرت نیک اولم انجذاب در و غر
 دارسته قبه دیبا ندر هر تارینا ز نامه اسال تقسیم کرده مخلصانه
 اولدین فی مشهور ضمیر دسیه داندرید راجح جواب داعیه سبله اوقا خیر کز
 ترضیع و قلب شریفک ز اشغال انک و آهسته سی مانع تحیه اولمه در از جان
 و دل محس نشا و لرلی خدمتین تحقیر اولدین غیر حبیب سماحتلو عنایتلو
 افند یک حقی کارگاه جواب طند ندر بود لیست لری افزا حصه دعانیک لری از
 بیور لقا جنم داشت آما لدر امید رکانه مخلصانه کشین بیور لقا
 سعاد وسیع النوال عمتن بود اعلی دخی محوم بیور لیه بانی ایام سعادت
 افزون در سجاده ارث دستام بآر **شیخ الاسلام صدوق افند**
مسند اعلای فتوایه صاعده اولدنه اسال اولمشد تهنیت نامید
 سطور فتوای روح بخش کر سیر ازده نظام امور و امضای فضل و عونا
 بی ریا کده خراین احکام اسلام اولم عنایتلو مرحتلو سماحتلو و الی الغم
 اقدم سلطانم حضرت نیک ملنقی الابراج احسان و انساب و خوانه جو آهر
 فضایل ادب اولاسده سدره بنم لرینه که نقوش بوسه تعظیم در
 نمونه نمای مجوعه حکاک و عکس اسره جبین تلمیحده هی آصفیات

مسطر زده مد آرج افلاک را در نوبت فرصت وضع پیشانی عبودیت
 سیاق و سوره داشت و آتی قدیم بود که مکارم پناه داد و آسم و ستارگان
 کاوش خانه اندیشه ایل عین احیات و آردات معانی آینه و تعبیرات
 و تشبیهات منشیانه انجارینه هر قدر درست رس میسر اولسه نه غایلو
 در حصول نصیحت و انذیک عثمان فضل بیکر الله و بوعبد صارتک قلم
 اخلاصه نسبت کاسه دهن کلفیه ده اولان قطره شبنم کمر
 اولد یغنی معلوم مقادیر شناسا عالمه پیکر کاف فیل شناسا کمر
 عوض انشا کعبه مکرمه زفرم و خراس ساطعیه دینار و درم اهدا
 سند فقی یوقد را بحق اول خلاصه خانه دان علم و کرم و وقایه
 احوال ام **بیت** مفتی دور زمان ما حصل کون و مکان صورت
 جوهر جان معنی لفظ عالم جنابیه ایل صدر الشریعه غا و سند معانی
 فرمای فتوا اکتساب شرف جدید ایلدیکه نوبدر حیطه کون و مکانه شرف
 سر و رانک ضمیمه بود آتی قدیم را در حق مستغرقیم محیط نشاط اولمغه
 تنفس که آنه دن مغلوب عجز ایلک اول استیلا مجد و علا بوضا کسا زنجیر
 ابر باره کوه بر بار ایل التفاته سزا کورب همار روح عنایت اولان نامه
 ازادی بحث کفایت تندر دن مستغنی ایلک کوشه بام فقیهانه مزه سایه
 انداز شریف اولد یغنی علاقه انبساط اولیجی غلبه نشسته سرور بوعبد ناخیز
 دایره شعور در دوار تیک در نه لره ارسا ایدوب اگر سجده شکر مایینه
 رعیت اتمه بوسه تعظیم ایلکوز لب و حشم بیننده ظهور اید نه غوغار
 تقدم فیصل بولیب سطر عنبه ایلکینی سفینه سیداب خورده شک
 سرور اولمق مرتبه ایلنه بالغ اولمشید سر فیتل مردک نیم مرده و مشکوه

مقدس التفات ندره شعله ربا و خلوت ندره بیت الاخوان ضمیر ذراجه
 روحا غایت ندره روستا اولوب چیزه رومده بحر حیات اولان امواج
 انفس متعاقبه صفای در رونه مجاری سلسله و عمارینه وقف آمدند
 فتمند در جناب تالیف بخش اجزای کائنات جلالت نه نسخه تعبیرات
 حسنات اولان ذات معنی صفات کمز محیط و قایه ربانین ماضیه ایدوب
 جاه فتوای بلند نشانه بالخر و جود کلام نمود لرین جلوه یاب بهاها
 ایلدیه اگر چه رتبه سینه میشت اید حضرت مشایخ اسلام نهیت اولمغه
 عادت سلوک را تا شرف حسب و سنی و استعداد فضل و اربیدن
 فضل علم شریع و تقوی طیفورانه ایل زمان شریفکزه فتوای ایل تقوایه
 واسطه مقارنت اولمغه دعای عمر و د و لکنز بیل و زیننه و آریض
 دان همت و صحایف فتا و اوست کشای سملت اولمغه حق بود که
 ماده شریفکزه در اسم نهیه و تشبیه مسند بلند فتوای حق لوازم
 تبریکه اول جاه ذی القدر جناب منصب فتوای تجر شورا به فائزانه
 تلکام اولدنه نامون ایلوب سایه همت سایه کزی بفارق سود آرده
 کان و لافند دانکزدن زایل ایلیمه آیین **صدری جلالی علی بن ابی طالب**
کوندر دیکه عبودیت نامه در دولتمو سعادتلمو و منعمو و متلو قطب
 دایره عظمی و شمس تابان کبری و لای النعم علی الهم اقدم سکاظم حضرت نیک
 دامن دولتمو نقش کلبوسه تعظیم ایل همک بال روحانیه و غبار شده
 سعادت لار انا رجبین تکرمیل همیاسم کرم و بیانه قلند یغنی انشاده
 مودع دیده احسان قدیم بود که غنیمت و منعمو و لای النعم اقدم سکاظم
 حضرت رضا بهن آفرین جلالت قدرته اصداف الکوان اولان وجود

عایت نکرئی اولاد کرا مکڑ صد در دولت معر مستم ایلیوب سینه
 وخت اقبال کز عارف مالک سلامت زایل ایلیه این بخت المقربین بودند
 اسبق سفرهای یوننه توجه علیه کز انناسن بونا کسار کم مقدار نور آفتاب
 عنایت و فطره سحاب سماحت کز فاقه اولان فحاطه کریمانه و مطلقه
 آصفانه احسانه سیر سیور مفه سر افتخار فرزند فلک کز زاید و بایه اندال
 صبح و شب نسخ او را از زمان و حوز جان کبی چشم در ویزه مالیده اند کز
 صکره دستار افتخار و علات سبب کیه دست تعظیم ایله حفظ ابد یوز
 خصوصاً مضمون عنایت سیور بلع و عذر تصحیح سیور مفه تعداد ایم موعود
 صرف اوقالت و عانی عمر و دولت اولاد و عیار و کفر قارام احتیاج پریشان
 حال نه نفس نفس او اولدنی حیوانخانه آلهیده نقل و عابه نامور اولان
 ملایکه کرامت شهاب و تلمیذ مشهور **بودنی آصف و الهیه و فقه ثانی**
کونه رشت دولت و عنایت کز متواضعم سلطانم حضرت نیک غلبه رفیع
 السقف عطا خانه بهشت استماله خدمت جبار و بکش حواله و کان
 دیده بقرار و وصف النعال مصانک جیوش مالانده رضوده ابتهال
 واعتداری سیاتن جهان به نام و شان کز رواج کاه عالمه هیبت
 کز آن و شیمه اقبال کز راج عتده همواره فزون ادمی و عوالت تمیله
 مودض عبد حقیر بود که **بودنی حافظ بغداد ایمن تلایلی اندک**
پیشگاه لرینه استال ایله یلی مکتوبید
 دولت و عنایت کز متواضعم سلطانم حضرت نیک برج اولدهم آغوش
 اکبر حیات ایله دوش بدوش اولان تراب سده سدره سیالینه شط
 سر شک دیده تعظیم پیئیده قلوب دوم دولت و اقبال کز چون

دست دعا مانند هر مای انگشت نمای کشاده قلوب موعود و آغوش
 کشته بود که دولت و عنایت کز متواضعم سلطانم حضرت نیک برانده نوب
 جلالت نسخه مجموعه اقبال کز صفت علتدن صحیح و ستم ایدوب
 نص خوش نقش مالک ز پیوسته بروفق و لخواه زیور سر انگشت حضور
 ایلیه این بو عید و لبسه و لخواه کز جانب غلبه کما رم آصفانه لرندن
 تنزیل لحظه التفات سیور بلور لبسته تقاضا مکدر حیات مستندانه
 در دست فرست زوال اولیوب هر بار خانه اوقا عنایت کز متواضعم
 و عارف لکونیه بر زبان گویا اولوب یند اسی درجه استماله در خانه
 و لخواه کز و هوادار قدیم عبد الباقی بیک دعا جیکر استماله روز
 و روز با عنایت کز متواضعم مدایج جمیل و دعا خیر لیدر علی الخصوص
 دولت و عنایت کز متواضعم دولت و شهاب باروی سقا ایکن بونا کسار
 خاک رشتی اعتبار لرینه تعلیق انوار التفات و تحریک کوش
 جناح عنایت سیور بلطفه جنت بخت لریکه نمونه بارگاه دولت و رمة
 بعد از سر اقباله سیه مکرم است انداخته تکلف فرق اقبال و افتخار
 خزان سپهر ساین اولوب غلبه شوق و اخلاص دن تاشی
 دولت و عنایت کز متواضعم دعا خیر لرندن کز اوقا عنایت کز متواضعم
 اتمده یوز فاقه کز لرندن سلطانم سزا اولان اوقات هم اولان
 لفظی لطف و التفات سیور بلور سینه تقاضا ایلیه حق بود که سلطانم
 حضرت نیک سیه سقا و لرندن تکی نوش ایلی کز شربت حیات عبد الباقی
 بنده کزله بود دعا جیکر ناکوار اولدنی ضایع عیاندر الطاف خفیه لریه
 مدته مدید خاک و غنچه اوار اوقات تبشیر نغمه امید و از کز بهر صورت

سببی ایلطاهر و دولتواندیک مجلس دولترنزه مفارقت صور نمایاندر
 اما اوقات سبانه و زعفرانندیک ذکر و فکر بیه کدرا بد و بهر نفس سلطانک
 مجلس شریفانه و آینه نشین زانوی ادب اولش تا به سنه یوز جناب
 خدا صبح تصویر اتمز و بیا بقصد بقه جلوه کرایه ایمن دولتو عنایتوا فتم
 مکاتب علیه کزک کلمات و بیه بر و تعبیرات عالمگیری لطافت خط و ترکت
 انضای ملوکانه و سلامت الفاظ ظرافت فرایاگر درجه نهانده در مدح
 و تعریفی به رعاناه خیر نصیم و نمیکس ساعی نامه برک عدم تا خیر احوار
 ماف الضمیر مآعه اولامه کس نه کلومدج و توصیف اولنورایه
 انشا ایدر منشی طلی به راجع اولمغله خط اتمیه لر ملاحظه سی اولمشدر
 زیر اخطی توفیق کلد که خط عبودیه ایهام معناسی جیفه کیت قلم
 بر مقدار عنانکس مانعت اولمشد راندری صد و رانست بیوریلر
 بودند مکره وادی مدح و توفیق جولان اولنور **دانی افند صا زده**
اولده رسال اولمشدر حضرتلر نیک عاشیه بساط اقبالرینه
 وضع شیشه بر شکوفه خوش آمدی دینم بر داشته مترقی خواه
 غنری بود که اگر به محن سفریه تقریری ایل به کسش خاطر لازم
 رسوم عادی اولد یعنی قرار داده اما خانه حال بنای ترکیب در حواله کاه
 عارض حیات اولمق سبیل انعم ضروریات اولمغه پیشرس کار دانه
 استیاق قلندر هیت وادی شفا خانه الهیه ایل بالغ مرتبه عافیت
 اولمدر دور اولمیه نرسا دولتو تذکره نای حضرتلر نیک جوقه دارلر
 اسمعیل بنه لری لسانند بجه انه پیر این سنجیده عافیت اولمقلر
 خیر اسمعیل افانده استماع اولمغله کشتی خاطر تلاش مویه اضطره ایدر

وارسته اولوب لکن بهانه فریضانه ایل سقا و تلویاتی بیک حضرتلر نیک
 بنده خیر خواهانه لر ایل کاسر اولوب مکره خونبار بیکار کیه اولوب
 رای رنده کزده حل اولمشدر جناب الهی یکانه کوب برج امکان
 اولان ذات نازنینکری مطلع اقبالدن و بود به مشتاقه اراء تنده
 مقدم کوب حیاتم متواری موب فنانم مک الطاف حقیه الهیه
 درخواستدر **بود فی صادی افند ضیانه رسال اولمشدر**
 عنایتلو سها حلو لی انعم افندم سلطنم حضرتلر نیک دریابار ص
 اقبالرینه فوج اشکبار رسایند قیلنوب سنای کوش و کردن اجابت
 اولجق لالی دعوت انداخته ساجل سموات قلندر یعنی حاکمه و عهده داشته
 رانج دیرینه لر بود که جناب ترکیب بند شیشه آفرینش جلالت به سیرین
 کلمه صحیفه کاینات اولان مکارم نمود بکر نصیرها ایا مدنه تصور
 ایدوب همواره صدر الاتقای مدد و دستم ایلیه این بنم عنایتلو
 سها حلو لی انعم افندم سلطنم حضرتلر قد مات ذمه البیوت شهبان
 موقع زاده سعد افند نیک آبا و اجدادی عنایتلو افندیک شهبان
 خانواد غنم ندر اولوب کند و لری حصه عبودیت موروثه سندن
 غیر عنایتلو سلطنم حضرتلر رسند و ارالشیع شهبانیه سیه انداز اطلال
 اولمقلر ایا مدنه مسکک علان خاصه به اشکات شرفه فایز اولوب
 من الامثال انتساب درگاه اسماعیل دیکر ایل مباحی کجور کن بجه انه
 نقاشمدر سلطانک شجره قدیم الاصل دولتر اولوب سایه نشین
 انتظار اولمدر بنه لرین حوصله استعداده مناسب حصه نبوه حرام
 ایل شیرین کلام ایدر جک زمانه ظهوره کلمه کله بر آیدلرین نامه

شفاعت دامن رجاکی باز آنکه نیازمند اولد قلعه بنائ کستانه
 تحیک رخت همت جاست اولند رقی لطف و کرم ساقی سقا نکر
دانی بن رئیس کتاب اولد قده بقیارات و پذیرایه ارسا ابدیکی
تهنیت نامه مرد ملک هفت پرده چشمه رخ اغوا کرم و نقد عرک غایه
 اشرف و اقدم سقا و تلوم متلو و آلا فتر لتوا و غلم ابته کا هم عالیجا هم
 افند خضر نیک هم نه سطر ریس اولک منده سقا فانو سلی بابنه
 بیوسته خرد بانه پایه پیچیده فرمان بیتکا به هیئت متواضعانه و تهنیت
 گویانه ایل انصار بنفشه سیاه مبارک باد کشیده قلند بی زمینه نهال
 خانه بورنگ اوزره نو باره آنها اولنور که بنم سر مایه حیات و وسیله
 مایه کرم الشام افند اول غلم خضر نکر بر روز فیروز که عید شیره و نوروز
 کاسه به کف کدر استانه ایدر ناکاه خوابه بر همزده بنای وجود فرار ایدر
 سمن سنبل چندیند بر و سرده گردینسان یوم حرمه اولان اولد اوله
 خاطر غم کلیدر خور بخور بوسه گاه مفتاح غیب اولوب قوت نسایم
 روحانیکه در ریجه سر هجالی کریهه صبح اولد و دشمن فرشی دلکشنده
 خدمت رفت دروب ایچونه مرغوله خوانی جنه ایل کلاله مشکیر
 حرامی بنده ظاهر اولان غوغا کشمش روزنه سمانده و زان
 باد سنبل بیز بهشت هزار دقایق بقیارات نرمتار بندله کوچ ایل
 توفیق موفوق اوله بیکه نرشتن چابک دست غیبی زمین و آسمان
 بو گونه بساط بدیع النقص انبساط کسره ایلدیلر که ریش ماه رشته
 حاشیه سن فیکه مهم الود کی در اغوش ایدوب نقش نگار مینود
 تماشا سیله نیمرایده صیرانه کشاده قلندیلر فواره لر رضا ره بر

جیس و نا بهیدرت مازده کلاب و ساقه سجاد و عای جدی
 و حلی سیاه ایلدیلر بو مرتیب نام بوده ترین نام بوده ایلد کهن
 خوابه صیر فر حکمت تغییر نه صیران و نتیجه کاره نکران ایکن ناکاه
 بیشتر آن دیوانخانه اقبال بر برین بآمال طریقله ستانه ساقه شتا
 قانه مرزده اوازده طبل و بشارتی درونه ایصال ایلدیلر چا نا توانه
 راه کوشنده مرزده رس اولدیلر **بیت** مرزده ای دل که بهار چمن افروز
 آمد شب برفت از سر بازار روز آمد بجدا نه نواصی شب
 سر نوشت اوراق سپیده باقدار مراد ایلد هنوز کریهه جاک
 خورده اقلام عبیر تبشیر ایلد معطر اولد و جبهه کلاتر یک زرافه
 هم نگار رخ ره عروس و خاتم بقیارات بدیع استعارانه هم جلوه
 دم طادس اولد قطایع عنبر ریزه بحر زدی ذرا ایدر نک نقطه پسند
 انش شوق اولوب وضع نامهور در و ران کاره اوراق کیه بریده
 مفاض نیسان و افتاده زیر پای خدایان قلدر برج لجه و نه محضات
 الفاظ سجده برج دلورن لایع اولان ماه منیر الیکنه کفانه صفت
 شجره لیلی فرایایه در کار و نای رنگین صیر فامه منشیانه نقات
 خورش الیکنه ایلد خانقاه چار گوشه اوراقی سماع خانه کلداران
 معانی آنکه مدار اولد صفوف موج اندر موج محاسن انشا سطور
 هایون کیه لباس زر کار ایلد جلوه کرد قوال هیچ اندر هیچ فرایایه املا
 بالاله و ایس معناده طوای مدقوب کیه مرضه و جوهر اولد مناع نصات
 زیور و اچکاه جواهر بلاغت پیرایه در سله اختراع اولیج زمانه کلک
 دیو مرتیب غیب ایلد کلانه بومست رجیا ایتزار بو ابیاتن ایضای

ارمده دست افزون نیاز اولدیغم کورب بویوزدن پرده براندازمخدره
 راز اولدیگر که ای بابسته دام انتظار زمان مدیون بدورشته آمار
 بدل مالکوی دل بقرار اولدیگر فاقش خوش رنگ کارگاه مرادانه
 خیاط عنایتک بالای نیازیکه حبیب و شوب و پیغوله تنگ آرزو
 ایلم پروانه اولدیگر شمع اهل انفس صا قانه برکاتنه فروزان
 اولوب قالا نادره زمان و فریده اصداف اکوان مشرق النور
 معطر سحاب نیشان عوارف سرآمده نشاط از ان نوا بجا صد
 ارای معوره سخن اباد قبله کتاب احکام نقاده اصحاب اقلام
 مخدوم نسیب و حبیب جگر بآره لبیب و ادیب حضرت راجی انفس
 سلم الله تعی جاذبه استعداد مادر زاری است بالطریق والافتقار
 رونق افزار شریف اولمغه صدر ریاست متفقد رره مکرده باب
 مست اعتراف و مقصدی اهتر از اولوب در حاکم حکم حشیمه دواته
 تجدید و صنو ایلم سجاده اوراق اوزره سجده سکانه از انامل
 عطر و اسمان اعط القوس لرایها مضمونیه پر از اولدیگر جو
 دامن سامعه جان پر کمر تبشیر اند کلزده شک ناکه ظهور سرورده
 حبیب و کما حه تیانه و نه سفره جوهر فروخته غایش بقله لحدته
 ثم لحدته بیت کور دک کشایش کل مقصودی صولمه دن سر منزل
 مراده ایرشدک یورلدن الجفا بو پیام جیتا فردوز که نفس عبودیت
 و بورق له سنده در بو کویوه نشین بیت الاخوان حرمانک ریده
 غمذیده سنده بور پیراهن یوسف علم تجدید ایلدیکی بیانه واقع حبه
 سنز بیل اصد قدربو پیر پیرک شورابه تلخ حیات کادش سرشت

بیت طیف

نقدیر اید

نقدیر اید بو آنه دک بو وجهله بر آوراد جفن کورمک موقوف بقعه
 تأخیر ایدوکی متعین اولدر بیت ابتر اثر کوکله که سوز و کداز
 صد شک جگر نقد سرشک نیاز فر بودست ساخته نواله ریزه الطاف
 ربانیه اولان حضرت عنایت مقابله سجده کداری شکر بآره اگونه
 سه نامه اعضای خواستگ منصب پیشانی و تمام حواس و قوت ترکم
 نش طله دست و دهانه حاضه خنده اولمشک واقعا بوانته هار
 مراتب مشتمل اگونه خراین شک هر نقد تاراج اولمغ اولدیگر لبه بر دق
 دلخواه لمعه شکره طفونامیتر در زیر اخلا و ند کریم آرزو در چند ساله
 در نقد در حبیب ایدیکنده غیر جناب سر نفیکه قابلیت و بخت
 و موفقه در خدمت و عقل محض علم و تصویر دن خمر کلام اخلاق
 و محاسن اشتغال بیکانه افان بر کویهر کبیایه مراقف مقادیر سیخ روز
 کار ضایع اتمیدوب شاید استعدادی اولان رتبه سآیه به ایضار
 ایلدیکی دخی موجب تحشیه متونه شک ایدر حضرت شوق بخش مرتبه
 وجود جل شانه رتبه علیه لر وجود سر نفیکه له ضمن فرایضه مستر
 و اجیتا کی سعاده رسعد و اغوش صیاده محتفی قدر کیه مبارک
 اندر مبارک ایدوب صدوات پنجگاه اسافا تحس فرین نقدیه کفر
 دشنا ایدیکه کیه فاته سن دخی زمین فقه امن و سلام ایلدیه آمین
 بحکم سید المرسلین سآیه عنایت حقیظ و سلام حضرتده سق فام و
 سفوده رتبه خیم کیه ذوق عتکزده وقایه کرا اولد جناب کریم ان نک
 دخی بر عطیه الهیه نک ادای شکر اگونه با در کل مانده کانه احتیاج
 مکذاحانه دختنه کان علاجه دن آرزو در مانه دریغ بیور جمع اید

اول نور و سیکر یکسایه با گردان صدقه جاه و جلال و باره سازی
 در دندان زکات عزا اقبال اید یکی مشهور با صبر علم و عارفان کز
 بود بهر جگر سوز و خواراضی مقدسه انقاس قدسیه و احوال معنویه
 رجالتی جناب شریف کز و دنی النعم عالم آصف زمان صدر صدور
 دوران دولت و غنا یتلوا قدم حضرت را چون استجواب همت و استحصال
 و عارف و دولت ایتدیکر غایب سمعه ریادون مقام و در همیست
 بکام عیش و صفا بر دوم باد بودنی **بابه بانبله و خیر دار سال**
اولم سقا و تلوم و متلوم غنا یتلوا نور با صبره ایتدیکر غنیمت و مکرم سترام
 او غلم افند حضرت نیک مقام عالی بدین شایسته عظمت و کرمیات محتوی
 دعوات با بهر البه کات اهدا و فتنه و عصفه داشت دولت خواهران
 بود که بنم غنا یتلوا و متلوا و غلم حضرت را شرف اعیان و ملطفه
 کرامت باقی بیک و اعیان نیک حسین نام چو تار و ایل و اصل اولد قد
 رسم سطوری سماوات ببا هانه فرقات و جوج اولم حضرت الله
 دات بینا لکثر محفوظات قایه امان ایلیم و طادی کرمانه لرزه شات
 بیور یلان ماده که دولت و غنا یتلوا و متلوا و غلم صدر اعظم افند
 حضرت نیک دولت بدین تحریک نیک تقصیر لر بر و افعال اتم امور غیر
 عرضی اولوب مقدم تحریک و غنی اولمشیکن ابراهیم بنده کز حاکم
 با بهر شکام واقع تلاش تسلیم اولمشیکن بر کوبه صکره بو طرده مانده بشیخته
 نسبان اولد یعنی نمایان اولمشیکن دندان نداشت لب تا سقتمز حجار
 خون کلکون ایلد رانما نه چاره مرغ فرصت پرواز کلمش بولون ایل
 انکله اولم مشر بودنی **بابه بانبله و خیر دار سال** حضرت نیک کتار افعا

نوبت

سازش

سای نشین سیمارینه نواله افطار به و عاشار جلال شوال نهاد و طبع
 زبیده و عروض بد و لاکتری بود که بی و داعی روزه و آری فک
 نقیبه و عروض و کبسه تحلیه محضر زده اساک بولمقله مؤذن خوش
 صبر قلم ساره پنج پایه اولد بدیغند اعتذار طریقیه قندیل شعور ناخته
 بود قال نام از و خسته او بخت کدر یکتا بیایز قلندر **حواش شهر آری الیه**
فیض الله افند ارضی روضه استانیه شریفه از سال اولم
 سقا و تلوم و متلوم و غنی النعم اقدم سطا غم حضرت نیک بهر تبه
 بر شطانی بهر برین اولان سده تعالی سینه مالشگاه رخ آره
 ضاعت قلندین سیاقه عروض عید قدیم بود که جناب بیرون بخش
 کاف و لون کلمه نامه نسخ فزون اولان وجود کریم برین پیوسته
 ریاضه جوان غنت ایدوب سایه دولت و غنا یتلوا و متلوا و غلم
 الف سقیم که با بهر اولان بنده نزار لرین فتنه مذکرا ایلیم
 این سقا و تلوم و غنا یتلوا و غنی النعم اقدم سطا غم حضرت نیک فیضه الایا
 هو آنده انکشت یاس و امید ایلد سبزه و روزانه قد آور ایدیکر لاله
 و سبزه آری صولجان تقدیر یله کتاره اما ملزده جلوه کرامت ادا اولوب
 آفتاب ایتدیکر طالع و نجم بختی طالع اولم حضرت نیک اقدم حضرت نیک
 دخی مضایر مشهور ذات کریم برین شرط غنا یتلوا و متلوا و غلم
 بار بان کشای اقبال اولد قلم قرع ساقه انتظار یفر ایتدیکر بر صفت
 نسیم انشراح کف زمان و خوش آن دعای روز افزون بدین وقت
 لسه اولمشیکر متلوا اقدم حضرت نیک دخی مقتضای مواعید لر اوزده
 فرخ کشتار املده اشته اک قبول بیور و قلم بنده لرین دخی

نوبت

اشرف نام نین سپرده انبار چنان و حواله
 امر و فرمان غایتی سلطنت خفتم نیکو **دور و آرمیده**
باب سیم در بیان سعادتمندان و دولت سعادتمندان
 قدم اکبر نوا ملایه ریک سطور جبین عبودیت قلند یوز
 دعا عمر و دولت را در سبیل معوض و آخی قدیم بود که غایتی نوا
 سلطنت جناب بیخیز وجود کریم آن آفات و هر دین ناموس ایدوب
 جمیع دلخواه و وصوله موفق ابدیه بود آخی کترین بونزه اتم لطف عالم
 شمول در هر صفت محصوره شایان بیوریلوب طبله و آقی فلان
 مفاطمه نام بر کوشش پاره اید مرغ دل کرسنه در خوار التفات پیش
 ایدیک خصوص کین سبایه محدود و دولت که در رتبه و سطوح بیدار
 بولاد بعیده ده کند و سبایه علم کم تنگ و نقد آب اضطراب در آن
 اولدینغه تشکده ایکن بنم و دولت سعادتمندان **بیت** اولش طوطی
 میوه امید رسیده مرغ غنای بلا فوری از اینک چیده **مضرب کتخار**
جایگاه خدایان با و شش پیر ایکن خیره اولوب باراک و انمندی
 حضرت نیک نادی دولت آیین و سعادتمندان تمکین عز و اقبال دینه
 میان تقیته ملیه اوزر مستحکم و قواعد تکیمات جزیره اوزر مستحکم
 دعوات اجابت رسد و تحیات صداقت پیوند اتحادی و نینده مبارک
 خاطر انور در بر سبایه دیباچه نامه تقیتم قلند قند صکر بر آشته نیک
 خواد قدیم بود که بنم سعادتمندان و قار حضرت رضای صا جمیع امور
 خیر و بره قرین ایدوب روز بروز مدارج عز و علایه ایتقا سیر ایدیه
 بونزه اقدم لب کشتار و قبال در لطفه داعی نواز لرله باد و قاطر

ویراغز اباد بیور و یغز نفیاب اید موقت قدیم تموج کلوب بی
 اختیار و عمار و دولت که در تحکیم شفا ضاعت اولمش در فقر و مستدام
 اوله سزار باب عز و جاهک مقتضای حکام اخلاقی واقع بود که
 دانت علیایه صعود اثناسنه بیغوله زالوازه معتکف اولک اجیب
 قدیمی فراموش بیوریه راسین ماضیه ده دخی بوسعاه خواهک زینه
 مجلس عالیله و خبرله زبانه گذار بیور و یغز اخباری رسیده ساعه
 ابتهاجم اولمغه داعی خیریکر التزم اولمشیدر بعد ازین بینه جوده خاطر
 عاطر دین فراموش بیور میوب مساعده اوقات مینر اولد قنده و ف
 و نادر معانیستی مقتضی و رقیاره سحیح نواز این بیدرین بیور
 باینده لطف این درین بیور متقی امیونده یوز **بود فی علی و عظمی**
برینه خیره اولمشیدر حضرت نیک رونق شکن نزهتگاه قدس اوله
 مجلس فردوس شمال صوب شرف اوبنه صفای قلبیه منبعث
 لطیف ادعیه روقایه و شراب اف ائینه جادو آینه اتحاد فیله خاطر فیض
 مظاہر لرلورم تقیلم و تکیم استقصا اولمش سبایه قنده نموده مخلص
 تخصص لر بود که بنم سعادتمندان و دولت سعادتمندان تفقده احوال
 اید سرافراز بیوریلوب بجهانته نقی و جوز ظل طلیه تحت اید تجلی اولک
 جناب نعم الما باینک از کار جمیل لر نه زنده جنسیه اولدینور طبع ایدینه
 ظاهر و شکاره در لطف لر نه مامولر که کاه و بیگاه احوال صحت بر این
 بیور متقی امیونده یوز **بود فی کجارد برینه** و حضرت نیک حضور اید
 موفور لر صوب شرف اوبنه هزار کونه شوق عظام بر لاله جواهر دای
 های اصابت پیرا و زواهر ثنائی اجابت ارا ایداسی صحنه طبع انور

سوال خلاصه جیده اما قلمور همواره مربع نشین چار بالش کاوانی
و صدر افروز کا شانه شادمانی اولاد قادی اولیه جانب مخلص سوال
تجویز کرده ضمیر لر بیوریلور لیس صد آت الله الوهاب العطا یا هنوز
زانو زده سجاده عاقبت اولوب بولیده مبارکه ده محقق دعا اولان
مواضع روحانیه و در فیض و قیام اولان دعا و خیر لایه صرف اوقات اقام و لیا
قلند یغنی انشا الله قلب آکا پلینه عاید در همان الله تعالی حضرت جده خات
مشکلاتش تسهیل ایدوب شانه موت کیسور عمر غیر پریشان ایلدن
بروخی شرف ملاقات لایله و نشا و ایله این جانب مخلص شاکرین جودیه خاطر
صد اثار و نه سوره قلم تراش فراوان بیوریلوب وار دین و قوه
تخفیک براه التفات بیوریلور منزه استنکاف بیوریلور باقی عود و لیت
بکام باد و روز راد **قیودان یا شایان کوندر لشد**
سقا و تلود و تلوسطام حضرت نیک جیده در بای هتکرات طر عود و لیت
اولات سقا و تلینه امتعه کونا کون صدق و تعظیم ایله شهن سفاین
دعوات ابابت مفردن ابر اولند یغنی سیاقه بر آشته داعی قیوم بود که
اقتضای تکامل مکرر کرمانند سطر حال و آخیر حواله کاه نیم موجه بیوریلور
بحمد سبحانه و تقاضا نشین یم عاقبت اولوب جویدار بیکانه دعا
و ثنایه پیوسته قلندیز بر علم شایه محیط در و تلوسقا و تلوا فم سلطام
حضرت را و اژه آصفانه کز وصیت و صدای مائل کرمانه کرم مع افاقی لبریز
و اما اگر اتکین بود داعی صدق آزار طرف شریفه غایبانه و لبسته خجسته
اولوب هر طریق لایله رمانه الضیاء خلاص کسب رابطه محاط طلب و زیر
مکرر سقا و تلوجعفر یا شاکر تراش حضرت نایه و اراد و لایه ملطفه علیه

مطالع و بسند آفتاب عنایتک زخمت اولوب و تلوا صد افروز و ایله اچو
اظهار بیوریلور معاملة مشفقانه و مطالبه متشوقانه کرنا جیده و تلوا اچو
خاصه بود داعی خلوص اندیشک ز مجد و تجدید ز فقه دعا به وقف ایلند
الله معروستد و حصول مطالب ایله همیش شاکم ایلیه این قدر نشا
سلیق و حقوق اندیشک و داعی اچو اولور و غایت محنت و واقع
اولکه اگر در و تلوا وزیرت رالیه فرزند شاکم حضرت اصداف و آیکر کلار
مرتبه قدرین بیلوب دایره و تلورینه سرمایه خیر و برکت بیوریلور لایر
برستعت مفارقت راضا و اوده عداقه محبت و کلایر لکن اصدافند
د آیکر پیر و بیتاب اولوب متاع رکوب و نزول و نصیانت بیور
و قلم نده غیر سلطانک و فی شوق رختل نده و صحن توبه محبت نده
مشاهده بیوریلور ممنونیت مرتبه لایله بیله غایبان اولمشدر محدوار
اغوشده کز حال دینه تلقی و اعتماد لر اولمین بر وجهه مفارقه رحمت
ناما مولایر اما و تلوسطامک خاطر شریفین کمن راضا لایله تقدیم
بیوریلور پدر پیر و نه توفیقی تجویر بیوریلور رحمت انوار ارزانی
بیوریلور آیکر زخی اصدافند و آیکر و محدونی بنده کز کلی علاقه
الفت کسب انکله غایت مسرور اولدم الله تعالی و تلور از افون ایلیه
بعد ازین بود آیکر جوده بنده کانه الحاق بیوریلور لدیفی متفمن کرمانه
التفانیه سر اوز اولوق لایق بیوریلور لیس اولیا به لطف و ص
و تلوا فم بکدر **بود فی جید الباقی یا شایان کوندر لشد**
سقا و تلومکر متلوحقیقت تلور با صرة ابتهاج او غلم شاکر کریم الشان
حضرت نیک هممال بهشت اولان نادنی مینا سر شکرینه رابطه اخلاص

و ضابطه اختصاص این ضمیمه او را و قدسیان اولمغه سبایا دعوت نامه
تعبیر و تجیات سیرج تاثیر خلاصه لایحه پیرست خاطر ناز کتر لری
او اسلله آنها کرده پدر بود که **بود فی صدر عا جنان به یازم شد**
بعد ادای مراسم تک پیمانده گانه و لوازم تعظیما کنه انه اول جناب
علیت رفیع المکان حضرت ملک غنصور فایز التوفیر لر صوبه موز
بنده داعی بود که کالاجا ذبه لطف سبحانه و سابقه فضل صدانه
ظهور ایدوب افتاب دولت و ماهتاب سعادت مطلع طوالع
با دشا هیئت طلعت کوستوب اول جناب علیت حضرت ملک ذات
سعادت نشان و وجود مکت شاندرینه صور عا قدر قرین شرف
اولد یعنی خبر ست اثر بونده خالص لاعتقاد لرینه ایرتد که حاصل
اولا نه بهجت و سرور و وصف قلم و نقش رقم بر له تطیر اولنوا صد المکانه
و کلد جناب حضرت ملک مستعان و خالق انش و جاد رکاهنده وجود که
اول ذات شریف و عنبر لطیف و ایما مسند غنوده و ایم و مقد دولت
و سعادت و تده قائم اوله لر باقی ایام سعادت درید باد **بود فی سنج الاسلام**
صا و افند صغور لرینه و عا نامه فضیلتلو سقا و تلومکر منلو
افندم سلطام حضرت ملک رفعت ذاتیه ایله منفرد الاتقان اولک
نادی کردن قدر و الا کما لشکا جبین تعظیم قلند یعنی سیاقده
بر داشته ثنا کذا لر بود که دعای دولتکر هم احواله اولد یعنی قبول
استبانه اتم و کنه غیر حق بود که راحت محنت سفریه ترجیح اختیار
بیور دیننده رای اصیت اندک حواله گاه مزعومه تحسین قلند
هم مسند عافیه مستدام اوله سربنم سها صغور سقا و تلوا قدم سلطام

حضرت غنیقه رت نیازمند شیخ محمد افند و ایکر طفولیت مزده زانو زده
بیشگاه تعلیمی اولد یعنی خواجه حرک محمد و ملینه پدر لر و ها مفتی
محمد افند مرحوم بود یا رکک ید زاجا و خلقی لیبی قمرله سندن
مقصد طلب بر غیز ایدر بونلور فی حوادث و اکثر موادی پدر
و علی مدارس اکراد و نه کورس و حیل و بیضاغه دانش اتمش و عا کما
در انشاء الله تعالی اوز شرف و امنوسک موفقی اولد قد تم العیار
ظهور اید و جکی ملحوظ در بنم سلطام دخی ملحوظ اولور سک و آفتاب
تربیه لیا قتی مآیده بیور رسر انشاء الله تعالی دولتو سلطام کبی نیم
امال و زان اولد یعنی هنگامه ده آستانه سعادت و نه نایل مرام بیور مو
رجا سندن غیر جتا بکر ذمه وسیله مرآنه جاره جور حصول اولمغه هست
علیه کز جا ایدرم مطلب معینی یو قدر تقاضا ضرورت نقیض اتمک
نشا عریته مو دی اولم شد انشاء الله تعالی عورت سفر خلاصه رئیس
او غلکدن بعض مرتبه وظیفه محلوله ایله کام و ایتک دخی لطف و کر مانه
وابسته در حاصی جناب حقده و نورک کلید کچینه مرانی نوحه سلطانه
زمان شرفین تعیین بیور مم نیازنده یوز باقی غنوسعادت درید باد
بود فی ملنوبی صدر عا فنی افند به کوندر شد
غنملو سقا و تلومکر ار رسنوده کوهرم غنیم جانم فتح اللهم افند حضرت ملک
مرجع و شس کتاب و ملازها اجاب اولک نادنی بهرات و نایب
سبایا متناسبه و تعظیما متناسفه به معنی اتم دعوات طلوس پیوند و اخض
تجیات مخاطب پسند اتحافی ضمنند پیرست خاطر ناز کتر لر نقد عیله انها
کرده رفعت خواهر اولد که بزم و غزل و نصیب و ترقی و تشریف آسوده

اولا احوال مردی استخبار لایحه فاطمه را در لوبه بجهت بجان و تنه هنوز
 جزو و متبجیه انفاست برقرار اولوب مشاغل امور در فقط اربعه اجاب
 غیر حصه معینم اولدیغی لحاظه و فائز در **بیت** اگر کسی از حال من یکفن
 من و ترک امید و دفع هوس بنم سعادت تو برادر عزیزم افند حضرت دردت
 طویلید بر و آمد شد رابطه و سلامت واسطه انقسام و ضوابط علاقه
 وسیله اخلاص اولاجبت نمک بجرامک جنابک حقن ایلدیکی حرکات منافقا
 و سلوک مستقیمه سی بجهت نه بنم زده قد بدید اولیکل جویبار خلاصک
 بنه جوار از لبه سینه باعث جویبار اولوب اطوار حیانت سرشتند شکایتی
 متضن رفته سوزناکلر و رودی مخلصک دخی اوران صبره شکرانکن
 اضطراب اولدیغی و ارسته قیدارتیا بدربو آتش جنابک نه همنه تا ثلثه امش
 اما مخلصک در دونه سوخته نار غیرت اولدیغی افزینده مزه هست
 نمایه عیاندر بنم عزیزم اولمقوله عیار جیل کارونه بومعاده غدارانه در غیر
 نه کونه حالت توقع اولور لکن جنابک نسک خادایه یا قوت ناب و خف
 باره مکفداری کو هر سیراب اعتقاد و طله اولان یوز قلاده اعتباراتک
 داعیه سنده و شد یکر نظر قیمت سنا نه کزله توفیق اولمینه جوی برینا
 ایکن بطله سبقت ایدر ما جوار بقلیانه سنه در دولکو جنابک زدن غیر
 اجابک نالکلیه تقاضا غیر تله معالیه اعتراض مصمیمده ایکن جنابک
 صایه و التزمده انوار و بعض مجالس علیاده ترفیع و ترویج تصدیه
 بو مخلص دیرینی فدا اتک مرتبه لر دخی تجویز کرده طبیعت رضا
 اولک **بیت** فلک بر اهل درونک بکای ایدر جکرین • برایکی آهلی
 کور سه ضیافت ایلده بک • بیستی و تیره مقامه کتورش ایدر بکر هله

لطیف

بضر

بضر مالیه س کور مدک بی ادبانه سن جلدک لکن جنابک نه افند
 اکثر ناسک مشهور دیر بعض مستحقان فلاح دیده محله و دشمنه
 فلما سونه نیستی ایلده خزینه و جبهه خانه س اراق اندک رکبه بودنی دست
 تصرفند انتزاع ایدر لذتیاب تصرف اولسوندر ملا خط سیده و اکثر
 بر مرتبه خویش و مبتلا جوی بیتقریب انشکه در دمنه قرینه جبان
 بر دخی متعهده روی حیات انک بعید الاحتمال در بنم برادر جانم
 زمان جویبار نه مصر شوقیکه دوچار اولدیغی ازل و اسافل کلبانک
 زرجاؤن اولمق عادت اولان زراکت بر دزد و فرمایه نیلانو
 قرا و حصول اموال اعتماداتک کو سفینه قصاب و نانه فاره به نکره
 مخزونه ایتدیه فرقی نه رکندر طبیعتک نه ضرر ایدر جنابک نه عاید اولک **بیت**
 هر که بد را به در دافراز و یا بد شکست • محاسب را بر سر خم بوی می
 اورد شکست **بیت** سرتاز بانه برافروختن • وزایشه امیدهای
 راستن • سر رشته خویش کم کرد نیت • بجیب اندونه مار بر در
 نیت • هله لحد نه تیریک متیقظ اولوب تدارکین کور دیکر
 بو طرفن اجابک نمکن اولدیغی مرتبه تغییریه کوشش ایدر دیکر
 دخی تغییرده درانه تقاضا عین قرین نبوت ایلده این بکره سید المصلین
بودنی بکار دن برینه ارسال و نمش مکتوبید
 سعادتلو در جملوا فندم سظم خضرتانیک موقف و عواجل و موقوف
 دولت و اقبالینه کمال تعظیم و نهایت تکریم ایلده کارگاه اخلاصه
 منسوج پرینان کرافد در عواقرین الاجابه و پرینان عکایه
 تحیات مستطاب تاخانی سیاقین مودض داخی دولتهن بودر که بنم

در حصول سلطنت حضرت اگر کثرت شایع دولت و اقبال خلایق باشد
و آنحضرت مخصوصه ضمیر انور لرینه فرصت باب دخول اولی مرتبه اولی
بجه سبانه و تقا اگر چه کثرت نشین خوان عاقبت اولوب ابتدا
سلطانک دعای و تلمیذ طاعت بخش زانکه حرام اولی غیر لایق
لکن موکب همایون استانه و لذت مقیم ایکن سلطانک مجلس
شریف اشک رخسار لایق دفع غم ابدی و دستار قدیم اولی بنوع
لریک ایلد دفع الم اینکه الام روزگاری فراموشه مدار بولور دق کالا
سلطانک مجلس تهنیت فرمالدند بهجرا و مغله بالضروری کج
انز وایه قدم کشیده غزلت اولی منشی اولی غموم و بهیوکت
عودنده باعث اولوب غایله قنلت ایراد کثرت مضار دفعی علاو
مالومز اولدیغی ضمیر دقیقه شناسلینه نمایاندر انجی عنقریب حضرت
الله جل شانه حضرت حصول مراد ایلد آستان قدیمه وصول میر اید
شتاقان بیفوله بیکاری فریر العین انک ایتدر وسیله تسلیم
رب العالمین صحت و عاقبت ایلد فریبا عودت میر ایدوب
انام صاعی الطافک ایلد ضمیر خنده مگوز اولان ایتد لریمک دفعی
حصول میر ایلد این سعادتلو سلطنت حضرت بوداعی فالصبر
کوشه ضمیر انور در بر سیر میوب گاه و بیگاه بمنیقه التفات ایلد
تفریح ضمیر سیر مدار با بنوع بود فی کجاردن برینه ارسال اولمشد
سعادتلو غنا یتلوم و تلوم مکملو سلطنت حضرت نیک ارفع مواقع
عز و رفعت اولان پیشگاه سعادت برینه انواع تعظیما صادقانه و اضا
نکر با خالصانه ایلد دعوت مستجاب و تحیات مستطاب به نثار سیاقند

داشت نشا و رقه بیلر بود که بنم و تلوسقا و تلوسلطنت حضرت بوداعی
قد بیلر بر مدینه بر و کوشه کرین قناعت ایکن جانب روم اولی
بقیه قسمته انقصاب سقا و تلوغنا یتلومدر عالیقه حضرت نیک خلصک
جازه غنا یتلومده استانه سعادت رومای و مجلس علیاده تجدید انشراح
بان انک شرفه نایل اولدیغی زده سقا و تلوسلطنت طرفه اولان
رابطه ازلیه و علاقه قدیمه کلیه اقتضای و زده طرف شریفه دعانا
تحریر انک ارزوسن اولوب حتی جاقربی باغراغ بنوع کرله مخصوص
مذاکره و طرف شریفه متوجه ادم روشد کن خبر ویریک ایگوز
سپارش اولمشیکن مکرم اسم اغ بنوع کرک خاکبار رفعتک توجیه
اولوب انردو بولخصکر زده خبردار اولد مدینه زده عظیم شرفه ایکن
ناگاه حوقدار بنوع کرله التفات نامه علیه لار دار اولوب
بو خصوص سلطنت بزی تقدیم نیور و بیکار دانه نای حجاب وقت
زیاده اولوب دعای و عود و لشکر و بی اختیار اولمشدر در جناب
حق وجود شریفین افات واکه اردن مصون و مطالب و مقاصد کرز
حصوله مقرون ایلد این بعد ازین التفات نامه علیه لریمه جسم ایتد
دز روشن بیورق با بنوع لطف و کرم سلطنت حضرت نیکر

بود فی صوی علی اندی جانبیه یا زلمشد

سعادتلو سقا یتلوم غنا یتلوم نور با صره ابتهاجم غزیم او غلم سلطنت
حضرت نیک مرجع نیاز مندان و ملتجی را جتندانه اولان دلو انخانه رفیع
الارکان برینه شایان انواع تواضع و تعظیم واقم تضرع و تکرم ایلد جبهه
بیر آیه جویده اجابت اولمونه لایق رقوم دعوات کامله درونق افرا

باد و در لب تعظیم و تفخیم ایله بوس اولوب دعا فرموده ایم
 سعادت انجاء مقدمه جویده عبودیت قلند قدم موعود و ضعیف کمر
 بود که حضرت خدایا ازین جلالت وجود بر وجود همت آلودگان
 صدر اقبال مستدام ایدوب رتبه علیته صدارت عظمایین مبارک
 و مسور و ظل رافت و در تشریف فارغ غدا اقبالین صحرای سعادت
 ثابت و تخم معدلت و ملکترین مزرعه دولتی قائم ایلیه امین بونده
 خالص البال نوبت سعادتمند اکتساب حیات جدید ایلیوب کلاه
 نشاط و افتخار فرموده قبه آسمان اولمشد بود داعی درون نیک
 خفایا احوال بالجه آفتاب منم عالمی برده روشن اولمغین ریاض
 احوال مذک سر سبز و حرم اولسی عنایت سلطانک اینار سحاب عنایت
 موفق اولمشد بوی هیکام بجز و ناتوانی دستگیر بوی طایر حاکم
 بر ملا غایت مکرال بال اولمشد مناسب کور لیدی نام باره ایله گوشه
 و اعتد دعای مود و تشریف کافی الاول تعیین بوی رمح بایسته لطف و عنایت
 و احسان و در تلو سلطنت حضرت نیکه بود **دفعی بکار دین برینه بارمشد**
 غمگین و تلو و تراسم افند حضرت نیک نمونه بهشت اوله نادیدی دیت
 فرینار صوبه مزرعه خاطر دین سر زده اولمشد سنبیل سر بر کشیده دعوت
 صافیت اجابت آیت خوشه کرده قلند بر سیاق قدم اسم بر سن خاطر انور لر
 مراعات اولند قدم صکره آنها کرده دوا جوینگر بود که اگر لحاظ ضعیف ارجانب
 فحاصلی به توجیه بوی یور لیس لحد ته تقی محاط علم جهان شمول از زره او قات
 حجاب دعا را دیار موعود صرف اولمغی صمننده جناب اخوة مایل نیک گردش
 او قات شاکر نه ایم جنیان دعا ایله و کمال رسید را خبر مسترت بخیا لایه

دیده کشای انتظار ایکن بر قطعه مطلقه کرا میسر و در و دیو لوب
 مضمون حقیقت نمونه استفسار اولندین از زره نجاس اولیک
 مقدمه بوی خلص لر بانگزار بیورلد یغند نامی ساقه ضعیف زره ثابت
 اولان شجره محبت قدیم لر ریشه دار و بار آور اولوب خلوص
 او زره دعا لر اچون دست اخلاص بر داشته بارگاه کبریا قلند
 واقعا بود رایتا دین بر و بیننده حقوق بقدرت دخی مقتضای
 بود حضرت الله عنقریب صحت و عافیت دخی موعود موفق و ملاقات
 نایب ایلیه امین جانب دجویدینه جویده خاطر دین منی بوی یور لیس
 منشور مود عز توقیع اخبار صحت بایه تزیین بوی ملر در خواستار
 باقی هیکه و ام باد **بکار مش بخند بر عزیز افند بر یارمشد**
 مقتدای چله داران درع و تقوی پیشوار خواستکاران فوز و هک
 رهنمای سالکان راه ضاد شد اگاه عارف بالله ولایتلو کرا قتلوعا
 همتلو سلطنت حضرت نیک گوشه سجاده شریفه ارشاد پیرایه لر
 شفا ادب ایله تقبیل و تلیثم و داسم عبودیت و اخلاص کما یو الواجب
 تقدیم اولوب نفس مقدس نفس زکیه استفاضه استمداد دین
 صکره موعود و دوا جوئی عنایت معتاد لر اولد که مجلس روحانیت
 موفق اند ددری صوبه ایله مفارقت و قوعند بیری **بیت دفعی**
 شمر بیدم روز کارین نیند و کن ای دل • بلیغش صفار و صر بار
 ایله کن و ملر • مشو عالم اولمشد لر کن افزایش قرب معن اولمغ
 و اذهب الاله مستد عادر و الحاصل بنیم سعادتلو سلطنت استبان فیض
 بنیان نه جا کرد لریش دخی قدیمه کمر بسته عبودیت و دامن در میان

خدمت و ملازمت او مغفله همت بی همتا لایزال مهبط انوار هر دو طور تجلی
 معنا اولاً ضمیر قدسی سیر لایزال دور و انداخته برانح فراموش بود
 میبوی حس توجه و رعای خیر احابت اثر لایزال ظاهر و باطناً تربیه
 بیورلیق مامولدر **بود فی کجاست بخند برینه یازمشد**
 قطب افاق غوث عشاق جیند سیرت بایزید منقبت خرید الدهر
 وحید العصر عارف و اصل مرشد کامل عزیز و اکرم و الایم و لایزال کوکراتلو
 سلطان حضرت ملک آستان فیض استیلا نموده جبین زده تجیل و کوشه
 سجاده شریفه ارشاد عنوان لب صراحت و ادب ایله تقبیل اولوب
 مرتبی دره نفوس اهل سلوک اوله نفس مقتدرانه ظاهر و باطناً
 استفاضه و استمداد نصیره عریضه عبید فقیر نام و اولدر که سوخ سیوا
 تقدیر ایله مونس لایزال دور و دور و وقوع عذر بری **بیت** خوشبختد این
 خوش طوت افندم بن کدم • کوکلر دیر لیر سر کو یکده بر دیوانه فرقالدر •
 نوای چنین ایله دم اولدر که غنای لب دل و جان حارسته نه ناله و جاذبه قلاب
 محنت ایله برید توجه طرف باهر الشرف لایزاله بویان اولیه **ع** اوجار دم بولسم
 انانیلم بال و بزم یوقدر لکن پوشیده ازاده ازلیه مورث ترا بد قرب
 معنوی اولوق نیازی حاشیه شیشه اورا دیر در واصل اولدر قلم سر رشته
 حقیقت و مستحاکم قدر در لایزال نهاده بر نوح شیشه و قناده و رط
 بهجازه بیورلیوب ذیل جوده زیده ضمیر قدسی سیر لایزال نام حقیر کثیر
 التقصیر منظور و احیاناً حسن توجه در ایله مظهر نظر اکبر اثر لایزال بود
 وابسته همت علیه لایزال و مغفله تحلیک سلسله استمداد چون امکا عبودیت
 نام ایله کتافانه تصدیق اجتهاد اولدر همواره آرایش خانقاه ارشاد

و کلام بخش باب اول و اوله لایزال ایتم سعادت آیم **باب اول کتاب**
رای افندم یازمشد سعادت ملوک متلو و دولتمو نور چشم و سرمایه
 ابته حاج و افتخارم او غلم حضرت ملک نامدی دلارالینه ستمه رسوم
 تکرم ایله حله شامع جریان ایدر جو بیار دن بسیار دعوا سر یقه الاثر
 و فواکه ریاض صالیه دیر ایدر تر تحیات فیض کسرا تحافه متعاقب
 عرض داشت پیرد و لخواه بودر که بنم نور دین عایلیجه بلند صاب
 افندم او غلم الله تعالی عمر ایله عمره همت حسن کز اولاشم شریفه و اصل
 اولدر قد صکره محاط ذهن و قادر اولدر که حاله دو عالمه کوشه قنعت
 و کتمان غیبه اسرار و اساس یوغس سینین ماضیه بر دنده لایزال
 کریم در تمام دفتر دار الفکره حواستکار اولدر یغزده طرف شریفه در
 اگر اولدر انک احتلال احوال معلوم شریفه اولدر طلیکار اولدر دیکر
 بیور دینک شخص کرامت ایش لایزال بوند صکره جاره یوق نیاز و ابرام
 واقع اولدر قد صکره نه حال ایسه زهرابه محنت نوست ایدوب پیشانی حاله
 اظهار کره طلال تمکله محتاج عالمه سربیت ایدر بیت تلقدیر بوطره دخی صکره
 و افزه اصابت تکلمه مقاطع برهمزده دست غارتگرانه گرفتار اولدین
 حالا عرض اولدر دفتر موجب طغوز یک عوش سر یغا حواله بیور لفته صر
 همت اولوق تمنا اولدر **بود فی کجاست بخند برینه یازمشد** **ششم دفتر دار**
ایده بکام اولدر قد رای افندم یازمشد سعادت ملوک متلو غنا تیلوسر مایه
 ابته حاج و افتخارم ایدر کاهم والا جاهم نور دیم افندم حضرت ملک سده
 مکام پناه لایزال یان تکریمات حمیده و تعظیما پسندیم ایله دعوت
 متواضعه و نجای شکره انخافی عقینده عرض داشت و لخواهی بودر

بنم دولو عنا تیلو انداز علم حضرت اعلیٰ اقامت داده بیک بریلہ التفات
 نامه علیه لایزال متلازم فرمان عالی منصب و لخواهی و علاوہ پیرایہ
 خلعت کراہیهای ملوکانه و صوبہ بودا عیلمین در جات و کاشا و مانع به نایز
 و اعلا طبقات اختصار و ابتهاج حایز اند و کنگ بیان نشا طندر کالار
 تعبیرات قاصر در بنم نور دریم قنقی لایزال اظهار تشکر ایدہ جگہ بازده
 حیرت اولم الله تعالی بروید و لخواہ سند دولندہ مستقر ایدوب عمر کیزی
 درید ایلیم حقوق از لایزال دعا تنقیر سر مو تقصیر بپور مدیکر و مرا حقوق
 ایدندر کجبلہ سنہ بواوردہ تفوق بپور و یک منصب مرقوم اوایلہ اول
 کیہ دن بتجا وز اولد یعنی معلوم در خصوص اینجہ مدت ملازمت ابواب
 ایلہ بوسہ کاری آبادی نیل اولد یعنی دخی بشود و در ادون یکی سنہ
 دہم و دہم ہر ایلہ غزل و ماغنی جاک جاک و حیوانات قدر ناشناس
 بینشہ ہجرت ارام و قرار می مشرف ہلاک اتمش ایکین بویہ محلدہ بکونہ
 لطف عظیم خارج رقیمہ جناب حق معر ایلیم رضا فقیر اول مرتبہ بونیم
 بولفظ مصدر اولیمہ جمعی معر قم خصوصاً علائہ ارام اولانہ بوستین
 کراہیہا کہ مخصوص غلبہ اخلاص کونہ منبغذ فقیر بوقدر و ایزہ دولندہ
 زعمی نازندہ لکم آیا مندہ دولشا ک زمانہ رنا ہیتمہ بویہ کورک ایکینہ
 دارہ بالای ارز و مزنایل اولمندر بکونہ معاملہ دستگیرانہ والطف
 رنگین مشفقانہ نک بویہ کیج حملہ ظہوری جلد اہل جلی سرت حیرت
 خصوصاً برایکی حود بد وجود سوخته آتش نکبت ایدوب بوبدر
 بیک نہ دعا جز آنہ نظر ایلیم ہمدہ ایدندر بجا اندہ اول خلعت مبارک
 حاصیت جازبہ دانی تا شیریلہ بوسہ کاہ تعظیم اتمش در طرف شریف کون

بویہ الطافک ظہور نہ احمد بیک بنم کزک خدمت نقی واقع اولمندر
 خلعت و منصبہ اگر اما الطافک کاکر سرور و نیاز و زمان دولتمزدن
 قلش بر بنم مستعل قفا کور مرکز و ارایدی و سرمایہ احتشامراجی اوایدن
 لطفک اولان خلعت سمورک لسا حالنہ بیت دخی جو ہوار دل من
 کشتہ شکارت شکرانہ این صید تہی کن قفسی چند استماع ایتیکلہ
 بی اختیار احمد بیک بنم کزہ الیس اولمندر حضرت اللہ عیبت بویہ
 مرکز الطافدہ جناب کز دایم ایلیم نام رستاک تجیلی و دغدغہ خاطر غیر
 تصادفی بوجملہ بروید و لخواہ بخیرہ مجالس لایزال شمد بخیر سربیلہ عالم
 معلوم کز در بنم نور دریم جک یارم اندر حضرت مضمونہ نام کز لہ دوا نشا
 بیوریلہ خیر خواہانہ کز باجکہ موجب شرف اولج حرکتہ فقیر صیبت
 ایدوب مورث افتخارہ تشکر اولج سلوکہ موفق ایلیم ملخو طکر اولان
 حالنہ شمد بپریکزدہ اندہ قائمندر ہر شینک غورنہ قارشدورہ
 جوی و ماغز دخی قائمدر طبایع کورد کلر عیدہ خود ایلک اجیدر حلال ایلہ
 دیکہ قرار و دیشدر انشا اللہ تعالیٰ سنین آبقدہ اولان مسکدن
 یک سر مو طرف اوطا و تقویٰ اخلاف ایتیموب علی شرط عدم الفضل
 اول مصلحتی کورد کلندہ تقویٰ و عواید معنادہ سیلہ علی طریق الاستغنا
 قناعت و رابطہ بند حسن الفت اولج مصمدا لہ موفق ایلیم آمین
حب الشہادہ فراغ غلندہ صلوہ ستانہ کلک قصدیلہ توقیعی
سیدہ پاشا یہ کوندر دیکید سعادتملو سما حلو و دولندو سلاطین
 حضرت نیک شمعہ منقہ خلد برین اولان بیتکاکہ والانریندر ککارہ
 سند رسم استانبولیہ اوزرہ دست تواضع و تعظیم ایدہ وضع شکونہ

راه دعوت و برکت سبب تحیات عقیدند و موصوفه داشته و این در بین بود که
 بنم نور آبرو است بهایم سلطانم حضرت ظاهرانه کیفیت علم رسیده
 سامعه علیه که اولش در واجیه غم با بکلیه ملکوت جریده امنیت ایکن
 وایره نه نعت آباد و رومده مکنونه اول بقیه اب و دانه انجذاب
 تا کرینه ضبط و تدبیر قلدر **بیت** مرغ دل او چه ضبط نه تدبیر قلدر
 شهر طبع مده تاخیر قلدر نقل ایتر روم و مسمیت دایه قدر
 شهباده شمر نوسن اید به یک سیر قلدر لکاته هذبه جلوه گاه
 قدیمه اولان استانه دولته فرام دعوت لغه اهتمام اولنه ده در تقا
 صیل احوال منقده رسد و عابنده کرد نه سقا و تلوسد رسد بدین نظر
 کتدای ساقار کاجی علی اغابنده کرد تقریر نه محاط اطلاع اول نور باقی
 لطف سلطانم کدر **در کاف نوشته حموی علی افند حقیقه لطیفه کوفه**
 بنم سقا و تلوسا حلو سلطانم حضرت علی افند بنده کرد سلطانم بنو
 حاجت یوق زیر مجلس شریف کرده احوار اوقات اینکله نسخه وجودینه
 کما در تبه تحصیل اطلاع بیور و بفکر محققه راجی شمر خاک پایله رومار
 اند که بعضی احباب که توفیق لازم کلد که لب نکر بیور لمیوب هانه
 و قانامه حاشیه س کو ستر مکه اکتفا انک ایچونه خیر اولمشد مثل
 زبور علی افند بنده کرد وجود بر شمره بکر که ایچنده با صلا و کدر
 و طبیب دکانل و اردخی ساز و سدز جالینور قهوه خانه لروار وایره
 شمره لازم اولان مواضع مجلسی موجود و زیاده و عبا وایله صحبت
 اتسه انلره غلبه اید به یکی زهد و تقوا ده محققه رکن انلرک تقلید
 ای به بونلرک زهد و تقوا تحقیق حربه سنه ایدیکنه بود و عبا کثرت به در

شهادت اید به رم مدارسه متناول اولان جمیع فنونک مانی شمره
 سن امانه قدرت طبیعی دخی محققه رجو و انشاده خور قوت کامل
 بیانده مستغنیه روموسفینک و قایق نغات و شعب و تقا
 ابوضر فاربابیه قدر موفق اولوب ارباب سازه تازیانه و تاراب
 اوراجق قدر مضارب یوللر نه تعلیم و تلی قی و قمار محله رتقیم اید به یک
 مرتبه اهلیتی مقرر در و تقا صیل طب و حکمت و تشخیص اراض و علت
 و تدبیر مداوی عافیه خواص منافع مفورات و در کجانه بقراط
 جالینوس و ارسطو این سینا به فاس ایدیکنی بی اشتباه در سایر
 فنون و تواریخ ملوک بشین و اخبار قدما و سدا طین و غایب حکایا
 و اخبار لطائف مضحکه بی شمار و مضایح انار و ضرب انشای مقوله
 احاطه طبع لجه مثالده خارج به کلام اولان مع اغلب احتمال کتب سماویه
 قدیمه نیک و قایق معاینه اهلیسنه زیاده واقف اید و کینه محو قیل
 و قمار دکلدر جاشنی روح بخش ارسطو غم و الفت و صحبت اید
 که زان اید نه اوقات صحبت بهشت قدر مکر ایدیکنی شایبه شسته
 و نه عاریدر اکثر ارباب طبیعت بی وفا و احبابی ندایه مبتلا ایدیک
 مقرر ایکن انصاف بودر که شایبه اشتباه نه عاریدر انصاف بودر که
 علی افند وایک بنو مقوله صفات زیمه و نه غار و کمال انصافه متصف
 و غمخوار و دونا دار و خیر خواه کامل و غیر تکس و متخل و عا کجا ایدیکنی
 اعضا کرده اصحاب خود در حال سقا و تلود و تلود و زیر کامر و آصف
 فاضل و دریا دل دستور بیعادل سحر ارباب بر آدرینک اید به هم انون
 صحبت و هم زبان انجن انس و الفت اوله بفکر سموعه اولمغه انلرک

انشاء الله منظور نظر و قیقه شناسد اولدوقده انبه اعلم غایت منظور
اعتبار اگر اولوب سلطانک تعریف تصدیق و تعبیر و تحقیق بیوره
چقدر آیینة تصور فقیرانده جلوه نماید حضرت الله اندریده سلطانیده
مرکز دولت و قریب امن و عافیت و محفوظ و قایه حفظ و سلامت
ایلیه امین باقی ایام سعادت و نیر باد **بودی کبار در برینه ارسل**
اولمنه سعادتمو سعادتمو دولتمو نور تابصره ابتهام سلطان خرمین
ارفع بقاصد عتو و اجلال و انفع مواقع عین و اقبال اولان سعادته
جاه و جلالت شایان نفیضات جلیله و تکریمات جزیه ایلد دعوت و دوش
بدوش اجابت و تحیات زانو برانواضاعت ضمیمه عرضه داشت
داعی دلر بوده لرر بودر که جانب کار داعی صدق آیین لایحه ضمیر
انقاب مثالر اولور لیسر بجه سبانه وقتا هنوز پیغمبر نشین غایت
اولوب مجلس و محافله بیر یا سناش شتار اراهم اعمالر اید و کنه
ضمیر انور لرینه مشهور و در باقی سعادت و نیر باد **بودی برتر کرد سید**
بنم دولتمو سلطانم خرمین بود عانامه تحریه اولنیز کونده سعادتمو
سجدار باش مخلصک خرمین بود داعی کز سر عایدیه دعوت بیور و
انشاء الله و دأعه کمال محبت و التفات کدر بساط مخصوصه بر باکر
موزون و بر اسب خوشنمون احکام بیور مشرور و رهب بوالطاف
و التفات واسط سلطانک ابتداء تعریف و تالیف اولوب استماع
مخصوصه و منصب اولاجفکر ملاحظه سبله کست فانه تحریه جت اولمنه
بقی لطف و کرم افندیکر **بودی کبار عیان در برینه یازمنه**
سعادتمو فضیلتو مکرملو بر اقدم سلطانم خرمینک مجلس شریف

فضیلت مدارای دست تعظیم ایلد لبریز جواهر کرا نقدر و قائله قدر
صکره آیینة صورت الهام اولان دل بی عاقلی پرستی مقدمه نتیجه
اخلاص قلند یعنی سیاق بر داشته اقبال خواهک بودر که جنبه خلصی
استخبار نه القای اجبا اعدا سیرت ایلد اوخته اولان پرده پرورت
مانع اولوبوب معاملة بقدری اوزره نقص حال زار بیور بیور
بجمله نه نک جس خوان صحت اولوب جنبه بزدن قطع بیور
التفات بیور دیر ایلد بر سر رشته خلوص لرینی محکم ضبط اید
اولوب جمله مدح و ثنای ایلد هر بار زبان مودت بیانه الباس خلعت
نازه اولند یعنی محاط ادراک اجبا در بنم اقدم بوجملاتک مفصلی بو
در که جنبه عالیملی دولتمو افندی خرمین طرفی ایلد تحصیل رابطه اشیا
اندکلر ایا ملوده ارسل بیور یلدم و عانامه کرایله بهر کار بواقبالو پیر
دخی انداخته پیغمبر نشین بیور بیور بر مکتوب نوازش ایلد لر
یاد بیور لر ایلد بر مدته صکره سلسله محبت و التفات بالکلیه انقطاع
و بر بیور جنبش شاهد خوشنمون مودته سکنه تقطیر عارض اولدین
غالباً بعضی اجبا صورتن به خلقه ابلیس طینتک بوجملصدی
لسانندن حیمه محبتی تکد بر این جک کلماتا هموار نقل اتم لرند نشنا
ایتمک کر کرد و آقا جنبه شریفیک انز طبع بلند لر اولان منظومه
غزاد دولتمو افندی خرمینک مجلس عالیله اهدا اولمنه بوشاکار
دخی مجلس بیور خدمه سنده و قافله نظم دنیا لر لرند اولدین
حسبیل منظومه مرقوم نک تعریفنده تقصیر اولمنی نه می اسناد اولد
دخی مناسبتن کلد کلد جنبه بلرینک بوجملصدیه اولان اخرا فنه اصلا

بودند غیر بر سبب ظاهر تحیل اولی و ثانی در زیر برقصین لرین خوش نویسه
 ارفای عتاد و لزب سزاده و طبیعت شوقیه ممدوح و کله رایه علم و فضل
 اولد قیتمقا پذیر استحقاق اوله و نمکته لایه ارا اولد یعنی خطابه ظاهر
 بو ثنا کار لرین غیر بر کس سزاوارد کله و اول طعنه تیر لری مطلق
 بو مخلصدیه حواله اولد یعنی یا لک بو مخلصدینک است که ایله دکل بلک محسن
 ولی النعمی و قصید مرقوم کن هنگام قرائتده موجود اولد که تصدیق
 انضای ثبات اولد و اگر واقعا به اذکار اولد بر تصور غیر واقع
 سبیل اولمش ای صفی خاطر دیر اول حیا از الیه سعی ایلیه سز که مخلصدینک
 مشربنه تزییف کلام اجبا صفی ایله انصاف ناموجود ایریکنه نه و لتو
 افند و واقف در فرض مجلس و النعمیه مروض اولد لایه سزایه انصاف
 لب جنبنا اعتراض اولم شامزده اولد یعنی تقدیرده و دلتوا افند
 حضرت نیک مشرب علیار اولد کله که بو مقوله وضع جت ایزه خدایه
 کلمات سعه علیه لرینه الوب اراءت صورت رضا ایلیه او مخلصدینک
 دخی اولد اندر دیر و کله که مروض اولد انا رکرت کوهر کرک
 حذف مقوله سز اولور سز دخی **ع** دلا زبانا ادب جز با ذوق بیکش
 مفهوم سز تماشای ایدوب و قوعنه مطابق توفیق کنده انبات
 صفة ذیمه رشک و صد ایلیه یوز لطف اید بو مخلصدینک اولد
 حقیقت انبائی بیوفای زمانه مشربنه اعتقاد بیوسوب بواعقاد
 له جبین فاطره جبین اخلاف عارض اولمش ایله محو ایلیه سز بغایانه
 بکراته بر صدیق بلند اقتداره نایل اولد و مجلس عالیله لوده مذکره
 و ذات سزده لرین سرمایه نباهت ایدر کن بی سبب سبب مجر

ظن ایله یا فورایلیه بر مشرب القاسیله بنای محبت رخنه اقل
 ایصال انک جیت سز فیکرک دانش لینه شایان و کله رایت ایت
 سعادت در فزون یابد **بودنی بکار دیر برینه خیر اولمش**
 سعادت لود و لتو سلطه حضرت نیک جیو انخانه بلند اس
 و بارگاه فلک ساس سز سز سز انواع تصرفات متنا سقه و اقام
 تواضع متوافقه ایله دست آویز دعوات اجابت پیوند و برک
 سز تحت ملائک سز شاری ذیلین مروض داعی کرم دیده لک
 بود که سعادت لود و لتو عنا تلو سلطه حضرت جناب حق ذات
 کریم الصفات سز سز سز دایم اید سز سز دلتو کریمیه
 سز احبابه واسطه شامان و اعدا سز سز سز سز سز سز
 ایلیه این عثمان قولک بونزه اقدم مکتوب مجتهد ایله وارد اولوب
 سز بقا احث نزله جریده طلبه سز سز سز سز یعنی ضمیر انور کرده
 ارک مکرز اولد و غنه بدل اموال مرقوم اصیل بطین آما لری
 تعمیر بیور دینک مشرب بیور لطفه یکی باشد نه دعا عمر و دلتو
 التزانی فریضه اوقات سز اولمش در حبیب رب العالمین همواره اقتدار
 لرین لطف و کرم مرتبه لرین نرایل ایلیه امین **بودنی بکار دیر برینه**
کوند لشد سز سز سز سز سز سز سز سز سز سز سز
 حضرت نیک مرجع فضیلتان و ملاز سز سز سز اولد نادنی فضائل
 عنوانیه تعظیما مشتمل مانده و سز سز سز سز سز سز سز سز
 دعوت کس نیده و منظومه زبکین تعمیر ناشین شاری لازمه برش
 ضمیر آفتاب نظیر لرینه تیم ذیلین بر داشته داعی دل صفت ترین بر بود که

دغوبت

دغوبت

مقتضای کرامت او زره تحقیر و آیدینه اطاردۀ حاشه خیال بویژه
 بحدۀ سحانه زلزله ناک وجود نزار حایه بادبان انفاسه جویبار
 حیاتی هفتوز جویان و درغان زبان حال پر امواج متعاقبه دعا لریده
 طیران او زره ایدیکی و آت ضمیر تابناک نور با سینه نمایاندر بنم
 نور دیم سلطام بوزن قدم جوده دارا بر جسم اغا بنه لریده و رتای
 التفات نامه علیه لریده کنار بهم از رویه نازل و مار کش طابخانه
 اطلاع حاصل ادمشیدی اول فاکده سفورضا بطبینه کر طرفه طرف
 اشرفه غارم او مغلله جناب عا لیرینه دعا نامه کتیره او مغلله تجدید رابط
 اخلاصه جت اولند ساقا صد رارای روم اول حقیقت قتل و ظیل افروز
 حضرت لایله انشای ملاقاته طرف و آیدینه نذر ابلاغ دعا یه و کالتر زبا
 اولوز چند روز فرآج علیل پیرانه فرزند عا یماں اخلاف او مغلله اهدایه
 سرامعانه تازه به موفق اوله مد یغیره انجی ایکی غور شکسته اهدا
 اولمشدر معینه **ماده فقه و عا لیرینه قاضی الکی اولمشدر**
 فضیلتو حقیقتو برادر دیرین و غمخوارم افند حضرت نیک هم رنگ
 بهشت برین اولان مجلس فضایل آیینی صوبه تکریمه رسامه و
 تنظیماتیه تکلفانه ایلده دعوت شتاقانه و تحیات معجزه بانه اهداسی ایل
 لازمه پرست فاطره ناز کتر لر ادا سنده صکره انها کرده دبسته قدیم
 بود که بنم غمخورم جاغم افند حضرت دیار بکر جان بنده متوار اولان
 قوافله مکتوب ایتدیه بیک ضیاط نه تقبال اند که نهی دست عودت
 ایروب جنابکر دیار بکر کی قریب محله بولندینکر تقریبیل هفته ده
 برکتو بکوزودی نامورالین بو معامله اشتیاق کندی میزان اشتیاق

فد

بوسنوار او زره موازین اولنور کن خلا مامل وضع تعامل کونه کرده
 بر معنا ویرلمه مشدر از جمله مشاعلی امور مشدعه و جوش مجازی محو لا
 غایله کر مانع ملا حظ لری خاطره کلوب اما طر فرزه اولان شوقره بوماده
 لرت صبح اولنخ خاطره کلمه زباجانب کی هدی ایتدی دخی بر طرف اولدین
 معلوم در مرتبه علیه مولوتیت مانع تنزل قلب شریف اوله نک
 دخی وقتی یوق زیر اجدانه نق مصر و بغداد وارض روم و شادن
 وزرای عالیت آن بیل بود اعیان ط فندره کاتب عنایت و الفت
 قطع تجویزه اند کلمر یوقدر طر ابو زان کی سافه دق فایق افندی
 برادر یکزک شمدر یکدک اوج دفعه مکتوب کلوب در جنان بکرت برده
 زیاده کلمه الحق محل تجت و تصور زده مطابق بر مقدار بید مانع لغزه
 تعبیر تدارکنه ظهور ایدیه جک تلا شکره صل اولنم دخی غیر بر ویه
 بوله مشدر در خوش ایدر انش الله تع بعد الا انفسا بو طرف
 او غامکر ایتدیه تسلیت بولمده یوز دیار بکره غارم قافله دن
 نامه رکن و ایدینه ملاقی اولوب بر مختصر ورقه خیرینه دکن کوجله
 تأخیر ایدر ملکین بی تکلفانه کتیره ارتکاب اولمشدر باقی همواره ایتام
 فضیلت وایم باد **بود دخی بکار دخی برینه یا زمشدر** سعادتو مکر متلو
 حقیقتو نور دیم او غلم جاغم غریزم با بقایم کتخ الغریبه هم افام
 افند حضرت نیک هب یه ابر حقیقت و هم اغوش سطر معرفت
 مجلس انسا انس و فاسر شترینه تکریمات رسمیه سوسوز ورون ایلده ایتام
 صیامده امواج انقاس طیبیه روزه دارانده بیرون دعوت کردون
 شکاف و شب نگاه ماه روزه ده مجامع سلامده چهره فروز شتال

لطیف

اولان قنایل تشین ضار روز افزون تحیات خلوص تشنه ناری
 تبریک ایام شریف و پرش فاطر لطیفی تزییل و تجمیع اول نور هواره
 شام روزه کیه غریق نعمت و عافیت و صبح عید اساجوشکه نشاط
 و رفاهیت اوله شربیم سرت بحثی عافیتلین متضمن مینقه
 خاطر کشاری غره شوال کیه نکه کذا جسم انتظار یکین وصول مفاوضه
 رنگین مالک سبب شهر این قلب حنین اوله یغنه غیر چند روز بقا
 محافظ ارض روم وزیر کریم الشاه سقا و تلود و لتوا بهر هم باشت حضرت نیک
 حبشی زاده انشا سله بر نوازش نامه انشا کرد و اولوب حکم بهر شب
 اعیان طبعه و حال الحافظ حله سها غلو سماحتلو و لتو وزیر به نظیر
 عظیم القدر و الاثنا حضرت نیک ابتاعده فخلص خانه فرزه چند نوسخه
 دقیقه شناس ارایش صحت مزده بولنم به تغییرات انشای حبشی زاده به
 مانندی و موسیقار یک زبان تحین اوله فکر انشاده جفا شریف فکر سینه
 سطوح جویبار خلوصند نه نایاب بنفشه زار حروفی سحاب صدق و تو جهند
 سیراب نامه مشکین نقاب مشکین خط بلر توار دایده و دوشوب روی
 مزایای نازکترین ایل تقطیر شام و ماغ انظار اتمکله بی اختیار
 کلبانک بو طرفنده زعفران استحسن جنابک طرفنده تحویل ایلدیکي تصرفات
 حکم الهی به صل اولمشدر حموی علی افندرنش و ریکرک بو طرفنده ایام اقامت
 اندر لطیف اغا و نجیب طلی ثنا و ریکر ایل اکثر اوقات نک سیراز جمعیت
 جنابک سر رشته محامد و اوصاف و محاسن اخلاق اوله یعنی جنابک
 مرآت ضمیر نه عکس اولجی خبر کرده یقینمز در علی افندرنش فکرت تجارت
 و تناول روزه سی ایله چند روز مقدم جانب استند دولته ره کرده

غیمت اولمغین قطعه رنگین مال غزیه حی جنا بکرت اندر قریباً انله
 تحیر و ارسال ملتئم عهده نصیمدر باقی ابواب ایتد کشارده و سبب
 آماده باد بودنی شیخ الاسلام صادق افندرنش بلینه یا زلمشدر
 حضرت نیک آسمان هفتقه بلندنه و ریاض خلدن آصفی و انوار اولار
 ناوی عظیم الشان و موقع منبع وسیع الارکان بلینه سببان انواع تعظیفات
 کامله واقم تکرمیات شایسته ایلد زیور کوش اجابت اولمغه موافق و فراید
 دعوت ناسفته ارایش عایس صداقت اولمغه لایق و دراید تحیات
 ناکفته نثار اولند قدیم صکره عوضه داشت داعی دیرین ثنا و پیشری
 بود که بنم سعادتمندم سلطنتم حضرت نیک قتی جوق مدته بهر جسم
 دوزانتظار و صبح طلوعه ایتد و اولد بغیر خورشید ایتد و درخشا
 و دوایر افاق نور افشان اولوب بجمده شایع بر حسب ارزوی دولتخواه
 خیر اندیش مسند بلند فتوادات بنظیر ایلد ارایش صدر رفیع القدر
 شیخ سلایقه وجودنا و العبدیل لریمه کسب درجه علیا ایلدیکي اواز
 سامعه نمونه دروازه بهشت اتمکله بو طرفنده عطا و بوبش رت کبره قدوسه
 قطرات سر شک سرت ریزان و اغنام غنوم و اندوه قربان قلنددر
 عنایتلو سماحتلو سلطنتم حضرت نیک و عایسی بی شمار و ایتد و رعایت
 واحترام هزاران و هزار امانا و اعیلر جمله در اقدم و اتمه اعلم سلطانک
 معیت و حمایتلر نه و عنایتلر نه سیردن اهتم و الزم اولد یغنه اعتقاد
 صادقانه مستحکم اولمغین کمال شوق و اخلاصکله بنای راسخ الارکان
 عمود و لندر حنین و جناب حمایه و عنایتلر نرم کیه دواخواها اقبال
 و سعادتک فتنین اولمار در دعا لر ملتئم اوقات سبانه روزه اولد یغنه
 ضمیر انوریکر اصدق شهود در تبر و الحمد باش کتخدا س یوسف افندرنش بابیه
 عثمان اغایه یا زلمشدر سعادتمندم عنایتلو نور با صره ابتهاجم عزیز

و کرم اغای عایشه از غم حضرت نیک حضور سعادتمند را بلند عیار در صوبه
 انواع تعظیمات ثنائیه و اقامت تکلیفات بنجد بانه ایله دعوت اجابت پیوند
 و تحیات روحانیه شادمانی ضمنی مبارک خاطر خیر کلام سیم لری
 تقصیر و تقدیم اول نور همواره و قایم الامن حفظ باریده کامبین و کما و ان
 اوله سیم نور و یدیم سعادت بود و لتلو اغای کریم الهی از غم حضرت انقلب
 دولا ب فلک اجزاء عالمی علی الخصوص افراد نوع بنی آدمی کاه نشیب و کاه
 بلند و کاه تنی کاه سورمند اید و کله یکی مشهور زین در اکثر حکما و علما
 است فراغ است و لقی طول حیات شربت نایه عده ایست در و رفعت آتیه
 و دوائی نافع اید یکی محقق بر جده است به رخ محرم عبور اید و ب فضای وسعت
 اباد رفعت و نعمت وضع قدم اید بیکر انشاء الله بعد الیوم ایام افزون در جات
 رفعت و دلت الطاف الهیه دن تلافی مکافات ظهور و محقق در سیم نور و یدیم
 جناب بکرم غم و سوز و رنج مشرک اید بیکر حقه عیان در قلب شریف بکرم بکرم
 اصد قدر با خصوص و دلتوا آصف ضا در و نه حضرت بوطرانه شریف بیور
 و قمری کونیز بر و از کار جمیل در نه چای مجلس کذا را بنیوب جفا شریفه
 اولان علاقه صادقانه لری زبان قلم ادا مرتبه سندن بیرون در جناب بکرم
 فکر بینی کنی امور لری به تقدیم و ترجیح بیور و ذکر محقق رحمتی ابتدائی حلیه
 شریفی کونیز استقبالی لری شتابان اولد یغزده بدک بر سیاه بکرم
 زیران و بوی زنا توانه اگر اما کشیده بیور بلسان عثمانی اغا و غلک
 بزه یاد کار لرند بوقالدهی سنک سوار اولکر انک و فی رضا خاطرین
 استجاب اینکد ریحوا انشاء طریقانه چشم حقیقت بیند نه قطرات
 اشک فراق مزین تمکین بو پد بیکر و فی سیرت اید و ب جفا فتاح امور
 ضمیر انزیر کز صور و لخواه اید لبیر بر سر و اید بوند نه اقدم مقام علیه لرند
 نیازمند اولد یغز سبب قطره زخم افشا شربانه در خفا اولوب

محمد اغای قولکره لسانا سبارش و بوطرانه اجاله بیور لمغله محمد یاش حضرتی
 شاور بیکر بو معامله منعقدانه و بکجهتانه لرند زیاده ممنوند

بودنی کورچی سلیمان یاش نه داری طلی به کوندر لشکر

معرفی حقیقت کونجانبکوا و غم جام مهر دار اغا حضرت نیک حضور نراکت
 نما و لطافت انتمالینه شوق تمام و انجذاب محبت فرجام اید جناب بکرم
 وصوله مقدم جویده قبوله مسطور اولان دعوات محبت انکیز و صحیفه
 س معه کز در اول آویزه کوش قدس اولمغله ستر تحیات لطافت
 ایضا اهداسی پرس خاطر بکرم اید بیکر سبیل سیاقده ازها کرده بدر بود که
 بنم جام انجمن جناب بکرم اولان علاقه در و نمک شهودی ادا سیم یه جفا
 بکرم اصدق و ادای شهادت اخلاصه جلد در جناب بکرم الیق اولد یغز
 امضا کرده خاطر هوسنا کز در مقتضای خلوص کرم نایه انتم نایه بر حالت
 غریبه اتفاقیه واقع اولمغله تحیری مناسب کور که خلاصه معارف بود که
 حموی علی افترا و غم اید مخلص خانه ده بهمن انوی مجالست صحبت اولد یغز
 حالده و دلتوا سعادت ملو آصف کریم الهی وزیر مدد و کمال کمال سلیمان
 یاش حضرت نیک محامدا و صلی علیه و محاسن اخلاق سینه لرند اگره بسی
 ارایش او قاتم اولوب بوسیاق جناب بکرم ذکر جمیل و فی صحبت
 مجلس حاشیه و خوان نعمت منزله سن بقیر اولوب علی الخصوص
 آصف عایشه وزیر آصف شان عالمترین و زرای ایام و قاضیترین
 دستور اکرم نصیحتونما تیلو عا طفتلو قایم مقام معاشان علی یاش
 یترانه مایه و مایه حضرت و فی ارایش زیر قبه سعادت اولمغله
 بیند نه اکثر ایام و لیا لیده شیرازه صحبت و الفت منعقد اولد قجه

جنابکزه روز عید و لیل قدر مری غایان اولوب ایکی گلستان
 بینن نسیم جایکجه مناسبت سن ایکی صحیفه میانه اولانکشت
 اثرت منزله سن جنبان ایدیکه مذکره لر در میان و پیچیده سر
 انگشت زبان قلند یغی اثناده حکمت باری نمیشه خلوص آویز کز صول
 بولوب مفهوم سترت لزومنه تمام قالب تصور مریه مطابق ایکی دستوریم
 اثنانک مجالست و موانع تلر و اثنای صحبتله نه بودا عیلمین زیبا
 نکدر غنایت بیور و قار تحیر و تبشیر اولمفل انتهای مراتب سرور نایل
 اولوب دعا نمود و تلرینه مجدداً شروع اولد یغنه غیر جنابکزه
 قریباً نشسته کرامت رخی میسر اولد یغنه تعجب و استغراب اولمفل
 عینیل مذکره کشف و تصدیق ایتک قوت قدسیه ده
 غیریه صل اولمیه جفی بدیدر لکن غیب بودر که هنوز مکتوب
 شریفک الدن و شمیموب پس و پیش ظهر و بطنه ناظر ایکن هر معکوس
 الرسمی عجوبه نما و تعجب فرماکره علی افندر بر یکر نایل انواع معنای
 دیوب حتی استخراج حروف معکوسه مقطوعه سی مقابله هزاره محتاج
 اولوب بوسیاقده نیجه لطیفک ابر اولور کس عجیباست نه طرفه عازم
 کسه واریدر به لطیفه کونه مکتوبله مخدوم حروف انداز لوق ایلسک لفظی
 علم الله تمام اتمش ایکن ناکاه نمیشه رن جوده وار ضلیل یک موزه به یا
 و تبرکش بیان ظواهر ایدوب مکر مقدم علی افندر به بولشوب انکر مکتوب
 تحیرینه شروع اتمش بولشوب لکن بودر یکر علی العجل بومودت نامه
 تحیر اید بخیه دک نصف ساعت کوجه توقیف اولمفل و اتمش و اتمش
 حضرت به مخصوص دعای نام تحیرینه ساعده وقت اولد یغنه املای دعا به

دکالته نامولدر باقی عوت باد **بودنی کجاردن برینه کونر شد**
 سر لوصه مجموعه مکرم دیباجه جویده فخریم کوب انقاج و جلار
 نقاره خانوازاده فضل و کمال نور آبرو افتخار و اتمش هم مخدوم عیلم
 حضرت نیک بهر نک نسخه بهشت نادری معایه ستمینه ستر انعطافات
 لایقه و تکلمات متوافقه پیرایه عایس اجابت اولمفل با کالای
 دعوات اجابت پیوند و مهر زره کجینه صداقت اولمفل جیبان
 لال ملایک بسند تحیات اهدا کده ست مرات خورشید اولان خاطر
 خطیر کچر سس ایلد تزییل عقیننده عرضده داشته دلشنه اخصاص
 بودر که شبانه روز روزنه چشم و کوش و در نسیم پیام عافیتینه
 کشاده ایکن الطف اوقاته محض مکام فطیر لر نه ناشی فرستاده
 بیور بلای کر صنامه بهاجت فرما لر و رودی چمن پزمرده ضمیری افاضه
 طراوت تازه ایلد هممال کلشن ساری خلد برین اتمش **ریت** ای نامه سن
 اولاه لقا دخی کلور سن • ای هدهد ایتدیب دخی کلور سن •
 مضمونیکه دیده سرورده مالیده و درر و عاکر چشم انفاس کشیده
 قلمش **ریت** با قلمه یوقینه مکتوب یار دمنه غیر • شمیم پیرین
 یوسفک ویز خیرین • متواتر نسیم انفاسله دعای ذات سعادت
 مایلرین نکاشته جویده اوقات قلمش در بنم نوز و یم حق بودر که جنب
 معایه مضایقه تحصیل رابط انس و الفت و کسب علاقه خلوص و مودت
 ایندیکر نمدن بر و بر وجهه طرف شریفک و اتمش اولمفل مشدر اجمعی
 بی نایه دیرانه دن غیر طرف سزیه متوجه کسینه رخی ملاقه اوله
 مدینه دمنه خلوص نامه تقصیر مذ محققه ربانی ایام سعادت مزین باد

بودنی فایق افندی یازم شد

غوثو نصیرتو برارم اغم فایق افندی حضرت نیک مجلس محترم برینه
 انواع اشتیاق و انجذاب و عواستجاب و تحت مستطاب ابلاغی ضمن
 بخش خاطر نازکتر لر ضمنش آنها کرده مخلص بود که طرف احوال روز
 استخباره شتابان اولو از این بجهت بجهان و تقا وجود مزعافیت مقتوم
 اوقات سبانه وزم از کار جمیل که ایله کذاران اولمه در سیمان اقل
 محبت نامه قدیمی دوستم غوثو عبد الرحیم ثناء و رک اولطه راهی المیزان
 انشاء الله تعالی وصولن ما بینک زده اولن الفت قدیمی رعایه روشن صحنه
 معاونت بیوسر ظهوره کلمات عدده و ستانم در روز و نه مخطوط
 اولوب کنذیرله اولن الفت و محبت او توز یللق معلوم کدر دولتش و شرفش
 افندی او غلم حضرت انشاء الله تعالی و لعل مع ایلیم اندک دفعی قدیمی بنده کرم
 دیده لر نه در جنابکم نقده ما طلبم ایکن هر بار عبد الرحیم اله کبر می جو
 حقه سوز و کد از ایلد کل یکن بیلورم ذاتن خود افضل امر او اعلم
 امیران لوا بر وجود فاضل مکر قدر ایاالت حکومت تقویضی بویله عاقل
 و فاضل کسینه شایانده هم تعمیر بلاده سعی ایدر هم کنده معمور اولور
 انشاء الله تعالی حین ملاقاته حقتن صرف مقدوری دولتشو افندی
 او غلم حضرت بدنی مخصوص نیازیمز عوض ایلیم سر بر مقوله اهل استعداده
 دستگیر لک مستوجب دولت دارین ایدو کی محتاج عوض و کلد راته تعالی
 خیر بلیه موفقی ایلیم این انشاء الله تعالی فریاد خیر له سرور بیور مکر نامولر
 باقی آیام عزت و رفعت و ایم بار

بستان افندی زاده جلای افندی جناب بدنی یازم شد

سعادتمند

سعادتمند نصیرتو حقیقتو شمع در دمان حقیقت و تقا و
 خانه دان ولایت عزیز و عزیز زارم سلطانم حضرت نیک مجلس رفیع
 اسنی و محفل منبع اصفانه لر بنه تکریمات کامله و تعظیما شایسته ایلد هدیه
 دعوت ایا بیت بسند و تحفه تحیات روحانی بیوند شاری لازمه تقص
 ضمیر پذیر لر به تذیل سیاقن برداشته و لدا و قدیمی بودر که
 دریکه اشتیاق و رود قائله اخبار عافیت لر به کشفه ایکن ابرک
 احیانه و نمینقه عنایت لر ضمنده پیچیده دست بیوریل بتریک خانواد
 ولایت لر وصولی جسم اعتدایمزه پیراهن یوسف علی اظهار ایتیمکه
 دعای ملتقم قدیمه مؤذی تکرار اولمش در جناب حق خانه دانکر زحمات
 معمور و خاطر انور یکن پیوسته سرور ایلیم باقی عزت و رفعت و ایم بار

بودنی رئیس الکتاب آملی افندی یازم شد

سعادتمند غنا تیلو سما حلو نور با صرة استه باجم او غلم عزیز و محترم سلطان
 حضرت نیک ارفع جی لس علیه و اشرف محافل جلیه اولان نادری رفیع
 الشان صوبه انواع تکریمات و اقام تعظیما ایلد جواهر دعوت ملکوت
 بیوند وزو اهر تحیات روحانی بسند شاری ضمنده عوضه داشت داعی
 دیرینه لر بودر که جناب نظام بخش کارخانه تلوین جل شانه عنایتلو
 عاطفتلو و محبتلو و تلو رونق داد مسند صدارت عظمی و رونق بخش
 و کالت کبر افندی غم حضرت نیک ذات کریم الصفا ترین همواره مسند
 سعادت و ایم و توفیق و اقبال سده رفعت لر به ملازم ایلیم بود داعی
 ناتوان کهن سالی صدقه عنایت لر احیا و نایان پاره فقیرانه خالصان
 و ابقا ایلد وقف خدمت دعا بیور و تلمی نی حاور کر فناء علیه لر غم

سحر را ای او غم زنده در پله واصل و حصول بچون جناب سعاد و تلونیک
دخی مای جلیل لر صد و رینه دخی اطلاع بدر حاصل اولد قد مثن
دعای صافی جناب شریفانیک دخی دعا رله تحشیه و بعد الیوم لوازم
ثنای قشیه اولمنی نصیم کرده نیت صاد قانه در جیبا حق در کز
رفعه و غیر مستدام ایله بعد الیوم دخی منظور ریه عنایت و مشمول
لطف و رحمت بیور لقی باینده کرم سعاد و تلوسلطانکدر

بودنی کجا روز به نه یازم شد

حضرت نیک ارفع مدارج اقبال و اسع معارج فضل و کمال اجن معالی
اشمال و نه هتگاه کلام اعتبار است صله انواع تعظیمات خالصانه و
اقم نکر با صاد قانه ایله دارالاجابه ربانی به واصل به توقف دعوت
اجابت پیوند و بالافانه روحانی به محرم بی تکلف تحیات اصابت
بند ایداسی زینده ضمیر افتاب نظیر لایه انهای صداقت سیر کبود که
نیمه رسان ثنای صوری صد و رساله در سلیمان یث زاده فیوجی باکر
یوسف یک بنی لر دولت علیه نیک بعض خدایتکه بو طر فله مأمور
اولوب غمزه شجره نبوت لر اولک معصوم نور سیده دز حرکت
سریعه قدر لیه ده بیلده استیجار اتم لیه بو مخلص ثنای کار لر سینه لب
جنبان تجب و استغراب اولد بغمزه جوامع غمزه غمزه فانه فقیرانه
دزه تربیه و تغذیه سنه مقصدی اولجی معتمد کسه و اولیوب و بر
اندک اند روزهای یوز شهر یاری به چراغ اید به یک وسیله به موفقا
اولد نینده اظهار حسرت ایله بو ثنای و ریکزده استمداد همت اتکین
بو ثنای و رخص بر و دخی سعاد و تلوسلطانکدر عالیه کزده بو نامو لک حصوله

مخوب

جسم داشت اصن اعتماد و انتمقله نمیکه شفاعت تحریریه اجتر اولمن
بان غمت و سعادت یاز **دقت و اذلیل و امان و رغب انز صا بدیه**
غتمو حقیقتکلو و غلم راعب انز صر تلونیک تکلفات رسمیه و تعبیرات
قابلیه دز معارف و ص ایله ایلان تحیات یکجهتانه اهداسی تسلیم صا
صفقانه پرش فاطنا ز کتر لایله تزییل ضمنده انها کرده بدری
بودر که چوقدر یک نید یله وفا و صنه کز و صو تجدیر علاقه شب بقه و تحریک
رابطه قدیم مؤدی اولمشد بسیارش بیور بلان و اگر احوالک
تفصیلی حسن بنده کزده استخبار بیور یلور ایسه سنه ماضیه ده علی فنش
به تقویض ایچون استصواب اولدنی یعنی محقق اهل ذائق التمامه تقوی
اولمش ایدر اگر به صوت اسبطا واقع اولمش آتا به شئی فوت اولمش
به بوسه دخی اهل ذاکر غریبک ضبطه صورت جوار کوسر مد کلر حسن
بنده کزده استعلام بیور سز مکتوب و غمزه کزده امور و زاده خارج معاش
و لطایفه دایره و مغانضایینه متعلق تعبیرات اولمش یعنی تجب اولمشد
بو بر یکر نسین کینه دز کدر امور بزمه اطلاع اولیوب قطعا دایره
فقیرانه و واقع اولان مدخله دز بحر کاتبه دن غیر مشغول ایدر و در
اتمکین شمر فاطمیکر ایچون فواصله متعلق برج کلمه لب جنبان افکار
اولمشد برید مانعی پیرانه بری امور دینویه دن تخلص انشد حسن بنده
کزدن بر دغه سنگ اغویه باقشور عجب استا بنو لک تازه بسته لر دز
بیور سن جو سوال واقع اولمش ایدر بیورم سزه برنی فصل اته که کدر
آتا بنین طلالا دلسوز ضایکزه برج غمزه خیر مصمم ایدی اما زایم غایت
پریشان و هنگام تحریر تنک اولمشد و تلور دتی اندیزه برج غمزه و تلور دتی

راجب ای که از اندرون استنساخ اید و سزاوار ایله تکلیف اولاد یعنی معلوم
 بهجوار او غلام سلیمان افشار زاده محمد افغان ایله ملاقات واقع اولد و قد و سلم
 مشتاقانه از ابله غنچه بمنور غنچه بخوار قدیم برادر یک مصطفی طلی به دخی سلام
 اولوز قرانگی ایلر تقویض ایدوب کوندر رسک هم کند و لر بود یارک
 اب و هواسنر احتمالاً تازه لنور و هم بزه هدیه عظیم اهدا ایتش
 اولور رسک اگر بصورتیاب اولجی معنادگی آماج کون بود و ایلر
 تجدید هوا قیدینه و شکک اچون خیر اولمشدر همواره و نتره مستدام
 اولکس مکتوبک از غنچه بمنور بود دخی **ربار یک والی سنه بیر جلی شیخ**
زاده ربکسنه یارکشد دولتی غنچه بمنور ساحتلو مکتوب سلطه غم
 حضرت یک ستون سر آبرده اجلالینه دست تقطیم ایلر مد طنباب
 دعا و سایر مظلله اقبالینه بارزی تکرم ایلر بسط و ساد و ثنایا قنده
 معروض راجی بیر یار بود که باعث غنچه نیاز مندر شیخ زاده دعا و
 ادل و اخلاص و احوال باجمله صفا پر یک اولمغله تکرم بخیر ایلر نصیب
 راسه حاجت یوقدر **الطریق بیست کل حیسن** مفهومی اور زده کما حیرت
 و ضرورت ندره نادره شروع ایدر جکده متر در و نه مصیبه توتل ایدر
 جکده نخر اولد یقینه عاقبت الامر بالفرد در ستاده دولت طرف
 نصیم غنیمت نیقیل بر طرف وصول و حالاً حفظ شهاب سعادتلر و
 دولتی و کجاست حضرت یک جلیست نکرین منفه دوام و بقا ایلر ضاب
 سعادتمند اولان کما اخلاص علاقه لر ندره ناشی غایبانه غیر نکرین کلوب
 بر جملده نام شریفک نفقه اولمغی مشرب همکدرینه موافق و دشمنین بر جمل
 غنیمت صورت رضا کوسر مد ایلر آماج زاده دعا و کجاست ضرورت کلیه سی

دنی دست و پیرش نفع اطلاق ندره ناشی طرفینه خیر خواهلگی نیتی ایلر
 بو خصوصه رای ندره جو استشاره بیور و قلنده بود دعا و کجاست کندی
 زخم ضعیف و خیم اور زدهش ایدر رای صواب ایدر یکر معنا فاکا سعادته
 بود و جملر عرض و انما ایلر کله موی ایلر دعا و کجاست بر اوجی زاده سعادتلر
 یوسف یار حضرت یک تدبیری احسان ایدر دعا و جملر ندره مدت کینه
 دنی بر و نخره مندرینه شتغل و نخره سوابی لطف و کرمینه مستغرق اولر
 کلمه رشدر یوسف پاشا حضرت جویبار غنچه بمنور ندره شیخ زاده دعا
 جک کفر و زور اما ندره منقطع و بوستان نقشی بالکلیه خشکسار اولمغله
 العطن کوبانه تدبیر توتل ایدر جکده مضطر و نخره در جکده سعادتلر
 یوسف یار برادر یک ایلر تکلیفک یوق و من کل الوجوه سعادتلر سلطه غنچه
 در بغلی ناسقور در و رای شریفک دخی محالفتلر محالدر طرف شریفک
 اثارت و التماس بیور یلوب بیر جک سلک سن و سر و ج مفاطه لر ندره
 بریس سایره ویدر یک اوزر تقویض بیور سر شیخ زاده بود ضرورت ندره
 بر مقدار تنفس ایتیکله یکی بکشد دعا و جملر زور و نه ملحق اولور اقتضا ایدر
 اعانتلر خدمت منقصر ایدر دیو سووی و ترغیب ایدر و کمرده کند و لرینک
 دخی ملاحظه خیر خواهلرینه مطابق اولمغین سلطان اولاص اعتقاد لر ندره
 و راجع ایلرین بلا ترد و تجویز و تقید بیور جکده قوت قبلدند ناشی
 صراحت حصوله تعهد طریقید مور الیه نسبت و طرف شریفک نخره غنیمت
 صدق و محبت بیور مشدر در سعادتلر سلطه غنچه غنچه اصف عالمگیر
 و ایکی وزیر محالست سمیر بینین بریم کجاست بایه ارک رجا و نیاز
 یه محلر کما ناسزلو در جکده ناصر و معطر اولد یعنی ظاهر و هویدا در

انجمن حضور شریفه قدیدر کتات خلفه شمر اولدیفند ز ناشی سعادتملو
دولتو آصف شاه را الیه حضرت مبارک کلاچون شیخ زاده دعا جگزه
ربخش خاطر یزدنی دارا به عفو بیوره جفکه و اشارت بیوردنار
مقاطعاته برین حجابا بیل سنج اید جفکه اعتمادا حضور سعادتمند
جست اندیکه زای صوابه دور بیور مکر ایتد و از راض و کرم سلطان

دانی با شاکلی الین تحریه اولمشد

عقوت نور دیدم او غلم جانم افتد حضرت یک ستون خیمه اقبال الیه تعلیم
فانوس ثنائی قلمی سیاقده بر آورده مخلص مشتاق بود که بنم او غلم
اکی کوزم بر اکی دفعه نمینقه فاطم زدا کرد و صوبال ریخته مرده جناح شوی
اولمشد لکن تکلف بر طرف دوشیزه ایکار مرده ضروری رفیع حجاب
لازم کلکین شکافه روزنه خامه رنه بود و جلد ابراز گوشه رخسار
قلندر که علت فراجره اولمده معلوم طیب خوانم کرد که هوار سیروم
چندان دکلر هله فراجره نشسته ملاقات کرده و اولسون وصالکده

کله بک انبساطی نکر اندکجه بن صبر ایدرم ولی کوکل صبر انم
شاهده دیدار یکره اولان قوت انجذاب ضعف فراجره برده کش
نسبان اولمده در بنم ایکی کوزم شب نرد عقل و نکر طراکده برنج بیک
کره سفرا ندکنه ناعده ابر کیمه کچر که نایل شاهده و جا کلا اولیه و ز علم
اته گاه صورت معافده ده گاه صورت جمال ده گاه صورت فاطمه ده و شاه
و گاه سم غنا و همیا کورده ده در جناب اته خیر لیه و توعه موقی ایلیه و غلبو
نابین افند برادر یکره تحریه ایدر بکرم عینی ایلر بولکلا اولمفین نکر بر ندر تحا
اولموب سلام استیاق امیر ایلر اکتفا اولمشد باقی ایام سعادتمند باد

نوبت

باقی با شاکلی افند سح ایس طلی به تحریه اولمشد

بنم او غلم حضور شریفه موصله کنجیده سلام استیاق امیر اهدا سی
سیاقنده بر سن فاطمه اکتفا کلر رعایتله انها کرده مخلص بود که
بنم جانم نمینقه رسال طلی لسانده سلام حشرت انشاکر و صوبال تهییج افند
ایدوب غریب وطن کبی شکبارانک را اولمشد در اکر احوال مزبسی
کوشه کذا رفاط اولورس بیت کوکل بر جام نرنگ الوده دودنر کمنه

روزنده زمانیکه اکتفا آیینده عالم نهادیر کن مطابق حاله در بیت
دل رمیده ماشکود از وطن دارد عقیق مادل بر خون از بن دارد
بنم جانم اگر دخی تفصیل احوال استعلام اولمشد عینی ایلر تکفور سر اینده یوز
زیر غبار ده مکره و بازده عوام اولان الحاس نمونه سی اولمشد و غریب
جناب حق مصقله الطافه نظار ایلیه عینی ایلر نواذرات ایلر مالامال بر کمنه
جموعه بیناله دوشنر در که شیر زده سی بوی جلد بر مرده کنار پرین
بیت ویر مزبهر کیمیه سر مایه مراد تا صقیبه شکنه اضطر ایدر
بر کمنه اینده یوز جناب حق غریب بر زم بجوانه و هم ملاقه احصا
اولموب میتر ایلیه ایس باقی حیمه غنجه مراد کشته باد و زیر اعظم

مهر با شاکلی افند سح ایس طلی به تحریه اولمشد

سعادتملو سما خلقو عا طقتو سلطانم حضرت نیک ارتقای معارج جا
و جلال و علایک معارج غدا اقبال اولان دیوانخانه رفیع الاس و سع
الاحصا صکر و ارب عادیله تمایز نفیضات جریله و مراقی صلو که نتجا و ز
نکر بات جلیل ایلر بازار قدسیان سوزن انکیز و رواج تازده اولمفین
ستاع نوظهور و عوایط اندازه و پیرایه نخر حور اولمفین سحره نخیخت

مهر نوبت

مهر دست

نوبت از اهدای ضمنی حال و آغی درین تعلق کرده پرسش لطف
 افزین اولو لب بجهت سجانه و تعلق ترکیب جسم نثار بقرار و دعای عمر
 و دولتدی اتم اشغال دل زار بیدگی و ارسته بیاند اخبار جانب
 اعلا ربه سامعه کنای اشظارا بکن تمار قوتلر بیدله وارد اولان غایت
 نامه صفوت بخشای تواردی برآت ضمیرن مورث اخلا و غبار نشویند
 وسیله زما اولوب خاطر دیر بایا اولمشدر در بجهت تعالی
 زوده اعلا قلله عظمای امور در نه سهولت و سلاسه مزول دینه عزو
 دولتد امن و اسایشه وصول کمال لطف دوا لمن و منفیض رسوک
 مستحسین را اولد یعنی بیه اشتباه در اجمده تعلق عبارت کتابت کریم کرده
 صفای خاطر شریفک استدل اولمنقه حصه دارش اکت سیرت اولمشدر
 جناب حق بعد ایوم طول حیاتله تمام نعمت مقدرا بلیه مفهوم بنیقه غیر
 اکینکر ده حسن انفا و عینکر سپاس بیور بک او طایق مقررش نطقه
 مکتوب شریفک و در دند ز صکره مبسرت اولمشدر انشاء الله تعالی کتابه محلی کلامه
 دلخواه آصفانه لرند احسن نظم و ابیات شروع محلی تر دد و کلامه لکن ظاهر
 بو ابیاتن جایزه سی خیر با د جایزه سی کی سپرده سببا اولموج محتمله بمل
 اکا بعضی رهنه ظهور ایلدی کی کوشش زدی زدر انک دفعی بنیقه کریمکر ایل
 تفصیل و ترقیمی بو جایزه بیه امدار کوجستانه نه نوا آمده بر کورجی
 ایلد صلح اولور زها جناب الهی صفای خاطر بکن افزونه ایلدیه طرف شریفک
 میزان خلوصه شایسته دعایه تحمیرینه بوتاناک تعبیرات دلپذیر غالب
 معنایه سبک سکه تحسین ایلد مسکوک اولمغین مخلصکه مایه شوق اولمشدر
 انشاء الله تعالی وقت اسعدده احوال حق شیباق اولنور باغ فرما سلطنت

عبادت و غایت

حضرت نیکو
 بود فی سمر نامه در غایت
 سعادت ملو فضیلتو حقیقتلو بر نوباصره جاتم حضرت نیکو نملین ترجای
 فضایل و دلشین تر جامع الاناضل اولانادی برست سببا و انجمن
 روحیثا لرینه اکر امات مستوفانه بیه قرارانه و احتراما بنجذانه بیه
 اختیارانه ایلد جیده سنای روحانیان اولمغه سببا دعوت از نور تائیه
 و مجله ارای قدسین اولمغه سببا تحیات تائیه تعبیر اهدای مراعات لازم
 پرسش ضمیر لر ایلد تزییل ضمنی انها کرده ثنا و در بود که

در غایت

لطیف

بود فی سمر نامه لطیفه در
 بنم سعادت ملو فضیلتو بر اذاعت و اکرم افند حضرت لر رسوم اخلاصه مجلس
 شریف تعلق نظامینه لبریز دعوت خلوص اشقام اهدر قلند یعنی زمین
 لازم پرسش خاطر فزید و قاعده تبریک ایام دعا تائیه صکره انها کرده
 ثنا وری بود که پیام عافیت ذات ممدوح الصفا تائیه جسم و وزیر تب
 اوزره ایکس اصن او قاتنه بنیقه علیه و هدیه بهیه لر و روز مفتاح
 الشرح خاطر اولوب دعا ر بقا سعادتملر عاشیه منن اوقات تلمذ
 بمر اوله سر

در غایت

افند حضرت نیکو مجلس خطیر لازم التوقیر لبریز دعوت سیرج التائیه
 قلوب لازم تحف ضمیر لر حواله کرده تقیر قلند قد ز صکره داشته
 ثنا و زما کریم لر بود که ابرک او قاتنه مفاد ضه علیه لر لب اندوده
 قیصریه هدیه لر و رودی بطیف ذابقه سرور ایلد

مردوست

بود فی سمر نامه مرد و حد
 سعادت ملو مکر متلو و تلو نور دیده افتخارم اغای کریم التائیه او علم

حضرت نیک حضور لامع النور لرینه انواع توجیهات باطنیه و اتم کمالات
ظاهریه جریده اجابت ربانین بلا توقف نایل درجه قبول اوله جوع
دعوات سریع الوصول نشانند صکره فاطمیه سیمارینه بعضی مراتب
موضعه داشت خلوص پرور بود که **بودنی بخار در برینه خیر العزمه در غیبه**
سعادتمند و متلو غنائیلو سلطانم حضرت نیک هم رتبه فلک
هفتمین اولاد و یونانجه بیمنت اینک رساله شوق و غم و قاعده
ادای عمر و دولتر تکمیل و اتم اولمق سیاق من عرض داشته داعی بی
اراملر بود که بنم عا طفقو سلطانم حضرت جناب حق شیخ تادیه حسن
حاصلت دیکتا که بعد از مکرم اولاد ذات بسندیده صفات من و قایه
حفظ صدائے سند اکلار روزگار در مأمور و اتم سعاد و اقبال من روز
افزونه ابدیه بودند اقدم غلبه کلام آصفانه لرینه غایت بیوریلک التفت نامه
علیه لر و صولجشم یعقوب حریه بور پیر این یوسف که یز بن خا سرت
واقعا رادلوب کاه روی بفضله سینه و کاه کلبوسه شوقه جسم ازویه
مالیم قلوب بیت دل از نشاط نامه لطف چو کودکانه • صد با خوانند
و دیگر از سر گرفته است • معنوی او زره دعا و در تلمینه برابر به مقابله
بودنی رانی با شفا جناب در برینه خیر العزمه
سعادتمند و متلو کم متلو بر تو با صره ایتیم سلطانم حضرت نیک ارفع مواقع
عز و رفعت و دولت و اوسع مجاری خیر و برکت اولاد نادیه کثیر المنیر
صوبه انواع تضرعات عاجزانه واقم تواضع بپیرانه ابله دعوات اجابت انجم
و تجیات صداقت نظام نشان عقبنده عرض داشته داعی بود که
بنم نور دیم سما خلقو غنائیلو سلطانم حضرت نیک مجداته تعالی کلام اخلاق و صیت

در غیبت

و صدای در اتم شفا کفر مع جهنم ملو اتمکین دعا و دلنکرده به اختیار
اولمشر در جناب کریم لم یزل ایاام حیات سعاد مالک ز افزونه و مرآت
فاطر قبا کلاکزی غبار اکلار در نه محوس و ماصونه ایلیم
ارزن الروم محقق ابراهیم با شفا جناب در برینه خیر العزمه
دولت و متلو سما خلقو عا طفقو غنائیلو سلطانم حضرت نیک شیخ خردس
برین اولان نادیه کلام آییندرینه علاقه اخلاص و داعیه اختصاص صدن
ناشی تکلفات اشتافوشانه در سده و ططراق تشبیهات و استعارات
شعوانه در نه ازاده دعوات اجابت پذیر و تجیات سریع الفائیر
اداسی ظالمنه بکراته تعالی لغت عافیت ایل معتم و دعا و عرو و دلیر
ملتمزم اولد یعنی بیانه صکره موعوض داعی بی ریا که بود که بنم دولتمند
سما خلقو سلطانم حضرت نیک چند روز و ختنه بیمنت اند و زیکر نقادین
کار دانه خاک عوخته دعا نامه ارسا اولمشرید بر قج کونده صکره بوطرفه
ساعی کلوب بنه ارض رومه یا جنبان مساحت اولمقین نکره خیر
بخویر کرده اخلاص اولمشر **یکم افندی بر آینه خیر العزمه**
بنم بر تو شمع حیات سما خلقو کم متلو اغای ملک خصلم ابخی بهشت
استیاق تا فله دعوات اجابت نظام نشان منمنه انها کرده بدری
بود که امور دنیویه چون ثقلت اثبت جندان رضا داده خلوص
دکله را تا بر مکنه نک ابرامی حدود معاده تجاوز اتمکین ثقله جات
اولمشر معنوم بود که دبار بکالای بکلکی کالانوجیهه الکالان وار سید لرین
صورته جایزه معاده سخی صورته اولور و جابکر حصوله نوبد بیور سینه
کند و نه دیکر در غیر طالین و ارمی سعادتمند کنه ایک بدریکر طرفه استخبار

دوبو بریکزه اخباریورم ریجا ایدم حدالکانه اولدنی صورتی طالبین
اولانم کخانه حواله ایدم واروب حصوله سعی المیسوره راست ایله اولان
ضایحیونیم نور دیم تغییر فراجم صورت هیکلانه اولان تقویر پریشانی
تخیر دیر استدار سوروب حاکم شریسته دست رس ممکن ایله برقدار
جی ارسالنده منتدار اولورم باقی دولت در ترقی باد من العبد المذنب
یوسف نابیه

خاص تذکره

بنیم نور دیم کسندر فرج پریشانی و سایر احبابه تفارقدیله دونکی کون
بر تاج جی واقع اولمغه منوره اید اولندی **تاریخ** بوسال حجه فله
نابیه • رهیب اوله فطال وستی • بی نقص و زیاده کلک زبانه تاریخنه
لفظ **تند رستی** **بودنی رئیس الکتاب رانی انشای جنابیه در**
سعادت و دولت و غایتلو سعادتو نور دیم عزیز و محترم و عیال با هم اندر
او غم حضرت نیک لب ابدیه جسم در احم بیار لر تقبیل اولنده قدره صکره موعوض
داعی دولت و اولدر که جناب حافظ سموات و ارضین خیر محض عالیه اولان
ذات کرانایه لرین مکررات عالمده مأموره ایدوب سایه عنایتلوین فارقا
نیاز مندان عالمده زایل ایلیم بنیم دولت و غایتلو نور دیم افروز و غم حافظه قدر
طافنده بانی شریفه ایصاله مقین اون کیسه طبعه بویجه ایچون شام تجارتدن
ناتار اید ارسالده بو پر بیکرک موفقی ضم اعتقاد و راه سلطه وصول مسیر
ایلیه یا قنجه بر لوده بویجه کوزد بر مقدار حواله صرف پدیر سوروب طبعی جودنه
جسم داشت انتظار اولور اما بو خیال حواله خاطر پنجه دولتشوب بر دفعه
سنگ دخی حواله ضمیمه یکن دولا شمدیننده کسند ضیافه سده مزه جنابکده
شکایت محتاج اولدی هماغه هبته مسند دولته دایم اولک سزنده اولادنی

بزمه نه خالاسیه خود کرخه قناعت اولدی اما سزک دایره کز و اسع و غله
مصرفه دخی جوی ایدم موقوفه راته زیاده ایلیه بنیم نور دیم بزم بر اتمده
مطورا اولان اون غرض مالکوعین الجمل مزه سنی سربنده عبدالرحمن حبیب
تغلبا ضبط اتمده ده در شمد کلکده محضرا غایه برات اتمدم دیش واقع
ایله مالکانه شریسته مخالفت بزم اصل بر اتمه اولد قنجه برات اولدی بنیم تصور
در غایب بقده ما نصف فراد بزم ابو ایچنه قصر بیانه یکمده اصل برات جناب
سعادته ارسال اتمش ایدک الکاتاب یدیم بزم مزه دیر طوف بولوب برات ایدر
دیکتی بعضی کس نقل ایلر بوقوله او جیستدیم مستبعد کلکد بزم
دولت و غم ایکیوز غرض حاصل اولدر مزه مزه اودر اودنی بویچیک
دانه گرفتار اولدی لکن بنیم نور دیم بولمونه هماغه انشاء الله تعالی
وعد کریمک اول خطه هایونیرینه بر وقت مناسب تملیک هفت سوروب لویه
ملک نامه هایونیرا سنده داخل اولد قدره صکره انک برات لغوا اولدر حضرت الله
خیر اید موقی ایلیه بنیم ایکی کوزم بر شنی و کلر اما طلبکار بایله جی سعادته یوز
عدد لوله در مان رهادی تبرکاً و شفا برقدار بولغور ره ها ورامیر و غنای
حاجی مصطفی ایلر ارساله جت اولندی انشاء الله تعالی قریب و صوبه قیصر اولور
مبارک او غم حیل زمان اولک مبارک قلکدک رقم غنیمت بی ایل ویده انتظار
و افتخار مزه قیر ایتک میتسه اولدر الله مانع خیره کویدر ایلیه کسرت
اشغال بهانه حاضر اولدنی بیلر دکلک لکن بوفیق اولد کلک بهانه ایل تسلیت
بولم و جناب سعادتی او قبیلده و کلدر هستیا فکره صبر اولنه لطف ایدر
اوج درت ایدم بر کسندر مبارک قلکد ایل یوز مزه کوز مزه سوروب
تغویز جانه و تقویه جانه انکیچور دیرین سوروب مرکز جا اولدر الله تعالی

وایم ایلیه جنا بکرت خیریه یوزینه سور که مشتاک نهایی یوج لکن بنم
 طارده باسقه در بر خور جا بکرت ایچون رومار داعیه سنه دکلوز انجی عهد قدیم
 بار یله عهد جدید ایچون ابتدا وار زکرت الیکر طوققیز مجلدن بو پیر لکزه علم الله
 تازه نشو حیات کسب ایدیه حکم زبور پیر این بوسف ریده یعقوبه ایلدیکی
 فیض مآده سنه استلال سور لوق رجا اولور باقی عود رفت دایم باد
حافظ ارزنه الروم ابراهیم پاشا ایضاً جانی افندو جانی خواجه کورک
 بنم غنومک تلو حقیقتنوز دیم افندو غنم حضرت شادی عشار اندوزده
 استیقای تمام ایله دعوات صادقه اهدای ضمنیه برداشته پیرر بود که طرف
 ارزن الروم کار بایز فوجی بعد الموب استماع اولمغین عجله اید بود رج
 محضه خیر و کون بیدانه هکام عث ده ارسل اولمغدر دولتو آصف
 عالیجناب حضرت نیک فاک غنم بنده دعایه خیریه اکلان وقت اولمغین
 اعتداله و کالکرت نیاز ایدرم بنم نوز دیم بو عجله اید ارکاب تحریک حکمتی
 دولتو آصف کریم الش حضرت نیک ضمیمه انور این کدریم بوده در ضیانت
 قصد یدر زیر اربع المافوک او نه بر خیر چهارشنبه کون بهکام صحبتیه بعضی
 بد کور بو نفیرک عیاز اباته بغیه ده خیر انقالن اساعه اتمکله غایا ناس میاشته
 تواتر مرتبه سنه اولوب بنجه کسه لادم کوندر بتمحض اید رب صقی ابا غنم
 محلات بعیده ده بولغان سر بیا جمیع اولوب بکراته دروغ ایدو که مشا هده
 اولمغدر عظیم تعجب اولوب انشاء الله تعالی طواریات مودر اولمغ معناسیله
 کسب تسلیم اولمغدر حکمت بار بکار بانک خود و او کون مصادره املین
 مبادا امانه کار بایز دولتو آصف علیه حضرت نیک و جنا بکرت و سبک
 بوضر کار بایز تکریم اتمک ایچون بر طریق تعجیل خیر اولمغ انشاء الله تعالی صوکیه

خبر در دولتو آصف عالیجناب حضرت بنده ابلاغ دعایه و کالت بیور سر بنم خوابه
 تاریخی شمس سی سها و ایدره آصفین کتمک و کتمک او زره شنباه و انمغدر
 اویل اولمغ طلب انمغدر انجی اخباری رجورر یوزدین زیاده غزل طافدر
 ارسل اولمغدر باقی الدعا بکراته مزاجزده دخی اویل عذر یوقدر او
 معنایه دخی ویر مشیدک **حافظ ارزنه الروم ابراهیم پاشا**
کورچی بجه نیاز اید ارسل ایلدیکی نامه در غنم
 سعادت نمود دولتو ساقی طفتنوز قره ریده اعلی سلطنم حضرت نیک
 شمس بهشت برین و تبریک نقس علیین اولان دیوانخانه تعالی امانه
 شیندری باینه وضع شکوه دانه زکار نیک دعا و نثار کونا کون جو آهر
 شاد بینه عوضه داشته داعی بی ریا کرر بود که بقیه تکلف اینر سیمه
 مشهوره اید حضرت نیکاری دعا مقام سنه اولمغ بنم بیانی استیقای دعا نامه
 رسانم ناشی طی کرده لسان احضار قلینر اعتذار و استغفار در صله
 بنم نور با صره بیا تم سلطنم حضرت بر بر خیر شتیای شبا نوز مقیم
 سه سعادتمن اولمغ شهادت کرده ضمیمه انور بکرت در خصوص سعادتمن
 دولتو آصف کریم الش صدر ساق جمیل الحار و المقار و زیر صیپ کمال
 محبت حضرت نیک خلصه حطه طبعی شریف اند کلر ایتامه بر اکثر اوقات
 محامه نظریه و محاسن زآتیه و کام اخلاق جمیلکرت نور مجالس گفت و شنود
 قلمقله سلطنم حقنوز اولان علاقه اخلاص و رابطه صدق و وادار لر
 صد بیانم کدر اندر جناب حق انلریه و سلطانبنده و مایه الحفظ ربانیه
 بالغ نصاب زنده گانه و واصل در به کار و ایلیه امین بنم نور با صره صیام
 سلطنم حضرت خیر زمانه اولمغ رحاب عنایت نامه آصفانه لرین نایل

مدد دست

رشحات التفات اوله مدك اكر چه خطه ارض روم حقه بعیده اوله یغنی
 نوعاً فاطمه شانه تسلیمت اولمه در آتاه ایچی دفعه اول طرفه کار بان
 توار و ابوب التفات شانه علیه کوزه امیدوار ایکن بنظهور اتمه و کندن
 اول انتظار کشیده در کلمات تسلیمت و فی زینت اولم و مرتبه لرزه قلبه
 خصوصاً کمر آتش بر قد و در لسان و عدا یله زیور کوس انتظار مر اولانه
 کورچی یجه معهوده نك امید قد و سینه ضایع هر کار با استقبال انکه محصل
 جانب بیک ضایع نظر تابلو استقبال اتمه ده در آتاه اعلم کورچی
 یجه معهوده ک صفا کندن و نك بوطرفه وصوله مقدم کلک احتمال غالب
 کور یزرا اما امیدوار مک بود آتاه وصوله مقدم کورچی یجه بوطرفه
 و اصل اولمقه شرمند لک بود عاچی جانبینه راجع اوله امین بنم سلطه
 هنگام مفارقت صکره انار فقیرانه ظهور ایدر آتاه جمله نك خبرینه مع آتاه
 اولمقه چند روزه یجه فقیرانه ده کشف بش خاطر غره سی اولانه چند خال خاک
 غره ایدر اولدر آتاه الله تعالی قرباً قانی و فی عرض اولنور بنم و دلتو غنا ییلو
 سلطه اکر چه کتافانه در آتاه دفعه شبهه الحوز ارتکاب خیر اولنور بنم خوابه
 تاریخی نسخ سن بوطرفه بوله میوب بعض خدام بنده لر یک سلطه نك میان
 کتبنده یا خور دیوانه افندرس او غلمه قولک نسله نك احتمال معنای ویرم علیه
 بود عاچکز خیره و قویله و ارسته خد اشتباه بیورم بانبه لطف واصل
 و ام و زمانه دلتو سلطه حضرت نیکدر **در نکار نوشته در**
 غتمو مو فقلو حیوان افندرسی او غلمه بنه لر یک تبلیع سلام بدرانه مزوابسته
 مکام آصفانه لر بر بنم ابولین بنده کز لب ابله دامن دلتو نك تقبیل ایدر لر
 مست جذبه حقیقت مستوفی برو صحت شیخ اسمعیل و عاچکره خیره بیور دینگر

سکا تبلیع و تفهیم اندیکمزه عظیم سرور و منشج البال اولوب کاک تو جهانه
 دعای خیر ایدر لر و خیر ک امانت انشدر بنم دلتو سلطه حضرت وزیر
 البه حضرت بنه مار بخلر غایت لر بنه واقع اولمشد طبع سربفکر فخطوطا و لجمی
 ملا خط سید خیره اولمشد البه حضرت بنم فخلصک ایتام صدر تلر نه ارض رومده
 اولانه سوابق التفات بنده غیر جلی شریف اند کلر بنده بر بنو بنو عا قبا مظهر
 انواع الطاف و احسان اولد یغرنه ناشی بی اختیار وادی ثنار لرنه بیلر اولمشدر
 جناب حق اندر فی جناب لر فی معترایه **موصل والیسی وزیر مکرمل جلی یوسف**
باش حضرت جلب والیسی ایکن کرم و غنا ییلرینه مالوف اولمقه موی
البه جانب موصله رسل ایلمیکی مشکله نام لیدر
 سعادت لود و دلتو غنا ییلو موصل سلطه حضرت نیک ارفع بیلس عالم و فضل
 مواقع لطف و کرم اولانه دیوانخانه رفیع الارکان لرینه انواع تسلیمت شانه
 واقم تلم یا صا رفانه ایدر دعوت اجابت انار و تحیات اصابت شفا رنار
 اولند قد صکره مودع داعی صداقتکار کز بودر که اکر صا داعیلر داعیه خیر
 انور لرینه لایح اولور لبه بجه سچانه و تی بنور آسوده کینج عاقبت اولوب
 دعای عود و دلتو اهم آملر ایدر و کنه ضمه انور لرینه ناماندر بنم سقا و بیلو دلتو
 سلطه حضرت لر هر بار طرف شریفه عا تم کنه بولنمغل خاک غره رعانامه خیره
 قصور بر محققه رکس علم الله محاسن اخلاق و حکام او صا فکر بر وجهه فاطره
 کتمیوب جمیع مجالس و محافلده مدح و ثنا و غیره اکر التهم اولند یغنه خد اش
 بد در حقی طبعه شریف ایدر وزیرای بلند قدر برادر لر یک عجبا سقا دلتو یوسف
 باش حضرت لر نایه افندرس نه کونه معاملة اکرام انک کز که که جلوه نرج و بهی
 اوزره مدح و ثنا لرنه بودر به الطاب ایدر لر جو رشک و حد و آیه لرینه

و دشمنه ده درختی بعضی وزیر السامان سنک قلیکزی یوسف پاشا حضرت خان خیز
 جذب ایدوب دعا و ثنا رینه بود نه وقف ایشد ریحو نویض ایدر لر جیبا و اید
 الامالی عمر و دولتمین افزون ایلوب همواره نواله چین خبر خواه است نکران نقد
 بر زلفی دور ایلیمه قریب و بعید لطف و کرمان تمنا دین بر اولی محاکم باقی
 همیشه ایام سعادت افزون باد **حضرت جلال الدین رومی باده باله القیومی**
اولاد کرامت در سجاده نشین ارشاد محمد و کرامت آیین صدر الدین
علی حضور رینه فرستاده ایکی کلاه عیدین در بوزنه سینه سرور هوا
اول نقد حصولی چون تحریه اندیکی نیاز نامه سید
 کوهر معدنه ولایت و دومان کرامت نهال باغ راز صدق و مدار غره شجره
 فیض وارث و در یکتای اصداف اسکا کرام موج بکانه منبع اوصاف عظام
 عنایتلو کرامتو علی اندر طال الله بقاء حضرت نیک عبار استی عنایتلو
 بوتیای جان و ریش فاشیه بسط سقا و تمینه شانه زده فرکانه خوتابه
 چکانه قلمی و جلی و زره صندت چهره سی دی و سرشک پاشی کوهر
 ثنا و اکر سیاق من و صند داشته داعی فیض گذارای بود که بنم علفستو
 عنایتلو علی اندم سلطام حضرت جناب شوق بخش کارگاه ملک و ملکوت
 خجسته اصفای عالم و ظف الصدق خاندان اولنر مکرمت ایدر ذات مدوح
 الصفا کز همواره آرایش سجاده خلافت و هدایت و قبله طالب عنایت
 ایلیمه ایمن است بنویسی اجداد عطا مکرده اولنر شوق انجده انحر صول سوز
 قلم روم اولدینغی تغییرات انشبین نیاز نامه دین یقینکر **اولور** او چار دم
 بولسم اما نیلیم با و بزم یوقدر • لکن منعم پیر بوفیر او دلدن و حرم
 انگین سلطانه خاصه نیاز مند که بر کونر مواجهه اجداد عطا مکرده قدسنا الله

نیاز حق کیم

سر هم الا علی مخصوص بوعبد فقیر طر فند زخسوده موقف نیاز اولنوب
 خواب بیدریغ فیض واحد ندر نه بر لقمه کلمه بن روکار جاسنه دست
 افزا اوله سر لطف و احسان ایدوب در ریغ بیوریه سر زیر اجداد عطا مکر
 حضور نه نه کنر جگر باره لر اولن سلطانک رجاسی جمله دین مؤثر در
 و بر کونر دخی لطف و احسان ایدوب جداد یک فزده المحققین صدر الدین
 فتور و بر کون دخی شمس تبریزی حضرت ندر نه قدس الله سرارها بو نیاز
 و کالنه بوفیر شرمند است بیوریه سر در و نه سوز و کداز له نیاز جناب
 الهی موفی ایلیمه بنوع زاده ابوالخیر و محمد امین دامن با کلامه رویا ایدر
 او نه ایکی سنه و سکر سنه طفل بینه موفی کلاه یک ایکی عقیقه جکی ست
 خلافت تکیه بیور بر ایکی کچه دخی تبرکات قدسه بقاء اجداد کرام بوشید
 لر خشنم استفاضه روحانیه سنده صکره بر مناسب کسب ایدر ارشاد
 بیور بلو رجا اولنر باقی لطف و کرم باد **محمود مصعب مصطفی پاشا**
منتقل اندیشه و خوابوش بک خبر خلق اولنر ویش صالح بک
اولنر دنی عواید ایمن بایه افند طر فند به اکثر ملکاتیب واقع اولنر
طرفه نیاز شد غوثو حقیقتلو نصیحتو غمخوار قدیم مرئی صورتی اویور
 حقیقی صالح بک اندر حضرت نیک مجلس فیض اشتم روحانیه نظام دین
 انجذاب کلی و ارتباط حقیقیدنه ناشی اب اخلاص صله سرشته خبره دعا
 و مدار صدق نوشته رقیه ثنا اهدا کر ضمن مآت دست و اردات
 غیب اولنر خاطر ملکوت پیوند لر بر سر ابد تقیم و تدبیر اولنر پیوسته
 زانو زده مسند وجود دست آورده نغم شهور اوله سر نسخه ثنا و ریده
 اداره و روح استجبار بیوریلور لبه بینه سبحانه بنور غریب رحمت جیبا

اولوب دست و بازو امواج النفس و افق و غوطه خور میانه بحر قیور
اطلاق و ملق و جوی او زره کدارش اوقات و لغی در تخم زمین نینک
نسیم بهاره استیاق قدر بیم عافیت به از رومند این غنقه صدق این
خاطر کشا لر و روی و رقی توتیا قدر تنویر دیده صمیم و جسم استیاق
قربا یلنذر مشار مقید اید سنی اولان عالم خیالده حالت افتراق رای ناسد
و نسب اعتبار به نر معدود اولان قرب و بعد چار سوی وحدته متاع
کاسد اولفله بنیزده عارض اولان بعد صور محض قریب اید که حقیقت
شنا سرنه نابوسیده در **ع** جدای من و نود اخل جدائی نیست • بعد
ازین به ایصال بیم عافیت به تجدید لباس مسمات بیور ملر با مولد و نلو
سعادتمند و زیر کریم ان تهنه محبت کار دایه حضرت نیک نه مرتبه شرمند
اکرام و التفات را اولوب و نه مرتبه مخصوص و عافیت اولد یغیر بیان
مستغنی در طرفین علاقه اخلاصی محکم اولفله عقل و فکر انظر فنده
اولد یغنه ضمیر نور لر رشهد در انجی علم الله فرا جله غلبه سود آدن
تغیر کله اولفله خاک غنچه مخصوص دعائیه تحیرینه قدر تم اولم یوب
تهی کوندر که دخی حجاب مانع اولمین طرف داعیلند نه الملاح دعایه بود فنه
وکالت بیور ملر موجود در باقی هیئت ارایش عاب بار

مشایخ طریقه نقش بندیه دین و یار برده سجاده نشین عزیز زاده محمد افند
حضرت زین العابدین و عاب و یار برده

راز داران مدراج ناسوت یاز نامه ناعراج لایه محرم بارگاه اصدخر حجه سراسر
صدر عنا یتلوا قدم سلطان جلی افندی دام ظلال ارشاد علی مفارج الطایف
حضرت نیک حاشیه سجاده هدایت اندوز لرینه کلابه دودیده سرشک

لطیف

این نهاده وضع در ویت نه قلند یعنی سیافنده فاطر الهام الیقوی بر
سطر دیباجه اخلاص قلند یعنی زینبده بر رانسته تناور در برین بود که طفتو
مکر متلوا قدم سلطان جانب شریفه اولان انجذاب در و نر وارسته قیدیه
هر بار نیاز نامه ارسا تصمیم کرده خلصانه فرا دل یعنی مشهور ضمیر و سپه
دالمیریه رانجی جواب داعیه سبیل اوقات عزیز یکر ترضیع و قلب شریفکر
اشغال انک و اهمه سی مانع تحیر اولفنده دراز جان و دل مخلص ثناری
خدمت مشنه متفحص اولد یغیر حبیل سماحتلو عنا یتلوا فندیک دخی کارگاه
توجه باطن نه بود بسته لر از ارحمه دعایه سرافراز بیور ملق جسم
داشت آما لر در امید در که کافه خلصانه کشید بیور ملر سطا وسیع
النوال همشده بود داعیلر دخی محرم بیور مله باقی ایام سعادت و هدایت
دایم باد انطایک ده ظهور اید ز اشوب و فتنه نک دفع و رفع طلب
والیسی وزیر مکرم سعادت و نوابه اهییم با شقه در امور اعریت و ادای
خدمت ناموره لر صوب دولته و صند نه مله جلیه عود تلر انشا سنع
جستی زاده به تحیر و آری الی الی مکتوب مرغوب برید

غرملو و سقا و نلو نور با صده استیاقم جان عزیزم افند اولم حضرت نیک
خیمه رفعت لرینه تعلیق فانوس دعا و مد طناب ثنایا فنده بهترین نسخه
فن اخلاق اولان فاطر نماز کته لر بر بسته اداره سر انگشت و زبان قلندر
همواره عطار داسا ارایش جویانه عزت و اعتبار و نامه صفت اطلس برش
غافیت و افتخار اولم طریقه برقرار اولد سربیم سعادت ملو مکر متلوا فنده اولم
عزیزم جانم حضرت رحمة شهبایه توجه و غنچه لر بشیر نه حاصل اولان
سرور و جهور کن ادای قشک و بیان نه تیا به تعبیر کلمات مجموعه امکانده

بایاب اولغین قلم شای باز کونہ دوات صفت بستہ بنجیر خونہ و مکتوب
 مانند و ست بصیرتہ زبونہ اولمشر لحدتہ تقاطع ہا آملہ بار وادہ و ہد
 اصیر طبع مامول روکشادہ اولدیغی مشہود و دیدہ انتظار فرا و لمق
 میسر اولد حضرت رب العالمین شریفہ مقدم قدم صمیمت نواز لرین
 مایہ خیر و برکت ایدوب زماہر سعادت نذر ہم کند و لوہم الطلحہ دانہ
 و خندانہ اولمیری موجود را دل واد اولانہ عنایت نامہ لر تغییر آتک
 ضمنین شمع اولانہ رایجہ سوز و کد از یک زہ جانب ہر رر یہ اولانہ انجذاب
 و اشتیاق استلال اولمشید لکن ثانیاً مخصوص رقبہ خلوص انکیز یک قلب
 فقیرہ ہر مرتبہ مایہ بیچارہ کی اولمشر کہ بحریری ماورای حد و امکانہ اولوب
 طر فیضین اولانہ اسواج و ذ او مرتبہ و کلد کہ ایکی اوج نزار افیہ و بطور
 اوراقہ کنجایش پذیر اولد علی الخصوص شکر دہ عرض شوق ال و کمر اولدی
 انشاء اللہ تقاضو لر لی لسانا تجیل اولنور بیت شوق و حوصلہ خایہ
 صغیر نابیہ . انہ وابستہ ہنگام ملاقات ایدہ لم . ہائے ہیئتہ ایم اقبال فرودہ

بودنی بر مکتوب لطیفہ

سقا و تلوسما خلقو فضیلتو نور باصرہ ابتہاجم ولے النعم زادیم بیک اقدم
 او علم سلطانم حضرت بیک ہمتیہ دارالانشای برجیس و ہمدردہ و شیر
 عطار و احکام نویس اولانہ نادئی افاضل طلیس و فضائل انیسلرہ تیجیر شام
 دو حایانہ احرر عبیر دعوت کس نذریدہ و مزین عمام قدسیانہ سزا زہار
 تیجات کس نشیدہ شادمانیہ لازمہ پرست فاطمہ زکریا تیزیل عقیندہ
 عوضہ داشتہ داعی و برین بود کہ جناب حق خانہ قدیم و دور مانہ کوکاز
 ماہ اراستہ فائز انکرا اولانہ ہر اراہ کریم انہ و جناب فضیلت نشانک

لطیف

وجود ملک الود لرین امانتہ در و روضہ لرین ہموارہ سرور ایمیہ بوداخی
 قدیم غریق نعم اب و نغمہ اولمشر بیک عافیتکہ کوش کشای انتظار یکین
 اسعد اوقاتہ ہمیقہ اینقہ فصاحت مقرونہ و بلاغت مشجور یکم تنویر

بودنی سرنامہ مرغوبہ

سقا و تلوسما خلقو ملو شوا فخر حضرت بیک جمع ارباب معارف و کما اولانہ
 نادئی حقیقت ہر در لر صنوف تجایای بی انتہا ایلہ مراعات اولنوب
 خاطر نہ بغیر سوالہ تقدیم اولند قدیم صکرہ و صند داشت ثاور بود کہ
 حق علیم کہ انما جمیلہ الاعینا لرینہ ترقیمہ سرحدہ پایانہ ابر شمس ایکین
 اسعد اواندہ مکتوب برج الا و سلوبلر واد اولوب مقنن و معلوم اولدین
 کیے حصول حاصلہ نہ تشبث اولنر باقی ایم اقبال و ایم تاد و زیر عظم الیکین
چو لولہ علی پاشاہ اولانہ عرض اید کہ و بیادہ سی نقل اولنور

حضرت خدای جہان و زرقانی انس و جان جلوت عظمتہ و تلوسما خلقو غنائو
 مرحلو ولے النعم سخی الہم اقدم سلطانم و ام محفوظا حضرت بیک ذات عیدم
 المثالین و وجود ہر وجود کریم لخصا لرین پیوستہ اراستہ صدارت عظمی
 و پیرایہ و سادہ و کالہ کبر ایدوب سایہ سعادت مایہ لرین حوزہ ہما ملک
 اسلام اوزرہ مشد و مؤیدہ و مبانی عمود و تلوسما مستحکم و مشید ایمیہ این
 بحوثہ اشرف المرسلین عرضا لرین کہیں سار بجایال بود کہ بوندہ اقدم
 بوداخی ناتوانہ حقینہ باب عنایت و احسان کشادہ و مطالبہ تحصیلینہ
 ازاد بیور لمشر دعا و عمود و تلوسما رضیہ اوراد قلمند لکن توفیر خزان
 بیت المال خصوصندہ اولانہ ہمت مددہ علیا لرینہ ناشی بایا لر ترمیلہ
 قبول و یا خود تصرف اچونہ ارسا برات **بودنی کوندر لشد**

مرغوبت

اعلاد

اعلاد

سعد و سوسا مصلو صد اقتو غیر تکش صدقانه در سنجید غایبم غیر محترم
 اذ قدر سلطنت حضرت نیک و مرتبه دارالانشای جریس و همدرد و پیرستان
 عطا و احکام نویسی اولاد نادنی ای ایس و اهل جلیس به صد معنای
 متعدی نکریم تا سرورانه و رسم معهودی متجاوز تقیضات کشاید به تجربه
 شام روحانیانه ای عبیر کس نه دیده شادری عقیقین و عصفه و الله داعی
 کرم دیده کرد بود که حضرت ایزد به زوال وجود بینا لکن ذقایه ربانی
 سنو مصون ایل به اقتضای جواهر اصالت و لازمه سجیه غیرت و شفقت
 اوزره و اثر مزبیه علیه و ثمره حایه سینه کز اولاد تخلصی مطابقا محصل
 و حجت اعتنای داعی خوین اولاد زمانه سابق عنایت این باب به شرح بیور
 یا مار قدیمه قبول یا خود تضرع به تجربه بناء بودند اقدم برات قدیم ارسال
 اولاد قدیمه صکره غایبه انکار معیشت اولاد و عیال ایل کاه الا سنه لک انکه
 ار جعفر می نویسی و کاه اهل و عیال می تحفیف تصوراته گرفتار و بعد ایوم
 بخور کای و غزلت حقیقی به قرار اوزره قلب خوین اسیر کشکشی یاس و امید
 ایکن ناکاه و ارم علیه اصفافه و نه غم و سحر اراغا و غم ایصال برات جدید
 ایل لباس امیدیزن تجدید املین نایل سرور عید اولوب است خوشه الود و نال
 عمر و دولت به احوال و نمند **علیه السلام کاتبی رفیعا بللی به در**
 غم و حقیقت موقوفه نام رفیع القدرم حضرت نیک نادنی حقایق
 رسوم معارف از زمره صوبه ملا بس تعبیرات استیانتا جلوه کرد و قوالب
 کلمات از و مندا لیه روح پر اشوب انکیز مجلس روحانیانه و روح بخش
 مجامع قدسیه اولاد شایسته شواهد هر طرف در عوالم غوائی کلچهره حیات
 ایضا علاوه بر سن فاطماز کثر لایه تقیم ختامی انها کرده پدر بود که

جناب کز بلا و بعیده ده به نمفله طرف مخلصی فراموش اولاد یغنه به جناب کز اولاد
 علاقه قدیمه و طرفه ز عذر خواهلغه و کالت آمده در سجیه صدقانه کز ایل
 معاملة متغایله کز نبینی نویسی انک اگر چه صلیحه متعمر معنادر اما به شغل
 تقریب به جناب کز فراموش انک سبب اولاد یغنه ناشی به واقع اولان
 معاملة متغافل کوه کز دره نمون اولاده یوز به کراته آمد شد فوافل منقطع
 اولمیحی و باره کلید کز بودند صکره انقطاع رسایل مولات انکیز تجویز کرده
 خاطر خلوص اندیش کز اولمیه جفی انضا کرده بر اعنه یقینم در حق ابتدا واقع
 اولاجی کار بارانه نمفله خلوص کز ظهوری نگاشته جویده انتظار محترم بنم
 جانم خطایه ای محافظه بها و زیر کریم الشانه آصف قائم نشانه دولت و ستاره
 عنایتی بای شای بلند عنوان بعضی مایه سحر اراغا و غم کز اول طرفه
 غمیلای و نوعی تحریر مودت نامه و سببه فرصت بیلوب انجا عدم مایه
 وقت بر وجه تفصیل و خبر صورت فارا کاه اولمفله بود و رقه محقره ایل بود و رقه
 ضرور الکفا اولمفله در حق سعادت نمود و نشود و زیر مالش به عیالیش کار دار
 حضرت نیک خاک خفته به دخی بر دعایا به تحریر نصیم کرده صدق اندیش ایکن
 میدان قدرت رحمت و اوده تحریر اولمفله غایبانه خدمت و عا لریه قناعت
 اختیار اولوب عرض عا صا دقانه جناب کز نو کیر اولمفله نهینه و لا و تنه
 بولید غیر نور دیده ابو الحیر جناب شریفه غایبانه کما شیتا تله دعا را ایدر لر
 مستغرق النوع لطف و اصغ اولد یغنه حوم و منفور له باقی با ش انک
 جناب حق خوابگاهین روضه بهشت ایلیم انکرا بنند ابو الحیر کز نهینه
 ولادیه ایچونه کتور دیگه هدیه کز انقدر در استماع اینمکه هدیه کز ایتد وار
 اولمشدر جناب کز اعلمد عرض انلار کز طبع طفلانه سی بیاتنده در

بجواب

بودن خادری افندری بنده تحت نام در

سعادتمند و حقیقتی که منسوب به نور یا صمد میباشم او غلم عزیزم جانم افندری حضرت
نظیره اولین مجلس شاهانه خوانده یعنی عنوانه جمعیت گاه حضرت در دوش
و سجده زمانه اولاد شهبان معارف عنوانه انواع نیکو بختان
واقف معظمت منجذبه به ابد ارایش صفی اجابت اولمغه سبانه منظومه
دعوات متناسقه و زبانه سخن شناس ستموات در است اولمغه
جسبات تحیات متوافقه اهراسی لازم پرسش ضمیمه تا بنا کار به تمیم عقیدت
انها کرده بدروال پروری بود که بنم سعادتمند و غلم جانم بدین
بر و آمدند مفاوضه انقطاع عارض اولد و غیبت بود به ریک طرفه توبه
ایره جگ عتاب به مقداری جناب شریف طرفه توبه اید جلی به
میزان انصاف که حواله اولد و خصوصاً بنم طرفه اولاد انواع علت پیرانه
و تعارض بی دفاعانه نوعاً وسیله اعتدال اولد و اما بحمد الله جناب شریف
جانبند قوت طبیعت و شوق شباب برقرار این علم جناب بکره مقوله
کریه اعتداله التجا بیور سر دولت جانبند متوار اولاد کنه لادن
سعادتمند و خادری افندری او غلم مذک مکتوب را و ارجی چه استفساره ارسال
اندیکم بنده لرجواب یا سله کله که اندر نه شرف اولده یوز خصوصاً جناب
بکره و غلم سعادتمند و غلم مذک انار تازه لرینه اولاد شتیاقم نو بنو
متفاعف اولده در تازه اندر لیکر زده حصه دار اولمغه گاه سعادتمند
دولتو محافظه شهبان وزیر علین پاشا نک سخا زرد و زر و آیره
سند اولد مقیده نمکین سخا ریف و طالعوسیل زایقه طلاوت
و بوقریله جناب بکره از کار جیل سیل تحصیل با شتی صحبت ایتیکه تسلیم

باب اولده یوز بهر بودنه مدت تعاقب تطویل بیور لمق ما مولد

بودن یازم

محدث

سعادتمند و حقیقتی که منسوب به نور یا صمد میباشم او غلم عزیزم جانم افندری
اندر مجلس و ارفع مواقع اجلال اولاد شهبان معارف عنوانه رفیع الاساس
معظمت نظیره اهر قواعده تعظمت شامه و تکیمات طامه ایلد هدیه انجمن
قدسیه اولمغه موافق کلدسته دعوات اجابت بیوند و دست آویز خلوتکده
رومانیه اولمغه لایق شامه تحیات کزوبه پسند شاری زیننده موفقه داشته
راعی کهن سالار بود که بنم سعادتمند و غلم جانم افندری او غلم ستم
حضرت جناب نظام بخش دایره کائنات جل شانه حضرت در وجود مقام
الودیکر زنده رفعتد قائم وصل و عقد جویده اقباله مداویم ایدوب
قلم کر مکرز همواره مهم بخش سینه قوت الظهورات و ذرات اولمق مرکز
زاید ایلیمه اوازده محاسن اوصاف و صفات اخلافت که آفاقه لبریز اتمکین
غایبانه دعاء عمود و لشکر ذریه اوقات تلمشیدر به در ستوده
که بکر سعادتمند و غلم جانم افندری او غلم بوطه شریف ایلد یکی کونده بر بر مرثیه کسب
علاقه الفت و اتحاد اولمغه که بیانه حوصله تقبیر و نه خارجد بودید شاور
خاک استانبول دلبسته اولد یغذیه غیر انجا او غلم کی وجود ملک خصار
بویله دیار بعیده ده اله کیروب خصوصاً او ایلده کور دیکر صحبتین اکثر
خبردار و مالوف اولد یغذیه اجاب گذشته لرین احوالیه شتیاق اولمغه طاف
مکوره ضم سرور اتمکین حال و کلدور ایدد که بودلبسته غایبانه لرندن
انداخته کیسه نسیم ایتیموب رشتنه خانه کربانه لرندن حصه یاب بیور
باته لطف و کرم جناب بکره بودن یازم

بیت
لطیف

حقیقتی مجتهد صد اقلو مو دلو هنر انور انجمن حجتیم و هم بهلوی طائفه الفتم
جائید غنیم و حیاتیم لذتیم حضرت بنیک سینه خوبان در منور و خوش آرزو
مرد و بانده نماز کمره اولاد مجلس دلارالربیه میانه دو عشق باره مر تبط
سوز و که از دوز افزون علیها نایره شوق ابد خون خون و عارض رفت
الود و داس داس سر شک خون الود شادمانه صله اینه اسکندریه
وصفی اولاد خاطر شریف سواد الود حواله لسان نگاه قلندر همواره مانده
دلبرانه وصلت داده اغوش سلامنده و زانو عافیت غشوده استراحت
اولد ستر اقتضای امیرش نهان ازلی و بیچش نهان قیدی اوزره بوز ابر
خوزه وقتل و خوار کشیده بزم الفتل نیک پرس حال در و نه آمدند
سفر خیار در کار بیور بلور لبه بکده الله تعالی کلین نهان بهشت کی سیراب
جسمه زنده کانه عافیت و قامت طوبه خواهر جلوه کرمی کاوانه و شاد
اما جناب لطافت با بکر کی بریار غمخوار صد بوی عشوه کارک الود خوارانه
اولد بغیر ذره ناشی سحر خاطر مزخرفه خطا ورده کی غبار اند و بهر ساد
و آینه ضمیر زاکد اردن ازاده اولدین جناب کرم دخی مرآت احوالربیه حواله
اولد ستر سبانه در سفینه دل بقرار باز نیجه امواج اضطراب و کشت
بارد قلمزاتش فراقه مانده کباب و فقا انقلاب اکین بر دقت صفا
کتر و دم دوق پرورده دست برید غایتله سر با شخه فراق و خوف
بحرف مجموعه اشتیاق اولاد مکتوب دل آشوبگر و اصل اولوب عرق مجتهد
جنبه و ماده رطوبت مزجوشه کتر ب **ع** الخمر فرصفای و صواب ابله
کین دملر مفهومی بالک زبده و نه دملر سابر اعضا فریب سبک حضرت
حیرت فواره وار بران اولد جناب حق تلاقس اص ایلیم بوبره

بیت
لطیف

فراق اجاب اولاد نایه دل کبابه کاه کاه و رتبه تسلیمت بخش لریده
بر اولد ملر ملتد مشغوق طبع او اشنا سکا اولد و غم غولور فغولور
غنیم مجتهد امین حضرت بنیک تقدار خصایل حمیده لر دوز افزون دعوات
محالست نمونه اهداسی سیاقنده طرف داعیل دوز استنبا تجویز بیور بلور
بیت التوسنه قیاس نامه ده که بیج و تابنده کاه او شوق عالم غلام کینه
محو کر اوزره چرخ بی امان بو صیقل تاوانه بر ربه ظلم آمده در که سنگ شیشه
آتش بنیه زاهداده روستایه نغیه بو ظلمی ائمه و اشتیاق ملاقات
شریفکر بکونه در که محو شرا به سر خوش کبابه سر ما خورده اکتابه بکونه
ارزومند اولمیه نیاز مندایه که حضور کی عیشله دخی کيفکره رعایت بو
جانبه اغراض عین اتمیوب اجاب به خیر بیور بلور مکتوب بکونه فلان دخی
سلام اید رزیمه دخی اولمیه سز با البنی واله العی غولور وانی منظم
و منشور و ایدر لرا ایدر که ربه قبول بوله و فضیلتی عمر افتر تحقیقا
و تقلید سلام و دعا لرا ایدر لرا مولد که مودض قبول رده و رفقا
عطا رطبی تحبک الف الداعی زیاده دعا کره استقامت اوزره اولوب
دعا عرض ایدر لرد فضا حکتوبر در یک مصطن طلیه به عدد ایدر اوزره
و دایره مصر فخر بیرونه عرض اشتیاق ایدر لرقم طراز صحیف دوستی کاتب
عبد الرحمن افندریه ریادی ملا صلا مایه لرد دعا جیکر فتوحی باهر
سید محتر کره تلخکایه ایمنه فراقه کونه کونه حقه پرس مشایه قابلی
تهی آمده در لکن میدانه مجتهد قره بهلوان مکتوب دعا کر خد متنه مقدم اولدین
حنفی دکلدر صد اقلو کل اعیانه بر کونه دعا کره مجد در که ناشی ماشقه ال
دکمر و شیرازه بند جریده و دار صحاف سید علی دخی دعا کر خد متنی جسته

حضرت نیک ساحت و اقبالیه انواع نفیضات صادر قانه و اقامت مکرمات
متواضعانه ایله درجه قبوله موصول و جوی دعوت سیرج التائیر و عالم قدس مقبول
اولیو تحیات عطر پذیر نشاری خلاصه داعی ناگزیری بود که بنم دوشو
سلطانم حضرت اگر بود داعی درین راه را بایستد اداره دیده طوای استخبار
بیور بلور لب لکمه الله تعالی هنوز بیضه وجود نزار شکست و میوب نقض
جسم زار غم بقا الف مشال ایکن حال از لفظ کبی صورت نار لام اولوب برات
جیا غم زده سطور انقاس دعوات شهر یارید بر صله جناب سعادت شفا نیک
تعالی دعا لرینه کشید قلند یعنی ضمیر شیر لرینه ناپوشید در ذات کریم الصفا نیک
مشاهده اولیو محبت و اکرام و التفان در وجهه فراموش اولوب شمع
و سحر و عمارت و در و شتای همتی و طیفه اوقات ای یکی خدا عباد
حصور سعادت بهر بار دعا نامه ارب لیله رأس شیر یفرین تصدیقه شرم و حجاب
مانع اولوبین مهر در جلیبی و غمزه و خیره اندک نیکم کشیده بودا عیگر طر فندان
فاکیهای سعادت ادای مراسم روماله توکیل و تومیه اولند و غنک عرض
و ابلاغه تقصیر تمک کر کرد **شفاعت نامه بودنی باز شد**
سعادت ملوسما حلو و نصیحتون نور راجه ابتهاجم غزیه و مکرم اندر حضرت نیک
مخزنه بضایع محامد و صد رینا بیع مکام اضلای اولیو نادری رفیع
القدر لرینه نفیضات و انیه و تکریمات کانیه به مقرب دعوات کامله و تحیات شامه
نشاری ضمنی مودع داعی بی اختیار لر بود که بنیقه رنگ شایخ حسن
بضاعت آیش و آمان منافع امانه سنده و ذراع آمال نه فراتدن
اسفا اید کلمش داعی اولوب قالا انقلب الخالف کونه و اولاب قد اقتضای
بوسنه قد احواله قاض اولیو جفانه ترطیب داعیه سید مقسم از انجا

مغرب

مغرب

حاج محمد از اول دولت علیه ابته ها الله جانینه توجه وجهه فراغت ایدوب
جناب سعادت و سید اکتساب شرف وصول بولمق داعیه سید بودا عیگر
شفاعت جوی اولیده ابرامی حد عنادی تجا و زانمکین کست فانه تحریر
اجته اولندی شمت فانه از لیدر معین اولیو حصه لایقه شک ظهوری
جویده نقد برده نقیض نفس شرفیکه موقوف معنای مساعده ایله جناب
اوله جفکر ذی محقق اید یکی مرآت ضمیر حقیقت شناسکه ناپوشید
در اولیا بن لطف و کرم جناب کریم الشاکر **عبد الباقی پاشا مرحوم**
بقا برج مدت وزیر اعظم مکلف طاعی مصطفی پاشا به کتبه اولیو
دولت آرا اوله قد ایتد نواز شک نامی الله طر فندان یازمین مکتوب
سعادت ملو غنائیلو عا طفتلو بیک اندم سلطانم حضرت نیک ارفع مواقع غز
و علا واضع مجامع سنا اولیو ساحت بهشت سبای نادری علیا لرینه انواع
نفیضات متواضعانه و انقسام نکریمات شاقانه ایله تقطیر دماغ روحانیه جیب
عطر شاهی تحیات تازه تعبیر نشاری خلاصه و ضمه داشته داعی ناگزیری
بود که بنم در ملوسما و تلوسما و تلوسما اندم سلطانم حضرت اگر چه حال از بانکه رخا
اذعان اید به حکم معنی هر سیر فاک کست فانی ایله ملو و طرح رسوم و ادایه دوش
بدوش و روبرو اید یکی محقق در محامد فطریه و کارم جلیبه کزه استنادا
تحریر اجته اولندی خلاصه تنبیه بود که اگر چشم انصافه جرایدین
ماضیه ده امار نظر بیور بلور لب الله اعلم دایره دولت علیه رجالتدن
بودا عیگر ذن ساقفه غمخوار صد یقکر اولمق کر کرد رینجه ماه و سار و ایام
ولیا صورتیاب اولیو صوت یکجهت نه والفت خالصانه لکن جاشنی
طلا و ته علم الله هنوز زایقه جانن جایگیر اید یکی عالم الخفیه عیان حقیقت

مغرب

حال بوضو او زره ایکن برده تدخیر بود و داعی دیرین بالکلیه انداخته پیاپی
 تغافل بیوریلوب بر در قیاره نوازش یا خود لسانا بر سلامه یار بیورمفل
 مشرب حقایق سرشت حقوق شناسگر بینی توفیقده تخریر اولمش در
 اگر چه نیز از انصافله و زره اولنورسه و معاتبه خلوص امیر عینی اید حرف جوف
 بود اعیان طافنه دخی دارد اولاجفنه معتمدن لکن بوجمله بر دقیقه و ارکه
 بوفیق کزک کوشه نولت و انزاده مقوله خاک واته تاج دایم ایلیم جنب
 سعادت کز بجهاته تاج مقام علو و غوثی همره فداک بهر مار جانب سمانده
 افاضه شجواب عنایت واقع اولد قی جانب زمینده توقع حرکات نباتات
 منافی قاعده حکمت اولد یعنی بوفیق کز طرفنه لسانا اعتقاد در لکن
 ین عاقبت **بیت** با سمان سرافراز نازمی زبید بخاکسار فروشی نیاز
 زبید **مسئله** سی عمل حکم کرده قاضی اخلاص و لمغین بوقوله سبزه خور
 روی زمین خشکبا صور تنده تغییرات کست فانه ایلد تحیر و عتاییه اجرا
 اولد انشاء الله تعالی جناب سعادت کز طرفنه بونزه ادبقت زیاده معاتبه
 و مواظباته تنصت عنایت نامه روح بخش لر و روده جسم داشت نیاز
 بین الاقارب سرایه مباهتم اولجفی مالاکلامدر باقی آیام رفت باد
توقیع سلیمان پاشا خرم یک مدد دار تراکت کرداری علی اغا جانانه
تحیر اولنوب بر مقدار سر زشتی یولی بعضی احوال بدیدار اولمفلد مدد آرا
ده پس نقصان و از ایکن بویله شاعر غایه توفیق اندسی اغیر
 بنم حقیقتلو غنور دریم اولم مدد در جلی حضور لطافت موفوره استیاد
 نام ایلد دعوت غیر محصوره انتخابی لانه بر سر فاطمه لایم تقیم عقیندر انهار کرده
 بدر بود که بر حدفت محصوره ضممنه بنم مصطفونم جو قدر بجزارت سله

ارساله اماده اولد یعنی انشاده قایم کز واصل و انشراح در و نه حاصل اولمش در
 حتی کثرت کتابته بود فله سبزه تحیر غنقیبه طاقم اولما فله سقا رتلوسلیمه
 پاشایه اولد دعانامه ده سلام ایلد اکتفا انشیدم لکن اندر صکره قایم کز کلک
 بود و رقه جواب تحیر اولد مضمون مکتوب کز ده اول سوز و کداز و صدق و خلوص
 دین ناشی اچندن کی تغییر کز بر قنطار نوتی دار و ایلد هضم اولد اولد بر خشت
 شریک التماس اولمش عدم مآعه وقت تدارک و استانه تاخیر
 انقضا ایلد لکن عادت کز ده تاخیر و عمر کز ده بکونه تکلیف مالایطه
 دوچار اولمش کز در دیو تحیر انش کز نهی یاد کار شیوه کار محمد دم جکره یکر
 او تونزه مقداری دایره دولت علیه نیایی اولد یغیر احوال و اشیا جمله جناب کز
 جلی محمد و ملره و الفته یارانه و زمره اخوان در ویشانه صرف اندیکر جناب کز کور
 مدد ایلد بجهاته کورند دین جوق کمنه موجود در انلر دین استخیا رایده سوز کندن
 خدامد دین فضل اولد تونزه فرق قدر سوا و کتاب و علم و شایع و سایر خواننده کار با تم
 بللقرین ویره کلمش ایلد غرض بقا خود کلد رفضا غیرت استکانه لازم کلد و
 تحیر اندیکر جوابد بنم جانم بویام پیرین مشرب البینه اولوب سنجاک و کز کز
 عالمه مسطورا و لکزه سیدر دین کز بوقدر مدت اندیکر نذر و اسلام فراموش
 اولد قدر صکره بر مکروه طلب شریک ایلد کسب افتخار ایلد جکره دین مأمور
 انار معارف مقوله سید ریخس شعاع دنیویه مقوله سی کلد بجهاته تاج معارف
 خصوصیه اولد شهرت بزه کفایت ایلد بر بنا جیز طلب شریک دین حاصل اولجی
 شهرت بزه لازم دلد بنم جانم بونزه غیر بخور و شلی سورا سنده و شوب
 هنوز عوام او قیام اطفا کت نیایی اولد یعنی لیت زیاده طایره تحیر تغییر اندیکر
 دین غیر کویا عظیم شکل اعتقاد بیه عقیندر محال عقیندر چه معنایه تغییر و تحیر

بیورش حضرت حق فضلک زباید ایله طوعی فیضک در مستفید اولدی بهی جام
 علامه محمد دوم بابر بون خیر ابریکر صحیح و خیر یورک لیت زید طایفه کلماتی
 لیت زید طایفه بوب زیدی حالت نصیحه غنی بویوش سر هله بز او قیده دکلر آتا
 غیر کورنر خوده دخی نقصانکه صلا ابرر آتا بوجو عنی عظم ابره لم آتا بهی
 انصاف محمد دوم بهستی جود طلبنده هنوز عطا واکت کرده قنغی سی ظهور ابره
 جکن بنیقن انیمه دیر قایم کرده لکن حق تعالی بک قدرته برستی جابل اولر کانه
 اب جریانه ایندر تغییر بوب پیروانه سکت منزله سوز تنزلی انکی قنغی مذ
 بهندن استقفا اندک بوب تغییر رس انصاف ایله بجه عظم ابره لم اولطافده اولانه
 کبار و صفار دیر برکنه تجویز ابر بولور سه بز دخی قبول ابره لم بیلوم بومعنا لرس
 برسی قصده مقارنه اولیب بزمطیبه تکلف فکر دیر محمد و راتنده ملاحظه اقدیر
 لطیفه قصیده خیر انمش کز در بز دخی انکابنا لطیفه آینه مواضع اتم اکتفا ایلرک
 یوحنه عن قصد خیر انمش اولید بکر ظهور ابره بک تغییرات و نکات موافقات
 و معانیات حوصله اعتبار بکر دیر خارج اولور دی بومرتبه اطاله سر رشته الطایر
 دخی نه جنا بکرله اولیک نعم واجبا بینوم واسطه لطایف از زوسیله گفت و شنید
 محبت و المنفات اولوق قصیده در خاطر مانده اولمیه سر سعادتموکر متلو حقیقتو
 نور با صره ابته باجم غنیه و محتم بیک اندر حضرت بیک بینوع زلال فضل
 و افشار و مطلع انوار معانی اثار و میامن اقبال اولانه انجن بهشت شالینه
 نکر بک کامه و تقیط شامه و جامع قدسیه اولمغه شایه دعوت نور تا شیر
 و کخانه بالاطاق مقاصد قدسیه اولمغه جبهه تحت تازه بقیه شار طالنه
 برداشته داعی ناز کته لر بودر که بنم سعادتموکر نور با صره مباحتم بیک
 حضرت بود داعی کوت که زینار خانه دایم عظیم ان نکات احسن دیده برین

و پرورده نعم سالفین اولد بغم خیر و توفیق محتاج اولدی بقی محاط علم یقینکر
 درینا برین مسرات و نشاط کرده استراکم درجه اشتبا هدر وارسته در کجراته
 امور و کالت کبر مرکز قدیمه راجع اولوب دولقو عنایتلو او علم و زرای
 عالیقدر و افضل و کلا صاحب صدر افند بمر حضرت شریف صدر سعادت
 بیور و قلنده نایل اولدی بفر نشسته سرور السنه افلام ایله بیان مرتبه سندن
 دور در خاک عتله نه منینه نامه فقیرانه تحریله اومات عزیز لرس در رس
 مبارک لرس بقصد یوشم و حجاب مانع اولمغین انشاء الله تعالی بروقت
 مناسب بود داعی خاص الخاص طر فنده خاک قد و ملرینه وضع جبهه فرائد
 و ادائی قاعده منینه جناب سعادتمکر و کالت بیور مکره نیاز مند ایزر

بود دخی بر دوسته یازمشر

عتو موود تلوافند حضرت بیک مجلس انش مدار و فضایل شعار لری
 الوده کلبه ک اخلاص فلنوب مصدر صیغه فضیلت اولفاطاط خطیری
 برست مراعاتندن صکره انما کرده مخلصانه بودر که در بجه ضمیر ارسلوا جانب
 مجبلیه کشاده اولور لیس بمنه ثواب کخانه وجود رسد ارحمت اولوب خانه
 دلنه نقش مجتهد غبار بیا عدله زایل اولمشدر جانب دانش پناه هدینه
 اولانه علاقه موود تم احاطه قلب ضمیمه اراولمغین منت کش بیاز دکلدر
 و حضرت بدوش عافیتلر دخی رساننده نصف لذه ملاقات ایدیکی
 لاریدر بناء علیه اتم مفا رفته بر وفامه نشیان تقیه ایلر صحیفه اوقاتلر
 ثبت اولانه حوادث و انفات بروجه تفصیل همواره قافله اخبار صحتلر
 بیورلد قد مشر اولور زبیر مکتوب بلاغت انتساب رئیس الکتاب
 رانی افند منصب ریاسته غزال اولوب آهسته ده مکفی زمان اولنده

تسلیم نامه خیر و استیلا و انوار سعادتمندان و غلام جانم حضرت
 نادانی سایلرینه انهای مراتب شوق و انجذاب ایله دعوت اخیریته اهدا
 سیاقنده خاطر شریف پرستی مراعاتیله عرض داشت بدرجک سوز و
 بنم نور دیدیم جو یاز قلم تقدیر لوصه نقض انفضالک از سطر ایلیکی اخبار
 تقاضای غلبه بشریت ایله دیکه اولامی محالدر لکن حقیقت حاله نظر
 ایله جمیع اذنه امورید قدرت متصرف حقیقی جل شانه ده اولمقله تحت
 هزار حکم منافع مسته اولدین یتیقن ایتیکله جناب حکیم و علیم تقویض
 امورله احوال از مرتبه تسلیم و رضا اولمش **ربیت** اندرین کارگاه کننیکونه
 کلی امر بوقته و هونر بنم نور دیدیم احوال کونه جملہ تقابل و تعقیبات اوزر
 اولدین معلوم کرد البته هر صبیح و وسعت و نور و ظلمت و روشن و سخت
 و ضعف و قدرت و فقر و غلت و نصب و عزل ایله مالایتناعی
 اطوار کونیه دین بر برینی مستلزمدر **ع** دای نغم لایکدره الدهر
 دورا دین الی یومنا هذا قاعده الهیه بورسم اوزره اولی کلیدی بهریت
 دندر **ع** یک سبدر ریج دراحت و خیر و شاد در بویله در مای خود اولد
 معلوم شریفکدر لکن بنم ایکی کونم تقاضا طبیعت بشریه دین نعمت
 معقوده عقینض اضطرار اما تحصیل بضاعه و غنائج و بویله محله ایله
 و جاهل ایله عازف امتیاز بویله امورده ظاهر اید کلندر زیراتصرف
 مالک الکک حقیقت کورب و عبادته ارم و اشوق اولدین ملاظطایر
 و هر معالیه نهیه ضمنش هزار الطاف خفیه اولدین بلکه مسترج اولمقدر
بیت عاقل نه شاد اولو بهرجهانده نه غم جگر جایل هیئت شاد اولام جو
 الم جگر کونده سرور و غم نایا بدر فی الاصل مترت صورتنه کورین محضدر

والا فقر و غینک خلاصه احوالیه یونیه برایکی دفعه شیخ و کرم و سرور
 مصون اولجق مرتبه لباسدر لایعن رزق مقدری بودرت پر مکتوبات
 و تملکانه جمله عاریت و اعتباراندر رسم و زراالات اعتباریدر انجوت
 فقرک راحتی و غینک نصدر در صورت ظاهرده کونه نظر اولمشه عکس و بنبر
 باطنه نظر اولمشه تهیه عولی نصدر انسیدر تخصیص نمایش عصره نسبتله
 بنم نور دیدیم جمیع و غنمه ملا خطات و هیته دین خاطر شریفکدر تخلیه بهمت
 بیور **الناس مجزئون باعمالهم ان خیر فجیه وان شر افشیه**
 بکدرانه تمام مرتبه نصبرکدره کمنه نک مای و عرضنه متعلق سو قصد مصدر اولدیکر
 که اوصورتله مجازاته شایسته اوله سز بلکه تمام خلوق ضایه رحمت و شفقت
 و لطف و عنایت اوزره معالیه ایلیکدر کوریلک کمنه بونک غماید رانجوت
 بلا طلب و رحمت رتیه ریاسته اعتقادین غیر مجازاته سزا خالکری مجازاته
 انک غلدر غیر و کلدران خود کوریکر بعد اربین کدریه بک حالت یوقدر
 بوکه انضایور سز و تو طین نفس ایلیه سز زیر امیزه عدل الهی کارخانه
 وجودده در کار و هیچ کسبه ظلم یوقدر سزک جنابکدر دین بویوز دین ظالم
 متلبه خلقک ظاهر و باطنه عارض اولک احوال ملایم و غیر ملایم جمله خود
 رشته وجود کشته لریدر **ع** بحجید شود بیای هر کس عیش ایتیم بودر
 ناسه ضر اوله حج اعمالنا شایسته به مصدر و کلندر که زمتله مجازات اوله
 سزالم اوزره اولمیه سز لکن بنم نور دیدیم ظاهر بودر که حد و دار بعینه بالغ
 اولوب بلکه تجاوز ایلیکدر بعد الیوم مناصب قایمه دینویه نک نقوش
 تعلق لوصه دلدر از الیه همت بیوسه سز دکنج قناعت انزوایه توجله بقیه
 اوقات تحصیل وسیله الهی به صرف اولمشه معقول دکلمید وقت عزیزه

مالک اولوب دولت دارینه وصول مقتضای قلب سلیم و کلید بوظل بتقار
 مثابه سن اولاد دنیا فی نه نک شکار نه عاقبت پایدست اولدنه صلد
 ما خلق له انسان خود بود کلد کور ملک برشتی قلد رزوه طریق علیا به
 دخی واصل اولدیکز ارز و مند اوله جفکر رتبه قلد رضا صب جوانه رتبه غنیسه
 نظر اولسه متوصل اولد و غکر رتبه نک مادی و نیدر رتبه غریبه نک تکرار نه
 خود چندان ظلاوت اولد زمانه تصرف نه لذت اولسه کرکدر بلکه عین
 محنت را کر بها و دولت گذشته اعاده سنه دلسته نک واریسه بالکلیه
 کورین مراتب و اعتباراته انداخته قنای نسیم ایدوب کج غزلت
 و قناعتده پایدمن جکلک جایز ایه بر ایکی درویش سخندان و بدین
 اث غه برج ضد شکاره و برج سنوایه صرا ایدوب **بیت** جواب پرسش
 استایش جهان تابی خوابه زار قناعتده نشانیقدر ماکن دستور
 عمل اتم یک ممکن ایه عاقبت روجیه بونک تحتده در **من اصبح فی**
داره معافانه بدنه انصافه بریقه نالکا قوت بونه نکا نکا ملک الدینا بخا
فیه خلاصه انصارب لک عقل بومعیند رادونه لغور لکن بونیت
 حواشی و اتباع کک خطا لبه سنه ناملایم اولمغه و بعضی صحنه ماکون
 اولندرک مشربنه ناموافق و شکله منعه سعی ایدر لرا ماکن کند و کزه
 نامفین سز بیلور سز نیم نور ریدم مالا هنگام غلک زده پروانه لک صورتنه
 بولنا نرینه رایحه امید ایدر بلکه نه مقام اصلی سنه رجوع ایلیم ده و سیز حصول
 مطلوب ایدینه ملاحظه سید در و آلا مقطوع الامل اولسه بر نفس دور فریبدر
 یکر بونیب و خزان برج دفعه کور مکلک آزمایش کونا کور حاصل اولمدر
 فضا علقه کز جانین بوظن داعیه سید غنیمت بیوریلور لبه دولت پرور

اوله یناشه خدا مکرز دخی و ناما مول و کلد ربلکه ملوکا نک تور کیه
 او کورنلر سید سرور هوا اولور لر بو بدینک عجمی کورجی زاده لر الوپ
 لباس و طعامی یا غزده کوروش بقوله سی و لمد قیه هله مسترج اوله دم هله
 صدر رنه چقر کیه اولدی اما مقصود اوله معنا دخی خارج از حد و ضمنه
 مضمر درانه تعالی خیر لوس اح ایلیم **بودنی یا زلمدر**
 غلوس سعادتلو سعادتلو سلطانم حضرت نیک نادی دولتدار و انجن
 سعادت انار لرینه مرسم نیجیل و تعظیم و قواعد تفخیم و تکریمی محض و دعوت
 صاحتی اجابت ایمن و تحیات زاکیات طوبیت رهبن اهدا و ضمنه خاطر
 عاطف صفت مانه لر استخبار نه جاز رنه صکره بر داشته داعی و تلخواه
 قدیم بودر که نیم سعادتلو سلطانم پس پرده باز بجه صورت ایا مده ظاهر
 اوله نقش ناما مول نور دنده ناشی قلوب کانه سلا میا الوده غبار
 اندوه والام اولوب حصو صاصی سعادتلو طر فند نه خاطر مخ و غر هینه
 تشویش اضطراب ایکن ناکاه ملطفه کرایلر و رودی کریمه جانیه
 سخت کیر هجوم غم نیجه سندن تخلص ایدوب ذات کریم الشاندر نیک و اکثر
 نعم اولیا راجب یک شکانه صحت و سلامت بچو کور سفند غم و الم فریانه
 اولوب شک گذاری عطایا باری ایچونه جیبین بنا ز سوره خاک درگاه
 خدای بی انبار قلمش در بنم سلطانم بوجوبیا رکد راینک و رودی بجای
 تقدیر ازل ایدوکی هویدر **بیت** تقدیر جنین بودجه تدبیر نمودم
 تقدیر خدار که تواند بد کرد دار النوال خدا ویدر منتالی اوله نوال
 اما لکاه تلخ و کاه ترش و کاه تکیس اولدینی زایقه غمناکانه هویدر
بیت زمانه که نیک و بد استست ستاره کهی دوست و که دشمنست

عزبت

لکن بگویند معامله باز کونه نقد بر منته هزار امانه و بوقوله شکست صورت
 مستلزم انواع فتوح و شادمانی اید یکی لا یریدر **بودنی بجای و نه برینه**
یا زلفه بجای نام ولی انعم انعم سلطانم حضرت نیک دریا با رسا
 اقبال برین موج ارزوی شکبار رسا این قیلتوب سزای کوش کردن
 عوایس اجابت اوله جی لای دعوات انداخته ساحل سموات قلند بی
 خلال و عرصه داشت داعی یریدر بود که جناب ترکیب بند نشی آفرین
 جلالت نه برترین صحیفه کائنات اوله وجود مکرم نمود درین تصرفات
 آیامه مصون ایدوب همواره صدر دار الاقنای معلا ده مستدام اید غایتلو
 ولی انعم انعم سلطانم خدمات دوی البیوت شهبان سعادتمند بن
 لرینک ابا واجدای عنایتلو اندیک مستبای خانواده عترت نذر اولوب
 کند و لر و فی حصه عبودیت موروثه سنده سلطانم حضرت سنده الشیخ
 سربایس به انداز اجل اوله قمر آیمده سکک غلامان خاصه انسلاک
 شرفه فایز اولوب بین الامثال انتساب درگاه اسماعیل یکر کجور کن
 بحد سبجانه و تقی سلطانم شجره اصل قدیم الدوله تر بار اولوب سایه
 نشین انتظار اوله بنه لر حوصله استعداده مناسب حصه میوه مام
 اید شیرین کام اید به جاک زمانه ظهوره کامله بود اید لر نیک نامی شفاعت
 دامن رجا کی باز اتمکی نیاز مند اوله قلند بنه بناء گستاخانه تحریک دخت
 همت جارت اولندی **بودنی بجای و نه برینه یا زلفه بجای نام سید**
 حضرت نیک فامه اسانکست مکرم سرتلرینه رومار و مجلس افاضل
 نشین برین شک ویده شتیای سیار قلند غی سیاقده مروض داعی
 یرین کسرتین بود که خداوند بیخون ذات بی همتارین همواره پیرایه صدر

صفت

صفت

ریاست ایلوب جاه رفیع ریاستی وجود فضایل نوید کز اید مفاخره
 کمالیه عامه اجبابه بذل مکرم اید مسلم اول ذات خیر داعی یرینی اول
 نایب پر اکند حاله اساک الطافتمه جکی معلوم عالمه برینم عنایتلو انعم
 تفصیل احوال مزینا به نصیاح ضمیر یکره روشن اولمغین محتاج شرح
 دکلر خاصه بنه قدیمک نایب ناشاده دستگیر لکشان شریفه
 واسطه مرتقد **بودنی برینه بجای نام یا زلفه**

صفت

عنایتلو محتلو انعم سلطانم حضرت نیک کماره یشتخته جاه و جلالت
 تعظیم و تکریم اید وضع شکوفه دانه دعا و ثنا سیاقین بر داشته نینا زنده
 بود که سماحتلو عنایتلو انعم سلطانم بنقه رسا شری عکای عینتای
 فلامه اندر داعیل نیک استانه دولت کرامتینه رابطه انتساب فقیرانه
 اولد و غنچه غیر بود عاجزانه حقوق جل سله الفتی اولوب حاله در دست
 عرصه نواب صوری و معنوی و هدف مصایب ظاهر و باطنی اولد و غنچه
 ماعد حالت بحر عماد زنده کانیسی اولاجت و املا که دست زره کمار
 عذر اندوز اولمغله بالضراب شته شتاده افتان و خیزان سده سعادت
 مایه شتایانه اولمشدر هر وجهه شایسته رحمت اولد بغنه کدر چار برین
 ش هر در بوقوله ناماده دستگیر لک مستوجب طول حیات و منیع رفعت
 رجاء اولد یعنی علم جهان شموله ناخفی اولمغین در دست حصول مانه اید اجاب
 ارمین لطف و کرم سماحتلو عنایتلو انعم سلطانم حضرت نیکدر **بایه یا ش**

صفت

دیوانه کاتبی رفیع افترت یا زلفه
 بنم غنچه حقیقتلو او غلم جاغم نور یریم رفیع افتر حضرت در حضور معارف کسره
 خلق ناز کسرتیکزه موافق سلام خلوص صدق انما و شیم شیرینکزه معادون

ثنای خصوص شوقنا احوالی فتمش بر حسن طایفه صفات را به سبیل
 انما کرده بدری بود که بودند اقدم هنوز آستانه ده اما شکر اثنا سنه
 در و دایره بنیقه اینقه کز واصل اولوب مطاوی تغییر آتند استقام سوز
 و که از اخلاص کک انعکاسی بود بر یکک افوار وجودین نیزه نجبت
 جدیر ایلش در معر او که سر جناب تحول الاحوال حسن وجوه او زره تیسر
 نعلانی ایلاب پاش کانونه چنان اولوب استعداکن یوز جناب حق سعادتی
 آصف کامکار آتند حضرت نیک چمنزار دو تندرین روز بر دوز سبزه شاد
 و دلخواهی او زره کایه ایلیه حسن و کرم آتند اوله عطیه کرانما به لری
 واصل او که عمر لر زنده او که کند و لرت لطفه سوزیوق اما بعد الرض کچه
 سنگ خارادنی شئی صولیه شهر نامه ده مطور اوله این بر وزینک
 وین چاه دغه از اسپا بدین تیرنک تحصیلند رشوار تیر اولدینی معلوم
 دولت به جناب حق حصول تیر ایلیه اگر چه حسن اغا انکاست ملازم کویون
 اما صعبیت او دخی انکله مشرک بولند هله نو تو نمز کو که جیفه آوره
 کیه تفرق اتک بوی اشتبا بهر حال و کلد ربنم او غلم سماحتوا آصف
 بلند جناب افتد حضرت نیک خاک غنرینه بر موجب تعهد و تقاضای
 اخلاص بر تهنه غرا انشا و اسرار اولمش منظور دیده التفات را اولوب
 امید اولور بجهاته بواسته رک بر وزیر عالی شاکت جوده مناقب طیل
 لر نکاشته اولدینی و بوفیر جناب حق بوضعت استخدام ایلدیکي جابر
 هزار شک و سپاسه ربنم سعادتمو افتدم او غلم الله تعالی عمار ایلیه سعادتمو یاتا
 افتد در زلف این اوله نجبت و التفات و اکرام و اقدم علم الله آستانه
 دین دور اولدین بر و بر کنده عشرت ری کورله مشدرستی آستانه دین

ظهور اید

ظهور اید نه معامله غیر نکشتن بیل تحریک و توفیق اولدینی خودم در احوال
 الله انصاف و یرد طبعه ایکن بینم زده جویانه اید نه ضا الصا الفقی تکدی
 اید نه منافق حق بوزین سیاه ایلیه به کند و لره منافق نشسته ضابون
 انصاف یوز دیر حقه ده ظهور اید نه معامله قدر شناسی و الطاف غنا تکریم و جمله
 انکار اولم زضا فقیر انکار ایسم خلق تکدیب اید لر علم الله خوش ایدی
 طمعکارانه دکل بیل حقیقت در زیر طبع استغنا پسند وادی هست طعم
 تنزل بود بر یکره نه مرتبه عیبر اولدیکي معلوم اید نه آنکه هنوز زلفای وزارت
 غیر صاعد و اید اداری اجزای مافی الضمیه همت نام عد ایکن به سخا و کرم
 وزعه ایتد زده باران اولده ایدی بود فخر طاهر خواه جانب و دلجو بایه الطاف
 طایر همت و اح اید بک دستگاه مکتب میسر اولم بهر حال بعد ازین
 اولدین افزون شهر بهار لطف و کرم بر واره کلمک اولم کرم دیده کلان
 تازه ایتد دوست سعادتمو ریس افندی او غلم ک ابتداء ربا ستم نه
 قوه افتد بوندر صکره تیش دنیویه ده فکر اید بک بر مالمه هجان
 بعد ازین رد که صایه صرف استون چو بیور دکلر کلمات شکر بر زانه نک
 معناسینه کند و جان بندن ایتد اتم مک اولم زیر انصاف بود که جانب
 عالیله اوله همت و غیرت سائر ده فایده اولم الله تعالی دایم و
 ثابت ایلیه اندک رتبه وزارت و وصول اندر صکره دغده تیش دروغند
 بیرون اولدین قریب و بعید بریم حصه فردا اصل اولم حق احوال در انشا الله
 تقی قریب آستانه ده فایکایله ملاقات اولور طبعه شریف لر بر یکي سنه در کند
 لطف در ارمیشتن اولور آستانه جان بندن ظهور اید نه دخی کند و لرت و تنوین
 نمره سید ربنم او غلم بوجه بای قلم منتهی اولدین اگر خیر اید و کلمه مکتوب دوتلو

باقی بآب حضرت نیک طرف شریفانه ایسه چوانه علی ای به بر مقدار ستم کونه کلمات
حقیر الله کز و زینت رالیه حضرت غایت خطا ایدر دیکله نفس لاله کافیه
اولا غلور فتورینه بو کلمات دخی جیبنا فتم اولمغین سر قلدر بو معنا بولله
سر زده اولدی که بجه نه شبهه دولتو آصف علیه حضرت نیک طیاره همار
احسانلر و محققدر انجی اندر ترسانم که هنوز بیضه اندیشه تمکیر
اعضاده نه سینه نایز او لمغله اول چوانه بی بنیادک سنگ نقایله شکسته
بار و پری کسسه اوله نه مقوله چوانه بی بنیاد بلکه خبیث مادر زاده و الیس
خیل ساز منافق کمر بر دار مجبور فتنه انگیزه سفیه ملعنت خیزد روغ کون
هرزه سخن نیمه جو کینه دین زمام لغت ولی خور کام بحقیقت بی
دنای عالم وفا خلاف کوی هرزه در اخویس کام ننگ بوم یاز ننگ
غلام کلام این وقت ابو الحیر الخ الکذب خدعه و دغل زباب کاسه
تهمت کنده کرم لاشه تهمت حمیازه باروت فساد خیمه خج و غنا
دشمن خانگی شنائی بیکانه که کر به و جسم زلفه زبانش غلغله غار
استخوان غذا سخن جبین تیز زبانه کین اکیں سخت سران مده با نشند
خیانت مضروب ز شطرنج خیانت کامله خدعه سراناقص العفو
انگشت نما رشتاب مکیوت سبب خدیت قلاب انداز افلاکاش
سکه ریا ویران کن خانه عصمت دیوار کن کارگاه عفت کجروش
راست نما حقه ز شعبه سر دلال معاملا واسطه مبادلا به خواه خیر
خو آمانه پاکیزه دستگیر از در و ستاع مودت رهزن کار وانه الفت
که زب کذب کذبیه حسود حسی و سواس خناس کشت بن و سواس روس
نزد و نخوس نه از قزاق شقاق معتاد اسیر مکیں دخت سفینه سقامت

نقطه دینه سرور ریخته پیا له سر و شور زینت ساعت شیطنت لبقه
دوات ملعنت اسیر کلو و بیض شکم دخت بین دینار و درم کینیکه عیوب
دست انداز جیوب وارث شهادت زور و قتی مخلفات سرور ابر
بر زیرگاه مفتاح کجینه کلاه طلسم بند عقد بازار افسونخانه بند شلوار
مفسد مکلف عنوانه جابل حقوق نداده ضایع سآز جبهه و امک قد کن
نانه و ننگ بهانه جور طغیان منکر انعام و احسان کم سیر و پر شکایت ندیم
به حکایت دوران قدر بیوفای جوج قدر غدار بهانه قدر مفتاح افه اقدر
نابجا بنض قدر غار نشتر قدر زبانه اسیر مل مکنته قبض قدر مرک حرات
قدر راحت فرساید و دت قدر عیشه فرما طلب سکاتند نه جادوس علی اغا
بنم او غلم بای قلم بو محله رسید اولیجی باری کدر بلز ایسه حقوق نانه و نکی
برده بی سلبیم چو دست انصاف انکیه خانه طرفه حرکات اولد یغندن غیر
شخص موقوفه الاسمک بوالقاب طرفه نظام استحقاقه دخی عالیه اولمغین
بنم یار قدیم غمخوار دیر بنم علی اغا ننگ به بعض مرتبه خلوصی بو کونه حرکات
نازکانه بادی اولد یغندن فقر دخی بو کردش خیالده منت کشیده اولمغین
با خصوص شمر نور دیده دزد غیزه اوله سعادتلو افند زک بر مرکز
معیندی ایله سرافراز اولمشیکن انکا اطاله زبانه تشنیع شرط مودت ن
دور اولد یغندن فضل اندک و اتنا علینک خاری بزه کل و زهر رشک
نزله سینه در اندک اذنی سک درگاه هلهینه اعتراض ایدنه عدد در طاهر
اولد یغ غدا به عیاندر بوندره صکره بنم جانم علی اغا متابجی فدا ایتک بنجه
مستور در حضور شریفانه سلیمان زمانک سر با کینه ضامن سلام و دعا
حرز ابلاغ موجودر با خصوص سلیمان زمانه کمال نقاضای اخلاص ایله دعا ل

اول نور خباب حق فریاد کند و لرین کوچک مؤذن ایلیه خط کاتب بجای
 مه است **امی پاشا صمد و ایسی اولد قده تهنیه نامه سید**
 سعادت لود و لود غنا بتلو عا طفتلو تاج سربا بهام حضرت ملک جو انخانه
 بعید الغور رصین الی سکن و بیسطاق معمار و ان فلک ماسلر
 ساهنه دست تواضع تقطیل رود و نیندیز جوشن تروجر سکنه
 دین جوشنه نر زلار دعوت سکرین و سلسال تحیات ملکین پیشین
 قلندین زمین عوضه داشته بعقوب و نینلر بودر که اقتضای وابط
 اخلاص و استحکام قواعد اهرام اختصاص اوزره جانب مشتاق هجر از
 مالربنه اعاده سفر نفقه بیوریلور لبه بجه سحانه و تقه هنوز مقیم
 عوالتکه عافیت اولوب و عا حوصله کشیده و مضاعفه عزافت دعا لیل
 مملوایدیکی پیموده کجل اوقای و فائزیدر روزنه قصر العین انتظار
 هبوب نسیم عنایت ربانی به کشاده و بولای دیده توارد سفاین اخبار
 ش زمانه به آماده ایکن بجه الله تقا بیدالهی عنایت بادشاهی ابد غیابت
 الجب تنکنای قبرسدن سرب عزت مصر مصره کویلر سید و قتل احوال جان
 بجه انجمنه به عمل پیراهن و دیده جیانتز روشن ابدوب بصورت
 سرت بخشافت به سنده ویم ستمزده محقق اولان نشوان و سادس
 فاسده ترنج خاطر خونه الود و دین سکن جبرته قطعید حیرت ابلند بو
 قحط سال ملالده فزاین الطاف الهیه دین آمده دست اما اولان نقود
 نامعد و سدر و بیزان قیاسه کنجایشده و تنفع و انکاس التمه ناشع المنه
 فویدار شکر رشته پیرزن اوامده کسسته مرد خدایم حد جیاد و ندو
 دود جلاش به بارک و سعور و عهد عدلت پرور لرین مالک اتم الدنایه

دعوت

خبر عهود ایلیه ایمن و طیفه معتاد شبا نوز و زفر اوزره همیشه امان ضربه
 ارا نند یوسف صدیق هم اغوش زلمهای تحقیق و مقیاس مقاصد نافعه لر
 جوشن اب بر که واد ایل و اصل اعلا مدارج نوبت اولوب مزاج اما لار
 رش نه جلیج عنایت ایلر پیوسته سبز و تر و جماع بوستان اقبالای رکوع
 و سحر سبز اعضا هوار از بهر اولم و عا کر زبانم زده انبویه شکر کجی مکر و
 رانه برنج اوزره اولان نقش اخلاص کی صحیفه دله و ضمیر اولد یعنی منت کش
 قلم بیاید و کلام ان شاء الله الکریم زمانه سعادت که صحیفه شرفیه و بوییه نسخه
 عصریه رسید و درجه نظام و سعای عادل هتلم مرتب مهم راه بیت
 و سبیل العالم اولمغه درگاه کریم جاره سارزه مستحق ده بوز بنده یوسف
 نایب بودنی رئیس الکتاب عجم ابوبکر افندی نوشته در
 دود لود فضیلتو غنا بتلو انتم سلطن حضرت ملک فامه اسانکشت حکام
 سرشتلرینه رومار و زمین مجلس فاضل نشینلرینه سرشک دیده اشتیاق
 سیار قلند یعنی سیاقه موقوف داعی کمترین بودر که سما خلو عا طفتلو انتم
 سلطن حضرت خداوند بیچونه ذات بیها کوز هوار به پیرایه صدر ریاست
 ابدوب جاه رفیع ریاستی وجود فضایل غوریک ایلر مفاخره نفع ایلیه
 بود داعی دیرین عوایح ایام اقتضای سلطه بلا بعید که بولوب ایکی دفعه عامه
 نامه تبریک جانب معلا رینه اطاره اولمشیکس کوشه رواج جو انخانه
 رفعتلرینه صعوده بار قدرت اوله مدیغه بوفیقک ضعف بار طایر بختلرینه
 بلنشد لرین کرک نامه نیاز و اصل اولسوز اولسوز استحکام و واطان
 قدیمه تا کید اولمق مرتبه لرند اولد یعنی موزم قلب فقیرانه موزر عا نه اصیابه بذل
 مکام ایلر مسلم ذات خبر دیرین اولان نامه پرکنه مالک اتم الطاف

مدحیت

انچه چكي معلوم عالمه بنم غنايتوا فندم سلطانم تفصيل احوال ما را بجا به در
 مصباح ضمير كره روشن اولمغين محتاج شرح دكلدر وطن استراحت جيب
 اولمغله ضرور حليه مهاجرت است ابراهيمه به متابعت اولمغرا اما انده
 ضيق معاش فقر كنز آتش زده انگين بر قاج بآره قرينه نك پيرسي حصه
 تسليم شرطيه بودا عيكة احاطه جاسيد فاك عونه التجا اولمغرا ارباب
 حريم و عبا رتلك ملجا سلطانم مخصوصا بنوع قد يك نايه ناشاده و شكبه
 لك شان شريفه واسطه ترقى ايد يكي نماياندر لك سلطانم تصديعدن
 او غلما را في افنديك مكنه بنوع تفصيل اولمغرا بويون ناكاه بويه محله
 حضرت رهبر لكدن تحاير بويوب سراج اصيا بويور دوزن بجانب بويور
 باينه لطف وكرم سلطانم لكدن **جغويان طرفه زشم شريفه شيخ را ده**
يا نند آرايش عبادتخانه فيض اباد بيزايه سجاده افاضه دارش دكر اتمو
 فضيلتو كرامت مآب غنايت مقام سلطانم حضرت نيك حرمته بالا خانه
 ملكوت و همد رجه دار العليك رحمت اولمغرا ندي فيض ارشام و محفل قدسي
 نظامه چين صفة زمين فراغت آيين خلاصه زمين و هوار نو بهار صدره
 رسیده ريحانه دسته دعوت خالصه و تحيات صالحيه محتاجي ضمنه روزنه شا
 به راه هوار و غنبي اولمغرا هم پذيرارينه نغني مقدمه دايه نياز صدي قلندر
 همواره گوشه حجاب عافيتو يقم اولمغرا لراشرف استعدا خلاصه ضرر طرف
 اشرف اندر توار و اجبا صحت ساه كشي مرقب اليك ابرك ايجان نور
 نامه كرميانه لرد و اصول اعلا در پات انشراح وصول حاصل اولمغرا حضور صا
 بطا و دي عبادت و درايي كهابته بغيه بويور لكدن معاني شان رت فله كوش
 انتباه اولمغين انا روضه ما يضي البركاتم اخلا عقه تقدير حوله اولمغرا

معدوت

جناب مقدس الهي جلد خرواحه كنده و سبب امانه مؤمنيني آماده ايليه
 بعد اليوم به هبت نساجم فيوض اولمغرا لكدن نور لردن دور و قوايل دعاي
 اجابت پذير لردن آينه مناسب وقوعه ربايل فيض بخش لردن مجبور
 بويور ميوب بوندن زكوه روابط دوستي بينم زده اختصاص طريقي اوزره
 مستحكم و سر رشته نمودت محكم و دعاي خيرا لردن مكرم اولمغرا ارباب اولمغرا باه ايام
 باد ابراهيم افندي **شم قاضي اليك ابراهيم افندي بكي دعوت نامه سید**
 سعادتو فضيلتو ساهلوسلطام افندي حضرت نيك عجي نشي بزم بهشت اولمغرا
 محفل مينو نظامه نغنيما بوندن و نك يا جميله ايد دعوت اشتا مانه و تحيات
 بخند بانه اهداسنه متعاقب عرضه داشته نشا و درين بوندن كه بنم فضيلتو
 سعادتو سلطانم حضرت بوندن اقدم نيكه عيكة چكانلر و رودي مائه انشراح
 در دوزن دوي دجوسي حفايه بوندن نوزا مائه سكوز اولمغرا حفايه شاد در
 انقضا لكدن جوي و عد كريك اوزره مقدمه ملاقات اولمغرا ملاحظه سيله **نظم**
 انصاف ايلاي ملك مينام • زين هر دو كدم خويسته كرد خوام • خوشد جهان
 تاب نواز جانب صبح • يا ايمد جهان كر من از جانب شام • قطعه سي بدني
 از كار چشم ايد و قفسه راه اولمغرا در بنم فضيلتو فندم بيلوم الكوده
 اودم بياك اولمغرا فندم بيهوده كلام فاعله صره دوزن تخلف اولمغرا سه بردني
 اودم به جمعيت كنه نظام فندم اله كير رهو ضا بكزي جانب آسانيه تشويق
 خاله دكلدر انا طلب دغي بندر عظيم اولمغرا فاعله صره دوزن افرسده نيكه كار با
 واقع اولمغرا لكدن حاصل مصطفاني ساه خلاصه دغي اولمغرا دوزن بوطرفه حركت
 اوزره در لردن نقاي بيجاب مجتمع اولمغرا بيه شتابه بويور بوشنا كار با
 اوزر كنه قدر فراقه سوزان اليك قريب فيه تجديرا ايد ملاقات انشيكين به

معدوت

دست گزای انسوس و ملو جنابک زنی که کف حصه دار حشرت قالم علی الخصوص
 طلب کبی شهر بدانه عالم بر حظه دلارا تماشا سنده فضل کما فطاحط طلب وزیر
 کریم آن سعادتمند و دلتون غایتی و محراب حضرت مخلصه کفنی بر زده زیاده
 شریفه مشوق اولوب هر بار ذکر جمیل کفری ارایش مجلس اصفانه لرانه
 در لانت الله تعالی نیت صادقه صادقه اوزره بوطرفه خریک زمان توبه بوی
 اعوامان مشتاقانه دوز **بیت** منتظر جد اقباله متب یارانه سنی
 کوزار سنی قبله اهل عوالمه جناب شریفه کجوه مخلصه فایه قریب بر فانه
 دلارا دخی قاف و آماده در لانت الله تعالی اوج آی هوای کرمای تبدیل و پستان
 اعتدال حریفی ای یحیه دکت بسطاب طالق ایج استراحت بیور سر کجوه اعتبار
 طلب ممنون او جعفری شتبا بهر حضرت الله ضریه میتر ایله این **بیت**
 شوق حوصله خایه صغیر فایه از وابسته هفتم ملاقات ایدم جمله سنده
 امانه فاطمه کینه اتمام قلمندر باقی عز و رفت دایم باد **مکتوبی کتجد او**
صدر علی صبحی زاده فیض الله افند **ارسلو ایدیکه لطیفه نام سید**
 غنومو فتنو حقیقله او غلم باغم نوز دریم فیض الله افند حضرت نیک
 اجن حریف کلشن نالریه اشتیاق نام و انجذاب مالا کلام ایله طبع فار کتر
 لرینه شایان دعوات سرج الثانیه و نه دلفانت پرور لرینه حبس تحت
 سرج التبعیه ایدای لانه پرست فاطمه لرینه تمیم و تیز فتنه انها کرده پرور
 بود که بنم نوز دریم جنابک لاله اولان رابطه تحت قدیمه بر وجهه انضال بریز
 اولیوب آکنه اوفاتره قوانم فکر و خیال کرب طفاط شوق اندوزیمه درود
 دینه خالی اولدیغی و بوطرفه آمد شد ایدینه کانه پیام عافینک استفسا
 ریلر تجدید سرور اندیکه خدایه عیان در خصوص شوقی طبع تراکت فطرت ذاتک

فاطمه کلدتجه دریای اشتیاقه غنومو ظاهر ایدوب حتی حصار بالیندر حرم
 بریزیکر ایله و سنک منشک ایدلر اندیکه صحتک جاشنی سی مالادامانه
 جایکدر کینه بکدره پیری که بری اولدندین محرم انشدر لکن بنم نوز دریم برده
 اولان علاقه تحت جنابک زده دخی اولدیغی معلوم در زیر انقلو فاطمه فیض
 اولد فاطمه انجذاب اولو محاله را بنجی بوانیه دکت بری برور قیاره شتایی اید
 یادیدر مدیفه کتجه استغابنه کاکلر بوقفا فلکه بر سب فاطمه
 کله میوب انجی باز یحیه شدرده جنابک زده هفته لاله الفه قومیوب غله
 کلیه ایدلر سنی بیج و تابه دوشور دیکدره حاصل اولان عقده فاطمه کینه سوز
 برجا اولدیغندین غیر بر معنایه صلا ایدم شدر در دستک زده باقه قله بازیک
 لر در جمله جنابک به ایلدک بعد الیوم فاطمه شریفه کینه نصیفه بیور بنم ایچی
 کوزم فیض الله صبحی زاده شاد و ریکر بوطرفه کلوب عینیه جنابک دخی بوی
 اولان شوق و انجذاب و سواج الفه و محبت بیایله جناب سعادتمند دخی
 لب لای صدق و اخلاص اولد قلمین علمانه علاقه قدیمه فرمازد لوب سر شک
 حشرت ایدلر بی اختیار کار بانه دعار هر دبالا فانه اجابت قلمندر علی الخصوص عرق
 اصیل و نسل کریم نوز دیده افتخار فرزد و لتوسقا و تلو کتخای عایشه حضرت
 صدارت بیاهی جنابک حضرت نیک خدمت کتابت لرینه شرفیاب اولدیغی استماع
 انجمله سرور بر سرورث طبرث طکب اولوب کله نوز دیده لریم کرمه کرمه
 اولد قلمینه جناب حقه شکر اوردوم بقا بچون دعا اولمده در حضرت حقیق و سلام
 انلریه و جنابک زده و قایه رتانه سنده اکلر در محفوظ و ماهونه ایله مالاد و لتو
 کتخای کرم حضرت لرینه بر خصوص نیازمند و انشدر دعا نام مرده تقصیری معلوم
 اولور لانت الله تعالی جناب سعادتمند به تذکیر و حصوله همت علیه این رجا و بوی

باور اولی رجا اول نور امانه الله رسا دلورین افند حضرت نیک مجلس
 عالیه به دعا از ابله غنه و کالنگر و صیقا و فتنه ناشی مخصوص و قانامه خیریه
 تصدیقه تقصیر مرزده اعتدازه و فی و کالنگر نیاز مرزده ماعدا ماده مرزده
 اندر دخی جسم داشت نیاز اوله بغیر تبلیغ حسن تو جهل فرجور بریدر یک
 هدیه مقناده سی اوله امتعه تو ظهور عالم معنادر چند غل تازه زین اهدا
 اولمندر استعقه مستقله ثابته در نظر اعتبار کرده قبوله نایه ترا و لطفی انت
 الله تقاضا کرده یقیندر بانه عمر عزیز ممتد باریوسف نایه **بودنی**
مه دارانایه ارسل الله موفتو حقیقتو بخا بتلوا و غلم جانم حد دار
 اغا حضرت نیک حضور نراکت غا و لطافت انما ربه شوق نام و انجذاب
 محبت فرجام ایله جناب کرده وصوله مقدم جریده قبوله مطورا اوله محبت انکیز
 و صحیفه س معکرزده اول اویره کوش قدسیه اولمعه سز احتیاج لطافت
 ابیز ایدر پیش فاطمه ایله تزییل سیاقنده انها کرده برر بودر که
 بنم جانم انجی جناب کرده اوله علاقه دروغ ترک شهودی ادا سنده جناب کرده
 اصدی و ادای شهاده اخلاصه جمله در جناب کرده اوله یعنی اضا کرده
 خاطر هوسنا کلر در مقتضای خلوص که تاثیراتند ناشی بر حالت غریبه
 اتفاقیه واقع اولمغین تحریری مناسب کورله خلاصه تقال بود که صوی علی
 افندرا و غلم ایله مخلص خانه ده همزه انوی مجالست صحبت اوله بغیر خاله ملکر
 اوله یقیندر تحریر اولمدر **بودنی معبد احد افندی جابینه یازمشد**
 غتو حقیقتو موفتو بخا بغیریم باره کیم احد افند حضرت نیک جوشگاه
 زلال معن اوله نادئی نر یا نظامینه شتیای نام و انجذاب هنگام ایدر دعوت
 اجابت فرجام و تحیات مودت انتم اهدای ضابطه پرست فاطمه ناز کتره ایله

اتمام سیاقنه بنم برادر جانم جلی زما ندر جناب کرده دلداره کرجا بنی
 انداخته زاویه لبان اندیکر زناشی بو مخلصک دخی تحصیل کیفیت احو
 لنده بضاعه باب حرمه اولمدر یوز اگر چه بو گونه معامله تفاعل جواز نه معنی
 حقیقت طر فتنه دخی فتواداده تصویب اولمیه جفی بریدر اما جناب کرده
 قوه شعور برقرار و قدرت کفایت بو مخلصک در زیاده به استوار اولمدر
 قاضی انصاف حضور ندر مرافقه اقتضا ایله بنم جرم و تقصیری جناب کرده حکم
 ایله جکی محققدر حقی قاضی به مراجعت سز به کندی قاضی طبیعتکرم بو ماده
 حکمه کما سابقت ایله جکی و اضطرر هله معنی با معنی بعد الیوم نلانی ما
 مانه تجویز تراقی بیدر و لمی جسم داشت ترقب مشتاقانه مرزدر عینقه
 رسان مخلص دبستان دیرینکر در درویش علی جلی ننا و ریکر خالا صنف
 رادستوریه متا صدار اعظم دولتوسا دتوباش نک فتیس سز سعادت
 اولوب شام هم کندی وطنی و هم خونه شامده بعضی وظایفی اولمدر طرف
 شریف عازم اولوب تحریر مودت نایه وسیله واقع اولمغین گذاشته قالب
 تحریر قلندر انشا الله تقا حصول امرانه مساعد کر و کندی ویه دنواز لقمه یکر
 اجر اسنده غیر وصول مودت نامه اشارت بیور مکر نامولدر برادر و ابویکر
 مخلصک کمال خلوص و شتیای قله سلام و دعا را ایدر بنم جانم واقعا تفصیل
 احوالکره تحصیل اطلاعاته مشتاق شد یکی حاله نه مضیده و نه عالمه اوله نظر
 و مرتبه حضور و سرور یکز البته تحریر ایله سز بومرتبه فراموشی ایتدیکر زده
 صفای خاطر یکر هستد لال ایله رزاتاکنر ایله دورث اطینانه خاطر ذواله
 جعظا هر یوشه بر تازده اینس پیدا ایدر وب و مشغله ایله بو طرف فراموش
 اولندی طوغ و در نغمه گرفت عاشقانه ایله نغمات نازکانه لریکر و تغییرات

دلکشاکره و شایسته دیدار بیکه علم الله جسم و کوشش برزشتیا قار
 سوال اید از اجابیه سلامتی ایلان ماثولدر باقی عونت باد
قلیه در که اسحاق افندی به کوند و یکی مکتوب و غوبه
 رشتیات قلم رنگین خوانی طار حصارش پد آمار و نقیحات هم به الفضله
 بادی جنبش اقبال اولاه افندی حضرت نیک محقق جویده عواطف و
 مقوای انجای معارف اولان موقع معانی رسوله صفتی دفتر محاسبه
 اعمال عالمیانه کنجایش مرتبه سندی بیرون دعا و روزنامه نه جلد سما کثرت
 سواد به جامه پوش غیر کون لیل اولموج درجه سندی افزون ثنا ایشار سیاق
 مسوده ظلام شای صحیفه افق او زره بیاض ایدر خورشید زریں قلم
 کرش ردالافاده بر توی اومفله روشناس عالم اولاه قلب منیر لری
 تخلص سطر دیباجه رب که اشتیاق قلند قدیر سکره بویضه نیاز مند
 بود که دفتر معتبره خاطر خطیر لرزه اسامی کرده اجابا تفقدی اثنا سنه
 نیم دولتخواهی دخی چشم که از التفات لری اولور لیه بجه سحانه برات
 سرسبت ثناری در دست اومفله قلم و جها رخانه وجود خاکسار عواض
 آسیب روزگار دین معارف اولوب زمین قلب حنین دیوانخانه افزین
 جناب عالی بینه مقاطعه خاص بقین اولند یعنی رمدن بر و حاصل اولان
 نقد مفسوش دعا دست حواله شوق ایله تسلیم خرینه اجابت قلمی وقت
 صد افتخاره عیدیم التو لیر دل و جان ملتزم خدمت خلوص اومفله
 شام و سحر ادای وظیفه ثناری ظریه صورت برات اوقات و مده مکرر زیور
 تذکر صفیات ایام قلند یعنی جویده خیره خاطر لرزه مسطور و قید در طرف
 شرف مایل لرزه در زباب خبر سرت نصاب حر و دینه کیسه سامعه آماده

غوبه

دکه میزان دوریده کشاده ایکن اول معدن هم و نسوخ رقم اولان
 خواجه مکره راوده رفته صاب آمانه حب و راس المال آمال کتاب
 اولان دستگاه بلند جا به محاسبه اول تقویض بیور لیدی اخباری که فی
 الاصل و رودخانه مطالب دل و جان در ریج ریاط سامعه ده بار
 کشای بشارت اولدقه خرابین اندرون و بیرون دار الملک بینه اولان
 حواس ظاهری و باطنه نفوذ نامعدود ذوق و نشاطه لامار اولمشدر
 نه خنده در بوکه مضمونیدر کشایش بخت نه خنده در بوکه معنی دولت
 بیدار بو نشاط ملک قدوم ممنت مسومه غلبه شوق نه ناشی پای ارزوایله
 پیاده مقابله به شتابان و عهده التزام اخلاصه جمله موقوفات نه اولان
 نفقه شک سرور پیشین خدمت شکر یزایه قلوب بر قد نه بر دستلای
 تکالیف شایسته فخر و اندوه ایله خانه دل نه کر بخت اولان ذوق و شوق
 اعاده و غم و کدر فرو نهاده قلند حقا که بونقش خوب دلفیب انضای
 حجت آمانه و بورسم غوبه صفه ذیب که صبح نه کمره شایمانه چکیده
 خانه نقد یار لوب دار الانشا الطاف الهیه دین مسلم دست استحقا قلم
 اولان برات نشاطه نه بو هوا دار لری دخی حصه دار اومفله شایه ایتین
 در کماره محلی بولمق قدر انشراح دل ال ویر مکیں دست شکر در کلام بارت
 ادا ایله قالد وریلوب تفاوت حسنه شکر و سیاس که میزان اعمال ایدر
 مرتبه از دیاد بولمشدر بو خصوص اولان عیار نقد اخلاص و وزنه نفقه
 اختصاص قالیله طبع رقیقه سنجلیه حواله قلندی عنقریب بو معامله
 قلمیه ملاطفه کلاویه به بدل اولوب محاسبه اشتیاق بالمشافه کنه و لور
 ایله کور ملک تیری خدمت فرمای کارخانه انکار اولان خدا بی زوالده

رجا اول نور باقی غت باد بودنی نایه افند نیک خسته لر بر که خوشتر
 حضرت نیک سنگ رکاب اقبالیه اف رفتار ایل سمنه لر رس
 ننا ویکانه اجابت دعا اهدا ضمنه کیمت میدانه نور دلم فرسوده پا
 بود جمله جولانک ساه انما اولور که بنم نور دیم خفته بی ابر ازمان
 نمیده غنیه اف نکره مصوب طویل الطاف کز دین براسب پری کردار و
 رفتار اهدا سیمه بویاده نطع حمول خاکه نرفع بیورش سز حضرت
 واهب المرات و مالک ازم کائنات جل شان هوار اقبالیه زیر
 و غنا غنا یتکرز پیوسته جنبیده راه چوان امور حاجتمندان ایلیم **تظم**
 خوش سمنه ملایم که حسن رفتاری • اوند ر دل غشا جلوه یارش
 نکاهی غمزه جانان کیمت جستن اید • خوام دل کشته دل ویرن رفتاری •
 خصوصاً چکیده فام شیرین خراک مفادی اوزره کند و آرموده اکوب
 شرف مصحح اولد یعنی قوت نشاط اولوب غلبه صفات حقیقه
 مقلبانده ناشی معامه تقسیم نفس و نادیه رسم اینار بو پر ناتوانی
 رایش تکا و رفتار ایلند حضرت حلیم و حکیم جاره ساز قرضه کیمی
 رایما جلوه کاه نسیم اهسته ایلیم تناسب اعضا و توافقی سیاسی خود
 زنجیر تحریریه تقیید غایبه سنده وارسته در **بیت** ارفغان کشته اولور
 چینه همه تصویر • بو قدر انجمن اولور حق بو که حسن سیما • هر نفسی آینه
 روی ادنای سید بر خور و پرویز و هر سوی درگاه چشم کلکونه رسم
 برستیز اولمده شایان در طره حور از کات خوار کترین تار نامه عینین
 و کمر جوزا بلا کردان سینه بند سیمینی اولم ادنای اوصافیدر **بیت**
 بشرفه اطواری ملک حیران رفتاری • نوله دوشه فرام اتر که

در غایت

خیرت زبر و بالایه محاسن بیکانه صور سینه قطع نظر تیار کر مصری
 نژاد هر صبح و شب اندام خواریده محسنه تیار اینه کیم هر بن مویند
 بخرج صاب و بخواه و تفریح اصدقای نیکخواه مقوله سی هزارانه معنی
 دقیقه است قضا اولده در جناب کریم ال نکر کیم بر نور دیده اعالیه
 و امامه سیمه اهل بو گوشه کرین پیغوله انزوایه اهدا وارساکی بومرغه
 بو خوش دلار ادنی شهره افواه اعتبار اولاجی جریده تقدیر خداوندیه
 مسطور اولمده انالنده امتیاز انجمن انضای خوشنما سی کویا جمیع اجناس
 مخلوقانک منتخبات اعضا سنده ترکیب اولوب جبریه کین منادن
 و جسمی آهوی جودن و کردن و کیست حور باهشته و دینه سی بهر
 قدر مانده و شکمی خم خور و اینده و پستی سریر سکنزیرین و دست
 و پاسی ستون جار باغ سلیمانده و سرینار خوبه تنا و روزه و بلکری
 کاه و زمیندن و دینی طادوس جنبند و کاسه ستمی بیخانه جنبیدن
 و قوتی شیرین و بو سستی پلنگه زمره کتب اولد یعنی اقوار دلائل و احکام برهین
 ایل اعضا کرده اصحاب نظر در قاعده کلیه مستمره عالم اوزره جمیع زمانه
 نوع هدایا محیط اطراف بلاد دین مرکز دایره جاه و طلال اولان استانه خلقت
 پناه ابدانه و ابقاه جانبیه متوار داو لیکامش ایکن بکده تها میامن
 ذات کریم اول قاعده یه منافی بودای قدیمی استانه رفعت کز اهدا
 رخصت شرفی ایل اختصاص و افزاده نایل بیور و یغره اعلا طبقات
 تشکر و انتقاد در جناب الهی هیئت وجود کریمکی صدر مختصرات
 الطاف ایلیم الحق شمد بکی حالت پیرانه حزه نسبت ایل زیدان ناتوانم
 اولاجی خیل مقوله سنگ صحیفه بیاض پیشا نبینده **الثانی من الرقعه**

تشیب الی

و سواد حازه سنده العجده من النبطه كلكه سي منتقش بولمق ربوبه
 پيرانه اوقه بر معنی در بجه الله تمام جاده مراده موافق حركات معنیه
 موفوق بولمقده **بیت** سبحان الله تمام سر تا پایش در غالب از روی
 من ربحه الله منظومین صائز کرده دلاراسی آمده بم شوق رکوبی
 بونا توانه ارامی حرام ایدوب **بیت** همچون شراب تلخ بر کهای می برت
 هر کوه که هست بعالم روید نیست ماله اوزره برج کوه اداره فیض
 هواد لا جفری اختیار در بنم نور دیدم تکلف بر طرف بوکونه بار کبر
 خوش سیما به نایل اولدیغی سنک دخی معلوم که در جناب حق جل و علا حق تعالی
 اولاد کرامت که معروستام ایلیه **بودنی نابیه افندیگ کو نردو یکی مکتوبه**
 حضرت نیک لب ادب بر له دیده عنایت نیلدرین تقبیلنه نجار ضمنه
 عوضه داشته داعی جیاتر بود که بنم او علم حضرت جناب حافظ ملک
 ملکوت ذات روحانی سرشت برین مکتوبه ماس سلامت و عنایت ایلیوب
 ظل اشفاق برین مفارقی منهوینیه بسبوط ایلیه بنده کرم دیده قدیم حاجی
 شعبان بنده لری چند سال مقدم مکایرت ده گرفتار اولوب سفهای ناقول
 همشهره هیدان حکام رایه کند و برین تقبیلین کند و عدم استعداد برینه
 صل انیموب مجود شعبان افندی بنده کرک وجودین علت نافقه تصور
 اقلید رفیع لواء حصومت ایدوب بلا نقیین ماده مطلق یا فرد نامیل
 محض اندک لری شمول علم شریفک اولمیدی اول زلزله یائله حبیلی رخصت
 چکوب حضرت الله وجود شریفک هی هواره چاره رسل در دمنان ایلیه
 اول زلزله سنده مظهر جنایت حمایت علیا کز اولمقده حال صدر اعظم دخی
 خصما سنک اغاضی ناسر سنده تحصیل اطلاع بیور ملر سبیل حقنه دار

واردا اولان فرمان تنفیذ نه تأخیر بیور لیدی دخی معلوم دولته در بعد
 تفحص کیفیت احوال اچونه واردا اولان فرمان علی موجب حسن حال و اعدا
 اقواله اغاضه مبتنی اولدینی محض ایدوب بنه طرف دولته حکام و ضلله
 ارسل اولمقده لکن حاد دینه جایجا ارتکاب شاق سفرا ایدوب
 خاک عوته رومار شتاب ایلشد رشرقیاب بوسه ذیل کرم اولدقده
 قدیمه حقنه جویانه ایدوب جویبار عنایت و رحمت فرزند آمانه کایه
 الاول اچو بیور لمق بابنه لطف و کرم جناب عا شاکر نیک **بودنی**
دوستدین برینه یازمشر حضرت نیک دیده مبارک کمال تقظیم ایدونیم
 و دعاء دولت و عنایت وجود بر جور لری تقدیم ضمنه عوض داشته
 داعی قدیم بود که بنم اقدم او علم حضرت جناب حق ذات بی عبدلک زایب
 اسیب یا مدینه نسیم لجنانه ایلیه بودند اول ظهور ایدوب غره هفت علیه کر
 حرمین حلب حصو صیجونه کوارا بر وجه تفصیل تضرع و ادعا غیز یکر
 تضییع اولمقده سنین ماضیه ده بشیوز غوش جائزه و یوز غوش خوج ایدوب
 حصوله کلور کس بو طرفنده یوز غوش بقدر فایده کورینور اما اکیوز
 غوش ذم متشفه ده باقی فالور خدا مک ثقلت یکساله سنده غیر مصار
 ماکل یکساله لر دخی بار کرا و بو ثقلت ک دوچی اچونه برادر و اچیکده
 هبه و تقریر داد اولندی اما فایده هبجا هبجند ضرر بیجا بیجی غایبان
 لکن جنایک دزد و دوستان افراد نه محبوب اولدق ایتدیکم انسانیت
 حیفا ضایع اولوب قدری بلندی مفارین ویر مدنه مضطرب ایز
 مقصود علم الله ذل طبع دکلدر انجی قدر احاط ضایع اولمقده مفاسد در
بودنی کجاردین برینه شفاعت نامه سید

دعوت
 م

صورت لطیف

سعادتمند و مملو طاعت و نور چشم ابتهاجم افندی او غم حضرت نیک کھاره
 بیشتر فضل و وفاداری دست اگر آمد وضع نشسته بر شکوفه شاد و فتح
 شمع خشمه دعا ضمنه لایحه پرستی خاطر نماز کثیر و بیابان رساله
 سوز و کد از قلند قدیم صکره برداشته داعی مدافعه لری بود که غنچه
 رسان قولکرت دقایق احوال و محاط علم شریفکرا اولمعه موقوف و غیر
 دکلر توفیق طبیعی و استرخای عافران قطریسند ناشی اموال و طلاق
 ایدر اتصالات ناجاده غیر هجوم مطالباتیه هنگام و صانع با شر
 درشت کلام و سایر اکلایه انصاف و ارم سبیل اموال و افزه سی
 عوضه کف تلف اولوب کالا بود که اب هولنا که استوفاده تخلیه
 کند دستگیری عنایت کند غیر امید و دلمج و جوی اوزره و مال خاک
 پایه اعاده چهره غنیمت ایلند در دایره دولت و لشکرک نسبتین خصوصیت
 اولمعه بر فله مذکوره اندکار او مور لرنده غمخوار قلند نه خالی اما چاره کار
 جناب شریفکرت نظر عنایتیه موقوف در و جبر کسوری همت کلیه به محتاج
 دامن عنایتیکه کمال اخلاص و تشبث ایدر مخصوص غلام خلقه بکوشک
 اولمعه ایدر که جراحت احوال و مرهم همت در ریغ بیورلیه **چشمه**
ایچون جانام سید سعادتمند و مملو طاعت و نور چشم ابتهاجم افندی
 او غم حضرت نیک نادری دولت مآب و سعادت دستگا هرینه تعظیما
 شامه و نکریت کامله ایلد اتم دعوات اجابت پیوند و اخض نجیات اصابت
 پسندایشاری ضمنه مودعی داعی و دلتجویلر بود که بنم نور دیدم خضر
 واسطه تحریک فام اخلاص جلاله حسیم عیبیک بنده لر جانب اناطولی
 کدر حمر تدر طلب الشهابیه او غایوب چند روز اقامتی حبیل ملاقات

اتفاق واقع اولمغین عاقل و عقل سدا و حسن سلوک و سعادتی شود
 پدری اولمغین غیر غنچه مخلصانه مرز خاک غنچه اولمغین انتساب
 قدیمه مذکرات اتحاد اتمکله کشیده صحیفه تحریقه قلندر واقع بر اولمغین
 اهل عرض بند کرا اولوب کندی زیر لوا سنه اولمغین طایفه دیر هر وجه
 ممتاز بلکه اولمغین شمار اولمغین جوی در تبه عاقل و عاقبت بیست و شایسته
 نظر تربیه تحبب بند کرا اولمغین منتظر نظر عنایت و حمایت بر بیورلیه
 ادرن لطف و احسان جناب کریم ان نکر **بودنی تحریک اولمغین**
 سعادتمند و مملو طاعت و نور چشم ابتهاجم افندی او غم حضرت نیک
 حضرت نیک موقف استانه لرینه هزار شرم و اعتذار ایلد دعوات
 اجابت پیوند و نجیات اصابت پسندایشاری به متعاقب عوضه داشته
 داعی دیرین بود که بنم دلتجویلر افندی او غم حضرت جناب طاق
 کجینه ممکنات جلالت کوه هر کرا بنهای ذات کریمین همواره ارایش
 قرانه اقبال و عنایت ایلیمه امین جو قدر لر بنم کزله مطلقه غیر
 اکینر و صولتویتی حسیم انتظار اولوب دعا و عمو و دلتجویلر قلندر
 تحلف ضمیمه دلخواه تقدیره احوال و دلمج و سبیل تسلیم قلندر معجزاتی
 مراقی نامدوده صعود اتمکله حوصله تحلیله دیر خارج اولمغین تحلیله
 سرور اولمغین در غنچه رسان دعا قولر بوطر ملک تفاسیل احوال
 مطلع اولمغین قرانکرده تقسیم بیورلیه مباحی خیراتک زمانه شروع اندون
 استخبار بیورلیه **بودنی بجار و زبیر اولوب رسال قلندر**
 سعادتمند و مملو طاعت و نور چشم ابتهاجم افندی او غم حضرت نیک
 موضع اسمی و موقف استانه لرینه سران تعظیما کامله و نکریت شامه ایلد

رفع موضعه دعا ضمنه برداشته داعی درین بود که بنم ساحتو غنا طغتلو نور
دیم افندرا و غلم حضرت خط طبعه بقیع سجاده شریعت اولاد امانه افند
ناوار امانه لقا عازم محکم کبری افری اولمش در و کان امانه قدر
مقدوراً حضرت باری جناب سعاده عمر طویل سیر ایلیمه این

بودنی بکار و نه برینه خیره وارسلو نمشد

سعادتلو دولتو غنا یلو ساحتو نور دیم عزیز و محترم افندرا و غلم حضرت خط
لب اوله چشم منیر لر بوس اولنوب مبارک خاطر شرف ناکلر استقصای
ذیلین مودض داعی دولتر بود که بنم دولتو غنا یلو افندی و غلم حضرت
جناب الهی ذات کریم الصفات کن منصفه غرقه بقیع ایردوب سیر غنا یلو
مفارج دولتو اهاندر زایل ایلیمه این اشرف اوقاتده ملطفه عنایت
انه وزیر کبر نوبخش آبروه انتظار فرا ولوب بنای دعوات عمود و لنگر
از سر اخلاص تاسیس اولمش لکن مطادی صحیفه دلار اگر زده دعانا
محرک و صو اشارت بیدر لکمنش **بودنی سر نامه در خوبه در**

سعادتلو مکتو غنا یلو ساحتو نور دیم افندرا و غلم حضرت خط نادی
بیمت نظام و موقع رفیع مکت اشقام والا مقامینه اشمل تظلمات و اکمل
تکریمات ارقای دعوات صید و ازکار تحیات پسندیم اهدا ضمنه
عوض داشت داعی بی ریا بود که اقتضای حکام نظر بر اوزده موقوف
عنایت بانیه اولک ضمیمه نور لری جانب پیری به توجیه نظره استقصا
ایدرایه بمنه سحانه بقیع زاویه عافیت اولوب اتقاس جیاتم صرف
اصناف دعا کر اولد یغنه عالم الخفیات واقفدر نیما بعد

بودنی سر نامه لطیفه

دولتو سعادتلو غنا یلو مکتو نور دیم افندی و غلم حضرت خط نیک
جای زلال مرام و مور و جویبار مکارم اولان نادی عنایت انصاف
توقیفات مله و تکریمات کامله ایل ارقای دعوات اجابت پسند و ازکای
تحیات اصابت پسند ایشاری خلاصه عوضه داشته داعی دولتری
بود که بنم دولتو غنا یلو نور بامره اتمام افندی و غلم حضرت
جناب منشی دوا بر سموات و مدبر امور کائنات جل قدره حضرت
مصدق حسنا و کمین حیات اولاد وجود ایل نواز لرین شکای غونا زده
دایم وثابت ایلیمه این **بودنی سر نامه مد و صد**

سعادتلو دولتو غنا یلو ساحتو نور بامره ایتیم افندی و غلم دام
مکتا حضرت نیک لب اوله چشم نعل شمس لر نقیصی ضمنه مودض
داعی دولتر بود که حضرت رابط بند دقایق الکانه جلالت عظمت
ذات شرف پرور لرین همواره ازایش مقاصد غنا و امان ایلیمه ظل
مدیر غنا یلو بن مفارق احد قادن زایل ایلیمه این بحره اشرف المرسلین
بعدا **بودنی سر نامه غادر**

سعادتلو دولتو غنا یلو ساحتو نور دیم افندی و غلم طال بقاء
حضرت نیک نادی مکارم دستکار هر ریاچین دعا نشاریله قطیر
اولنوب خلاصه عوضه داشته داعی اقبال لر بود که جناب مؤلف
سخنه تکوین ذات تعالیها دیکر پیوسته محفوظ شیرازه انخفاط
ایلیمه این **بودنی سر نامه در خوبه در**

سعادتلو ساحتو دولتو غنا یلو نور دیم افندرا و غلم حضرت خط نیک
موض والا جناب اقبال لرین شایا اگر امات متناسبه و اجلالات متناسقه

ایله دعوات اجابت اندود و تحیات صبت الوداینا نه متعاقب لازمه
افتقار و ذهن و قار لری نادیده سی منمنه عرضه داشت داعی قدیم بود که

بودنی سر نانه لطیف در

سعادتلور و لتو غا طفتلو نور چشم افندی او غلم حضرت نیک رشکساز
خورنق و سیر اولان ذرخش نادئی خطیر لری سعادته دستخوش
محفلنشینان بالا اولغ سزاشامه و غیرین نقه دقای اجابت
انما اهداسی موصننه انها کرده پدر و لا پدر لری بود که

بودنی بر سر نانه و کار آرد

سعادتلور و لتو غا طفتلو نور چشم افندی او غلم حضرت نیک دیده معال دیده
لری لب اربله تقبیل اولندی یعنی صلالن عرضه داشته دولتر بود که
بنم سعادتلور افندی او غلم حضرت سوق لوازم ثواب و طیفه اختصاص
اولغله ماده آیه ده تحبیر کلفته اجتر اولندی بعد از

بودنی بر سر نانه محمد و صدر

سعادتلور و لتو سما خلوا فندرا او غلم حضرت نیک پیتگاه معذرت
پذیر لریه افم شرم و مجالبه دعوت بیه غایب و تحیات جلت سمات
اتحافه سیاقنن مودض داعی نرم رولری بود که

بودنی بر دوسته یازمش مصنع و مرغی بکتوبید

غوتور نفعلو حقیقتلو او غلم باغم انیم محمد افندی حضرت نیک قافله کاه
رفتارینه کار و آن کار و آن کالای تنکاتنک شوق و غم اتحافی
منمنه پرستن خاطر ناز کتیر ای اجالا اخلاصی سر بر قلند قدز صکره انها کرده
پدر و پدر لری بود که بنم او غلم یا رجام احوال دزد تجسس کرده رهبر

استیجار اولور لیه بتمه نقه تار حیر انقاس هنوز تنک بر ندر کسته
اولمیوب بندر طبعیه پاسته کارگاه اقامت اولدیغی آمد شد مار کوی
اخبار دزد غایب اندر چند ماهه مقدم سعادتلور موفتورانی افندی او غلم رشک
نوار دایره مکاتبتنک بر ندره جنابک سعادتلور باقی اغا او غلم رشک
خدمت بله جانب ارضی روم توجیه کز خیر ایدوب حتی اوج دفعه کتوبید
تاخیرک جنابک نقد اینله تعلیل ایدوب کند ولرینک غلبه شفا مانع
تغصیل اولوب بر بضاعه دار حسن بقیره دخی موفق اولمد قلمین اغذار
ایتد کل ندره جنابک ارضی رومده جلوه کرا اولد قلمین غما زده یقینیم
اولمشیر بنا برین اولطه فند و اولان قافله دزد بوی انیم شرم اولوب
پیام عافیتنک استیجار اولمده ایدوب و بزنامه مهر انیمه کز وصوله دخی روزنه
جسم ایتد کشاده ایکن واقعا بر طبق ملحوظه ملطفه خوشمال کز نقش
قرعہ تصویر کجی و لیلی و طینت و اصل اولوب دماغ ارزوده شکر
نظ طکر اولمشد روم اوله سرخ بود که جنابک کور که اشتیاقم
حوصله سوز تحبیر در خصوص سعادتلور باقی اغا او غلم نازیده دلسته
یوز اکثر سود کزد دست یزایله مالوف اولملیه کند ولرله کوبا الفت
صوری واقع اولمش قد علاقه باطنیه زوار در کند ولر دخی نرم غیابم
بو یله اولدیغی جرم کرده یقینیم در جناب الهید بزموانسه صورتیه و نوع
دخی در خواستد بر دخی بود یارده بسط حیر باره اقامت اوزره ایکن
در حوم وزیر عثمان یاشنک کتخا لری سعادتلور اصد اغا محصل حلب
اولوب بوجانیه تشریف اتملر یله آستینه وارمش قد راسطاط خاطر
کسب اولمشد کند ولری وجود بینل و بدل اولد قلمین غیر کزیده ایلر

دلان زمانه مهر کن زاده محمد اغا و غلام و عنکبوت مهر دار احمد افندی
 دخی نیجه ارباب سخن و ارباب نغمه چلبیلر دایره لر زده اولمقله روزگار
 استانه تنگ منتخب و ممتاز لرین بزه دست آویز ایلدی روزگارک
 بویسه سندن منونه اولدی اگه اوماق عیش و صحبت کدر اندر سعادتلو
 باقی اغا و غلامه اندرک علاقه یکجهستانه لر سبیل کویا اندر دخی بو
 مجلس حاضر لر در بنم رفتنی او غلام سعادتلو نکره چی فضلی اندر برادر
 اولجا بنده بدل بعضی من الک حذمتیله مشغول اولد قار سمو عدرا نه لیه
 ردعا شتیبا ای بیزیم ابلاغی مامولدر علاقه محبت و حقوق الفتم
 بخنده خار جدر نظیر کباب بر وجود مکر قدر که اصد قای عالمه و عقلا
 روزگار دیر بر ذات محترمه رعیت مستدام اولد لر صیبه در انبه ذاتا
 بدل اشتغال اولدی مسلم کل ایکن بویله بدل غلط تنزیل نفس ابتدکاری
 دخی دلالت عقل ایلد غره رای دور بیتلر یدر بنم او غلام غلبه خلوصدن
 ناشی مکتوب مرغوب کزده طبلده اما منکر زده شتیبا هره هدیه ارسالک
 تا ضربه بادی اولد مضمونه شارت بیورلش مقرر اولد و موصولک
 نصفی قدر منونه اولدی لطیفه مقلدک نک مرا سکا اولمقین رسم
 استبدان عراغ تندن صکره بر آورده خامه بزنه کوی بودر که اولجا بنرک
 هدیه سی یا بوغاز کورک با غلام کورچی نزار اولوب ایکی قسم مخفر
 اولدینی معوضه بونرک مادونک مقدم استندان واعلام تحلی
 یوقدر شمشیر بنم جانمزدن زیا نکره ارقیقین و تصریح اولدی لازم کلد کده
 بیاضجه بوغاز اولوب نور به نشتلر انک عیبه کورینور زیر اسوق
 الفاظ ارتکابه نغمه کرا نه تکلیف کورینور اما هدیه دخواه سنوار

اولور سهیم بن و خوشی اندام دسیه چشم و ابرو و جارد ساربر
 غلام کورچی نزار دن غیر آغوش تصورده جایگیر اولور بوقدر لکن
 آنه دخی جناب کزده تکلیف مرته انصافده بعیدر اگر چه کتابت باج و فراخ
 ضمنتیم ارجوزی عدا اولدینی صورته بیلد دفته تکلیف مالا بطاح
 انک حال ناشنا سلع علاقتدر ایچنی بو اکرده بو کونه بر تبره خاطر کلوک
 اولجا بنده درت خالص و صادق دوستم بونمقله ایچی طریقده خود دریش
 یکیه هر باره بر قیود نصح اولمق اوزره بر دیر شتر اک بر بنه خوشنا
 ارسالنه اتفاق ایلد لطفله اندیز و باقی اغا و جناب کزده بنم فایع اندر
 دخی اولمقله در نیب اولمقله بو چار دوسنک غره اتفاقیلد اویله بر غلام سر و اندام
 اشناج ایلد لکن اعضا جهتیه توزیع اولور سهیم و دیتی فضلی اندر مرک
 دسیه و ظهیری باقی اغا مرک و سرتیلر جناب کزک و ایقلا فایع اندر نیک
 حصه سنه دوشه چکی بر بهیدر و اگر عناصر جهتیه توزیع اولور سهیم ایچ فضلی
 اندر مرک و اتشی باقی اغا مرک و بادی جناب کزک و فاکه فایع اندر نیک
 حصه اولجینی متبادر در و اگر اخلاط جهتیه توزیع اولور سهیم دم کره فضلی اندر
 مرک و سودا سه باقی اغا مرک و صواسه جناب کزک و بلغمی فایع اندر نیک
 حصه سه اصابت ایدر چکی ظاهر در و اگر طایفه جهتیه توزیع اولور سهیم رطوبه
 بیه فضلی اندر مرک و حارته باقی اغا مرک و یوسنی جناب کزک بر و دیتی
 فایع اندر مرک حصه سنه دوشه چکی نمایاندر و اگر تریه جهتیه توزیع
 اولور سهیم بیه فضلی اندر مرک و تابستانه باقی اغا مرک و حراره جناب کزک
 ددستانه فایع اندر نیک حصه سنه دوشه چکی مستقندر لک اصل بنم او غلام
 عرض لطیفه در بو توزیع بر زمین نازده کوه خاطر دیر سه زده اولدی

مقصود تشنگی خاطر دستا نذر اندک پیام عینت می بزه هدیه در بعد این
 بینا طاهره گویند در سالنامه ای او ملکه نامور در باغی المخلص القديم یوسف بایه
باقی بآفت مقدم حاصل طلب الشهاب اولوب اولند در صکره سورشی
افترا که کرمان اولان نایب تحت دیده اظهار خون درون
برادر خیر المیوب ارسلان ایلدیکلی مکتوب لطافت مشخونه
 سعادتمند و دلشور دریم او غلم عزیزم ایکی کوزم بیک اقدم سلطانم خرد
 طبقات بهشتی که کوانی ترا اولاسد ایجن علیا رینه تحققتا شیان نموده
 ایلدهم اغوش دعوت آفرین آینه اجابت بدوش اهدا سی خشنود و من داغ
 انگشتر بود که بنم نور در بدنه کوانایه تربیک اقدم موبو احوال کنیز غریزه
 زیاده میوک قالب اطلال عکرا اولمعه رسوم عادیه پرسش احوال بقیه ای طبعی
 اولند قدر صکره خامه فراکش خونبار طبع نفس لام از زره بود و جبهه رفتار
 ایدر که بنیجه مدینه بود و حیو صحبت رجا در دولتند و محرمه تحبیر مشغول
 انشیک بلم نزه در کلدیک نهب بعد زمانه تقو بیلد فراموش نموده اولان جاشنی
 صحبت خاطر کتور دیگر خصوصاً جناب بزرگ و صحبتند اولان جاشنی خلاوت
 تازه ایلد متکلف اولوب بر کونه تشاب نشاط اولمشید و خار پیشین
 و پسین بالکلیه توبه بهار دیده کیه شیا متبیا اولمشید اما انقادنی
 جسم زمانه غذا را صابت ایدر و چهار شیرین پرواز وجود یکران الله وجود
 جسم باز حیرت اولوب قالدق کوبار بر رویاروح افراد بیدار اولوب
 اول خیال دل سودا پرست وقف زانو حیرت اولد **بیت** دم وصال
 نشسته شرایکی مالور کوز کده اودمل خیار خواب کی بلم بو عالم مجرور
 هدف ناوک هوان اولوق ایچو کلک بو پیر لکن بود در دجال سوزه نری

بنیون گرفتار ایلدیکر دخی جنابک غنیمت صبح طلب دیده مره شام اولوب
 روشنائی عالم ظلام اولد و غنیمت اوج دفعه خانه مردن جیقه واقع اولد
 اول دخی بالفوروی فضیلتو یحیی افندی نیک خاطر کوز اولمشد اصلا مجلس
 عالمه لذت یاب اولمده قالدق اول دخی بوریا صحبتند ندر داعیه تلذذاتک
 ختر و انجی بامید نکات عرفی و صایب ابتدا غنیمت فرقی یوقدر اما نیلیم
 بند خنی بنیجه ایدر حکم بلم طرف دولت علیه توبه انکه وجوده تاب یوق فرور
 کینج غلظت پایه ای مسکنت اولمده غیر طایره ندر اما حاصل جنابک و جوی
 کلشن کورین طلب شمر نموده دوزخ کورینور اولد فنی افندی نیک خانه
 طرفه خیالی کوزده هم اما بنیجه انده اولان مجلس شریفک زینش نظر نده
 تصویر ایدر و بینه انکه اکلنده بم الله تقی صبر لایزال علیه اندر ترستم که
 رفته رفته غلبه فراق دل محرومه ایرات جنون ایلدیه بهی بیک اقدم سلطانم
 جناب شریفک لایم و لیا صحبتند سعادتو ریش افندی او غلم کوز و دوشو
 و فضیلتو افندی و ملا و ملا و ملا اذکاری ماده نشاط و انبساط اولان
 ذوات کریم لر و کلمات لطیف جان پرور لر مذاکره سبله گذار ایدر و کوز بود
 ایدر کوباندرک مجلسی ایلد بریده همصیت اولمشید دیده فرضا بزرگ
 جالنده محرم اولد یعنی کیه ساعده دخی اندک ذکر ندر محرم اولد کوزده صل
 فقیر نایب افندی کونه صحبتند متلذذ اولسونه بو معنا کردنی بر کاره قویلم
 بهی بیک اقدم سلطانم جنابک فنی لطفک فراموش ایدر اول سیمای
 خوب اول ایچ شیرین اول شیوه گفتار اودن و ولور دخی علم الله که کوارا
 مذاکره اولمشد ریش افندی غلمک ایچ غلمین و بقیه ات خوش آیینک
 ساعده فقیرانه اولان واقعی غیر تنوع قبول ایدر و کلد جنابک لایچ

دخی اندر مقتدر و متابع اولمغله لذه گفتار کرده دل بسته کم اندر یا اول
 صحبت کر ما کرم لطیف این نغمه انگیز لریمی فراموش ایدیم یا اول مضایح
 مشفقانه و محل اکر کرده تسکیت غمخوارانه لریمی فراموش ایدیم یا اول
 اکرام بدینیه و اهداء مالیه لریمی فراموش ایدیم یا بنم ایچونه غایبانه بعض
 قدر ناشنا سله اولان مجادله لریمی فراموش ایدیم یا بوطرفه بعض بجاره
 بروجه شتر اک مداینه لرایدوب مجله زجیفه قدره بولده فصل اندر کلیم غزل
 فراموش ایدیم یا خود ظاهر و باطن طرفه ندر متولد اولان نقص و محاوره
 لریمی فراموش ایدیم یا خود و زرا و علما اسلامک بعض طرفه ارغور غوغا
 لریده سکر کله جنک زرگری اندر کلیم لریمی فراموش ایدیم یا سکر مرقضی شک
 اثنای امانته صد اعتدال در متجا و زار دینه اوکیه نقدی ارکانه برده
 فوایت صلوتک اخذ انتقام اندر کلیم لریمی فراموش ایدیم یا ربیت سالمه
 شبرین جاننده غریزم او غلم موفتدیز مرکب حسن خلقه مودب کرباره
 کران قیمت و جواهر نایاب ملک خصلت رفیعا جللیک فرافغنی فراموش
 ایدیم بیک اقدم تکلف بر طرف رفیعا سینه اته امانتی اولسون اولام
 قدر علاقه درونم وارد علی الخصوص شمسوار میدان حرب و کین و یا قوت
 پاره نکینده خامه درین ایازه حسن اغاجفک دخی شیخ ابوبکر بولنده
 جلوه رستمانه و شیوه شمسوارانه سن کورد که بیت بر فرس تیز و بهر که
 ترادید گفت . برک کلیم رخ را با دیکجایی برد . معنایین خیال اندر کلیم
 بر وجهه فراموش اولور دکلدر همان جناب الله ملاقات میسر ایید این
 دانشی غایبشی و جنبشی برادر جانم بی شکوه دولت ایم حسدک
 صکر بغداد و بصره روزنامه لرنده جلد ابری فشار کشیده کنار اختیار بین

این کتاب در کتابخانه
 مجلس شورای اسلامی
 تهران ثبت شده است
 شماره ثبت: ۱۳۵۷/۱۰۰۰۰۰۰۰

الاقران قریب امتیاز اولان ظلیل اندر بعد شام و قسطونه مالکنده
 قطع مراتب حکومت و طی مدارج عظمت ایدیم سرافراز اولان ظلیل را غی
 حضرت بیک شطرا این و بشارت انگیز لرینه قسطونه فقر اسنک اشک
 چشمه افزون دعوات سربقه الاثر و استانه دولت محلاته جنا
 بلایی جبت و جوالین شکایتچیان پریشان نقالک و ضعیف لر صفا
 کنجایش مرتبه سنده بیرون سیکم مودت کتر اهدای سبب قنده برش
 خاطر و سوسه ناکلر را عاتیکه نموده محبت کاری بود که پیام سلامتکره
 چشم درخته مرقب ایمن مکتوب دل اشوبکر واصل اولکد مالنه اطلاع
 صکر مقدم ارسل مطلقا خلوصه حل و تفویض ایکن دروننه صفت اولان
 سطوری سنده و پراکنده و وف که یادگار او غدا در دیه سامانک الاینه
 نمونه در قریب نظر قلند قدس را با تغییرات جنابک در تقویرات کیه پرش
 و بی سروس و پاره اولند یقینده غیر هزار ریج و تقب ایلد الب الفظنده
 بر مقدار غبار اندوده و بزخرده سفاط معنی و کفاسه مالا یغنی معنی دو کلمه
 و مانی سوپر ندیسی جمع اولند قدس اندر دخی کابیه افتخار و فاز و رات سبای
 تیلک الوده ظهور اتمکین نینه خفتکره حمل اولمشدر مرا سکا و کمانیک و ضعی
 غایب تا سیس مبانیه محبت ایچونه اولوب بیان دولت و شمت ایچونه اولوب
 ظاهر اسلو مکر دکلدر غایب حوصله حضرت ختم انبیه جک بعض فرخانه دست
 رس بولج کر کسره که دیار بکر خلقه اظهار ایلد قناعت اتمیوب اواره دولت
 و شروتک دیار حلیه دخی غلغله انداز اولمق سودا سته گرفتار اولمش سزیم
 جانم مکتوبکده بنم کیمیه احتیاجم قلدر اولطنه وار سده سینه یا اولم تلیم
 اولمش ظالم بلیم بو مقوله کلام متغافرا نه به جو قدره ارز و مند ایدک غایب

او ایله حشر کش اولد یفک بعض اشیا و نفس فریه نایل اوله بکر شک
 دیار بکر بارانلرینه هر بار سولیه رک تحصیل مشق اتمش سن که اناری بوطرفه
 دخی شغلی اولد رحتی ار نود زاده مصطفی اغا ترک دخی مکتب مجتهدین
 وارد اولوب اند دخی کوز کوره جنا بکرک دولت کا دینه شهادت
 اتمش دراته تقی اول مکتب بوشهادت نه شرمند ایلیمه هر آستانه دولت
 کورین بعض یاران ساده لوح ایکی کیرنه تورک او غلام اوج بار کیر و
 درت طوبی سفق قاتر اسباب دولت قیاس اتمش بعید دکلدر اقامه مصطفی
 اغا دخی بو اعتقادده اولمق ام غزیدر لکن بو ماده ده اعتقاد لر ناسد
 اولمق جای استباه دکلدر کلامی هزار و استه اولد یقنی اعضا ایلیمه سبب
 احتشام اولمق اعتقادده ملک اولد یقنی استباه کشف مرتبه سند فرستله
 بوطرفه غایبانه دفتر اتمک مکندر زیر جنا بکرک دولت موصوفه استعداد
 روزگارک جنا بکره م عده ده معنادی مخیر عذر **ع** کیرم که ملک جام
 دهد کوانده ام **•** مصرع مشهور اولسه بوجه خیری مناسب ابری هم سبب
 حشمتک بنشین بر یالده زلیه لکن ابری ادمور در دیکر ده اچنجه اندن
 اعتقاد دخی بو قدر اول دخی یوللرده خلقه کوسر مکتب اچون بوستانه آمد شد
 ایله رک شمدیه رک یالده زدن معرا اولوب سؤقیقه حاشک طاسرینه
 دوغمندر صفا بون کوزاده نکت طینش دغدغه معصیت زایل اولور لیه
 جنا بکر دخی غایله افلاس بر طرف اولور غزیر زاده محمود علی صفر مرغان
 بین بار کیرک ایرله سونلردیه بک زمانه اتمه اعلم بقیندر ایام غنا کوزک
 امتدادی بوستانه فصلک افزیه منتهی اولور لیه یه غنیمتد فضل بوستانه
 مصارف اچون قطار جار شمار یکنی دوقت ابتدا دکلر بوطرفه شیوعی دکلره

اول حسن اعتقاد دخی منفیر و خاطر غیر متکدر اتمش ایکن بوطرفه بعض
 اقبایزه کلوب بو ماده نکت اصلی بو قدر اعتماد اتمه کوز قسطونین
 شکوه و عظمت ایله دخی ابتدا کلدیکی یا من قطار اچون اقبایزه شهر دن
 نیازمند شعیر اولوب خوار ایتدی کیسه قصوری کجه نهی رجوع اتمک دخی
 مدارائیه بر باد اید دخی اول زمان زیور بازار اتمش یه تحقیق ایلدیلر الهده
 علی الراوی بنم جام برده بره اوغلی حاجی حسین ایله ظاهر شک داده کلکت
 بهشت اول بوستانه فصلک ذوق کونا کون و عالم رنگارنگه مستغرق
 الحق اول ذوق اچون هر نوی بر غزیر زبان الحد کوی اولمه در لکن آیاده
 نعمت جنا بکره سیدر یا خود الحاج حسین سیدر بر یکنر متلم عالجت و بر یکنر
 ایضا تاج ربای تحت کچور کن یه رتبه سفلی دیو یفایه می تنزل ایلد بکره
 یکروزه هر کون بر آدم طرفه کور لکت دخی یه دیفانه الواعند نه رجه
 بر میراث خورده ناکام نود دولت و هو سکا رخشم بیچاره کلاما دلویب
 ایلد ام مداهینه و دوشورب مالکک صرف اتمک فائانه احوای سبب
 نزاکت می اتمده سز بنم جام لطیفه خوشه را تا جنا بکره سبب فم ما و رای حد
 تصور در طوغوسی بو جانلده غنیمتک مشرق خاطر اولور ز خصوص صاکم کن
 قولکده باری صغر فکری دخی بزه یکدره ستر حاضر مفت یارانیم کیم اتمش لکن
 اکند وسیله سبب بود که اقتضا ایله بک مجالده بیله کلام بی نظام
 و تقابل مالک ترقات مجانی و به یان محمودین دخی بر پشته ایکن شمس
 خود کندی زعکزه سترست ریحی دولت کچوب کلام کفریزان رز و قبوله
 جکه بک اصحاب احتیاج ایکن ایا مقوله الفاظیه موده و کفایه
 صدر و خطاب تقویب صد و اید بینه کلامه بالایه بسته معامله قومانه

و حرف اندازی بکار از علی بن قیدینه در شد که نه کوه اظهار حجت لایعقلانه
 اندیکمیت هده استقامت سکا اول استقامت افزون در هر دو فکر مایل اولام
 اما نیلیم زین طبعی قدر ساخته و فارشرب و عظمت مهرب عمل اظهار
 قادر اولیه جفت نمایان داشته هر شخته قریه افلاس ایکن او کوه خرم ^{نقشه}
 و اوضاع بکارانه کوستر مکرر لوی بشود مخد و مانده و عشوه مغرورانه سن
 ملاحظه اند که یارانه آمدک حالت به هم خنده و هم کریمه اید جک بر کلور بله
 او یک احوال در سوزن کلام به جناب بزرگ احوال ظاهر شتم وقت اسکندر
 با ش زاده ایلد همزانی مجلس خنط اولد قیام و قسطونیده کنار اید
 لذایذ او ش حکومت آه جانکاهی بی اختیار اید کج اشکده ضمیر نه مخفی
 اولد و در حشر اهل مجلسه لاج انداز کج اولم کج کر کن لیکن جسد کارانه
 اهل دل و ادب یدیر جناب بزرگ بقدر کم حوصله بی هضم اولمده تعظیم کرده تقصیر
 اولد و مجالسده زعفران سج مراتب تفاؤل و لب به جانم مکر بزد شتم اولمده
 و یا خود متسلک بر شیمی ایشد معارف لب بیا نکر دین ترشح اید و کسه
 یقینم وارد بنم جانم چند روز حکومت شام اید سیار دده صحت نسکین
 اثبات امتش اولد بکر زیر اس بقاشاده تلویت مسند حکومت ایلین
 بیزید علیه الله نک روح حبشی جناب بزرگ کندر مقامده مشایده اند که
 آتش رشک سوزان اولمده معنای رسولک انتقامک المش اولد بکر بوظفه
 استماع اولدین اوزره آستانده ده جناب بزرگ بولین قسطون فواسی دیار
 بکرده جمیع املین مستقیم جو انخانه بی زمام شکانه آستانه نش به اولدینی
 منقولدر قدیمی دیار بکره کو بک استانبول دید کلرینک معناسی دخی زمانه
 دولتمکرده ظاهر اولد رانایه جناب بزرگ عاید اولد صفی به استیلا هدر زیر ایشاک

سبانه کریرانه اولمده همدن بایشاک اطراف کز احاطه املیه دولتمکرده
 سبیر یارانه دخی باعث خواب راحت اولد قلم منقولدر موقدا قسطونیه
 انتکای وساده حکومت بیور دیفکرا یا ملرده ایا لیسای دهن کشای
 تجب اولوب بر بر لینه سحان انه عوق فاکت بیره دهن معدن نحاس جویانه
 حکمت کامله الهیه به صیرانه ایکن شتم غامزک وجود کوه و تارنده
 معدن سیم فوران ایکن قفت مایه تجب دکلمیدر که دوستی حبیب
 و نعلبه سیم اندیکم قبضه قبضه شتر عک ایلد مجلسی لامله ایلده بوسکه
 خانه وجود کندن بریزان اولد کل ایلد تصویرانه کلری به اول کوه تا فراه تا فوده
 بینک خربلینه صل اولمده بنم روح غریز ایلد و اشعار و تکلفات
 انشا ایلد جناب بزرگ مکتوب تحریر اشکده اولور دی و شیدیک ربه کرک
 تحلی یوق و کل ایدر ایا جایزه که بعضی الفاظک معناسن سوال ایلد بعضی
 کمسه لره بآینه کره ایلد یا خود لسانا خد متکار کوندر دیکلری زمانه خلقی به
 عادت مالوفه اوزره ایلد استقراض ایلد کوندر ریز قیس ایلد لاریو جناب بزرگ
 صیانت قصد اولمده بنم جانم تحریک سر رشته محبت ایلد خیر اولد بعضی
 لطایفه از رده او کما کز نام مولد بر مودت نامه رسمی تحریر به نیت اولمده
 ایکن زیاده قلم نازده زاده بود مقوله لطایف آینه ترشح اید و دوشن دیده
 انصافله نظر اولمده جناب بزرگ سکر و خلقک تاثیر بیدر و نوا سکا سبانه
 بیانات اولمده بیور ادر بنم جانم وعده اهدا قادیون ایلد برنی لهریز شیر
 بنکام ابتدا امتش سکر ع هر وعده در وعنه بیک بیل زمانه ویر •
 مصرعی امر مقرر دو قدیمده وعده کریمه کر ایلد و نانک بایستی نگاه ایلد تویه
 قدر بعید ایدر مکر شند دولت ایلد تفر مشرب بیور شن سز مدت مدیده دن

پروتاوردی سکرین آمد بر لب تشنه اولوب مذاکره سی زیا نکلدا اولدق
 آب دلاغر ماسق جوی شط سبال اولد یقین یلور سر شدر خود زب سافیه
 کلکک بوندی صکره ارساله انداخته ریخا نزارینسا قلنور سه ستا بنولور
 اته معینک اولد برنی بر سوزاید الدامق قولای اما بایرله اولی است بنولیه
 شهر نزار دیاران قدیمک نیجه سندن نیجه تخلص کریمه ایدر جکک بیلیم خصا
 ثانه عبد الرحمن صلیک هم روز و روز بایندر اجوت مکاری بو طرفه ادا
 اولنه جفندن غیر بدله جوقه معهود ارساله مقرر جملة اجابیه سلام و دعا فرز
 ابلاغ ایدوب خاصه طلی افندیک نادنی کردی خدمتینه نثار ریخا دست
 ثنا ابلاغی مامولدر بایه هیئت سیاب حشمت نافروخته باد
بدر افندی حضرتلرینه قنجه قاضی ایمن باز شد
 افندی حضرتلرینک صورتا منبع فضل و عفاف و معنی فائق بحران اولی مجلس
 لطیفلرینه بنه کند ولرینک حوصله صدق و خلوصلرینه موافق دعا و ثنا ایدر
 سیاقنه هزار میل متخالفه واقوال مساقفه محتوی شجره هیئت
 نمود اولی قلب متولری تخلص صکره نموده ثنا وری بودر که دست
 ارادت بیعت ویر معارف قدرت ایل بنای خلقتم اراکانه صدق و خلوص
 اوزره نهاده اولد یقینه بناء نیجه مدت هوای کرمای بفارقتلر چکیلوب
 نسیم اسنا آسایش کت خیر عافیتلرینه روزنه کشای جسم انتظار اولوب
 با خصوص جناح مختلر کمارام فصر مراه پرواز اندکلر ایا مدینه بوانه دکت
 مکتوبلر کفرغ پروبار ریخته کبی هر کسه واصل اولدق بور فخر بولیم بر سلام
 محبت انجاملرینه شایسته کورلیوب هم اغوش اولد کلر عوس و س مرادک تحصیل
 وصالنوع جلد رزافوز دامن بمیان اولد وغرزاوش اولد یقندن شیشه

قلب حربه هزار انکسار منطرق اولمشیکس ناکاه بر مکتوب سر بمر کر واصل
 اولمغین نیشتر فاعل ندر حاصل اولن ضم انکساره و هم اولمق ایتدیله منطقه
 کیه سناضی ارز و ایلد کشاد ویرلدک **بیت** بیلدنی مرهک کیفیتی
 ای بار بیه پروا بودر همدینه اول زخمه تا بلدر دل شیدا • مقال اوزره ایتد
 جوا بیلرله سند و قه مار پروان ایتمشه دولوب مقاسمه حصه ذوق ایچون
 مجتمع اولن حواس و قوی هر بر بر جانیه کریزان اولمشدر **بیت** کر باده
 جنین شده خضاری بهتر • زین دهم تازه زهداری بهتر • آفرین
 بنم افندم خاطر نزاری و دوست سازی ایسه ایچنی اولور بو خیانت بر نیجه
 شیه راجع اولمق و هیل اول حصه زهر اکینه بر مقدار تر یاق نقیه سندن دخی
 غفلت ایتیموب بو کونه ادباب نثار مجلس ندر دور اولد قده دیوکنم
 نما و جو فرو شلفه اغاز ایدوب جبین جبین تاسف کوترش نزار اما
 اولد دکلدر سنک هم بوجله شتیا فکر نیل مرام اولنجیه دکت و بو سنانده
 اراکلر پرواز مستعد اولوب بال و پر کسب ایدر جک مرتبه اولد یقنی کی
 دولت و اولی النعم افند مرک دخی معلوم علم عالم اراکله دیر لکن مکتوب
 نراکت مصحوب کزده بو مختصر ک رند اولمق اوزره توصیف و جنان کز زهر
 ایل توفیق بیوروب و سز کما یقنی انگلیان اجابین اعتقاد لرین افسا
 سعی ایلش نزار اما بز بو توفیق را صیور ارباب حقیقت نظر نه ذم و مدح نه
 طرفه ایدیکی هویدا و رقت ماصه دنه مقدم فلاح لفظی ارتکاب اولد یقینه
 استغراب اولمشدر غالباً رندانه حقیقت بو کار فانه حکمتک مبداین تحقیق
 ایدوب شایسته درگاه احدیت اولد حق عبودیت ساعی اولد قلابه عدم
 اطلاع غیبر **بیت** ای بر تو سجود زاهدانه وقت نماز • دی طاعت رندانه تو

هنگام نیاز کراپل حقیقت است راه مجاز هر کس بتوزنای میگوید راز
 مفهومه عدم اطلاعه نمانی رند و زاننده اثبات تضاد بیورش نماند
 غیر بوشنا کار لریک فلک خلقت دیواید بیورش نماند کندی
 اعتقادی او زره عالم و اهل فضیلت کجور کن فلک بکار خانه حصه تقرنی
 اولیوب اولدنی کوی جوکان قضا و قدر اولدنی سلب ایلدیکم ذره قطع
 نظر و توافقه حضرت طر فنده نازل اولان مکتوب لطیفک کلماتدن
 از زره اولوب بویخلصدینی چوارا دستوار قبیلندن عدایدوب انامور
 صدور ایکین هرن ناک جکر و رطعن اولمق قنغی مذهبده سزاوار در
 افندک مکتوب بر مطلق قصد التفات ایدیکی ظاهردر هر بار کلچین باخ
 التفات اولمق میتر ایکین بر دغه لذت از ازار غراب کور و لسه نه لازم
 کلور خصوصاً افندک حق تعالی وجود کیمیا بلین معر ایلید کجاسته سخن شناس
 و دقت دانق ایلد علم و اصناف فضل و عنایه ایلد مسلم و دانش و هزده
 سر بلند ایکین مضمونه مکتوب بعینه کندی تقریر دیند بر لر اولوب مرتبه رضا
 لرنه بیرون بر صرف تحریرینه مازونه اولدنی غیر اعلاییلور سز و بر مکتوبکه
 تمغای نیکین کیمیا بلدی اولدنی کجاسته پذیر اعتبار اولمیه جفنه و قوف بشدر یک
 کرک سز بومعنا لره اطلاعه صکره میانده او یخته اولان پرده اضافاته و با
 باره ناقبول کیمیا پاک و طر فنده منعقد اولان جیلدین مواسبتی رشته
 صد باره شعبده باز کیمیا دین انفکاک انک نه دله لازم کلدن مرآت تقدیر
 جنان بلید صورت الفت شده اولدنی کوننه بوانه کلچنه علاقه الفت
 انقسام ویره یک بر فله صدر اولیوب سر رشته مجتک بزه روشن
 طرفنی عاقلانه ضبط ایلد و کز جمله نک معلومیدر لکن بناء الفت ابتدا سزک

عبارت آرد

طر فنده رخنه پذیر اولدنی سز دخی معرفت اولمق کرک سز بویخلصدینی
 سز تیز قامه سز ریزر اله الوب نمونه نقش بر آب اولان بنای اساس
 صداقت غیر نمانده الاصله نیک عبارته سز کیمیا ایتک اسناد ایدی
 اما بود فوجی ماحولیه ترمیمی تصویب کوریلوب بر دخی شاهد
 ناک طعنه صدورینه تاخیر اولمشدر لکن جنان کز طرفنده شتم اعتقادده
 رایحه عداوت کلک مامور کل ایکین بنای سز سز صد و نه الفضل شهادت
 به الاعداء کلامینی ایداد ایدوب کز لسان کز ایلد عداوت و توافقه اعتراف
 ایلش سز بویخلصدینی سز دخی صد تکره شهادت اید زره واقعا اولطر فنده
 دشمنلرک حوکیه تحقیق و غیره دخی اندر نه اخذ انتقام ایدیکی مقرر در
 جناب باری موفق ایلید برایکی قصد له بجای اید اولدنه ارسال محذوره
 ایصال انهم اولدنه و غن محلی استغابدر ملفوظی و معنوی قصد لیکر معلوم
 اما زبور بجای کور و کده هه سز کوشی کیم اولدنی ریزر بیرونه بروم
 معنادر مجلایه بلکه آیین اسات هده صورتیه دخی قابل اما درونه الت
 قاطعه ایلد ملو و فارچی سیم داخلی آهن و ظاهر سفید باطنی سیه اولمغه
 وجوه ارباب نفاقک بعینه نمونه سی واقع اولمش دیوصفت مذکوره
 ناشی کمر انتقام اصلا جفنه دخی استحقاقه مقرر ایکین مده سز جنان کز
 قطع اشتیاق اولنوب عنای ملاقاته نایل اولمش سز در هواره میلا اجابده
 بوسورت کور نمکده قا اولمیه سز **رئیس افندی کا تکرانه لده تخلص**
ایدر کا تیکت بمعنی مکتوبک منزل اینر جوابید
 افندی حضرت لری مینته استقام و قسینه استقام ایلد و سکوت سزیمه و شتم
 و جیمه شفا قنده صکره اگر جنکو به شمانه لری قاسوبه اقتدان اولمغه

مکارینی شناید اید رای به بجه نقاشی او مکر و مکارانه و درده مستور و اولوب
 سداقه و سخن کرد و در صنفه سرفرینه و شقه قناد شاقوت ایکن
 راز بانه توانای نگارم اید و سقوی کما سوم شربانی اصعطاق قانع
 انکرونه اولش در انصاف بود که ندانج شیمان شبنوقه لری اسیر نماق نقفه
 شمر از اولی مرتبه لری یوز اعنام مستر قید **غزل بی معنی**
 کما دشکندک سپر یورجه جبه کدر قناری کورت محوات اسم اید
 شکبان اسار بی اکسود نا بود شتارون بر قنار و قوریدر
 فخوان انفاقون کیفن ارر فتوک شما جور مانی عبودند
 قنانه سبب قش ماسون مباقین قیود بوده بشمر توند
 اسعاده لنگان فر شکار ک مسفوره دانش کود ندر
 سماح تر سوده قطع نظر بل کشنگات عور جادون کشنگوت
 بشعانه سفسنگاکه ترا قوت ایسه بهر حال با سکر موفات مشاق
 خند لای اولی مستعد لاله لا شور قیدر هدا قدر بالا بدر و هدا
 رسوق العجاب و چند شطرح بنم جانم افندره ارسال اولنه طنایکیر کرد
 بنای اسطر وانه مطور اوله عبارت ناشین سبک و کوینی
 اید منقش نوظهور تاره رنگ واقع اولمشیدر بالا اقتضا جوابی دخی
 بوکونه بقیرات بیال لطیفه نامه مودی اولوب بو مخلصه دوشوده سپای
 فرمان کوز در و ریک اولیه نرفضود لطیفه در یوقسه رسم عذار ایدر
 فدا دکلدر بین الای و سید شهدت اولنه جفی مکتودر بانه هیته
 کفسویه شتام بی حاد استرام باد ازین الروقه **سکن حکاک**
موسس انی فوطند کلان مکتوبک جوابی بهزل کونه

نقاشی صحنه نه هوس آرای حکاک نکین و ساری سخن مری صورتگر
 صلیب کرده فضول زنا پرست مقتول نافولیم هم لوز کوازه صنعت
 کدار انگشت نمای مد کمان طرفه نکار موسیس یسره لاله الاسلام و لای
 دکا بجه استعداد و پوته قابلیته سبکه سخت قوام مخاطبات زرین
 و قراضه تند فرجام بقیرات سیمین میر آب تیزاب ریز قلعه اعداد و زور
 ینه نفس و اسبین آتشین ایلر بوتقالب اوزره افراغ اولنور که عقیق
 یانه پیام عافیتلرینه نکته دایر ساعه ماده ایکن ناکاه و سالت دلال حرار
 انکیز خیر برید سبک سپر کیو تر برله مکتوب سر بهر دل اشوبلر که نمونه شمع
 کینساف و زلفار ادر رسید اولدیکه کینه اطلس نلک نامی کویا رشته
 مریم و سوز عیسی ایلد دخته دوم مهر نفس کرم سیحای ایلد دخته ایدر غلامی
 انامل ایلد بیج و غمه کشار ویرله کده اولابوی کوفی ایدر رای سی شام حضاری
 هممال کلیبی کیند آلوده کده صکه درجات نزدیانه شکر بر شکر اوزره
 صف بسته ترتیب اول کار و انعبار انه و در سطور ندن استکشاف و ان
 احوال اولنقدده شاع جواب شایند عری نمایه اولمین ضرور جواب
 بندرگاه عوفان و علامه کبتی نه دانش و برهان یعنی خود خوده دانه جانی
 التجا و دست ساخته زر کرانه لری لوح مرصع کار مینا نقش هر هفت نمایه
 جوهر شناس یمت زمارینه عرض و انما اولنقدده حلقه دیان استوائ فام
 انگشت تجب ایدر رک سبحان الله نه مناسبتی و الرقط انجیل کجا معنی شمار
 کجا هیچ بوانید رک بیغه پو سیموسی و صومعه بطلمیو کار کا هر نده اشعار
 صایب و عوفی نقوشنی متضن بوکونه بر تناع غریب النبیج قطعا اندازده زده
 ساعه و تخمین و قیاس اولدینی یوقدر دیدیلر صیغه سیم کوز ورق اوزره سوار

تلمکاری غیر از سنده رسم خط که کبر حکا گاه سنده بیور رسد زیدیم قجب
 دو بالا ایلم چهار عید صلیب سده دیرده جتمع اولش صنوف رضا راد
 فزنی یوقد ویدر سده دیرده جتمع اولش صنوف رضا راد
 خاقان شروانینک **ع** فلک کج و تراست از خط ترسا **•** مصرعک پنجاره
 لم دیر هر سطر سلسله اعناق انظار یکین اثبات تناسب و هواری رقی شکر
 دیر یا کلام نشینانه و تغییرات بلیغانه سده سوزن ندر دیریم تبسم کنان
 هر کلمه سه رویه بر هر هفت بر نوس بر شش کج زوایای ریاضت کده سطور
 ده سر بر انوی انزوا اولوب کند و زنجیه کویا عالم معنا جانینه جسم کنای
 سویدا اولش در دیر یا نظام سطور محدوده سنده دیریم بی توقف
 ارغنون و سبب القادای دیر سطور اکنید سیدر دیر مداد ظلت نهادی
 جلیجه بر آق و کلید دیریم سر کین و جیسی و شانه کوساله ساری و کل
 ارمنیه ز کتب اولدیر بی غای نقطه اشتباه و کلدر دیر هر نه لیه بویه ترسا
 ده تازه ساله ز وادی شعروانشایه بو کونه تکابوسی شرای تحسین و ازین
 و کلید دیریم عجیب حالک و ارشکونه کلحن و حضرای دین ضرب بنشینک
 معنائی بین الناس منسبه اولمق ایکن کویا ظهور اتمش بر نشی و غنیه در اگر کیم
 میوه اشعاری نوعانیم خام و نواله انشاسی بر مقدار زباجته و نامادر لکن
 معانی لا کلام و کلید دیریم بهی یاد کارا کرنا قوسدن نغمه اسلام و ایمان
 و بیضه سرخدن مایکان بران امید اولنور سده بنک شعروانشا سندن
 و فی معنی تازه نامولدر دیر نه غنیه بر که دور زنجیه تکلیفله طویل سطور
 خیل معنی تربط اشتمال طوره لطافتی بی بهره کورینور دیریم خنده کنان
 بهی باغم مور را قنوم غیر و موقوف سرایه اولیکلش دها و زیانده

اصطلاحات شعروانشایه کلام و نام کام کلیب به روشنی اهل اسلام کج
 پریشان حال و بهر همدار اول جفن بجز نیست دیر نشینان زمان و سطر
 دوران شعروانشای کجی نوادینه شایانید دیریم قهقهه متعجبانه کنان
 ویدوب بهی یاد کار بو تاجا هر کونه سوال ابله مقصود کج بری اقصا عید
 هیچ شانه جوئی رایحه عرومان اولان غیر ابله کونلکی تر از وی متسا وید
 سنجیده ایدر یا خود شعله مه جها تابه جراح ابلیا و قنیل قنامه تقابلی عد
 ایدرمی دیر عجیب بونک شعروانشایه بجه لنگه نه مقوله داروی تدبیری
 ملاحظه ایدر سیدریم خنده زمان دیدیکه اولانگا وادی شعروانشا زهر بریز
 جلدن اقدم قنانه ندر زیر اهرنه کونه تدبیر اولنه به کفر اندر اولان طبعقت
 سر زده اولش شعروانشا رایحه برودت کافیه دیر معرا اولمق محالدر رضا
 بر مقتضای خالف توف داعیه شهرت شاعریت ایدر سده ترسا باندن
 امتیاز سورا سندن کج نه باری شعروانشایه نون خلا و کسب انکچون
 بر معجزه غریب التکیب استعماله ضروری محتاج در دیر اجزای ترکیبند
 پرسان اولنوقده هیاهو سعه ده قدمای بطارقه نک استحداث اند کلر افرور
 نسخه ارسین ازوب صوین ایچ کد نضره طلیاس کوه سک سخانه ایل
 بر ابر سحی ایدوب اوزرینه عود الصلیب و کجور میدن بر مقدار اضافه
 ایدوب شب یلدا ده صلیب انداز اولد قلمر آبله تخمیه ایدوب جا کل کل
 آب خانه سندن قرق نوقیسی کفته خوار خوار کج خوار کج فضل سن ضم ایدوب
 و کیم یری جیل طلوسندن سر خوش اولش ابر و کا و رک غنیشان قار شرب
 شماس و بو خنار لر زنده یشان قنیلر کجاده لرینک دهنن الوب خوار
 خاریک شلنده قالمش طغوز خوار کج سر کنن مسقور الینک بولنه ایل

یو غوب له خطا شک فارور کي اچنونه تقطیر ایدوب هڅکل روم چینه سنگ
 چو کاینه خبر مایه شکلنده طرح وکند و کام کاهي اچواسندن بر مقدار برده
 ویکړي وپه هم نشا وړ وایکوز در هم تیز آبله اصلدوب وپوز در هم
 سونپاره ابله یو جوی تمام ده رئیس بطارقه او غلنگ حور و ز اچنونه
 شب بیلارده ینان او دودن بقیه سیله قایندوب ویرنجیاده اسقف
 یونانک وقف ایلدیکي دیت کوی اچنونه حفظ ایدوب بصقلیه کچه
 سون ینان موم بار پیل اغوین مه لیوب هر بارار کوشه او ندر هم استعار
 اندکچر ارباب چو کړون عاشق وارتان ابله مجنون خلاوتنه واصل اولم
 احتماله یو قدر دیو یا اذن شریفک ابله یو تغییراته که یو رنجر بر مکتوب
 محبت ابله کند ویه اعلام ایدو لم می دیم یو مکتوبی اگا ارسا انک عینیل شب
 پره یه تکلیف تماشا خورشید انکده فرقی یو قدر دیدی مقصود لطیفه
 شاعرانه در و قدر لطیفه ینه سز بیلوسن و سزه سرمایه افتخار اولم او زره
 ملاحظه اولوب بدو ربه لطیفه ارفای عنان اولندر یونک اچونه خاطر تمانه
 اولمیه سز مکتوب کزده هر کیمه ارسا اسلام اندیکر ایه مخالف دین اولمک ابله
 قبولن مژده و امتداد امانیه تحسین و ازیلر کمالن در و السلام
 سعادتمن آصف بن آصف سحر ابراهیم باشا حضرت ابله خط طلب
 الشهاب ایلن اندرون اغالرنه محمود انانام سیه عرب نابیه افندی کلده که
 خدمتته مامور اولوب چهره یی نورنده نابیه افندی شکایت ایلدیکي مشا
 ابله باشا لطیفه شناس اولمین قصد مزاج برلمه و نور و فی زیاده تسلط
 ابله یوب تماشا سنه ایلن طبعه یو موزل اولوب کرکو که مامور اوله قلم نه
 انشای رآهده و نور و یکت لساننده یو ایز افندی ایل اولم جشی زاده مسوده

مسوده سید علی طریق اللطیفه نابیه افندی به ارسا ایلدیکي مکتوب و در و صوله
 موی ابله نابیه افندی مکتوب و نور یی تماشا شرح و بیابره کوندر دیکي
 جواب نامه سید **کفت نابیه ده** ثقلت قرین کمانت بهین جفاشته
 ایلن یقین محمود غم و دغود و بر آیینک حضور ملعت اولو کراست نمود
 اری صوبه انواع نوزین و دشنام واقم جودب و اشتنام ابله غنده
 صکره سر حبیان و لاجول کوبان اعلام اولنور که سنگ کچه اچ اغایه
 نامنه سک لوند عفریت اندامک حرمته ثقلت نما سنده و چهره تپاک
 غشیان ایلن مژده که نه خلاص اوله و غمزه سرور و خندان و دفع مرض
 مایل اتمش قد سرور و شادمان ایلن و سنده مطلقا طمیز فراموش
 و بری خاطر جتم شالکده افواج اقدغه غیر تو قمر یو غیکن ایام مفارقت
 بر هفته مقداری در و اتمده و زلزله مشا هره صوت نرس اورک هنوز
 برخوشی سکون بولنده التزام مالایندم و جوی او زره انشای طریقه بر مکتوب
 اچویه نظامک کلوب واصل اولوب چند روز نایل اوله یو غمضا خاطر
 ینه مورث غبار و مودی اگدا اولمشد رضاب صفا خوان بر خور و ایدرن
 بیه نصیب ایلدیه آملین بجهت قلوب المنکسین فاته سنده جواب رجاسنه اولدیکي
 اعلام اتم بکلده تاشی حواله کړد و سغه عبارت اولمک زبان در اتمک
 نمادن بر باره استخوان در یغ اولمک تجویز کړده مشرب همت اولمین
 مکتوب قبیح الا و سلوک صرف انقاس و اوقانده تاسف کمان تماشا شرح
 و ارسا اولمشد راضی رومده هر کس یو پس ربه سنا ارتقا کر چه شکایه
 افتخار در امانا در دمنه موسی کچه برهنه مننه سنگ کبی بزادانه در مده
 نشه یکت اتمک اول نا مرادی الوده تنک و عار اتمده و کزده شرف زلف

ولاتوة الآبانه متن مکتوب ظهور سعادتمند حقیقتی و بویژه
 لرینه کمال مرتبه شوق و محبت و اندام سلطام حضرت ملک فاکها سعادتمند
 فاشام فاش لفظ شوق و محبت صحیفه عالمه ظهور ایدله بر سنگ
 کبی بر کرب اللقای بدسیما یکم صرف امتداد کجا محبت انک دکل سنی
 عداوت طریقیک دخی خاطر کتوب تلویث فانه فیال انک خطار
 شیوه دلبران کر کوکده افزون دعوات محبت غول اهدا کند بصله
 خاک جبین خیز کر کوکده سناد دلبران انکده فضل خطا بر خطا اقرای
 شیوه ایدله یار انک کور کور بابا دید کلر کوکده آشناک زبان قلم
 سوزان ایلنه امین غول سرشتان بد او سلب کر کوکده لفظ شیوه سزا
 کورنه یاد کار عجبا خوبان بالوده بدن استا بنوله نه تغییر الیقوشدر
 بالفظ شیوه خلاف موقوفه استعارات کله دیوان حشرده اول لفظ
 نازینک دست فریاد زن نیجه تخلیص جان ایدله بیلدر اول موطن اگراد
 بر نهاده اولان ملعنت اباد رکیک بنیاد دن کرب و کدر و کسکدن
 غیر حالت ناما مول اید و کته ناما موافقده اولان اوج کاف کاف
 خصوصاً نصف اوله کرا و لمق قطعا استماعه عدم جواز اشارت
 واقعیتش افته افته که مکرر اول طبع لطیف سوار اولور
 هم طبعی لطیفه توصیفه صکره هم سنگ کبی زبانیه قیانتک فراقه
 سوزان ایتک تناقض بقوله سی ایدیکی بدیهیدر زیر الطیف اولان
 طبیعت سنگ کبی که اب بیابانیه محبته محل اولم که صکره فراق اقتضا
 ایلنه سنگ فرائک دلبران موزونک خیالنده لذت ترویحون ملین
 قدر طبعه نافع اولدنی اصحاب طبایع لطیفه نک مجتهد بر جناب حق

سنگ فرائک فمتین دایما بزی محروم اتمیه بنم سعادتمند سلطام
 کیفیت عالمه سوال اولور استغفر الله و اتوب الیه که سنی خاطر
 کتوب مالکده سوال ایلیم سنی خاطر کتوب مک بودی استغاده
 و موجب استغفار در جمیع و سنا و سنا سده و اوهم موحنه سنی
 تفکر دن اهوره فرضا خبریکی ویره جکرینه متیقن اولسم سنی زبانیه
 کتوب مالکده سوال اتمیه حکم خدایه عیاندر انشاء ایدله مرجع بلویه
 اولشیک زاردها الله و ابقاه بونقوه ایلدیک نالیدک عنقریب و به
 تحققة و قوی الطاف خفیه التهمیدن مستعدار دعا کر بر کاینده خلاص
 اولم اگر دعاده تأثیر اولیدی خیر اولده بار کیه فتقسی کیه بدنی سیره
 خاک ایدردک لکن لحدته جناب حق بواراضی تقدسه جیفه جسم مردار
 صیانت ایلدی اول سور و که طاعتدن دور انشاء سوره بر یوکسک اوچ
 بر دانه آنمک ابتکار سورجوب ووشمکه قریب اولمشیک دعا کر بر کاینده خلاص اولم
 ظاهرا جناب حق سوار اولدینک حیوانه رحمت ایدوب هر روز باریدن
 نایا کلکی جکوب بوی بد کده منادی اولد قدر صکره عاقبت خلاصه کائنات
 مقتضای عدل ربانیدر اول زرده دن انان اولدینک تقدیرده افزای
 بدنه سرکین اکیک اول حیوان بیخاکهک دم و طمیل اعشقه و عروج
 واعظا یله اینجه اولم لازم کلمهکله غذای کلاب و سباع اولدینک زمانه
 دخی اول حیوان بی زبانیه ایکی قت غذا بدن صیانت الهی ضمنه سنگ
 دخی جان خیشک نجات بولدیغی جای اشتباه و کلد ربه بر نه عظیمه
 عبور ایدر کس آنمک قولانه کوشک بولمقدار کرد و بولوب صیو
 غرق اولمزه بر دخی نامشیک عت عتله کر خضر بتوب خلاص اولم

بوفیق کهنه اگر قوه و امداد اولیدی اول مجده ملک الموت امداد
 اید روم لکن کهنه که واقع اولمش اگر اول صوبه غرق اولم دولتته
 نایک اولیدک اگر بر روی زمین چوک وجود کهنه خلاص اولور دی
 لکن قیامت کث اول بک جنابتی جیحویب غیر پردخی درجه تطهیر
 س قط اولد یغندن ماعداد درونن بولندن ماهی ک کوشی منبع اراض
 کونا کون اولوب بعد ازین اول آبدن سقی اولندن درو عاتے تناول
 اید نرک اولادی صله بدیده و درض کله و جذام مبتلا اولور لردی
 بر صوابه مزاج اولونه اثنا سنه بر بد بخت **سکبان آتی ضبط اید**
 صوب بر منجوسنم اولان مزاج بنم آینه مثال اولان **سینه قار**
 شو قنیر بر کیه حواله ایدوب **هلاک اولمغه بر ریح قلمتیکس بنه دعای**
خیر بزر سید کندوسی زیر وزیر اولوب بر خلاص اولد
 عاقبت سنک کی خنیر ک بسی هلاک اولد بر ورط هولناک اولجنی
 مقرر در اما نوله قریب خزده و قویله اول طرفه بولنه وجود لرین دخی
 نظرای چهره در در کهنه خلاص اولد غالباً اول مزاج ک بر سینه بر صعب
 طبیعت الی طوقنق کر کدر ک سنک سینه در در ک معلق انکه تنزل اتم
 شد رسن طور کن خنیر بر کیه بقیر سکازاق حواله اید بر شهر با زه اطلاق
 اولمغا جازمه هیده دخی مرغ یوقدر خنیر لفظی تمام بویکجه بکلش قفا
 اول اسم شکان سکاز اطلاق اولمغه فی صورته بر کیه شای کور سوب
 اسم بی مستاکبی معلق قالور لکن بعد الیوم اسم خنیر ک سکاستی
 سید او نامی اندر دخی بقول اید چکی محل سبتا بدر بهل اود و رسون
 اما نقش غیب بود که سینه خوار کردار کی آینه مثال مجلاد یو آینه

جبلک تبیری خیر اندر رش سک بوقیه صبیح اصحاب نظر ک مرآت قلوبه
 واسطه انکسار اولمش لکن عجیب سنک سینه ترک اندود که شایه
 آینه بولور می دیو بازار اندیشه ده چوق جست و جوالیم بمونلر دبو
 رنده و اولوز بار کبر لیا غندن غیری خاطر کلمدی اما اندر دخی بی بوی
 اولمغه سینه اورمان نمون و غریبای نمایشکه موافق دوشم عاقبت
 کینف ساه لنده و جوقور بر لنده جمیع اولمش چوکاب بر بوی متعقدن
 بهین بوله دم اما اول دخی چند روز نایشه تاباق قابله یا خود اینر شیل
 قابل تطهیر اولوب لکن سنک سینه در در ک آتش دوزخه سید
 قابل طهارت اتمه جفک ملاحظه اول نشیه مانع اولمش اما سکازاق
 حواله اید بر شهر با زکندوسی زیر وزیر اولدی دیو دکنه نونا اعتماد جائز
 در زیر سنک چهره شوم نابا رکلی کورن او قدره غلط اولمغه خلاص
 اولد یغنه هزار ک لایله سون • لکن بولور دن بته بر بلایه دوش اولد که
 سزدن کتم اسم بیونالو اتمش اولورم خیر اسم حجاب اید بر لکن
 شرط محبت ین کتم ایتمیوب هزار شرم و حجاب خیر انکه بنم اقدام کوزلر
 نام نزلد صبا صا شو کند و خوا بکا هده هزار ناز و عشوه اید نشین
 اولور کن رقبه کزده بری صوصه کارلک بوسید جامه خوابم کیر و بکشتا
 جامه بوسه چین اولوب کار معهودی با شرت دست دراز اولمشیکن
 خواب بر بیدار اولوب خبره لک کوب پای استفا اولمش در •
 بوقوله افعال مروتیه فی انکینه کتبی دخی افشایه دخی بر برندن
 افزونه ملعنت و جنانت اولد یغنی ظاهر در جناب حق ماسع مسلمینی
 بوقوله تبیرات فاحشه دن حفظ ایلایه این نولیدر جناب حق یا کزده

دکل جلد دنیا یی سنی بیونا ایدوب بر ساعت مقدم جان جیشکی زبانیا
 سیا سنگدان دوزخ هم غوش و جیفه بد رنگ بدنگی زیر کاف
 خاکه طعمه مار و مور و موس ایلیه بو معامله چو کین کوز لدر نزلنه قصاص
 اولدی یعنی سائر کوز لدره نسبتله کوزل اما سنگ چهره سر کین اند و دیکه
 نسبتله بعد الیوم چو کندر مترله اولوب شامت چهره درارک اول توله
 دخی سرایت ایدوب تعبیر اسم و شهرت اندیکی مقرر در کلمه مش مش
 او بد کس تعبیر نه جیفا و در یفا که بینی ناموز و زو و دها کنه بویک
 قابله شایان اوله اول تعبیر نازنینی ساربانلرک جرمه سی فوجندز بدتر
 اولان سنگ بورشک و لکریه و صراف با و اندر کنه بو تر اولان
 اغنیکه اطلاق اتمه نک عینیکه سهوا کینف سور اخنه التوه و دوشور
 مکله اصلا رفی یوقدر سنگ او بومفک تمام فاء خنریر الیه خور خور
 بلکه غوغای کلاب لاشه خوار کبی خوف اولد قدر صکر کیه لایق اولور
 پیشه زار لرده اولان صدای خار خار بخاران سنگ خوابکه نسبتله
 نظر طه دلبران قدر نوز و نه اولد یغنه بیکلرک دخی ایکی شایه در
 رقبا کردی بری عباریه نفوز بانه عن ذلک بر وجهه هظم اولو تعبیر
 دکلر بهی مکرده بدلقا کوه قاتک عفریتلر نذر و زندان سلیمانک
 که ابلر نذر و جان بن جانک سکیا نذر سکاترل ایدوب میزاش
 اولور سیکه بنی ادم اول جهره غبار مثالکه میل ایلیه جابه خواب تعبیر نه
 دخی افسوس و در یج که کوکب یتاغی و ایوانی و قره جانر و لیک
 کیمک ایچوندر اند دخی سنگ یتاغنه نسبت اولد یفک شمشیر بعد الیوم
 خانه بیزار اولوب ضروری عزلت اختیار ایده جکلر او محققه کلستان

جامدن بوسه جین اولوق عبارتنک دخی طالع واجیفا و اولدا اور
 مستان ریش و بر و ت و عین القطران و یدره جنگلستان خونه
 مژگانک ادرین کلستان جامدن قوم نک دعوا جیبی الکرین دکلر جمله
 اصحاب سخن خوبان کلچهره نازک بدن اولمقله بو تغییرات نازنینک
 خون ناحقنه کیرن محذوفی جناب حق انلرک انکسار نذر حفظ ایلیه
 ایس بو تعبیر و لیدرک لفظ و معنا سندر و تشبیه و استعاره سندر شرفنده
 اولمیوب ارتکاب خیر ایلد یکی محل تعجب و استغرابه رجاء و زاننه
 عن سیئه ایکی دم خوس کوه الوندون بد غاینده تر اولان قشکرک
 و بر و ت کوپر یسنگ کمر لدره متعفن اولان بیکلرک و سجن او شنگ
 تر لاسندن غونه اولان چهره نک و شاه ماران قلعه سنگ زنده اندن
 نشان ویرن اغوک اول کوزی قرنس بلم و سیاه عجبا نره سندن
 بوسه جین اولوق کر کدر بوسه بفتلرله متصف اولان جهره درار کدر
 بوسه جین اولمقی سر فانه نجاست یلانی مشقی کجش کو بکلر دن
 غیری ارتکاب اتمک نامحتملر لکد کوب پای استغنا و یدرکک ظاهرا
 اشک و یمه سی دیمه نک اصطلاحیسی اولوق کر کدر و صوصه کارکن
 هوسیله کاری معهودی با شرت دست دراز اولمسیکن دیدیگرک توغا
 اعتماد جایز در زیر عالمده نه اشک سیکن کیدیلر وار در طایفه چکلر
 الوری و یهود مصر تمساحی تصرف اند کلرینه شمدی اعتماد ایلدم تقا
 ضای غلبان شهوتله احتمالدر هر فو نه و بد نذر دار تکاب اتمش
 اوله اما انی دخی عقل بر وجهه تجویر اتمز زیر نفدر حیوانات برقی و
 بحری و حار انشی و وحشی و سیاح و بهایم و ارایسه مجلسی سنگ

جهره بے نور کردن مستحسن و قیافه کردن موزون اولدینی جای قیو و مار
 دکلدر بر شخصک نقد ربک شهوه نه غلیان و تنو و اشتها سی فوران
 ایله سنک برودت سیمای زهریرانه کی تحیل اند و کی ساعت جریان
 شهوتنه انجا دبلکه بعد الیوم ماده رجولیتدن ساقط و محروم اولاد
 اولجفی محققدر اگر کندک مقصد طبعونک طرفندن رو باوه صورت باز کوه
 اولد کبسه هی در وند اول دخی سنک ضیا لکدر بوضه کونده و لبران
 موزون بیتار وارایکین سیطان کبی حریف و ظریف عالم رو یاوه صورت
 تمثیل ایتد و کی صورتن حاشا که سنک کبی قبیح فطری تصرف انکه ارتکاب
 ایله ایلیس بیلد ظرای عالمک خوف و اعتراضدن بونک و عاری
 قبول انک احتمالیه یوقدر **اگرچه بو تحیره آتد آتش اشتبا تکریم نقد**
کرم اولور سه ده بو تحیره آتد آتش غضبدن غیر کرم اولور یوقدر
ینه عارضی تابنا کمر خیال انه کوه نسبی بولکدر امر مقرر لکدر ته سنک جهز
 لکدر و بکدر خلاص اولدینرک شکانه سی دایره آصفی ده اولا احیا
 بمرک فراقه دخی سر مایه نستی اولمه در ظاهر مکتوبه اولامه غریب
 الرسم عجیب الخطک که کرکوک کورستانن بولدر سنک فراقه نشتدن
 و فرشتل اوزرینه باصلان تحت رسمی طعاسی و افلاک و بغداد قیو کتد
 تمسکله اولامه ندر و نجاسته آلوده اولمش نیجه کلابک زمین اوزرینه
 با صدفی نقشند و کلیسا دیوار لر نه ذیل قزل عیورته بویا سیله نیجه لر
 رسمندن ذقی معلوم دکلدر تمام ایچینه اولار تمام و حروفی جهره بے نور
 قالیه بصلش طایع النقل بالنقل اولدیفنه نجیب اولمندر سیر ایدر
 کیمی اولوز بار کیر یا غننه و یا خور صفرینده اولان داغدر و کی کرکوک

اولد و کلدر نیک شکنک یا غنیر روفی برج ایت سککنک یا خود شک
 آریسنک یا بسمنک لاشه لایر و دیو حکم ایدوب لکن عاقبت بو کوردر
 دو کاک مکتوب شهود زور ایلد اثبات اولمش حجت مغرور اولمده
 سرین و رقه ده داغ تشهیر اولدینک اعضا انشدر رای مکرده
 بد سرشت سگانه کونه بد دعا ایدریم که سنک سرایت شامکدن
 اندیک ضدمات ثقلت اینرک حکایه سی فضیلت و مندا افتد و
 و غلو محصل اغا لساننده سعادت لور و تلو محافظ طلب عبد بانا خیر
 مجلس سر فیله نه دخی مذاکره اولمده سنک بیگ بنرایکی کبریتی بیغلی بنای
 جتم قیافتلی غول بیایه صورت لور دیو بیکر شخص صد مقزده بی صبر و شکیب
 سکار قیب اولمندر اگر چه کوک و دار کندک برینی بوش قوبدک برده
 بته ایکیسی ظهور ایلک اما اندک یا ننه فیله نسته دوه و خنیره نسته
 ایوقدر نوعا انسانه یقین اولم احتمالک و ادر اما لعنت بهره بقیری
 اوچوکره دخی ارزاینر اگر عار و غیرتک و اریسه سن اولطزده کور
 جاتلیوب بو طرفه بکی عاشق لیر دخی آتش عشقه تحل ایدر میوب
 اندر دخی قریب هلاک اولور لایسه اوچوکره ن برون خلاص اولمش اولور
 و التلام باقی برکون مقدم سرکون در که نیران باد من الفقیر مخلص
 یوسف نایب

آصف عالیجناب وزیر قضا بل مآب درم سجد و حین بانش زاده
 سعادت و توفیق سعادت را بر آهیم بانش حضرت کی حافظ طلب الشیبا اوله تبار
 ایامه نایب افندی ایلد وزیر بانش الیه حضرت یک دیوان افندی حشیش زاده
 رجعی یک اتفاقیه بر کتابدار موزون سیمار قاسم خیره انکلی نظم
 بجی نام کتابدار حفظ آوردن شکایتی مقصد حق بود که اشعار پاکر
 اولمغه بوقلمونیت و خیره اولمغه مناسب کورلدی
 صایب و عوف و نایب و رجعی روحی • اتفاق اوزره نیاز ایلد بانش
 ایدوب انار دنی بریز نر نه نسیم • بری قورنار کرم ایت دغدغه بیدان
 عوفی شمه لری قلسون انک دستنه • تا عوفه عجم آسوده اوله غوغا دن
 اوسکداری طلی رستی مناسب کورنور • حصه دار اولسون اوده زایقه شفا
 بزم انار پریشانمک جلدی دخی • ذوقیاب اولسون اوکونه میشتان
 حبشی زاده کوز تسون عوفی شمه لری • حکم دیوانه بزمدر نه چوقوغوغا دن
 جواب وزیرش رایله • سعادت و وزیرش رایله
 حضرت کی دخی کندی صدق طبع که بار لرنه انامل فانه بختکار رایله
 اختراع و ایجاد یور دخی جواب ابدار عالی غنبرین سوادور
 جواب بانش در
 ید نرم استه ذصایب و عوف بیلورم • الاین یکیش ایکن دغدغه وینان
 اوقیوب انکر انار نه تذکیر انمک • ذوقی واری عجببار و طایبی اسیان
 ذوقیاب اولمغه خواهش بیلورم کیمند • اوسکداری کی بر لبره میشتان
 بر بیلد زایقه وصلنه نامل دکل اینر • لطف ایدوب فارغ اوک سزدخی
 بوسورادون • حضرت نایب پیر اهل حقیقتن ایکن • میل ایدرمی صوره

مسئلہ معنادن • جواب نایب افندی در
 اناس نایب بارجمی یک دیکر بار بطریق بسندیده نظم وزیر
 مشارالیه • نایب
 حین انظم دل را که صد و رانمشر • بر وزیر این وزیر آصف صص
 رادون • بویله پاکیزه سخن بویله ادانی رنگین • صادر اولمغه حق
 شاعری بر وادین • لولوی نوز به و کوهرا ایم اوقدر کورددک جیقین
 حق بود که بر دریا دن • کند و امشای وزیران اراسن یوقدر • بهره
 بولش اوقدر ملک معنادن • ایدو لطیفه نکمسان لغتی حضرت حق
 خاطر صاف قبول اتمد کی دعوا دن • نایب کریمه اکا جذب دعا اتمد
 طیب خلقی کرک اعلا و کرک ادنا دن • لیک شمش بود اتمد قیام
 حلب • اتمه رفیع خدایه سنی شهبان • بهله حفظ کتیک
 دعوی معهود دنده کچر ایز ریط قلوب ایتد و کمر سودا دن • طایب
 صورت اولور سه نجب نایب پیر • انفکاکه نیجه ممکن صورک معنادن
 نایب افندی اطفال لسانته اختراع ایلد کی حجت دغوندر
 سبب تحیر و بنقه لطیف و موجب تطیر بنقه ظریف اولد که مدینه
 صبا و نه واقع محمد طفولیت سکنند بعضی کودکان نارسیه
 مجلس عوفانده حاضر اولوب بوسیاق اوزره ببطقال و کشف سیر
 حال ایلدیلر که بر لبر لای طیور تازه بارشایه سنه اطفال ملایک حصار
 اولوب هوای عالم اطلاقده طایر ابرو و اهر بر وجه لخواه پرواز اوزره
 ایکن بر زمانه اصلاص ابای علوی و ارام اتمه سفلی زندان شرع

یوسف خنک بایسته اولوب بر قدرت دخی در زوتمت آلوده نه نگاه کبی
محبس صلب پند نه گرفتار ایکن صوبولند ز فیه خلاص توقع ایته و مکر
طویلند بر زمان دخی رسم مادرانند اولو قتلو قیویه حبس اولوب
اول زندان تنک و نارده سلاسل و اغلال عروق و اعصابله از سر تا قدم
مفلول و مقید اولوب طقوزای دخی کج شبیه محندن خون جگرله سرنه
نوی تنکنای حیرت ایکن ناکاه بر کون کشایش در یکه ابدیت اولوب
زنجیرین سورر دیوانه شکلند محضای وجوده وضع قدم ایردب استقام
سیم حیانه تنفسی دمن سلفدن نجات بولد یغمه که سجده شکر و که
کریه سروره در کار ایکن دایه ناهربان صورت شفقتیده بریقت
قت قاطع چید ایردب بزلایه یارب بونه بخت و از کونه در که
ع دامه دوشتر ز فشدن اذا اولسون مصر اعیله کریده دماز اولوب
سر بستن بزه مهر دای ایردب لیا فقه قاطعه بری حبس ابدی کی فریاد
مزدخی سوراخ کلومده محبس ایلدی نکلده دخی قناعت امتیوب ایکی طاق
و برستونلی کهواره بقیر اولوب بر خانه پرنزلله پادر هواده سیر زاش
ایردب قناعت رستمند ایله بنزاید بر قدرت دخی اول محنده الفت
ایردب عاقبت محنته صبر جوهره شکر دن غیر مخلص اولد یفن بلکه
ضروری کلستان جهالمزده غنجه لبمز لبز کلخند تبسم اولد یفن
کور یکت بند لیمزه کشایش و یروب کاه اغوش نواز شده مکین
وکاه روشن التفانده خوش نشین انکه بشدی اغاذه کریمه شتکایه
شروع ایته یکر کیمینه زندان مهردده قید ایردب حاصل **ع** بویل
در احوال عالم کاه شادی کاه غم طبغجه عرصه عالمه افتان و خیزان

بر زمان دخی سورینوب و یوار لنوب تا انکه دکیکن کیم کوششیده بر جان
رنک محوطی سیمایغی زبان حرف پیمارده قدرت کفایه و لای بر کار
سیمارده قوت رفتارید بر راه یجوج انا رفقه مات تکا لپفدنوی
استعداد ظهوری سبیله پیر و مادر لریمز اول شکر پاره ترویدر اینه دماغ
ایته طلاوت بخش اولد قن سنت سینه خنانه شروع ایردب جواح
خون فشان جلا دیه امان کبی تیغ بر آن در کار ایردب زنجیر بوضعت
ضمننن قایقه قیوم سورا سنه دوشوب آشیانه زنه زنده پرووده
اولان جره شاهینک پشندن اسکوفن الوب حسته فواره وار
دیده سندن خون روان اولوب کیر بیچاره سر برهنه نک بنی مدینه
صکره هنوز حقه لعین و دسدره ابر ایده جکی خون برویه پیشین بونتر
کلوب دست ستم روزگار دین شکایت ایچونه یوزینه کوزینه کور سوب
عاقبت اول کره ریده نک باشنه طوره آصفه کوجه ضبط اولوب
اطرافه طوقنماق ایچونه یخ کونلر عارفانه حذر او زرد سلوک ایردب
لکاصل اول جراحندن دخی خلاص یافته امان اولیجی کره کیرده اول
خانه حشفه عینله غاشیه سی النشی اگر خانه سنه دوشوب بعد الیوم پیشگاه
حیاتمزه قید و شوار و کار شکل قالمدی بونتر صکره ازاده خرم چمنزار
دوخ هوا اولان جعفر احرقر در ریونصور ایرکن ناکاهینه بدرضیر
خواه عاقبت اندیشمز روز بر در ملکیت و معلم طرفین رهگذر انکه
بشکیر اندیشه نیجه هستن و همسار افران و اشار اطفالله هر کونه خور
نوی ایجن جمعیت و سبقداشت صحیفه قرائت اولد قلمی و رفقه
رفته درجات علم و معرفت و حسن خط و کتابت باله اولدنه غیره و نوی

و اخروی تحصیل راس المال سعادت انک نه سعادت در دنیو بقیة شوق
 انکیز و کلاحت حجت اینرا به مقدار کمال معقم فانه اید رک بر کون بزی
 بر نهاد در بیهوشان تعلیم صفت ملازمته تعیین ایلدیر ابدای اوده
 قرب مکینه وصولده اواره اطفال مع شوقه استقبال ایدوب
 دلالت هوسله داخل مکتب اولیو عینیه حلقه مکینان کودک
 نواده به طلقه دام و کبوتر اواره به رده جام ایدیکی متعین اولدی
 امانه چاره **ع** مرغ زیرک جوهر بدم افند تخیل باید نش **ک** لاما کان
 مضی باضی کماله هذه خلاصة اوقاف بودر که بویل هتکام طفولیتد ایر
 مکتب اولوب اوایل بهار حیاتم کنج بیغوله مکینه گذار ایدوب
 معلم قسیمی خود بهر نقد را صلتن ملک خصلت ایسه بینه اطفال نظر نده
 عزیت صفت کورینور حضور به تعلیم اچون فقورده استعاده اطفال
 ضروری اولدی بجهل محنت کشان مکینک معلومید مخصوصا زاتنه
 غضوب و بی رحمت اولوب تعلیم اطفال اولانجه دماغه دخی بیوست
 ویرب غضب محض و آتش سوزنده اولدیفندن غیر بر پدر و مادر ابدای
 تسلیمه تعلیم غایت حصدن بقیه شوقیانه اید مکینه مستحل اولان
 اتی سنگ مکینی بنم لفظ بی مان نفوه امتش بولوب خوابه اندر
 خود مجاز اید حقیقت بیننی زن اید میوب حقیقا کوششاده
 بدغره دندان تیر اتمکله بواطفال بجاره نک احواله بینه بحر اولاجنی
 ظاهر در الف صفت خدمتد قائم دما کیه ایکی عینم اشارتد ملازم
 اولوب دال کبی قائم عبودیتد ضم و عین کیه عینم بر غم ایکن
 بیلام الف کبی ایام غم فلقه دنیو ایتیموب بوته رالم واضطر ایتفه

بر نصف خمیس اید تمام جمعه غایت قلبد اطفال محله اید سوار اولجا
 بز به قاره قاطر نامنه فلقیه سوار اولور **یت** نجیب تغیر کچر ذوق و
 سرور ایاتی اید مدینه نصف نهاری ایدیشور اخشی قولنجه یوم خمیس
 زمان وصلت کبی سریع الزوال دیوم جمعه فکر نشینه ایل تلخ ویر ملال
 کجمله بینه لذت ازا دیدن بحر وینر بزه بو خصوص هر وجه نقدی
 اولنده در اسلا معلومین بو خصوص شرط اعتداله رعایت ایتیموب
 اطفال سلمینه قدر اولندر بو خصوص حقیقتی اوزره کشف اولوب
 استنطاق کیفیت احوال و بر کون دخی ضمیمه جمعه و خمیس قلمی مرتبه
 امکانده میدر دیو علی طریق الرجا سوار اولنده معلومین فضل آیین
 جوابلرین قالب حکمته بودجه اوزره افراغ ایلدیر که استادان سلف
 بورسم قانون حکمت اوزره وضع ایدوب رعایت شرط حتمه تقصیر
 انمشدر انجی کودکان نادیده روزگار شعور لرر اولمفلر دعوی
 بیمعنی به شروع انمشدر در معلومینک بو تقویر لری بینات عقلیه و شوق
 حکمیه اید تمهید اولمفلر التماس اولنده اولان ترکیب عنصر اید شهرار
 ایدوب ویدیر که عناصر درت قسم ایکن تا و باد تراب صورت قبوده
 ثابت اولوب انجی هوا صوت اطلاقده جلوه کراولمفلر تقیم حکمت اوزره
 درنده بر اطلاق واقع اولمفلر بوحاب اوزره هفته ده بر کچو
 کون اطلاق اولمفلر حق صریح بر بلکه ترقیق اولنسه بش کچو کوننه بر کچو
 کون واقع اولمفلر بر نیچ ساعت کند واره زیاده حوت اولمشدر واقعا
 بر توجیه لری قرین حق قبول حضار اولدند صکر معلومین و با اوزره
 دخی تمهید مبانی مدعایه شروع ایلدیر که سیر ارباب حفته تعلیم صناعت

ایدنه اطفال مسلمین انجمنیوم جمعه ده طلاقه نایل اولوب اول دخی کاه
 میسر اولوب کاه اولدینی جمله نک معلومیدر بولرک تعلیمی اشرف
 علوم اولدینی بکدن شرف تلاوت و قراءت برکاتنه انکرده فضل
 نصف کون دخی انکره رعایت اولمشدر اطفال یهود و نصارا دخی انجه
 سبت و بارزده مطلق اولد قلمر بوعنای خوتیه در بوجواب حکمت
 نصاب قرین انضای قبول اولد قنده صکره ستادان دقیقه دانه دونوب
 مقام دعوایه قیام ایدوب دیدیلرکه بواطفالک رجای ضم ابله کلمی
 اولر مانه سلم اولورکه ایام هجری عانا ملازمت مکینه امراد انکره
 ثابت قدم اولر بولر اول کاه تمارض ایدوب دکاه پدر و مادرینه
 ناز ایدوب کاه همایه فزده دکاه اقربا فزده سور و ضیافت اولری
 دکاه خانه فزده لباس یا یقر لردی و یا خود مفر کلش ایدر یا خور
 جوار اقا رنمده فلان که یا سفره کیدر ایدر یا سفره کلش ایدری
 دیوبر بهانه جوئی ایلر فرار ایدوب کاه بی بهانه چند روز مسرت فرار
 اند کلر نه ماعد کاه نوروز کاه قدر و برات دکاه مقدمات اییاد
 بهانه لرله نیجه کونلر دخی ازاد اولوب کاه آلایلر نماش سه دکاه حجاج
 تشییع لر دکاه ضم کلام الله ایدنه اطفال تقریبیلر ازاد اولری دخی
 نیجه خاطر کلر بهانه طفلانه ایلر فرار ایلر بالجه صاب اولور سه هفته
 ایکی یا اوج کون انجمنی مکینه ملازمت انش اولور لر انکر بالجه بوبهانه
 لرین رف ایدوب ستم آهفته ده تمام مکینه مد ایدیم اولور لر سه
 بز دخی اول نصف خیمه ضم ایدیم دید کلر نه اطفال ستر نه دیر ستر بوقوله
 راجعیمیز جو استنطاق اولند قده واقعا خواه افندیلرک تقریر لری

واقع مطابق و اولدن جاری اوله کلن رسم قدیم کند ولرک ذوقنه
 موافق اولدینن کلیوب از طبعه جوق زبان ایدر جکله نه جازم
 اولمغله نه عادت سابقه اوزره هفتده بریکجی کونه قور و بریک
 اوزره خواه افندیلر بصالحیه بیک جان و دل ایلر طوعا راضی اولمایلر
 حدود قدیم تجاوز اولنماق وجهی اوزره مصالحیه حکم برله مایع بطلب
 کتب اولندی

نایب افندی ثابت افندی به تحریر ایلدی مکتوبه

سعادتلو فضیلتلر برادر اغوا کرم افندی حضرت ایدیه بارکات مکتوبه
 اولمغله سزا تحفه خوشقماش دعا ایلر اسی منمنه عرضده داشته دلیستی
 بودر که هر هر ولسا نیله سلامت و وصول نسیم چمن خاطر اولوب
 دعا کر تکریر اولمشدر بوطاله نقد وقت غره او قانمز اول بعض شاعر
 نمیق رسا ن جلی افندی او غلر استحقاب اعلیله انشاء الله منظور کر
 اولد قده استخوان بیوریلان زیننه تتیقله شریف بیوریلر ایلر
 ممنون اولور زرقینا خیر باد نام بر حکایه بک نظم اولنوب طرفه ستایش
 ارسل ایتدیکم زده جنا بکزدن و بعض اجابیدن تقریظ نیازی مایع
 افندی به تحریر اولمشیدی جناب سعادتکر اول ایا مده انشای آیه
 بولند بفکر دن ناشی غالباً ریسنه نظر انوریکز اولدی سنیه مرقوم
 دخی جلی افندی ده وارد در منظور نظر قاشش پسندیکز اولد قده بر
 تقریظله شریفیکز نیازی ایدیم ابو انجمنینده کزه واسطه شوق و شفقت
 و عین شرف اولمق ملحوظدر اکثر قصاید و اشعاریکزی ضلیل اغا بوطرفه
 کنور مکتبه هر کون مطالعه سیرلر تنویر جسم اعتبار ایدوب صدای تحسینی

اسمانه پیوسته ایتمده یوز بنم سقا و تلواندم تحریر و رقباره خلوص
 عقیقه و قیام فایده سی بیت طبعی و بدین سر زده اولمین حضوره
 در حق و توفیق **بیت** آید افتاده کی ز طبعیت من کم نیستور
 کر بعد مکتب شکرت شوم بوریاشوم جبر کسور داعیه خلقت نیست
 کر بعد مکتب شکرت شوم بوریاشوم تکمیل نقص لازمه همت
 نیست کر بعد مکتب کرد شوم بوریاشوم چشم کشاده لازمه
 اهل همت است کر بعد مکتب جبه شوم بورتیا شوم
 جبه رنگ عشق رنگ در کوه اعتبار
 کر بعد مکتب مرده شوم کهر یا شوم

تمت
 ۴۴

قد تمت هذه النسخة الشريفة عن يد الفقير
 المعروف بالخير والتقصير عبد الرحيم بن
 الشيخ صالح غفر الله له
 ولو الله الرحمن الرحيم
 في غرة شهر رجب
 سنة ۱۲۸۵
 و ماه
 والف
 م

لطائف حد بیقیس مبدع فیض صبح بهار گلشن وجود که در کوه طایفه کبریا آسمانک بنخ خورشید
 کلر نه نور افشانی امار قدرت کامله مندرج بر زمین قریح خورشید و شایسته کبریا و کبریا صانع روح و بدور
 نامه آباد بیسط غیر از فرجه افزایه الحق و احوال که بهار شوم عهد زمین اوزن حرارت بحر عالم رب حکمت باطن
 پرستم گلشن آرد در تحت سینه و لاله شام موحد نه موصیه عنایت ابدی شمع از حمار خطه صدق و حدایتی
 سر سبز ایقانه و غنچه نور زینار عالیبا و فانی نقیضت شیوه انجمن اصل ابد شکفته و خندان ابد و وضیف
 محبت نامحدود و نظایف دعوات نامحدود که نفخه اغایه بودی دماغ کزوبین ملاء اعلا یستون افروز و مشام
 برورد قدسیانه عطر اندوز اوله نثار روضه گلشن زیور و جود و معجزه قیام قوسین اوادنی و فرید صدر نگین
 زهره اصفیا محمد مصطفی صلوات الله علیه وسلم و علی الله داعیه جبه تریه اوله نیکه هر سعه زین عرصه عوالمک حرارت
 فروز تریه بی ظلال لوار عالم فاس شفقند را حیدر قلوب امت موصیه به بر موبه سرور ابد بعد خدا
 وقت رسول یادت حد دعا اولور مقبول اغنی به ستمدار صاحبقران جاکر یادت خورشید افروز و هفت
 انجمن بخشنه نایب به هم بر از نه لوار کسورستان مالک قائل خط کمانه اورنگ آراش خلقت عظمی و عظام
 شمار دولت کبر و واضع و اسم العدل فی العالم عادم قواعد وجود بانسیف و القلم فاعرف الفرة و کبریا
 فاعرف الفرة و کبریا ساعی معانی کسب سانه رونق افروز ابریکه عثمان سلیمان شکره بهرام صوت
 خیر السلطنه و التمام السلطان بن السلطان السلطان الفاضل الخادم به سلطان محمد خان به سلطان ابرهیم خان
 لازار اعلام سلطنته رفوعة علی السماء و ظلال خلافة مبسوطة علی بسط الغیر حضرت نیک و کز دایره خلافت اولان
 ذات حق و کفایت کسب بر عدالت شمار لرزه بایار و گلشن سراسر سعادت است نازنه فکری اجداد و قار
 ایکن حیات و باب سریه صاحبقران و دودیه اقبال جاودانی ایه نهادند دعوان و عجم وارد دهن و عجمان
 و آرزو بایام و نیکو باد و بقاء ضبط و شیخ و بار آورق و فساد اولان درخت وجود کسب الود و اضر
 فوت بازو شکر تریه قلع و تدبیر بدو مرید اردلان جاکر یار کزین و نور کلام دین خوشنود و قد یاور اولمین
 نایب الکر و عون نیر دانی ایه نو بنو نیک فتوحات جلیله ظهوریه کما بخش اولاب هر سهر نصف در عیت برور
 و آفتاب آسمان عدالت و سرور اولان ذات عبادت خلافت عنوان کسب بابت امن و امان و موجب رفاهیت
 سلطانان در صیانت جاودانی ایه متمتع و فرام فرما و سابه سعادت شام عنایت و کسب عباد اوزنه عدد و عالمها
 اوله آمین بر محبت اکر سلین و صدر شمس بلند همت و زبر عالیقدر صاحب مکتب و امام شمس بار کردون
 و قار کرم برور عدالت شمار که امار دولت ابد صفات احوال لرزه واضع و ملکات سعادت بخشنه کسب و خست
 اقبال لرزه لایقدر صاحب انجمنه و الحمد والاجلال ابرهیم یاس صانه الله کما فانی حضرت نیک و طایع بالکثره
 دایا کسب سیر و او شانه ذم اصم و غنچه خورشید ناخن نسیم کرم بدین و خندان برور بدیه پیوسته فخر زین
 محققه دهان نیکه سیران دعار و دام عدد و دستر اولمین کسب نفع و کشتن بر نفع و نظر لور بر هم کلن رقاب
 مسکین و اعدا و دین اولاب صلوات الله وجود سر فیض به صدر سعادت نرزه دایم و قایل ایه آمین یا حجب السابین

اما بعد بروردن کار عالم کشتن سوار سوختن و نوبت مندرجین ایجا را اولی بخت و ازها مستعد جهنم افروز که
 لطف حق تعالی بهار چشمتان انار و در سحاح شهاب در بار ضعیف صواب فیض ساطع حیانت نشسته باب
 اول و آن من می بیند که آیه شریفه نظم کرم مصداق کمال حال آیه تو نم سازیم و تجدد اولور را پس چشم
 جبهه تیرت صمد ضعیف خدا اینم نظر ساجد خبر من عبادت سجد سینه مفهومی مظهر اولور را پس بلا بعد ایچدر نشو
 و غان بوی بر بعد من کشتن زخرد و پستی لطف و رضا کرم نکات بدیر طراوت اولور قدر با
 لاله بیلر قلم بر داز شکر ندان و تو نم ساز محمد سبحانی اولور غرض صوری غنچه شکفته دل نیم فیض بهار اینم چشم
 و کلکت لاله زار آیه رطب القلم و معترن اولور می الحق بوحالت دلر سند صاحب طبع سلیم و ذوق مستقیم
 شادندم اولور غرض بخت غایبانه که لاله فرخ آور عالیقدر ک قدر و قدر نشین و شام عالیت شاد سائر
 ازها به جهنم عدیده و استیفات پسندیده سزا آیه بیام اینم در از جمله لفظ لاله جواهر و لفظ
 جلال آیه فیراج نظر عبرت آیه سنجیده اولور محو زخم اولور بنیاد علی ذلک بازار اعتبار
 ربه تصور بیکر عالم و علاوه محبت قلب اظهار فائده عالیقدر غرض کلکت اولور لاله ذوق فیکر افروز
 وافر و حق رغبت افرا در فیکر ترا و لفظه اوصاف حمیده و اصناف پسندیده سر و جبهه بی انانام مدوح و جبهه
 آرام و نه سبب آیه امتیاز اوزرینه متفوق و ولوله آرا اولوب سر لاله اعتبار باعث امتیاز
 اولور کمالان و تریب منته لازم کلکت حالان ایجا باب اوزرینه بحر و احوال زرین حق بر خاتمه تقریر اینک
 خانه بین آیه ثبت حرمه احکام اولور در حرمه بود بعد بیفقدار شیخ محمد لاله زار مدت مدید
 و بعد بعد دین بر و شکوفه برور کک و ادب منته دانه دار وجود خاک الودعی کرم و سر دروز کار آیه
 سرشته و چشم عبرت آیه بر من نشینم ضعیف بار اولور لاله فرخ افرا کک مطاله و تجربه سید ضامن
 اخته اتمین اولور بیکر عالم آرا کک نشین زیر بخش ص و ترکیب حاشیه خاطر منتقش اولور
 اینک سبیل زینت بوسه صف جمال استنم عالیه خروانه شرفیاب و سر شکوفه برودان القابیده
 نشین شریف عالیت آیه من الاقدام کامیاب اولوب لاله کک جواهر معانی ضعیف سبب بوسه شیشه
 سلک بحر و فیراج الازهار جبهه شیشه و شیراز بند تقریر ایچدم و باقیه التوفیق

و قلم

متن دست نوشته در این بخش به دلیل کمال تاریکی و عدم وضوح قابل تشخیص نیست.

ویرا از افلاک بیگارینه

استغفر الله بکلیه
عبد الواقف

[illegible]

سعد ارفا و نه

عبد طاهر القضاة

رعایتی بخشید
 حشمت و عبادت بر سر
 عبادت و عبادت بر سر
 عبادت و عبادت بر سر

